

إصدارات أنصار الإمام المهدي (ع)

انتشارات انصار امام مهدي (ع)

# الجواب المنير عبر الأثير

(الجزء السادس)

پاسخهای روشنگر بر بستر امواج

(جلد ششم)

سید احمد الحسن

تحقیق اللجنة العلمية لأنصار الإمام المهدي (ع)  
گردآوری و تنظیم: هیأت علمی انصار امام مهدي (ع)

نام کتاب	پاسخ‌های روشنگر بر بستر امواج (جلد ۶)
نویسنده	احمد الحسن (ع)
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (ع)
نوبت انتشار عربی	اول
تاریخ انتشار عربی	۱۴۳۳ق - ۲۰۱۲م
نوبت انتشار ترجمه	دوم
تاریخ انتشار ترجمه	۱۳۹۴
کد کتاب	۱۲۵/۲
ویرایش ترجمه	دوم
دوزبانه‌سازی	امیر فهیمی انصاری

لمعرفة المزيد حول دعوة السيد أحمد الحسن (ع) يمكنكم الدخول إلى الموقع التالي:

[www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org)

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک سید احمد الحسن (ع) به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.

[www.almahdyoon.co](http://www.almahdyoon.co)

[www.almahdyoon.co/ir](http://www.almahdyoon.co/ir)

## فهرست

- پیش‌گفتار..... ۸
- بخش اول: پاسخ‌های سید احمد الحسن علیه‌السلام..... ۱۵
- محور اول: پرسش‌های اعتقادی..... ۱۵
- پرسش ۵۲۲: معنی (ص) در قرآن و قرنه و درخت حضرت آدم(ع)..... ۱۵
- پرسش ۵۲۳: آیا سید احمد الحسن می‌داند کجا و چه وقت می‌میرد؟..... ۲۱
- پرسش ۵۲۴: خداوند چگونه بر الوهیت خودش شهادت می‌دهد؟..... ۲۳
- پرسش ۵۲۵: معنی (فروش سلاح حرام شد) در روایت یمانی..... ۲۶
- پرسش ۵۲۶: پسر نوح(ع) وقتی پدرش او را ندا داد، کجا بود؟..... ۲۹
- پرسش ۵۲۷: معنی لهُو الحدیث در آیه چیست؟ و آیا لقمان پیامبر بود؟..... ۳۲
- پرسش ۵۲۸: ترتیب آیات تطهیر چگونه است و معنای اهل بیت در (رَحِمْتُ اللّٰهَ .. أَهْلَ الْبَيْتِ)..... ۴۱
- پرسش ۵۲۹: تفسیر حروف مقطعه در قرآن چیست؟..... ۴۵
- پرسش ۵۳۰: آیا در آیه (ثَانِي اثْنَيْنِ .... إِنَّ اللّٰهَ مَعَنَا) ستایشی برا همراه پیامبر(ص) است..... ۵۰
- پرسش ۵۳۱: معنای یوم الفصل در ( وَمَا أَذْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ )..... ۵۶
- پرسش ۵۳۲: تفسیر (إِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ ...)..... ۶۰
- پرسش ۵۳۳: مصداق آیه (عَبَسَ وَتَوَلَّى) کیست؟..... ۶۲
- پرسش ۵۳۴: چگونه خدا عزوجل پیامبر(ص) را از مسخره کنندگان کفایت می‌کند؟..... ۶۵
- پرسش ۵۳۵: تفسیر آیه (لَقَدْ رَضِيَ اللّٰهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ)..... ۶۷
- پرسش ۵۳۶: آیا صحت دارد که فقط چهار زن به کمال رسیدند؟..... ۷۴
- پرسش ۵۳۷: در مورد وصی حضرت سلمان(أصف) و علم ایشان و جابجا کردن قصر..... ۷۷
- پرسش ۵۳۸: آیا برای خدای سبحان باطنی هست؟..... ۸۶
- محور دوم: پرسش‌های فقهی..... ۹۰
- پرسش ۵۳۹: حد و حدود روابط جنسی میان زن و شهر..... ۹۰
- پرسش ۵۴۰: حکم عمل به قوانین کشورها..... ۹۱
- پرسش ۵۴۱: تعهدات زوجین..... ۹۴
- پرسش ۵۴۲: آیا ازدواج موقت از طریق اینترنت درست است؟..... ۹۵
- پرسش ۵۴۳: چند سوال در مورد شک، خمس، صلّه رحم و اجتهاد..... ۹۷
- پرسش ۵۴۴: چند سوال در مورد احکام تعامل با حکومت غیر شرعی..... ۱۰۰

- پرسش ۵۴۵: سوالی در مورد کثیر السفر ..... ۱۰۴
- پرسش ۵۴۶: سوالاتی در مورد برخی احکام حج ..... ۱۰۶
- پرسش ۵۴۷: با اجبار شرکت در انتخابات ..... ۱۰۹
- پرسش ۵۴۸: احکام نگاه کردن به تصاویر در تلویزیون و اینترنت ..... ۱۱۰
- پرسش ۵۴۹: احکام قرض و مطالبه آن ..... ۱۱۲
- پرسش ۵۵۰: حکم استخاره گرفتن برای تشخیص حلال بودن گوشت ..... ۱۱۴
- پرسش ۵۵۱: سوال در مورد قرض و هدیه ..... ۱۱۶
- پرسش ۵۵۲: آیا مشروب(خمر) قبل از اسلام حلال بود؟ ..... ۱۱۷
- پرسش ۵۵۳: چند سوال از تفسیر قرآن و روابط زناشویی ..... ۱۱۹
- پرسش ۵۵۴: سکونت در خانه دولتی ..... ۱۲۸
- پرسش ۵۵۵: حکم حج برای کسی که خمس بر اموالش واجب است ..... ۱۳۰
- پرسش ۵۵۶: حکم مشاهده تصاویر بی حجاب زنی که با حجاب شده است؟ ..... ۱۳۱
- پرسش ۵۵۷: بهترین زمان مناسب برای نماز ..... ۱۳۲
- پرسش ۵۵۸: سوالی در روابط جنسی زوجین ..... ۱۳۳
- پرسش ۵۵۹: سکونت داشتن در زمین شبهه ..... ۱۳۶
- پرسش ۵۶۰: پرداخت وام‌های أخذ شده در دوران نظام سابق ..... ۱۳۷
- پرسش ۵۶۱: سوالاتی در مورد حدود اختیارات زن در مقابل پدر و همسر ..... ۱۳۹
- پرسش ۵۶۲: حکم درخواست هزینه شیردهی به نوزاد و خدمت به شوهر ، آرایش و خالکوبی ..... ۱۴۲
- پرسش ۵۶۳: اعمال عبادی کسی که غسل توبه نکرده باشد ..... ۱۴۶
- پرسش ۵۶۴: حکم پرداخت خمس برای غیر معصوم و تعامل با اهل کتاب ..... ۱۴۷
- محور سوم: مسائل متفرقه** ..... ۱۵۰
- پرسش ۵۶۵: چه رازی در پس حادثه‌ای که برای من اتفاق افتاد؟ ..... ۱۵۰
- پرسش ۵۶۶: درخواست دعا برای تقفه در دین ..... ۱۵۲
- پرسش ۵۶۷: اعلان بیعت به سید احمد الحسن(ع) ..... ۱۵۴
- پرسش ۵۶۸: درخواست دعا ..... ۱۵۶
- پرسش ۵۶۹: نامه به سید احمد الحسن(ع) اعلام یاری و یآوری ..... ۱۶۰
- پرسش ۵۷۰: درخواست دعا برای مادرش ..... ۱۶۱
- پرسش ۵۷۱: دعا برای رزق و روزی ..... ۱۶۳

- ۱۶۴ ..... پرسش ۵۷۲: درخواست دعا برای ازدواج
- ۱۶۵ ..... پرسش ۵۷۳: حجاب (حرز) برای شفا یافتن
- ۱۶۷ ..... پرسش ۵۷۴: بهترین راه برای دور ماندن از شیطان و بهبودی سردرد
- ۱۶۸ ..... پرسش ۵۷۵: چند سوال در مورد تقیه و رؤیای یوحنا قرض ربوی
- ۱۷۱ ..... پرسش ۵۷۶: نامه‌ای با محتوایی رؤیا
- ۱۷۳ ..... پرسش ۵۷۷: نامه‌ای از یکی از انصار
- ۱۷۶ ..... پرسش ۵۷۸: خواندن سوره فاتحه و هدای آن به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)
- ۱۷۸ ..... پرسش ۵۷۹: دلیل خمیازه کشیدن هنگام دعا و ذکر گفتن
- ۱۷۹ ..... پرسش ۵۸۰: نیازدارم که اندوهم کم شود
- ۱۸۲ ..... پرسش ۵۸۲: درخواست دعا برای شفا یافتن
- ۱۸۴ ..... پرسش ۵۸۳: آیا مسجدی که در آن خطبه می‌خواندم را ترک کنم؟
- ۱۸۶ ..... پرسش ۵۸۴: راه اطمینان قلبی به دعوت شما
- ۱۸۸ ..... پرسش ۵۸۵: قبله حقیقی
- ۱۹۰ ..... پرسش ۵۸۶: سوالی در مورد نذر
- ۱۹۳ ..... پرسش ۵۸۷: شکایت زنی از رفتار همسرش
- ۱۹۵ ..... پرسش ۵۸۸: درخواست نصیحت برای ازدواج
- ۱۹۷ ..... پرسش ۵۸۹: درخواست دعا برای گشایش روزی و شفا یافتن
- ۱۹۹ ..... پرسش ۵۹۰: درخواست دعا برای درمان حدیث نفس و سخن گفتن سریع
- ۲۰۱ ..... پرسش ۵۹۱: درخواست آیاتی از قرآن برای افزایش روزی
- ۲۰۲ ..... پرسش ۵۹۲: چند سوال در مورد شب غدر
- ۲۰۵ ..... پرسش ۵۹۳: سوال در مورد جن و تاثیر بر انسان
- ۲۰۷ ..... پرسش ۵۹۴: درخواست دعا برای شفا یافتن
- ۲۰۹ ..... پرسش ۵۹۵: درخواست دعا برای شناخت حق
- ۲۱۰ ..... پرسش ۵۹۶: جائز است که نماز اعرابی را بخوانم تا از شما بشوم؟
- ۲۱۲ ..... پرسش ۵۹۷: چند سوال برای آزمودن علم یمانی آل محمد (ع)
- ۲۱۵ ..... **محور چهارم: تعبیر خواب**
- ۲۱۵ ..... پرسش ۵۹۸: رؤیا (خواب دیدن) زیارت نجف و خریدن پارچه
- ۲۱۷ ..... پرسش ۵۹۹: رؤیای مشاهده برخی از علما بعد از مردن آنها

- پرسش ۶۰۰: رؤیای مباحثه با مردم در مورد دعوت مبارک ..... ۲۲۱
- پرسش ۶۰۱: رؤیای اینکه پدرم عادل امام است. .... ۲۲۳
- پرسش ۶۰۲: رؤیای علت آمدن عذاب، تکذیب فرستاده امام مهدی(ع) است. .... ۲۲۶
- پرسش ۶۰۳: رؤیای شخصی که خود را در سلف دانشگاه می‌بیند..... ۲۲۸
- پرسش ۶۰۴: رؤیای کسی که مُرده‌ای که مُرده نیست و پنهانی که پنهان نیست. .... ۲۳۰
- پرسش ۶۰۵: رؤیای شنیدن صدایی که ندا می‌دهد (یا ایها المزمّل) ..... ۲۳۲
- پرسش ۶۰۶: رؤیای گذرگاهی که با کابل‌های برق روشن می‌شود. .... ۲۳۴
- پرسش ۶۰۷: رؤیای نماز جماعت و قبله سمت شرق بود..... ۲۳۶
- پرسش ۶۰۸: رؤیای دیوار اتاقی دارای دو روزنه که نور از آن خارج می‌شود. .... ۲۳۹
- پرسش ۶۰۹: رؤیای مسجد رسول الله(ص) ..... ۲۴۱
- پرسش ۶۱۰: رؤیای نشستن سید(ع) بر روی تپه شنی ..... ۲۴۴
- پرسش ۶۱۱: رؤیای نوشتن دعای صباح ..... ۲۴۶
- پرسش ۶۱۲: رؤیای وارد شدن به بارگاه امام حسین(ع) ..... ۲۴۸
- پرسش ۶۱۳: رؤیای خوابیدن زیر درخت ..... ۲۵۱
- پرسش ۶۱۴: رؤیای گاوها و گوسفندهایی سربریده و جاری شدن خون آنها مانند رودها ..... ۲۵۵
- پرسش ۶۱۵: رؤیای سفر به همراه سید(ع) به شهری با پای پیاده ..... ۲۵۸
- پرسش ۶۱۶: رؤیای شخصی خود را در مسجد یهود ببیند. .... ۲۶۱
- پرسش ۶۱۷: رؤیای شخصی که خود را در خارج از شهر خود قرآن می‌خواند. .... ۲۶۴
- پرسش ۶۱۸: رؤیای دو ازدهای چسبیده ..... ۲۶۶
- پرسش ۶۱۹: رؤیای کسی که به من می‌گوید: (از خوابت بیدار شو)..... ۲۶۷
- پرسش ۶۲۰: رؤیای کسی که در آب شنا می‌کند..... ۲۶۹
- پرسش ۶۲۱: رؤیای مکان تاریکی که ناگهان روشن می‌شود. .... ۲۷۰
- پرسش ۶۲۲: رؤیای سید احمدالحسن(ع) که پرچمی بلند می‌کرده است. .... ۲۷۱
- پرسش ۶۲۳: رؤیای ابلیس که دست خود را در سینه شخصی فرو می‌کند. .... ۲۷۳
- پرسش ۶۲۴: رؤیای شخصی که بیمار است. .... ۲۷۵
- پرسش ۶۲۵: رؤیای شخصی که عمامه‌اش را روی سرش می‌گذارد..... ۲۷۷
- پرسش ۶۲۶: رؤیای شخصی که پدرش و انصار روی سفره غذا سید(ع) می‌نشینند. .... ۲۸۰
- پرسش ۶۲۷: رؤیای استمتاع از یک بانو..... ۲۸۳

- پرسش ۶۲۸: رؤیایی که تکرار می‌شد؛ شخصی که می‌گفت: من احمد الحسن هستم ..... ۲۸۴
- پرسش ۶۲۹: رؤیای بالارفتن از نردبان چوبی..... ۲۸۵
- پرسش ۶۳۰: رؤیای چند عدد تخم مرغ..... ۲۸۸
- پرسش ۶۳۱: رؤیای تشعش نور از مسجد..... ۲۹۰
- پرسش ۶۳۲: رؤیای نماز خواندن با گروهی از مردم..... ۲۹۲
- پرسش ۶۳۳: رؤیای امام علی(ع) که بر سر ضربه خورده..... ۲۹۴
- پرسش ۶۳۴: رؤیای گروهی از مردم که سیاهپوش هستند..... ۲۹۵
- پرسش ۶۳۵: رؤیای همراه شدن با سید احمدالحسن(ع)..... ۲۹۹
- پرسش ۶۳۶: رؤیای سفره امام حسین(ع)..... ۳۰۲
- پرسش ۶۳۷: رؤیای زیارت اهل بیت(ع) و بلیت سفر و کعبه..... ۳۰۴
- پرسش ۶۳۸: رؤیای پیامبرانی در کویت..... ۳۰۶
- بخش دوم: پاسخ‌های انصار امام مهدی(ع)..... ۳۰۸**
- پرسش ۶۳۹: فرج چه هنگام است؟..... ۳۰۸
- پرسش ۶۴۰: بنا بر چه دلیلی شما یمانی هستید؟..... ۳۱۰
- پرسش ۶۴۱: آیا پیامبر(ص) غیب می‌داند؟..... ۳۱۹
- پرسش ۶۴۲: نظر شما در مورد صحابه و ازدواج موقت و عزای امام حسین(ع) چیست؟..... ۳۲۱
- پرسش ۶۴۳: ولایت خاصی ائمه(ع) در قرآن..... ۳۲۸
- پرسش ۶۴۴: چند سوال در مورد حضرت زهرا(س) و دشمنانش..... ۳۳۲
- پرسش ۶۴۵: سوالی در مورد آیه الکرسی و دلیل دشنام به عائشه..... ۳۳۶
- پرسش ۶۴۶: احمد الحسن کیست؟..... ۳۴۲
- پرسش ۶۴۷: سوالی در مورد زرارۀ(رحمه الله)..... ۳۵۲
- پرسش ۶۴۸: سوالی در مورد مهدیین(ع)..... ۳۶۰

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً

لعل من النافع لكل من يطلع على هذه المجموعة الجديدة من أجوبة الإمام أحمد الحسن (ع) أن يلتفت إلى السؤال والغاية المرجوة منه، إذ ينبغي أن يكون السؤال بدافع رفع جهل والحصول على معرفة يستطيع المرء ترجمتها إلى عمل يقربه من الله سبحانه، ويبعده عن سبيل الشيطان (لعنه الله)، بل ويكون له حصناً يؤمنه من وساوسه.

هر کسی که این مجموعه‌ی جدید از پاسخ‌های سید احمد الحسن (ع) را مطالعه می‌کند، شاید برایش مفید باشد که به پرسش، و هدف نهایی یا غایتی که از آن انتظار می‌رود، توجه نماید؛ چرا که شایسته است پرسش با این انگیزه پرسیده شود که جهلی را برطرف سازد و آدمی را به معرفتی برساند که بتواند آن را به عملی که او را به خدای سبحان نزدیک و از راه شیطان (لعنت الله) دور بدارد، تبدیل نماید.

ذاك أنّ أهل هذا الزمان اعتادوا على أن يسألوا طلباً للمعلومة، وجعلوا أنفسهم تنتظم على وفق منظومة معرفية وضعية قائمة على تقسيم المعرفة إلى نظرية وعملية، وكأنّ هذا التقسيم المفتعل يوحى بأنّ النظري له خاتمة معرفية تختلف عن خاتمة المعرفة العملية، ومن ثم ازدادت شقة التوهم عندما صار النظري يتعلق بالقضايا الفكرية والإنسانية من لغة وأدب ومنطق وغيرها من العلوم التي يصنفها الناس بالنظرية، وصار العملي يتعلق في معالجة المواد والخامات والصناعات وما يجري مجراها.

اهل این زمان عادت کرده‌اند که برای کسب اطلاعات، سؤال بپرسند و آنها خود، خویشان را بر اساس نوعی سیستم شناختی که معرفت را به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌کند، تنظیم می‌نمایند و گویی این تقسیم‌بندی بی‌پایه و ساختگی چنین می‌نماید که بخش نظری را منزلتی معرفتی است که با جایگاه شناخت عملی متفاوت است. از این رو، این توهم بیشتر ریشه دوانید؛ به این صورت که بخش نظری، به مسائل فکری و انسانی اعم از واژه‌شناسی، ادبیات، منطق و دیگر علوم که انسان‌ها با نظریه‌پردازی تصنیف می‌کنند، تعلق یافت و بخش عملی هم به نحوه‌ی عملکرد عناصر و مواد اولیه و صنایع و از این قبیل موارد، می‌پردازد.



لا شك في أن هذا التصنيف المفتعل في ساحة الواقع لا قيمة له ولا اعتبار، فلا قيمة لعلم أو معرفة لفظية لا يتعدى أثرها إلى الواقع البشري سواء الأخرى أو الدنيوي، فاللفظ إذا لم تكن له ثمرة عملية في واقع الناس فلا نفع فيه، فالناس دوماً تواجه بعضها البعض في كل لحظة تعيشها بهذه الحقيقة: لا أريد كلاماً فقط، بل أريد فعلاً!!

ترديدی نیست که این دسته‌بندی جعلی، در عرصه‌ی عمل هیچ ارزش و اعتباری ندارد. علم یا معرفت لفظی که اندک اثری بر وضعیت اخروی یا دنیوی انسان نداشته باشد، بی‌بها است. واژه و عبارت اگر در واقعیت مردم، ثمره‌ی عملی به بار نیآورد، هیچ سودی نخواهد داشت. مردم به‌طور پیوسته و در هر لحظه از زندگی خود، با اطرافیان خویش چنین مراوده دارند که: من فقط حرف نمی‌خواهم، عمل می‌خواهم!!

نعم، لا قيمة للألفاظ إن لم تكن قادرة على صياغة الحياة دنيوية كانت أو أخروية صياغة عملية يستشعر من خلالها الإنسان أنه يتقدم خطوة للأمام، فالإنسان يعمل في الحياة ويتحرك على حسب معرفته، فيكون عمله كاشفاً لحقيقة معرفته، ولا يكون الميزان في تقييمه هو كم معلوماته، فما قيمة كم معلومات هائل لا يترجم صاحبه في واقعه العملي شيئاً أو ربما يترجم منه النزر اليسير، فيكون بذلك صاحب الكم المعلوماتي عالماً ولكنه ليس عاملاً، ومن ثم يكون أمره عجباً!!

آری، واژگان ارزش و بهایی ندارد اگر نتواند حیات دنیوی یا اخروی را به گونه‌ای قاعده‌مند سازد که انسان از طریق آن احساس نماید که به‌طور عملی جلو گام برمی‌دارد؛ چرا که آدمی در زندگی براساس معرفت و شناختی که دارد به جنبش و تکاپو درمی‌آید، و عمل او، آشکار کننده‌ی حقیقت معرفت او است؛ بر همین اساس معیار ارزش‌گذاری او مقدار معلوماتش نیست. معلومات فراوان و عظیمی که صاحبش، آن را در میدان عملی خود، منعکس نکند و یا چه بسا بسیار نمود کمی داشته باشد، چه ارزشی دارد؟! و به این صورت صاحب این همه معلومات، عالم است ولی عامل نیست و از این رو، حال و روزش بسیار عجیب است!!

فکم هو عجیب أن يكون المرء عالماً ولا ينتفع بعلمه، بل يكون علمه عليه وبالاً وحجة تطوقه، والعلم الذي أعنيه هنا هو العلم الذي يكون سبباً لسعادة الإنسان دنيا و آخرة، ويقرب العبد من ربه سبحانه، قال تعالى: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ﴾<sup>(۱)</sup>.

چه بسیار شگفت‌انگیز است که انسان عالم باشد ولی از علمش بهره‌ای نبرد و یا حتی علم او وبال و حجتی بر گردنش باشد؛ علمی که در اینجا مورد نظر من است، همان علمی است که سعادت انسان در دنیا و آخرت را به دنبال دارد و نزدیکی بنده به پروردگار سبحانش را موجب می‌گردد. خداوند متعال می‌فرماید: (هر که خواهان عزت است (بداند که) عزت، همگی از آن خدا است. سخنان پاک، به سوی او بالا می‌رود و کردار نیک است که آن را بالا می‌برد و برای آنان که از روی مکر به تبهکاری می‌پردازند عذابی است سخت و مکرشان نیز از میان می‌رود)<sup>(۲)</sup>.

فلننتبه ونحن نتوجه بالسؤال إلى قائم آل محمد (ع) إن قبل سؤالنا تتقدم أنفسنا؛ لأنها هي الحامل للسؤال، وهي من تضع بين يديه السؤال، وهو ينظر إليها قبل أن ينظر في السؤال فتتكشف له: هل هي تحمل السؤال لترفع جهلاً وتثبت عقلاً؟؟ هل هذه النفس الحاملة للسؤال تريد أن تستزيد كما معلوماتياً حسب، فيكون همها العلم وليس العمل به؟؟!!

لذا باید به هوش باشیم و قبل از آن که از قائم آل محمد (ع) سؤال کنیم، پرسش را به نفس خویش عرضه داریم، چرا که این نفس، دربرگیرنده‌ی سؤال است و او است که سؤال را در پیشگاه ایشان قرار می‌دهد؛ ایشان (ع) قبل از آن که در سؤال بنگرد، به آن نفس نگاه می‌اندازد، و برایش روشن می‌گردد که: آیا سوال نفس پرسش‌گر برای برطرف‌سازی جهل و به بار نشاندن عقل است یا خیر؟ آیا این نفس دربرگیرنده‌ی پرسش، فقط به دنبال آن است که حجم اطلاعات خود را افزایش دهد، و هم و غمش علم است و نه عمل به آن؟!!!

وكم هو رحيم قائم آل محمد (ع) عندما نراه يتفرق بنا نحن السائلين غاية التفرق، ويتحمل منا سوء الأدب في السؤال تارة، وتارة يتحمل جهلنا في صياغة السؤال، فينبهنا بالأولى بشفقة عالية، ويتلطف بنا في الثانية عندما يعدل صيغة السؤال، أو يطلب من السائل أن يحدد مراده من السؤال، وفي كل ذلك هو يؤدبنا ويعلمنا ويهذبنا؛ لأن الغاية أعظم من إجابة السؤال، فالغاية هي

۱- فاطر: ۱۰.

۲- فاطر: ۱۰.

الوصول إلى الله سبحانه، ولا يكون هذا الوصول وصولاً حقيقياً ما لم ينتبه المرء أن عليه أن يتأدب بأدب الله سبحانه، وعلامة هذا الأدب تستبين بتعامله مع حجة الله سبحانه على الخلق.

چه رثوف و مهربان است قائم آل محمد(ع)!!؛ وقتی می بینیم ایشان با ما سؤال کنندگان نهایت مدارا و نرمی را پیشه می کند، و گاهی بی ادبی ما در پرسش و گاهی اوقات جهل ما در چند و چون پرسیدن را تحمل می فرماید و با عطوفتی بزرگوارانه، اولی را به ما گوشزد می کند و زمانی که شیوهی سؤال پرسیدن را تصحیح می نماید یا از سؤال کننده می خواهد که منظورش از سؤال را معین و محدود نماید، دومی را با نرمی به ما می آموزاند. در همه ی این موارد، ایشان ما را تربیت می کند و می آموزد و پیرایش می نماید؛ زیرا هدف غایی، برتر از پاسخ گویی به سؤال است و این غایت، همان وصول به خدای سبحان می باشد؛ این وصول تا آن گاه که آدمی درنیابد که باید به ادب الهی تربیت شود، حقیقی نخواهد بود و نشانه ی این ادب نیز در چگونگی رفتار او با حجت های خدای سبحان بر خلقش هویدا می گردد.

ونسوق دليلاً على ما تقدم سؤالاً ورد إلى الإمام أحمد الحسن(ع) وجواب الإمام(ع) عليه:

در مقام ارائه ی دلیل بر مطلب بالا، به سؤالی که از امام احمد الحسن(ع) پرسیده شد و نیز پاسخ ایشان(ع) اشاره می کنم:

(السؤال / ٥٩٧: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.. كيف حالكم مولانا، يشرفني أن ترد على هذه الأسئلة:

پرسش ٥٩٧: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته .. مولای ما! حال شما چه طور است؟ به من افتخار بدهید و به این سؤالات پاسخ دهید:

من هم الأنبياء الثلاثة الذين وهبهم الله القدرة لإحياء الموتى؟ ما هي الصلاة التي لا تحتاج إلى وضوء ولا تيمم؟ أحد الملائكة اسمه الحارث، فما وظيفته؟ من هو المخلوق الذي أنذر قومه ولم يكن من الجن ولا الإنس؟ من هو شومان؟ من هم الأنبياء الثلاثة الذين شهدوا لقومهم بنبوّة محمد؟

وشكراً جزيلاً وأعتذر على كثرة الأسئلة وكلّي ثقة بالإجابة الوافية الشافية منكم.

آن سه پیامبری که خداوند به آنان قدرت زنده کردن مردگان عطا نمود، چه کسانی می باشند؟ کدام نماز به وضو و تيمم نیاز ندارد؟ یکی از فرشتگان حارث نام دارد، وظیفه و تکلیف او چیست؟ کدام آفریده است که به

قومش هشدار داد در حالی که او نه از جن بود و نه از آدمیان؟ شومان کیست؟ سه پیامبری که برای قوم خود به پیامبری محمد(ص) شهادت دادند چه کسانی هستند؟  
با تشکر فراوان، و بابت زیادی سؤالات عذر می‌خواهم و من اطمینان دارم که پاسخ وافی و شافی از شما دریافت خواهم نمود.

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
وفقك الله لكل خير، لقد نشرت كثيراً من الكتب فيها علم كثير، ومن الإطلاع عليها يمكنك أن تعرف هذا العلم ومصدره إن كنت طالب حق. ولا أظنك تعتقد أن لا أحد يعلم أن النملة أذرت قومها، وهو أمر مذكور في القرآن، وهل تعتقد أنني لا أعلم أن الصلاة على الميت ممكنة دون وضوء أو تيمم، مع أنني ذكرت هذا الأمر في كتاب شرائع الإسلام؟!  
أسأل الله لك التوفيق في بحثك، وأن يعرفك الله الحق ويسدد خطاك.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته).

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! کتاب‌های زیادی منتشر شده که در آنها علوم زیادی درج شده است. شما اگر طالب حق هستی، با مطالعه‌ی این کتاب‌ها می‌توانی این علم را بشناسی و مصدر و منبع آن را بدانی. گمان نمی‌کنم شما بر این باور باشی که کسی نداند مورچه به قومش هشدار داد در حالی که این قصه در قرآن ذکر شده است! آیا شما بر این باوری که بنده نمی‌دانم نماز بر میت بدون وضو یا تيمم ممکن است، با این که این مطلب را در کتاب شرايع الاسلام بيان نموده‌ام؟!  
از خداوند برای شما در جست و جويت توفيق خواهانم و این که خداوند حق را به شما بشناساند و گام‌هایت را استوار سازد.  
و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

نسأل الله جل وعلا أن ينفعنا بزاد التقوى الذي يزودنا به يمانى آل محمد(ع)، ويجعلنا ممن يترجم هذا العطاء الإلهي الكريم عملاً خالصاً لوجهه سبحانه، ونصرة لوليه المظلوم من بشرية أرسله الله سبحانه لإنقاذها وإذا بها تقابله بجحود عز نظيره مع وضوح أمره وبيان دلائله كالشمس في رابعة النهار.

از خدای عزوجل مسئلت داریم که ما را از توشه‌ی تقوا که یمانی آل محمد(ع) ما را به آن تجهیز می‌فرماید، بهره‌مند سازد و ما را جزو کسانی که این بخشش بزرگوارانه‌ی الهی را به عملی خالص برای وجه او و یاری رساندن به ولیّ مظلومش تبدیل می‌کنند، قرار دهد؛ همان ولیّ مظلومی که خداوند سبحان از جنس نوع بشر، برای رهایی نوع انسان ارسال فرموده است؛ ولی افسوس که انسان‌ها آن را به گونه‌ای کم‌نظیر انکار کرده‌اند، هر چند که امر او و دلایلش چون روز، روشن است.

والحمد لله أولاً وآخراً وظاهراً وباطناً، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

اللجنة العلمية - لأنصار الإمام المهدي (مكن الله له في الأرض)

الأستاذ زكي الأنصاري

١١ / ربيع الاول / ١٤٣٣ هـ.ق

و سپاس خدای در ابتدا و انتها و آشکار و نهان، و صلوات بر محمد و آل محمد امامان و مهدیین و سلم تسليماً

هیأت علمی انصار امام مهدی(ع) (خداوند در زمین تمکینش دهد)

استاد زکی انصاری

١١ / ربيع الاول / ١٤٣٣ هـ.ق

## الجواب المنير عبر الأثير

الجزء السادس

پاسخ‌های روشن‌گر بر بستر امواج  
جلد ششم

وفيه قسمان:

که شامل دو بخش است:

القسم الأول: أجوبة السيد أحمد الحسن (ع).

وفيه محاور:

بخش اول: پاسخ‌های سید احمد الحسن (ع)

که شامل محورهای زیر است:

الأول: الأسئلة العقائدية.

اول: پرسش‌های عقایدی.

الثاني: الأسئلة الفقهية.

دوم: پرسش‌های فقهی.

الثالث: الأسئلة المتفرقة.

سوم: پرسش‌های متفرقه.

الرابع: تأويل الرؤى.

چهارم: تعبیر خواب.

القسم الثاني: أجوبة أنصار الإمام المهدي (ع).

بخش دوم: پاسخ‌های انصار امام المهدي (ع)

## القسم الأول

### المحور الأول: الأسئلة العقائدية

بخش اول: پاسخ‌های سید احمد الحسن علیه السلام  
محور اول: پرسش‌های اعتقادی

**پرسش ۵۲۲: معنی حرف مقطعه (ص) در قرآن و قرنه و درخت حضرت آدم (ع)**

السؤال / ۵۲۲: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله .. وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

وفدت على الكريم بغير زاد من الحسنات والقلب السليم

وحمل الزاد أقبح كل شيء إذا كان الوفود على كريم

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته .. ثبتكم الله وجميع أنصارك للتمكين وثبتي

معكم ببركة دعائكم.

پرسش ۵۲۲: بسم الله الرحمن الرحيم

ستایش از آن خدا است و صلوات و درود خداوند بر محمد و آل او ائمه و مهديين و سلم تسليماً كثيراً.

بی توشه‌ای نزد بخشنده آمدم نه نیکوکاری و نه سالم است دلم

اما چه زشت است توشه داشتیم وقتی بر بخشنده باشد وارد شدیم

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.... خداوند شما و تمام انصارتان را بر فرمان‌روایی ثابت قدم بدارد

و به برکت دعای تان مرا نیز با شما ثابت قدم گرداند!

سیدی ومولای، اکتب إليك بنیة التواصل لكي لا یصیر انقطاع .. سیدی رابع رسالت

ولا جواب منكم عسى المانع خير.

سؤال:

۱- ما معنى (ص) في القرآن، وهل هو نهر في الجنة؟

۲- في حديث مروي عن نبي الله إبراهيم(ع): (ستنتب هنا شجرة كشجرة آدم(ع) في الجنة عدن).

سرور و مولایم! به قصد ارتباط برقرار کردن با شما، برای تان می‌نویسم تا جدایی به وجود نیاید....  
سرورم! چهار نامه دارم و پاسخ فقط از سوی شما است و لاغیر!  
سؤال: ۱- معنای «ص» در قرآن چیست؟ آیا (ص) نام رودخانه‌ای در بهشت است؟  
۲- در حدیثی از پیامبر خدا حضرت ابراهیم(ع) روایت شده که: «در اینجا درختی مانند درخت آدم(ع) در بهشت عدن خواهد روید».

کتبت بعد إذنك في المنتدى هذه العبارة ..... أرجو منك التوضيح، أليس هذا دليل على ولادة شخص في آخر الزمان ويتواجد في هذا المكان - مكان التقاء النهرين (العبد الصالح) - وقصته معروفة وهي إشارة واضحة لـ (أحمد الحسن(ع)) بقريته كشجرة آدم ... وشجرة آدم في التفسير هي رمز لعلم محمد وآل محمد(ص) كما جاء عنهم. وهي الشجرة التي حرمها الله على النبي آدم(ع) في الجنة عدن.

با اجازه‌ی شما، من این عبارت را در تالار گفتگو نوشتم.... از شما خواهش می‌کنم مطلب را توضیح دهید. آیا این دلیلی نیست بر متولد شدن شخصی در آخرالزمان که در این مکان یعنی محل پیوستن دو رود (عبد صالح)، به وجود خواهد آمد، که داستان آن معروف است؟ و این اشاره‌ای آشکار به احمد الحسن(ع) به عنوان قرینه‌ای برای شجره‌ی آدم(ع) دارد... و در تفسیری که در روایات محمد و آل محمد(ع) آمده، درخت آدم نماد علم آنها است، و این همان درختی بود که خداوند آن را بر آدم نبی(ع) در بهشت عدن ممنوع ساخت؟

وهذا هو الموضوع المكتوب في المنتدى:

شجرة آدم:

(القرنة و"شجرة آدم" في "قضاء القرنة" (شمال البصرة):

موضوعی که در تالار گفتگو نوشته شده به شرح زیر می‌باشد:  
درخت آدم: «قرنه» و «درخت آدم» در «منطقه‌ی قرنه» (شمال بصره):



إن هذه البقعة المباركة، حيث يلتقي دجلة والفرات، كانت تشرفت بزيارة سيدنا إبراهيم الخليل (ع) سنة ٢٠٠٠ ق. م. حيث قام وصلى بها وقال: "ستنبت هنا شجرة كشجرة آدم (ع) في جنة عدن".

این بقعه‌ی مبارکه در محل برخورد دجله و فرات قرار گرفته و جایی است که به زیارت سید ما ابراهیم خلیل (در سال ۲۰۰۰ ق.م مشرف شده است. جایی که حضرت ابراهیم ایستاد، نماز خواند و فرمود: «در اینجا درختی مانند درخت آدم (ع) در بهشت عدن خواهد رویید.»

كان نهر دجلة والفرات قد افترقا طويلاً في التاريخ قبل أن يلتقيا عند "القرنة"، ولا أحد يعلم من زرع "شجرة آدم" هذه أو شجرة إبراهيم الخليل (النبي (ع)) كما يسميها البعض من السكان هنا، لعله النبي إبراهيم (ع)، إذ لا تبعد كثيراً داره الماثلة اليوم بالقرب من (زقورة سومر)، ٨٠ كلم عن مدينة ذي قار أو الناصرية.

دو رود دجله و فرات قبل از آن که در «قرنه» به هم برسند، زمانی دراز در تاریخ از هم جدا بوده‌اند، و کسی نمی‌داند چه کسی این «درخت آدم» یا درخت ابراهیم خلیل (ع) را که برخی اهالی منطقه آن را به این اسم نامیده‌اند، کاشته است. شاید این کار توسط خود ابراهیم نبی (ع) صورت گرفته باشد زیرا با خانه‌ی ابراهیم در نزدیکی «زیگورات سومر» در ٨٠ کیلومتری شهر ذی‌قار یا ناصریه که تا به امروز پابرجا است، فاصله‌ی چندانی ندارد.

ففي الدلتا الجنوبية، عند التقاء النهرين العظيمين في القرنة (٧٥ كلم شمال مركز مدينة البصرة) ترتفع شجرة آدم، لينبع من جذرها نهر المدينة الخالد (شط العرب)، وهي شجرة بجذع متيبس إلا قليلاً ظلت ساكنة، واقفة على رغم سقوط آلاف العراقيين لكأنها آخر الشهود الأقلين على حضارة ضاربة في أعماق الأرض والتواريخ.

در دلتای جنوبی، در محل تلاقی این دو رود بزرگ در قرنه (٧٥ کیلومتری شمال مرکز شهر بصره) درخت آدم رشد یافته، بالا آمده و از ریشه‌ی آن، رودخانه‌ی شهر خالد (شط العرب) جوشیده است. این درختی است استوار که بی‌حرکت باقی‌مانده است. با وجود به خاک افتادن هزاران عراقی، این درخت همچنان پابرجا است؛ گویی آخرین شاهد انحطاط تمدنی است که در اعماق زمین و تاریخ ریشه دارد.

يقول شيخ في التسعين كان يصلي في المكان: "إن هذا المكان كان ماءً سرمداً، لا يابساً فيه، لكن النهرين دجلة والفرات كانا يلقيان بالطين والغرين في موقع الشجرة، فتجمع طين كثير حتى ارتفع فصارت اليابسة".

پیرمرد نود ساله‌ای که در آنجا نماز می‌خواند، می‌گوید: «در اینجا همیشه آب جاری بوده و خشکی در کار نبوده است؛ ولی دو رود دجله و فرات در محل قرار گرفتن درخت، گل‌ولای می‌ریختند و این گل‌ها زیاد و بلند شد تا حدی که درخت خشکید».

ملاحظة: الذي يهمني في هذا الموضوع هو رواية النبي إبراهيم (ع): (ستنبت هنا شجرة كشجرة آدم عليه السلام في جنة عدن)، أليس هذا دليل على ولادة شخص في آخر الزمان ويتواجد في هذا المكان مكان إلتقاء النهرين (العبد الصالح) وقصته معروفه وهي إشارة واضحة لـ (أحمد الحسن (ع)) بقريته كشجرة آدم ... وشجرة آدم في التفسير هي رمز لعلم محمد وآل محمد (ع) كما جاء عنهم. وهي الشجرة التي حرمها الله على النبي آدم (ع) في جنة عدن.

توضیح: آنچه در این خصوص برای من اهمیت دارد، همان روایت ابراهیم نبی (ع) است: «در اینجا درختی مانند درخت آدم (ع) در بهشت عدن خواهد رویید». آیا این دلیلی نیست بر متولد شدن شخصی در آخرالزمان که در این مکان یعنی محل پیوستن دو رود (عبد صالح)، به وجود خواهد آمد، که داستان آن معروف است؟ و این اشاره‌ای آشکار به احمد الحسن (ع) به عنوان قرینه‌ای برای شجره‌ی آدم (ع) دارد.... و در تفسیری که در روایات محمد و آل محمد (ع) آمده، درخت آدم نماد علم آن‌ها است، و این همان درختی بود که خداوند آن را بر آدم نبی (ع) در بهشت عدن ممنوع ساخت؟

والعلم عند الله سبحانه وحده وحده وحده.

سامحني على الإطالة ... وهذا من عشمنا فيكم ... أنا في شوق لرؤيتك والتواصل معكم إن أمكن، في أمان الله وحفظه وسلامته لكم وللعائلة الكريمة ولكل أنصاركم.

و علم نزد خدای سبحان است. وحده وحده وحده!

از این که مطلب به دراز کشید مرا ببخشید.... چشم انتظار شما هستیم.... من مشتاق دیدن شما و ارتباط برقرار کردن با شما هستم، اگر ممکن باشد. در امان و حفظ خدا! و خداوند شما، خانواده‌ی بزرگوارتان و تمام انصار شما را سلامت بدارد!

وهذا رابط الموضوع في المنتدى:

<http://vb.almahdyoon.com/showthread.php?t=٢٤١٤>

المرسل: محمد الصفار - الكويت

این لینک موضوع در تالار گفتگو است:

<http://vb.almahdyoon.com/showthread.php?t=٢٤١٤>

فرستنده: محمد الصفار - الكويت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.  
وفقكم الله لكل خير، الرسائل التي تصلني أحاول إن شاء الله أن أوفر الوقت الكافي  
لأجيبها بفضل الله عليّ.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.  
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! ان شاء الله سعی می کنم وقت کافی فراهم آورم تا به فضل  
خداوند، به نامه‌هایی که به دستم می رسد پاسخ دهم.

ج ١: قال تعالى: ﴿ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ﴾<sup>(١)</sup>.

پاسخ سؤال ١: خدای متعال می فرماید: (صاد، سوگند به قرآن شریف صاحب اندرز)<sup>(٢)</sup>.

١- ص: ١.

٢- ص: ١.

(ص): هو حرف من الحروف المقطعة، وهو یشیر إلى أحد الأئمة، وهذا أمر بیّنته سابقاً، وهو أنّ كل حرف منها یشیر إلى أحد المعصومین (ع).

«ص» یکی از حروف مقطعه است و به یکی از ائمه اشاره دارد. من پیش‌تر این موضوع را بیان کرده‌ام که هر حرف از حروف مقطعه به یکی از معصومین (ع) اشاره می‌نماید.

(و(ص): هو اسم نهر في الجنة، وهو نهر ماء الحياة والعلم الذي يحيي القلوب والأرواح، وإذا شاء الله له التجلي والظهور والنبع في هذا العالم يكون سبباً أيضاً لحياة الأجساد الميتة كما حصل لحوت موسى ويوشع (عليهما السلام) عندما نسياه بقرب العبد الصالح، فكان نبع ماء الحياة أو العلم الذي ظهر بقرب الحوت في تلك اللحظة سبباً في حياته واتخاذة سبيلاً في البحر سرباً، وكانت هذه إشارة وآية أيضاً لموسى (ع) يعرف من خلالها العبد الصالح الذي يحيي القلوب بنبع الحياة ونهر الحياة والعلم.

همچنین «ص»: نام رودخانه‌ای در بهشت است؛ رودخانه‌ی آب حیات و علم که دل‌ها و ارواح را زنده می‌گرداند، و اگر خداوند در این عالم تجلی و ظهور و جوشش برای آن اراده فرماید، سبب حیات بدن‌های مرده نیز خواهد شد؛ همان‌طور که برای ماهی موسی و یوشع (ع) هنگامی که آن را در نزدیکی عبد صالح فراموش کردند حاصل شد. تراوش آب حیات یا علم که در آن لحظه در نزدیکی ماهی ظاهر شد، حیات ماهی را به دنبال داشت؛ لذا ماهی راه دریا پیش گرفت و در آب، روان شد. همچنین این خود نشانه و علامتی برای موسی (ع) بود که از طریق آن توانست عبد صالحی که با جوشش حیات و رود حیات و علم، دل‌ها را زنده می‌گرداند بشناسد.

وتجلى هذا النهر - نهر العلم والحياة - بوضوح في الإمام الصادق (ع) بالخصوص، وشاء الله أن يبسر من خلاله (ع) نشر علم آل محمد وبثه بين الناس، فهذا الحرف (ص) یشیر إلى الإمام الصادق (ع).

این نهر، نهر علم و زندگانی، به‌خصوص و به‌طور واضح در امام صادق (ع) تجلی و بروز یافت و خدا چنین اراده فرمود که از طریق آن حضرت، علم آل محمد (ع) منتشر و بین مردم پراکنده گردد. لذا حرف «ص» به امام صادق (ع) اشاره می‌نماید.

والعلم والمعرفة هي ثمرة اليقين والصبر بالخصوص، قال تعالى: ﴿وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ﴾<sup>(١)</sup>، فهذا الحرف يشير إلى الصبر أيضاً.

علم و معرفت، به طور خاص ثمره ی یقین و صبر است. خدای متعال می فرماید: (از میان آن قوم پیشوایانی پدید آوردیم که چون صبوری پیشه کردند و به آیات ما یقین داشتند، به فرمان ما به هدایت مردم پرداختند)<sup>(٢)</sup>. بنابراین، این حرف به صبر نیز اشاره دارد.

ج س ٢: جزاك الله خيراً على كتابتك هذا الموضوع المبارك إن شاء الله، وهو من توفيق الله لك لإخلاصك أيها الطيب المبارك، أسأل الله أن يحشرك مع محمد وآل محمد (ع). والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ١٤٣١ هـ ق

پاسخ سؤال ٢: بابت این که این موضوع مبارک را به نگارش می آوری، خداوند جزای خیر به شما عنایت فرماید، ان شاء الله! و این توفیقی است از جانب خدا برای شما به دلیل اخلاصی که داری، ای پاکیزه ی مبارک! از خداوند تقاضا دارم که شما را با محمد و آل محمد (ع) محشور فرماید! والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ١٤٣١ هـ ق.



**پرسش ٥٢٣: آیا سید احمد الحسن می داند کجا و چه وقت می میرد؟**

السؤال / ٥٢٣: أرجو من حضرتكم تفسير قوله تعالى: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ﴾<sup>(٣)</sup>، هل السيد أحمد الحسن اليماني يعلم أين ومتى سيموت؟؟؟

١- السجدة: ٢٤.

٢- سجده: ٢٤.

٣- لقمان: ٣٤.

پرسش ۵۲۳: از حضرت عالی تقاضا دارم این آیه را تفسیر فرمایید: (علم ساعت<sup>(۱)</sup> نزد خدا است. اوست که باران می‌باراند و از آنچه در رحم‌ها است آگاه است و هیچ‌کس نمی‌داند که فردا چه چیز به دست خواهد آورد و کسی نمی‌داند که در کدام زمین خواهد مرد)<sup>(۲)</sup>. آیا سید احمد الحسن یمانی می‌داند کجا و چه وقت می‌میرد؟؟

الجواب: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ .. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَثَمَةِ وَالْمُهَدِيِّينَ وَسَلَّمٌ تَسْلِيمًا.

وفقك الله، هذه الآية ليست مجردة عن بقية القرآن، فيحكمها قوله تعالى: ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا ۖ إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ﴾<sup>(۳)</sup>، فالغيب يعلمه الله سبحانه وتعالى ولكنه يُطلع رسله وحججه على خلقه على ما يشاء من الغيب، كما بينت الآية - وفقك الله - ﴿إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ﴾. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب/ ۱۴۳۱ هـ ق

پاسخ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. خداوند شما را توفیق دهد! این آیه جدا از دیگر بخش‌های قرآن نیست، و این سخن خداوند که: (او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ‌کس آشکار نمی‌سازد، مگر بر آن فرستاده‌ای که از او خوشنود باشد)<sup>(۴)</sup> محکم کننده‌ی آن است. فقط خداوند سبحان غیب می‌داند و لکن پیامبران و حجت‌های خود از خلقش را بر هر مقدار از غیب که بخواهد باخبر می‌گرداند؛ همان‌طور که آیه این مطلب را بیان کرده است خداوند توفیق دهد: ﴿إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ﴾. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - رجب الأصب ۱۴۳۱ هـ ق.

۱- علم الساعة: می‌تواند اشاره به زمان قیامت کبری یا صغری (اشاره به زمان خروج قائم) باشد. (مترجم)

۲- لقمان: ۳۴.

۳- الجن: ۲۶ - ۲۷.

۴- جن: ۲۶ و ۲۷.



### پرسش ۵۲۴: خداوند چگونه بر الوهیت خودش شهادت می دهد؟

السؤال / ۵۲۴: كيف يشهد الله على نفسه بالإلوهية في الآية المباركة: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾<sup>(١)</sup>، علماً أنه هو الغني عن العباد، وهو لا يحتاج أن يشهد على نفسه بالإلوهية كونه حاضر لدى عارفيه، ولذلك يقول الحسين بن علي(ع): (عميت عين لا تراك)<sup>(٢)</sup>. فهل هناك إلهاً آخر غيره، أم هناك مقام أعلى منه سبحانه؟ تنزه الله عما يصفون.

المرسل: إياد الموسوي - العراق

پرسش ۵۲۴: در این آیه ی مبارک خداوند چگونه بر الوهیت خودش شهادت می دهد: (اللّٰه شهادت می دهد که هیچ خدایی جز او نیست و همچنین فرشتگان و صاحبان علم که هیچ خدایی برپادارنده ی عدل جز او نیست. خدایی جز او نیست که پیروزمند و حکیم است)<sup>(۳)</sup>. با توجه به این که وی بی نیاز از بندگان است و او نیاز ندارد که بر خودش به الوهیت گواهی دهد زیرا وی نزد کسانی که او را می شناسند (عارفین به او) حاضر است و بر همین مبنا حسین بن علی (می گوید: (کور باد دیده ای که تو را نبیند)<sup>(۴)</sup>؛ پس آیا خدایی غیر از او وجود دارد؟ یا آیا مقامی برتر از او سبحانه یافت می شود؟ خداوند از آن چه وصف می کنند، منزّه است.

فرستنده: ایاد الموسوی - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

۱- آل عمران: ۱۸.

۲- دعاء الإمام الحسين(ع) في يوم عرفة، بحار الأنوار: ج ۹۵ ص ۲۲۶.

۳- آل عمران: ۱۸.

۴- دعای امام حسین ۷ در روز عرفة، بحار الانوار: ج ۹۵ ص ۲۶۶.

وفقك الله، شهادة الله والملائكة وعباده الصالحين لبقية الخلق تكون بالوحي في الرؤى والكشف، ألم تقرأ قوله تعالى: ﴿مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾<sup>(۱)</sup>.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. خداوند شما را توفیق دهد! گواهی خدا و فرشتگان و بندگان صالحش برای سایر مخلوقات، از طریق وحی در رؤیا یا مکاشفه صورت می‌گیرد. آیا این سخن خدای متعال را نخوانده‌ای که فرمود: (هر خیری که به تو رسد از جانب خدا و هر شری که به تو رسد از جانب خود تو است، تو را به رسالت به سوی مردم فرستادیم و خدا برای شهادت دادن کافی است)<sup>(۲)</sup>.

وقوله تعالى: ﴿لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا﴾<sup>(۳)</sup>.

و همچنین: (ولی خدا به آن چه بر تو نازل کرد شهادت می‌دهد که با علم خود نازل کرده است، و فرشتگان نیز شهادت می‌دهند، و خدا برای شهادت کافی است)<sup>(۴)</sup>.

وقوله تعالى: ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾<sup>(۵)</sup>.

و همچنین این سخن خداوند متعال: (کافران می‌گویند که تو پیامبر نیستی، بگو: خدا و هر کس که از کتاب آگاهی داشته باشد، برای شهادت میان من و شما کافی است)<sup>(۶)</sup>.

وقوله تعالى: ﴿قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا﴾<sup>(۷)</sup>.

۱- النساء: ۷۹.

۲- نساء: ۷۹.

۳- النساء: ۱۶۶.

۴- نساء: ۱۶۶.

۵- الرعد: ۴۳.

۶- رعد: ۴۳.

۷- الإسراء: ۹۶.



و این سخن خداوند متعال: (بگو خدا میان من و شما برای شهادت کافی است، زیرا او به بندگانش آگاه و بینا است)<sup>(۱)</sup>.

تدبر الآيات وتدبر كيف يشهد الله وملائكته لرسله عند الناس وعند أقوامهم عندما يبعثون؟ أليس بالرؤى والكشف، ألم تقرأ قوله تعالى: ﴿وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ﴾<sup>(۲)</sup>، كيف أوحى الله للحواريين، أليس بالرؤى؟ در این آیات تدبر کن و اندیشه نما که چگونه خدا و فرشتگان برای فرستادگان الهی نزد مردم و نزد قومشان، آن گاه که به سوی ایشان مبعوث می شوند، گواهی می دهد. آیا این کار با رؤیا و مکاشفه انجام نمی شود؟ آیا این سخن خدای متعال را نخوانده ای که فرمود: (و به حواریون وحی کردم: به من و به پیامبر من ایمان بیاورید، گفتند: ایمان آوردیم. گواه باش که ما تسلیم هستیم)<sup>(۳)</sup>. خداوند چگونه به حواریون وحی کرد؟ آیا از طریق رؤیا نبود؟!

إذن، فهو سبحانه يشهد لأنبيائه ورسله وحججه عند الناس بالرؤى والكشف، وكذلك فهو يشهد لنفسه عندما يكلم الناس بالرؤى ويعرفهم بوجوده وأنه مهيمن على كل شيء سبحانه وتعالى، ومثال على شهادته سبحانه لنفسه عند الناس هو عندما يريهم رؤى بأمور غيبية وتحدث بعد فترة فهو يريد أن يقول لهؤلاء الناس أنه موجود وأنه مهيمن ويطلب منهم التوجه إليه سبحانه وتعالى.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصعب/ ١٤٣١ هـ ق

بنابراین، خدای سبحان، برای پیامبران، فرستادگان و حجت هایش نزد مردم، با رؤیا و مکاشفه گواهی می دهد. همچنین هنگامی که از طریق رؤیا با مردم سخن می گوید و وجود خویش را به آنها می شناساند و این که حق تعالی بر هر چیز حاکم و مهیمن است، برای خودش گواهی می دهد. نمونه ای از گواهی خدای سبحان بر خودش در پیشگاه مردم، این است که حق تعالی برخی امور غیبی را به آنها می نمایاند

۱- إسرء: ٩٦.

۲- المائدة: ١١١.

۳- مائدة: ١١١.

و پس از مدتی آن امور به وقوع می‌پیوندند. او می‌خواهد به این مردم بگوید که او وجود دارد و حاکم و مهیمن است و از آنها می‌خواهد که به او روی آورند و به سوی حضرتش شتاب کنند.  
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب الأصب / ۱۴۳۱ هـ ق.



### پرسش ۵۲۵: معنی (فروش سلاح حرام شد) در روایت یمانی

السؤال / ۵۲۵: بسم الله الرحمن الرحيم .. الحمد لله رب العالمين

إمامي وسيدي الإمام أحمد الحسن(ع)، أبعث سلامي إلى الإمام الأعظم محمد بن الحسن وإلى وصيه ورسوله راجياً من الله أن يصل سلامي لكم يا إمامي الإنس والجان، كما أرجو من الله أن يفرح قلب الرسول الأكرم محمد وآل محمد(ع) بنصركم سادتي على أعداء الله وعدوكم وإقامة دولة العدل الإلهي.

پرسش ۵۲۵: بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين

امام و سرورم، امام احمد الحسن(ع)! سلام می‌فرستم به امام اعظم محمد بن الحسن و به وصی و فرستاده‌ی او، و از خداوند امید دارم که سلام من را به شما برساند، ای دو امام انسان و جن! همچنین از خداوند چشم امید دارم که قلب پیامبر اکرم محمد(ص) و آل محمد(ع) را از این جهت که من، شما سرورانم را بر دشمنان خدا و دشمنان تان یاری می‌رسانم و به برپاسازی دولت عدل الهی اهتمام می‌ورزم، شاد فرماید.

ما معنى حرم بيع السلاح في رواية اليماني؛ لأن المخالفين يقولون لنا هل هو تحريم  
تشريعي أم مولوي أم تكويني؟؟

المرسل: أبو مرتضى الربيعي - استراليا

منظور از حرام بودن فروختن سلاح در روایت یمانی چیست؟ زیرا مخالفین از ما می‌پرسند که این  
حرمت، تشریعی، مولوی یا تکوینی است؟

فرستنده: ابو مرتضى الربيعي - استراليا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. حرمة بيع السلاح على المخالفين قضية بيّنها آل محمد (ع)، وإنها تكون عند ظهور القائم منهم (ع)، وبهذا يكون هذا القيد (حَرَمَ بيع السلاح) في رواية اليماني بياناً لمن يفقهون كلامهم (ع)، بأن اليماني هو نفسه القائم؛ لأنهم في أحاديث حصروا حرمة البيع بحدث المباينة عند خروج القائم، والآن يقولون إذا خرج اليماني حرم بيع السلاح، إذن تبين بوضوح أن اليماني هو نفسه القائم، فالإمام في قوله (ع): (فإذا خرج اليماني حرم بيع السلاح على الناس وكل مسلم)<sup>(١)</sup> يريد أن يبين أن اليماني هو نفسه القائم الذي يحرم بيع السلاح عند ظهوره وحصول المباينة، إضافة إلى ما في الرواية من بيان يوضح أن اليماني هو القائم وحجة من حجج الله كما بيّنت سابقاً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً. قضيهى حرام بودن فروختن سلاح به مخالفين، موضوعى است كه آل محمد (ع) آن را بيان نموده اند و اين موضوع مربوط به هنگام ظهور قائم آنها است. بر اين اساس قيد «حَرَمَ بيع السلاح» (فروختن سلاح را حرام مى كند) در روايت يمانى، شرحى براى كسانى است كه سخنان ايشان را درك مى كنند و مى فهمند؛ به اين صورت كه يمانى، همان قائم است؛ زيرا آنها در احاديث، حرمت فروش را به وقت آشكار شدن هنگام خروج قائم محدود کرده اند و اکنون مى گویند اگر يمانى خروج کرد، فروختن سلاح حرام مى شود. لذا به وضوح روشن مى شود كه يمانى، همان قائم است. امام (ع) در سخن خود كه مى فرمايد: «هنگامى كه يمانى خروج کرد، فروختن سلاح را بر مردم و بر هر مسلمانى تحريم مى نمايد»<sup>(٢)</sup>، مى خواهد روشن كند كه يمانى، همان قائم است كه به هنگام ظهورش و آشكار شدن، فروش سلاح حرمت مى يابد. اين، علاوه بر شرحى است كه در روايت مزبور آمده است و طى آن مشخص مى شود يمانى، همان قائم و حجتى از حجت هاى الهى است، و من اين موضوع را پيشتر تبين نموده ام.

وهذه بعض الروايات التي تبين أن حرمة بيع السلاح إنما تكون عند خروج القائم وعند المباينة والحرب بينه وبين أعدائه:

١- غيبة النعماني: ص ٢٦٤.

٢- غيبة نعماني: ص ٢٦٤.

در ادامه برخی روایاتی که به حرام بودن فروختن سلاح، در زمان خروج قائم و به هنگام آشکار شدن و وقوع جنگ بین او و دشمنانش اشاره می‌نماید، ذکر شده است:

عَنْ هِنْدِ السَّرَاجِ، قَالَ: (قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (ع): أَصْلَحَكَ اللَّهُ، إِنِّي كُنْتُ أَحْمِلُ السَّلَاحَ إِلَى أَهْلِ الشَّامِ فَأَبِيعُهُ مِنْهُمْ فَلَمَّا أَنْ عَرَفَنِي اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ ضِيقْتُ بِذَلِكَ وَقُلْتُ لَا أَحْمِلُ إِلَى أَعْدَاءِ اللَّهِ. فَقَالَ: أَحْمِلْ إِلَيْهِمْ فَإِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ بِهِمْ عَدُوَّنَا وَعَدُوَّكُمْ يَغْنِي الرُّومَ وَيَعْتَهُمْ فَإِذَا كَانَتِ الْحَرْبُ بَيْنَنَا فَلَا تَحْمِلُوا فَمَنْ حَمَلَ إِلَى عَدُوَّنَا سِلَاحًا يَسْتَعِينُونَ بِهِ عَلَيْنَا فَهُوَ مُشْرِكٌ)<sup>(۱)</sup>.

هند سراج می‌گوید: به امام باقر (ع) گفتم: خداوند شما را نیکو دارد! من همواره برای شامیان ابزار جنگی می‌بردم و به آنها می‌فروختم. وقتی خداوند مذهب اهل بیت را به من شناساند در تنگنا قرار گرفتم و با خود گفتم: دیگر برای دشمنان خدا اسلحه نمی‌برم. امام (ع) فرمود: «برایشان اسلحه ببر؛ زیرا خداوند به وسیله‌ی شامیان، دشمن ما و شما یعنی رومیان را دفع می‌کند. سلاح به شامیان بفروش. اگر در میان ما و شامیان جنگ درگرفت سلاح برای آنان نبرید که (در این صورت) هر کس دشمنان ما را با سلاح نظامی یاری کند مشرک است»<sup>(۲)</sup>.

وَعَنْ أَبِي بَكْرِ الْحَضْرَمِيِّ، قَالَ: (دَخَلْنَا عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَقَالَ لَهُ حَكْمُ السَّرَاجِ: مَا تَرَى فِيمَنْ يَحْمِلُ السَّرُوحَ إِلَى الشَّامِ وَأَدَاتَهَا؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ أَنْتُمْ الْيَوْمَ بِمَنْزِلَةِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) إِنَّكُمْ فِي هُدُنَتِي، فَإِذَا كَانَتِ الْمُبَايَنَةُ حَرَمَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَحْمِلُوا إِلَيْهِمُ السَّرُوحَ وَالسَّلَاحَ)<sup>(۳)</sup>.

ابی بکر حضرمی می‌گوید: بر امام صادق (ع) وارد شدیم. حکم سراج به امام گفت: حکم کسی که برای شامیان زین و دیگر ابزار رزمی می‌برد چیست؟ فرمود: «مانعی ندارد. شما اینک چون یاران پیامبر خدا (ص) در وضعیت صلح به سر می‌برید. اگر میان ما و شامیان جنگ درگرفت، حرام است که برای آنها زین و اسلحه ببرید»<sup>(۴)</sup>.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

۱- الكافي: ج ۵ ص ۱۱۲.

۲- کافي: ج ۵ ص ۱۱۲.

۳- الكافي: ج ۵ ص ۱۱۲.

۴- کافي: ج ۵ ص ۱۱۲.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ١٤٣١ هـ

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته

احمد الحسن - نيمه شعبان / ١٤٣١ هـ ق.



**پرسش ٥٢٦: : پسر نوح(ع) وقتی پدرش او را ندا داد، کجا بود؟**

السؤال / ٥٢٦: سؤال عن عظام الأمور:

أين كان ابن نوح(ع) أثناء نداء أبيه إليه عندما قال له يا بني اركب معنا ولا تكن مع القوم الكافرين حيث ذكرت الآية الشريفة أنه كان في معزل؟ وجزاكم الله خير الجزاء.

پرسش ٥٢٦: سؤالی از امور بزرگ: پسر نوح(ع) کجا بود وقتی پدرش او را ندا داد که پسرم با ما سوار شو و با گروه کافران مباش؟ در آیهی شریف آمده که وی در گوشه‌ای بوده است. خداوند برترین جزا را به شما عنایت فرماید!

علماً سيدي ومولاي لم يجبني أحد على سؤالي هذا لحد الآن، نفع الله بكم الإسلام والمسلمين وأيتام آل محمد عليهم صلوات الله ودمتم سالمين.

المرسل: رشيد الأسدي - العراق

سرور و مولایم! این را هم بگویم که تاکنون هیچ کس به این سؤال من پاسخ نداده است. خداوند، اسلام و مسلمین و ایتام آل محمد(ص) را از شما بهره‌مند گرداند و همواره سالم باشید.

فرستنده: رشيد الاسدي - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وفقكم الله لكل خير، هو لم يكن ابنة من صلبه بل ربيبه وهو ابن زوجته، ولم يكن يعيش مع نوح(ع) في بيته، ولم يكن مؤمناً بنوح(ع) وكذا هو حال أمه، ونوح(ع) لم يسأل عن زوجته ولم يقل إنها من أهلي؛ لأنها كانت تجاهر نوحاً(ع) بالكفر بدعوته(ع)، أما ابنة أو ربيبه (ابن زوجته) فكان يستحي من نوح(ع) ولم يكن يجاهر بالكفر بدعوة نوح(ع)، ولكن عندما جاء الفيزان وجاء موعد الافتراق اختار مرافقة أمه واعرَض عن نبي الله نوح(ع) فهلك، وسؤال نوح(ع) عنه لأنه كان يظهر التعاطف مع نوح(ع) فبين الله لنوح(ع) أنه لم يكن مؤمناً صادقاً بل كان منافقاً يبطن الكفر بدعوة نوح(ع) وإن ما كان يمنعه من الجهر بكفره بنوح(ع) حياؤه من نوح(ع)؛ لأنه ربا.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! پسر نوح در واقع فرزند صُلبی آن حضرت نبود بلکه فرزندخوانده و فرزند همسر نوح بود. او با نوح و در خانه‌ی او زندگی نمی‌کرد و به نوح(ع) نیز ایمان نداشت. مادرش نیز همین‌طور بود. نوح درباره‌ی همسرش درخواست نکرد و نگفت او از خاندان من است زیرا وی کفرورزی‌اش به دعوت نوح(ع) را به‌طور علنی ابراز می‌نمود ولی پسر وی یا همان ناپسری‌اش پسر همسرش از نوح(ع) حیا می‌کرد و آشکارا به دعوت نوح(ع) کفر نمی‌ورزید. اما هنگامی که سیل آمد و زمان جدایی فرا رسید، این پسر، همراهی با مادرش را ترجیح داد و از پیامبر خدا، نوح(ع) روی گردانید و به این ترتیب به هلاکت رسید. درخواست نوح(ع) درباره‌ی پسرش، از مهر و عطوفت پسرش با نوح پرده برمی‌دارد و خداوند برای نوح(ع) آشکار می‌سازد که وی مؤمن واقعی نبوده بلکه منافقی بوده که کفرورزی به دعوت نوح(ع) را مخفی می‌کرده است و حیای او از نوح(ع) بوده که مانع از علنی شدن کفرورزی او می‌شده است چرا که نوح(ع) او را بزرگ کرده بود.

فقوله تعالى عنه أنه كان في معزل أي في معزل عن دين نوح(ع) أي لم يكن على دين نوح(ع)، وأيضاً هو كان في معزل عن مكان نوح(ع)؛ لأنه لم يكن يسكن معه، وهو لم يكن من أهل نوح(ع)؛ لأن أهل نوح(ع) هم المؤمنون بدعوته.

این سخن خدای متعال درباره‌ی فرزند نوح که می‌فرماید وی در گوشه‌ای ایستاده بود یعنی در گوشه‌ای از دین نوح(ع) به این معنا که وی بر دین نوح(ع) نبود. همچنین او از جایگاه نوح نیز کناره گرفته بود زیرا با او زندگی نمی‌کرد. وی از خاندان نوح نیز محسوب نمی‌شد زیرا خاندان نوح(ع) کسانی بودند که به دعوتش ایمان آورده بودند.

قال تعالى: ﴿وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ \* قَالَ سَأُوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ \* وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَّمَاءِ أَفْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ \* وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ \* قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ \* قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُن مِّنَ الْخَاسِرِينَ﴾<sup>(١)</sup>.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ١٤٣١ هـ ق

حق تعالى می فرماید: (کشتی، آنان را در میان امواجی چون کوه می برد. نوح پسرش را که در گوشه‌ای ایستاده بود ندا داد: ای پسر، با ما سوار شو و با کافران مباش! \* گفت: من بر سر کوهی که مرا از آب نکه دارد، جا خواهم گرفت. گفت: امروز هیچ نگهدارنده‌ای از فرمان خدا نیست، مگر کسی را که بر او رحم آورد. ناگهان موج میان آن دو حائل گشت و او از غرق شدگان بود. \* و گفته شد: ای زمین آب خود فرو بر و ای آسمان باز ایست. آب فرو شد و کار به پایان آمد و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و ندا آمد که لعنت بر مردم ستمکاره باد! \* نوح، پروردگارش را ندا داد: ای پروردگار من، پسر من از خاندان من بود در حالی که وعده‌ی تو حق است و نیرومندترین حکم‌کنندگان، تو هستی. \* گفت: ای نوح، او از خاندان تو نیست، او عملی است ناصالح! از سر نا آگاهی چیزی از من نخواه! برحذر می دارم تو را، که از مردم نادان باشی. \* گفت: ای پروردگار من! پناه می برم به تو اگر از سر نا آگاهی چیزی بخواهم، و اگر مرا نیامرزی و به من رحمت نیاورزی از زبان کاران خواهم بود)<sup>(٢)</sup>.

احمد الحسن - نیمه شعبان / ١٤٣١ هـ ق



١- هود: ٤٢-٤٧.

٢- هود: ٤٧-٤٢.

## پرسش ۵۲۷: معنی لهو الحدیث در آیه چیست؟ و آیا لقمان پیامبر بود؟

السؤال / ۵۲۷: السلام على أنصار الله تعالى، لدي مجموعة كبيرة من آيات القرآن الكريم، أود تفسيرها مع رسالته (طلب) إلى السيد U، فأنشدكم الله إلا ما أوصلتموها إليه.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پرسش ۵۲۷: سلام بر انصار خدای متعال! من تعداد زیادی از آیات قرآن کریم را در نظر دارم که مایلیم با فرستادن نامه‌ی «درخواست» به خدمت سید(ع) تفسیر آنها را به دست آورم. شما را به خدا سوگند می‌دهم این نامه را به ایشان برسانید.

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سیدی و مولای، منذ فترة وأنا أتفائل بالقرآن تظهر لي الآية: ﴿قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾<sup>(۱)</sup>، وعندما أفتح القرآن ثانياً: ﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ﴾<sup>(۲)</sup>، فما معنى ذلك؟ واني لأخشى كثيراً أن يكون مصيري (وكذلك اليوم تنسى)، فأرجوك يا إمام ادعوا لي أن أكون معكم فأنصركم على أعدائكم فكل ما أريده طاعة الله، لكن نفسي أمارة بالسوء والدنيا مكّارة!! فاقتل أنا يا إمام كما فعلت مع أنصارك المقربين إليك. أسألك بحق الله تعالى أن تدعوا لي، أنا مقبلتة على مواجهة أهل الدنيا إجباراً لأجل الدراسة، وكل خوفي أن اسقط بالامتحان، فأنا خطاءة ودعائي محجوب أما دعوتكم فمستجابة إن شاء الله تعالى، وبالرغم من يقيني أنكم حق ۱۰۰٪ لكن الشك يعتريني بين هنيهة وأخرى فلا ألبث أنهر نفسي (بعد كل هذه البيّنات) أن تشك بكم، وهاها لها! ولهذا نسألكم الدعاء بالثبات على ولايتكم، يا فرج الله وحجته وقائمه.

سرور و مولایم! مدت‌ها است که من با قرآن استخاره می‌گیرم و این آیه برایم ظاهر می‌شود: (قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى)<sup>(۳)</sup> (گوید: همچنان که تو آیات ما را فراموش می‌کردی،

۱- طه: ۱۲۶.

۲- الإسراء: ۳۴.

۳- طه: ۱۲۶.



امروز خود فراموش گشته‌ای) و هنگامی که برای بار دوم قرآن را باز می‌کنم، این آیه می‌آید: (وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ)<sup>(۱)</sup> (جز به وجهی نیکوتر، به مال یتیم نزدیک مشوید تا آن‌گاه که به حد بلوغش برسد) معنای آن چیست؟ من بسیار از این می‌ترسم که عاقبتم «و کذلک الیوم تنسی» (امروز از فراموش شدگانی) باشد. ای امام! تقاضا دارم برایم دعا کنید که با شما باشم و شما را بر دشمنان‌تان یاری دهم. من فقط و فقط در پی اطاعت از خدا هستم؛ ولی نفس من «امارة بالسوء» (امر کننده به بدی) است و دنیا هم پر از مکر و حيله!! ای امام! من کشته می‌شوم همان‌طور که با انصار نزدیک به شما چنین کردند. به حق خدای متعال از شما مسئلت می‌کنم که برایم دعا فرمایید. من به جهت درس خواندن مجبورم با اهل دنیا روبه‌رو شوم ولی همه‌ی ترسم این است که مبادا در امتحان، مردود شوم. من خطاکارم و دعایم محجوب، ولی دعای شما ان شاء الله تعالی مستجاب است. اگر چه من ۱۰۰ درصد یقین دارم که شما بر حق هستید ولی گهگاهی شک و تردید مرا فرا می‌گیرد و بعد از تمام این دلایل روشن، نفس خودم را نتوانسته‌ام قربانی کنم! و لذا از شما برای ثابت ماندن بر ولایت‌تان التماس دعا داریم؛ ای فرج الهی و حجت خدا و قائم او!

وسامحنا علی تقصیرنا سیدی فی خدمتکم، عجل الله فرجکم، وأیدکم بنصره.

عندی آیات کثیره آرید تبیان تفسیرها، فإن کانت تثقل علیکم فلا داعی للإجابة،  
نعلم أنکم مشغولون جداً، فسامحونا علی إزعاجکم.

بر تقصیری که در خدمت‌گزاری به شما دارم، پوزش ما را بپذیر، ای سرورم! خداوند فرج شما را تعجیل نماید و شما را با نصرت خویش تایید فرماید!  
آیات زیادی دارم که شرح و تفسیر آنها را خواستارم. اگر بر شما دشوار است، نیازی به پاسخ‌گویی نیست؛ ما می‌دانیم که شما بسیار پرمشغله هستید. از این که باعث زحمت شما شده‌ایم، ما را عفو کنید.

فی کتاب الله تعالی:

۱. ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾<sup>(۲)</sup>، هل معناها من يتداول المسلسلات الدنيئة ووسائل الترفيه

۱- اسراء: ۳۴.

۲- لقمان: ۶.

المضلة؟ فما المقصود بلهو الحديث؟ وهل كان لقمان (رحمه الله) نبياً، فما حكايته مع الفتى ولماذا كان يعظه؟

در کتاب خدای متعال آمده است:

۱- (بعضی از مردم خریدار سخنان بیهوده‌اند، تا با نادانی، مردم را از راه خدا گمراه کنند، و قرآن را به مسخره می‌گیرند. نصیب اینان عذابی است خوارکننده)<sup>۱</sup>. آیا معنای آن، کسی است که سریال‌های مبتذل و وسایل سرگرمی گمراه‌کننده فراهم می‌آورد؟ منظور از سخنان بیهوده چیست؟ و آیا لقمان (ره) پیامبر بوده است؟ داستان او با آن جوان چه بوده و چرا وی را موعظه می‌کرده است؟

۲. ﴿وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿۶۰﴾ وَقَطَعْنَا لَهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَبِيطًا أُمَّمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّٰنَ وَالسَّلْوَىٰ كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِن كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿۶۱﴾﴾<sup>(۲)</sup>، من كان أو من هم القوم الذين يهدون للحق؟ وما معنى الآية المائة والستون؟

۲- (گروهی از قوم موسی هستند که مردم را به حق راه می‌نمایند و به عدالت رفتار می‌کنند \* بنی اسرائیل را به دوازده سبط تقسیم کردیم، و چون قوم موسی از او آب خواستند، به او وحی کردیم که عصایت را بر سنگ بزن. از آن سنگ دوازده چشمه روان شد، و هر گروه آبشخور خویش را بشناخت، و ابر را سایبان‌شان ساختیم و برای‌شان منّ و سلوی نازل کردیم. بخورید از این چیزهای پاکیزه که به شما روزی داده‌ایم، و آنان به ما ستم نکردند بلکه به خودشان ستم کردند). چه کسانی یا کدام گروه بودند که مردم را به حق راه می‌نمایند؟ معنای آیه صد و شصت چیست؟

۳. فی سورة الأحزاب، ما معنى كل من:

- ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمْ اللَّائِي تَظَاهَرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكَ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ ﴿۶۰﴾ اذعوههم لأبائهم هو أفسط عند الله فإن لم تعلموا آباءهم فإخوانكم في الدين ومواليكم وليس عليكم جناح فيما أخطأتم به ولكن ما تعمدت قلوبكم وكان الله عفورا رحيماً ﴿۶۱﴾﴾ النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم وأزواجه أمهاتهم وأولو الأرحام بعضهم

۱- لقمان: ۶.

۲- الأعراف: ۱۵۹- ۱۶۰.

أُولَى بَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿١﴾.

(خدا در درون هیچ مردی دو قلب نهاده است، و زنان تان را که مادران خود می خوانید، مادران تان قرار نداد و فرزندخواندگان تان را فرزندان تان نساخت. اینها چیزهایی است که به زبان می گویند و سخن حق از آن خدا است و او است که راه را می نماید. \* پسرخواندگان را به نام پدرشان بخوانید که نزد خدا منصفانه تر است، اگر پدرشان را نمی شناسید، برادران دینی و موالی شما باشند، اگر پیش از این خطایی کرده اید باکی نیست، مگر آن که به قصد دل انجام داده باشید و خدا آمرزنده و مهربان است. \* پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و زنانش مادران مؤمنان هستند و در کتاب خدا خوبشاوندانی نسبی از مؤمنان و مهاجران به یکدیگر سزاوارترند، مگر آن که بخواهید به یکی از دوستان خود نیکی کنید و این حکم در کتاب خدا مکتوب است) (۲).

- ﴿وَمَا كَانَ لِلْمُؤْمِنِ وَلَا الْمُؤْمِنَةِ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ (۳).

(هیچ مرد مؤمن و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و پیامبرش در کاری حکمی کردند، آنها را در آن کارشان اختیاری باشد، هر که از خدا و پیامبرش نافرمانی کند سخت در گمراهی افتاده است) (۴).

- ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُم مِّيثَاقًا غَلِيظًا﴾ (۵)، ما هو هذا الميثاق الغليظ ؟

(و آن هنگام که از پیامبران پیمان گرفتیم، و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم و از همه ی آنها پیمانی سخت گرفتیم) (۶). این پیمان سخت چیست؟

۱- الأحزاب: ۴- ۶.

۲- احزاب: ۴ تا ۶.

۳- الأحزاب: ۳۶.

۴- الأحزاب: ۳۶.

۵- الأحزاب: ۷.

۶- الأحزاب: ۷.

- ﴿وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾<sup>(۱)</sup>،  
هل زوجات النبي من أهل البيت (ع) أيضاً؟

(و در خانه‌های خود بمانید و چنان که در زمان پیشین جاهلیت می‌کردند، زینت‌های خود را آشکار نکنید و نماز بگزارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنان که باید پاک دارد)<sup>(۲)</sup>. آیا همسران پیامبر (ص) نیز جزو اهل بیت (ع) محسوب می‌شوند؟

- ﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾<sup>(۳)</sup>، فما معنى قوله (ع): (يا علي، أنا وأنت أبوا هذه الأمة)<sup>(۴)</sup>؟

(محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نیست. او رسول خدا و خاتم پیامبران است و خدا به هر چیزی دانا است)<sup>(۵)</sup>. در این صورت، معنای این سخن پیامبر (ص) چیست که فرمود: (ای علی، من و تو پدران این امتیم)<sup>(۶)</sup>؟

۴. ما معنى قول إلیاس (ع) في الصافات: ﴿أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ﴾<sup>(۷)</sup>.

۴- معنای سخن حضرت الیاس (ع) در سوره‌ی صافات چیست: (آیا بعل را به خدایی می‌خوانید و بهترین آفرینندگان را وا می‌گذارید؟)<sup>(۸)</sup>.

۵. ما معنى ما قاله سبحانه عن سليمان (ع) في ص: ﴿وَوَهَبْنَا لِداوودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ ❖ إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ❖ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ❖ رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ❖ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ

۱- الأحزاب: ۳۳.

۲- الأحزاب: ۳۳.

۳- الأحزاب: ۴۰.

۴- أمالی الصدوق: ص ۴۱۱، بحار الأنوار: ج ۲۳ ص ۱۲۹.

۵- احزاب: ۴۰.

۶- أمالی صدوق: ص ۴۱۱، بحار الأنوار: ج ۲۳ ص ۱۲۹.

۷- الصافات: ۱۲۵.

۸- الصافات: ۱۲۵.

وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ﴿ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴾<sup>(١)</sup>.

۵- معنای این سخن خدا درباره حضرت سلیمان(ع) که در سوره‌ی «ص» آمده است، چیست: (سلیمان را به داوود عطا کردیم، چه نیکو بنده‌ای بود، و روی به خدا داشت \* آن‌گاه که به هنگام عصر اسبان تیزرو را که ایستاده بودند به او عرضه کردند \* گفت: من دوستی این اسبان را با یاد پروردگارم بگزیدم تا آفتاب در پرده‌ی غروب پوشیده شد \* آن اسبان را نزد من بازگردانید، پس به بریدن ساق‌ها و گردنشان آغاز کرد \* ما سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی را افکندیم و او روی به خدا آورد \* گفت: ای پروردگار من! مرا بیامرز و مرا ملکی عطا کن که پس از من کسی سزاوار آن نباشد، که تو بخشاینده‌ای)<sup>(٢)</sup>.

۶. ما معنی کل من: ﴿ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴾<sup>(٣)</sup>، ﴿ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴾<sup>(٤)</sup>؟

۶- معنای این آیات چیست: (یا می‌گویند که بر خدا دروغ می‌بندد. اگر خدا بخواهد بر دل تو مهر می‌نهد، و خدا با کلمات خود باطل را محو می‌کند و حق را ثابت می‌گرداند، او به هر چه در دل‌ها می‌گذرد دانا است)<sup>(٥)</sup>. (و آنان که دعوت پروردگارشان را پاسخ می‌گویند و نماز می‌گزارند و کارشان بر پایه‌ی مشورت با یکدیگر است و از آن چه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند)<sup>(٦)</sup>.

۷. ما معنی: ﴿ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ﴾<sup>(٧)</sup>، ﴿ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴾ ﴿ أَوْ مَنْ يَنْشَأُ فِي الْحُلِيِّتِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرٌ مُّبِينٌ ﴾<sup>(٨)</sup>؟

۱- ص: ۳۰-۳۵.

۲- ص: ۳۰-۳۵.

۳- الشوری: ۲۴.

۴- الشوری: ۳۸.

۵- الشوری: ۲۴.

۶- الشوری: ۳۸.

۷- الزخرف: ۱۵.

۸- الزخرف: ۱۷-۱۸.

۷- این آیات به چه معنا است: (و برای او از میان بندگانش فرزندی قائل شدند، آدمی به آشکارا ناسپاس است)<sup>(۱)</sup>، (و چون به یکی از آنها مزدهی تولد همان چیزی را بدهند که به خدای رحمان نسبت داده است، رویش سیاه گردد و خشم خود فرو خورد \* آیا کسی که به آرایش پرورش یافته و در هنگام جدال آشکار نمی‌گردد، از آن خدا است؟)<sup>(۲)</sup>.

۸. في الأحقاف: ﴿وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿۱﴾ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿۲﴾ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۳﴾ وَمَن لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۴﴾﴾<sup>(۳)</sup>، ما قصه هؤلاء الجن؟ ولماذا لم يذكروا دعوة عيسى(ع) أيضاً؟

۸- در سوره‌ی احقاف آمده: (و گروهی از جن را نزد تو روانه کردیم تا قرآن را بشنوند، چون به حضرتش رسیدند گفتند: گوش فرا دهید، چون به پایان آمد همانند بیم‌دهندگانی نزد قوم خود بازگشتند \* گفتند: ای قوم ما، ما کتابی شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، کتاب‌های پیشین را تصدیق می‌کند و به حق و راه راست راه می‌نماید \* ای قوم ما، این دعوت‌کننده‌ی به خدا را پاسخ گوید و به او ایمان بیاورید تا خدا گناهان‌تان را بیامرزد و شما را از عذابی دردآور در امان دارد \* و هر کس که به این دعوت‌کننده جواب نگوید، نمی‌تواند در روی زمین از خدای بگریزد و او را جز خدا هیچ یآوری نیست و در گمراهی آشکاری است). داستان این جنیان چه بوده؟ و چرا به دعوت حضرت عیسی(ع) نیز اشاره‌ای نکرده‌اند؟<sup>(۴)</sup>

۹. ما معنی: ﴿وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾<sup>(۵)</sup>؟ هل يعني أنهم كثيرو النسيان؟

۱- زخرف: ۱۵.

۲- زخرف: ۱۸-۱۷.

۳- الأحقاف: ۲۹-۳۲.

۴- احقاف: ۲۹-۲۲.

۵- محمد: ۱۶.

٩- معنای این آیه چیست: (بعضی به تو گوش می دهند، تا آن گاه که از نزد تو بیرون روند از دانشمندان می پرسند: این چه سخنانی بود که می گفت؟ خدا بر دل هایشان مهر نهاده است و از پی هواهای خود رفته اند). آیا یعنی آنها بسیار فراموش کاراند؟<sup>(۱)</sup>

١٠. ما هي قصة ضيف إبراهيم، ولماذا خاف منهم؟ ﴿هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ﴿١﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٢﴾ فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ ﴿٣﴾ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٤﴾ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٥﴾ فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرََّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ﴿٦﴾ قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٧﴾﴾<sup>(٢)</sup>.

١٠- داستان مهمان ابراهیم(ع) چه بود و چرا او از آنها بیمناک شد؟ (آیا داستان مهمانان گرامی ابراهیم به تو رسیده است؟ \* آن گاه که نزد او آمدند و گفتند: سلام. گفت: سلام، شما مردمی ناشناخته اید\* در نهان و شتابان نزد کسان خود رفت و گوساله‌ی فربه‌ی آورد \* طعام را به نزدشان گذاشت و گفت: چرا نمی خورید؟ \* و از آنها بیمناک شد، گفتند: مترس، و او را به فرزندى دانا مژده دادند \* و زنش فریادزنان آمد و بر صورت خود زد و گفت: من پیرزنی نازایم \* گفتند: پروردگار تو این چنین گفته است و او حکیم و دانا است)<sup>(٣)</sup>.

١١. معنى قول بأيد، في: ﴿وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾<sup>(٤)</sup>.

١١- معنای «باید» در این آیه چیست؟ (و آسمان را به نیرو برافراشتیم و حقا که ما تواناییم)<sup>(٥)</sup>.

والله يجازيكم خير الجزاء يا مولاي، بَلِّغْ سَلَامِي إِلَىٰ أَبِيكَ ۝ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ حَوْلَكَ، قُلْ لَهُمْ: طُوبَىٰ لَكُمْ، وَإِنَّا نَغْبِطُكُمْ، نوصيكم به ۝. والحمد لله رب العالمين.

المرسلة: أم عيسى - الإمارات

١- محمد: ١٦.

٢- الذاريات: ٢٤ - ٣٠.

٣- ذاريات: ٣٠-٢٤.

٤- الذاريات: ٤٧.

٥- ذاريات: ٤٧.

سرورم! خداوند به بهترین پاداش شما را جزا دهد! سلام مرا به پدرت(ع) و به انصاری که اطرافت هستند برسان و به آنها بگو: خوشا به حال تان، ما به شما غبطه می‌خوریم، شما را به آنها سفارش می‌کنیم.

و سپاس خداوند جهانیان

فرستنده: امّ عیسی - امارات

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهدين و سلم تسليماً.

﴿وَمَنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾<sup>(۱)</sup>: لهو الحديث منه الغناء ومنه جدل أهل الباطل مع أهل الحق وإلقائهم الشبهات ضد دعوات الأنبياء والأوصياء.

(بعضی از مردم خریدار سخنان بیهوده‌اند، تا با نادانی مردم را از راه خدا گمراه کنند، و قرآن را به مسخره می‌گیرند، نصیب اینان عذابی است خوارکننده)<sup>(۲)</sup>. از جمله سخنان بیهوده، غنا و جدل اهل باطل با اهل حق و القای شبهه‌ها بر ضد دعوت‌های پیامبران و اوصیا است.

ولقمان(ع) ليس من خلفاء الله في أرضه وليس نبياً مرسلًا من الله ولكن له مقام النبوة وكان حكيماً توحى له الحكمة.

لقمان(ع) نه یکی از خلفای الهی بر زمینش است و نه پیامبری فرستاده شده از جانب خدا؛ او دارای مقام نبوت بوده و حکیمی بوده که حکمت بر او وحی می‌شده است.

وفقكم الله لكل خير وثبتكم على الحق هو وليي وهو يتولى الصالحين.

۱- لقمان: ۶.

۲- لقمان: ۶.



والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند و بر حق استوار و ثابت قدم بدارد! و او یاور من است و او دوست شایستگان است.  
و السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ ق.

**پرسش ٥٢٨: ترتیب آیات تطهیر چگونه است و معنای اهل بیت در (رَحِمَتُ اللَّهِ .. أَهْلَ الْبَيْتِ)**

السؤال / ٥٢٨: سيدي أحمد الحسن اليماني ..

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.. وصلوات الله وسلامه على آباءك المعصومين وأهلك  
الزهراء وعليك وعلى المهديين من بعدك. أما بعد..

پرسش ٥٢٨: سرورم، احمد الحسن یمانی! السلام عليكم ورحمة الله وبركاته  
و صلوات و سلام خدا بر پدران معصوم تو و بر مادرت زهرا و بر تو و بر مهدیین پس از تو باد. اما بعد....

س١: سؤالی هو عن الآية التاليت، هل هي كما أنزلت على النبي محمد(ص)، وما تفسيرها،  
ومن المعني بأهل البيت فيها: ﴿يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ  
بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾ \* وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ  
الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ  
عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا \* وَادْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ  
وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا<sup>(١)</sup>.

سؤال اول: سؤال من در مورد آیه ای است که در پی می آید؛ آیا این آیه به همین صورت بر حضرت  
محمد(ص) نازل شده است؟ تفسیر آن چیست؟ و منظور از اهل بیت در آن چه کسانی هستند؟  
(ای زنان پیامبر، شما همانند دیگر زنان نیستید، اگر از خدا بترسید، پس به نرمی سخن مگویید تا آن  
مردی که در قلب او مرضی هست به طمع افتد، و سخن پسندیده بگویید\* و در خانه های خود بمانید و

چنان که در زمان پیشین جاهلیت می‌کردند، زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز بگزارید و زکات بدهید و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید، ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنان که باید پاک دارد\* آن چه از آیات خداوند و حکمت در خانه‌های شما خوانده می‌شود، یاد کنید. به درستی که خداوند لطیف و خبیر است<sup>(۱)</sup>.

س ۲: من المعني بأهل البيت في الآية التالية: ﴿أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ﴾<sup>(۲)</sup>؟

سؤال دوم: در این آیه منظور از اهل بیت چه کسانی هستند: (آیا از فرمان خدا تعجب می‌کنی؟ رحمت و برکات خدا بر شما اهل این خانه ارزانی باد، او ستودنی و بزرگوار است)<sup>(۳)</sup>.

س ۳: هل حديث الكساء حديث صحيح؟ وما هو نصح؟  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: أحمد - الإمارات

سؤال سوم: آیا حدیث کسا صحیح است؟ متن آن چیست؟  
و السلام علیکم ورحمة الله وبركاته.

فرستنده: احمد - امارات

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
بالنسبة لترتيب القرآن سوراً وآيات لا يقول أحد أنها كما أنزل إلا جاهل، فأما اختلاف ترتيب السور فقد ثبت عند كل المسلمين أن هناك أكثر من ترتيب لها على الأقل بحسب مصاحف الصحابة، ويمكنكم مراجعة الكتب التي تعرضت لتاريخ القرآن وما روي في ذلك.

۱- احزاب: ۳۴ - ۳۲.

۲- هود: ۷۳.

۳- هود: ۷۳.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
در خصوص ترتیب نزول سوره‌ها و آیات قرآن، هیچ کسی مدعی نیست که آنها به همان صورت که نازل شده مرتب گشته است؛ مگر جاهل! اختلاف ترتیب سوره‌های قرآن، برای همه‌ی مسلمانان ثابت شده است و طبق قرآن‌های صحابه، حداقل بیش از یک چینش برای آیات و سوره‌ها وجود دارد. در این خصوص می‌توانید به کتبی که در موضوع تاریخ قرآن نوشته و آن چه که در این باب روایت شده است، مراجعه نمایید.

وأما ترتيب الآيات وكونه ليس كما أنزل فتدبر هاتين الآيتين، وهما قوله تعالى:  
﴿وَالَّذِينَ يُتَوَقَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾<sup>(١)</sup>.

در خصوص چینش آیات و این که ترتیب آنها طبق نزول نیست، در این دو آیه تدبر نما. خدای متعال می‌فرماید: (کسانی که از شما بمیرند و زنانی بر جای گذارند، آن زنان باید که چهار ماه و ده روز انتظار بکشند، و چون مدت‌شان به سر آمد، اگر درباره‌ی خویش کاری شایسته و درخور کردند، بر شما گناهی نیست، که خدا به کارهایی که می‌کنید آگاه است)<sup>(٢)</sup>.

وقوله تعالى: ﴿وَالَّذِينَ يُتَوَقَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَّتَاعاً إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ حَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾<sup>(٣)</sup>.

و نیز می‌فرماید: (مردانی از شما که می‌میرند و زنانی بر جای می‌گذارند، باید درباره‌ی زنان خود وصیت کنند که مخارج آنها را به مدت یک سال بدهند و از خانه اخراج‌شان نکنند، پس اگر خود خارج شوند، در مورد تصمیمی که به نحو شایسته‌ای برای خود می‌گیرند، گناهی بر شما نیست، و خدا غالب و حکیم است)<sup>(٤)</sup>.

١- البقرة: ٢٣٤.

٢- بقره: ٢٣٤.

٣- البقرة: ٢٤٠.

٤- بقره: ٢٤٠.

فالايتان المتقدمتان ناسخة ومنسوخة وهما في عدة المرأة المتوفى عنها زوجها، فكان الحكم في البداية أن العدة عام كما في الحنيفية الإبراهيمية ومن ثم نسخ الحكم فأصبحت العدة أربعة أشهر وعشرة أيام، والنتيجة أن الآية رقم (۲۳۴) ناسخة للآية رقم (۲۴۰)، أي أن الآية الناسخة في سورة البقرة متقدمة على الآية المنسوخة، في حين أنك إذا تدبرت الأمر ستعلم بأن المنسوخ لا بد أن يكون متقدماً على الناسخ في النزول، وبالتالي سيتبين لك أن الآيتين في سورة البقرة ليستا مرتبتين بحسب النزول، وهذا يكفي للدلالة على أن المصحف الذي بين أيدينا لا يمكن أن يقطع بأن آياته جميعها مرتبة بحسب التنزيل.

دو آیه‌ی مذکور ناسخ و منسوخ‌اند. این آیات مربوط به عده‌ی زنی است که شوهرش وفات کرده است. در ابتدا حکم این بود که عده، یک سال تمام باشد، همان‌طور که در دین حنیف ابراهیمی چنین مقرر بوده است. سپس این حکم نسخ شد و عده، چهار ماه و ده روز گشت. در نتیجه، آیه‌ی شماره ۲۳۴ ناسخ آیه‌ی ۲۴۰ است؛ یعنی آیه‌ی ناسخ در سوره‌ی بقره، پیش از آیه منسوخ قرار دارد در حالی که اگر شما در این خصوص دقت نظر به خرج دهی، درخواستی یافت که در باب نزول آیات، منسوخ باید بر ناسخ مقدم باشد. بنابراین برای شما آشکار می‌گردد که این دو آیه‌ی سوره‌ی بقره طبق نزول مرتب نشده‌اند. همین موضوع دلیلی کافی است که نمی‌توان به‌طور قطع مدعی شد قرآنی که امروزه در دسترس ما است، تمام آیات آن طبق تنزیل چینش شده است.

قدمت هذه المقدمة لكي يتوضح الآتي:

وهو أن الآية: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً﴾ التي تسأل عنها هي في الحقيقة ليست على ترتيب نزولها وليس هذا موضعها، وأيضاً هي آية قد خصصها النبي (ص) ببیت علی وفاطمة (ع)، فكان یقرأها ببابهم فلا یوجد داع لتعميمها بعد أن خصصها النبي (ص) إلا العناد والمكابرة.

این مقدمه را ارائه کردم تا مطلب بعدی روشن شود. آیه‌ی: (ای اهل بیت، خدا می‌خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنان که باید پاک دارد) که شما در مورد آن سؤال کرده‌ای، در واقع طبق نزول مرتب نشده است و این مکان، مکان صحیح آن نیست. ضمناً پیامبر (ص) این آیه را به خانه‌ی علی و فاطمه (ع) تخصیص داده و حضرت، آیه را بر در خانه‌ی آنها قرائت می‌کرده است. لذا حال که پیامبر آن را تخصیص داده است، دلیلی بر تعمیم آن وجود ندارد، مگر از سر عناد و ستیزه‌جویی!

أما قوله تعالى: ﴿قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ﴾<sup>(١)</sup>، فإبراهيم (ع) وزوجته سارة (عليها السلام) كلاهما من بيت واحد، فهي ابنة عم إبراهيم (ع).

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

ولى اين آيه كه (گفتند: آیا از فرمان خدا تعجب می کنی؟ رحمت و برکات خدا بر شما اهل این خانه ارزانی باد، او ستودنی و بزرگواری است)<sup>(٢)</sup>، ابراهیم و همسرش ساره (ع) هر دو از یک خانه بودند و ساره، دختر عموی ابراهیم (ع) بود.  
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ١٤٣٢ هـ.ق.



### پرسش ٥٢٩: تفسیر حروف مقطعه در قرآن چیست؟

السؤال / ٥٢٩: ما هو تفسیر أوائل السور: (حم، یس، حم عسق)؟؟  
شکراً.

المرسلّة: شمس الصباح - العراق

پرسش ٥٢٩: تفسیر آیات ابتدایی سوره های «حم، یس، حم عسق» چیست؟ با تشکر.  
فرستنده: شمس الصباح - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

١- هود: ٧٣.

٢- هود: ٧٣.

وفقكم الله لكل خير، قد بيّنت في المتشابهات معنى الحروف المقطعة في أوائل السور، فأرجو منكم الإطلاع وقراءة ما مكتوب في كتاب المتشابهات، وأيضاً هذا سؤال وجوابه وهو في نفس الموضوع يمكنكم الاستفادة منه:

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند: در کتاب متشابهات، معنای حروف مقطعه‌ای که در ابتدای سوره‌ها آمده است را بیان نموده‌ام. از شما خواهش می‌کنم آن چه در این کتاب نوشته شده است را مطالعه کنید. می‌توانید آنجا پرسش و پاسخ مربوط به آن را که در همین زمینه مطرح شده است، به دست آورید:

س/ ماذا تعني الحروف المقطعة في أوائل السور؟

سوال: حروف مقطعه‌ای که در ابتدای سوره‌ها آمده به چه معنا است؟

ج/ قال تعالى: (الم، المر، حم، يس).

پاسخ: خدای تعالی می‌فرماید: «الم، المر، حم، يس».

الألف: أي فاطمة الزهراء (عليها السلام)، والألف أصل الحروف وأولها وهو أول ما نشأ بعد النقطة، ومنه تتركب باقي الحروف، وهو حرف فاطمة الزهراء (عليها السلام) التي نقل رسول الله (ص) عن الله سبحانه قوله فيها: (يا أحمد، لولاك لما خلقت الأفلاك، ولولا علي لما خلقتك، ولولا فاطمة لما خلقتكما)<sup>(۱)</sup>. ولهذا قدم حرف الزهراء (عليها السلام) الـ (ا) على حرف علي (ع) الـ (ل) وعلى حرف محمد (ص) الـ (م)، فالتقديم في هذا المقام لبيان أن (لولا فاطمة لما خلقتكما) أي لولا الآخرة والتي فيها المعرفة الحقيقية، فلولا المعرفة لما خلق الخلق فالله خلقهم ليعرفوا ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>(۲)</sup>.

الف: یعنی فاطمه زهرا (ع) «الف» اصل و پایه‌ی حروف و نخستین آنها و اولین چیزی است که بعد از نقطه به وجود آمده است، و سایر حروف نیز از آن ترکیب می‌یابند؛ و این، حرف فاطمه زهرا (ع) است که

۱- مستدرک سفینه البحار: ج ۳ ص ۳۳۴.

۲- الذاریات: ۵۶.

پیامبر (به نقل از خدای سبحان در مورد او فرموده است: (ای احمد! اگر تو نبودی، آسمان‌ها را خلق نمی‌کردم، و اگر علی نبود تو را خلق نمی‌کردم، و اگر فاطمه نبود شما دو تن را خلق نمی‌نمودم)<sup>(۱)</sup>. بنابراین در این مقام، حرف زهرا(ع) یعنی «ا» بر حرف علی یعنی «ل» و بر حرف محمد(ص) یعنی «م» برای بیان «(اگر فاطمه نبود شما دو تن را خلق نمی‌نمودم)» پیشی گرفته است؛ یعنی اگر آخرت که محل تجلی معرفت حقیقی است، وجود نداشت، و اگر معرفت وجود نداشت، مخلوقات آفریده نمی‌شدند؛ خداوند آنها را آفرید تا بدانند و بشناسند: (جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریدم)<sup>(۲)</sup>.

واللام: لعلی(ع)، وإذا كان علي ظاهر الباب وباطنه فاطمة (عليها السلام)، فالتفت إلى أن الـ (ا) والـ (ل) إذا مزجتا فهذه صورتها: (لا) فتكتب الـ (ا) في باطن الـ (ل)، فالـ (ل) هو الظاهر المحيط بالـ (ا)، وهذه هي (لا) الرفض لحاكمية الناس والتي افتتحت بها كلمة التوحيد لا اله إلا الله، وهي نفسها (لا) الثورة الحسينية التي قامت على رفض حاكمية الناس وإقامة حاكمية الله، فلا اله إلا الله أو (لا) الحسين باطنها فاطمة (الرحمة) وطلب هداية الظالمين، وظاهرها علي (القوة) وقتال الظالمين؛ لأن اللام هي ألف مطوي بالقوة، أي أنه يشير إلى قوة الله سبحانه ﴿وَأَلْنَا لَهُ الْهَدِيدَ﴾<sup>(۳)</sup>، وأيضاً باطنها الـ (ا) هو الرحمة بالمؤمنين وظاهرها الـ (ل) هو النعمة على الكافرين بالقائم، وقد عبر عن القائم في بعض الروايات بأنه علي بن أبي طالب أو دابة الأرض، وهي لقب مشترك بين القائم وعلي بن أبي طالب.

لام: متعلق به علی(ع) است، هر چند علی(ع) در ظاهر، در باطن آن. به «ا» و «ل» دقت کن؛ اگر این دو با هم ترکیب شوند، شکل آنها این گونه می‌شود: «لا» یعنی «ا» در باطن «ل» نوشته می‌شود؛ پس «ل» ظاهر و آشکار است و بر «ا» احاطه دارد. این «لا» به معنی رد و نپذیرفتن حاکمیت مردم می‌باشد و همان است که کلمه‌ی توحید یعنی «لا اله الا الله» نیز با آن آغاز می‌شود. این «لا» همان انقلاب حسینی است که بر پایه‌ی نپذیرفتن حاکمیت مردم و برپاداری حاکمیت خدا شکل گرفت. پس «لا اله الا الله» یا «لا» یعنی حسین(ع) که باطن آن فاطمه (رحمت) و طلب هدایت برای ستمگران است و ظاهرش علی (قدرت) و نبرد با ظالمین می‌باشد؛ زیرا لام همان الف پیچیده شده با قدرت است، یعنی به قدرت خداوند سبحان اشاره دارد: (و آهن را برایش نرم کردیم)<sup>(۴)</sup>. همچنین باطن آن «ا» رحمت برای مؤمنان و ظاهرش «ل» نعمت و عذاب برای کسانی است که به قائم کفر ورزیده‌اند.

۱- مستدرک سفینه البحار: ج ۳ ص ۳۳۴.

۲- الذاریات: ۵۶.

۳- سبأ: ۱۰.

۴- سبأ: ۱۰.

در برخی روایات چنین تعبیر شده که قائم، همان علی بن ابی طالب یا «دابة الارض» (جنبنده‌ی زمین) است و این لقب بین قائم و علی بن ابی طالب (ع) مشترک می‌باشد.

والمیم: محمد تکررت (۱۷) مرة في القرآن، والمیم هي قوس الصعود، وهي على شكل واو مقلوبة (و).

میم: محمد (ص) ۱۷ بار در قرآن تکرار شده است. «میم» قوس صعود است و به شکل واو برعکس (و) می‌باشد.

والراء: الحسن (ع).

راء: حسن (ع) است.

والحاء: الحسين (ع).

حاء: حسین (ع) است.

والسين: الإمام المهدي (ع).

و سین: حضرت مهدی (ع) می‌باشد.

یس: أي أن النهاية (س)؛ لأن الياء هنا إشارة إلى النهاية.

یس: یعنی پایان امر «س»، زیرا یاء در اینجا به خاتمه کار اشاره دارد.

والسين تکررت خمس مرات على عدد أصحاب الكساء؛ لأن المهدي (ع) يمثل أصحاب الكساء الخمسة.

سین پنج بار تکرار شده، به تعداد اصحاب کساء چرا که مهدی (ع) بهترین نماینده‌ی پنج تن آل کساء است.

وانظر إلى كلمة التوحيد (لا اله إلا الله) فيها ثلاثة حروف، هي: (الألف واللام والهاء)، وقد عرفت الألف واللام، أما الهاء فهي لإثبات الثابت؛ لأنها الحرف الأول من (هو) الاسم



الأعظم، فالهاء لإثبات الثابت وبيان وجوده ومعرفته وشهوده، والواو لبيان غيبته وعدم إدراكه، فهو سبحانه الشاهد الغائب.

به كلمه‌ی توحید (لا اله الا الله) که در آن سه حرف وجود دارد، بنگر این حروف عبارتند از: «الف»، «لام و هـ». «الف» و «لام» را شناختی؛ و اما «هـ» به معنای اثبات ثابت است زیرا اولین حرف از «هو» اسم اعظم می‌باشد. پس «هـ» برای اثبات ثابت و بیان وجود و معرفت و شهود آن می‌باشد. «واو» نیز بیانگر غیبت او و عدم ادراک او می‌باشد چرا که خدای سبحان شاهد غایب است.

إذن، فالهاء دليل الشهود والمعرفة، وبمحمد(ص) عُرِفَ اللهُ، فمحمد صاحب الفتح المبين (إنا فتحنا لك فتحاً مبيناً)، فهو الهاء؛ لأن به عُرِفَ اللهُ سبحانه، وهو مدينة الكمالات الإلهية.

بنابراین «هـ» دلیل شهود و معرفت است. به وسیله‌ی محمد(ص)، خدا شناخته شده، پس محمد صاحب فتح المبين است: (ما برای تو پیروزی نمایانی را مقرر کرده‌ایم) پس او «هـ» است زیرا به وسیله‌ی او خدای سبحان شناخته شده و او شهر کمالات الهی است.

فالتوحيد بهذه الحروف الثلاثة (أ، ل، هـ) وهي: (فاطمة، علي، محمد).

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ١٤٣٢ هـ

توحيد هم مبتنی بر این حروف سه گانه یعنی «ا»، «ل» و «هـ» است که عبارتند از: «فاطمه، علی و محمد»

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ١٤٣٢ هـ.ق.



پرسش ۵۳۰: آیا در آیه (ثَانِي اثْنَيْنِ.... إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا) ستایشی برا همراه پیامبر(ص) است.

السؤال / ۵۳۰: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على أشرف الخلق محمد وآله الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

سيدي ومولاي قائم آل محمد ويماينهم، السلام عليك وعلى أهل بيتك ورحمة الله وبركاته.

پرسش ۵۳۰: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

و الصلاة و السلام على اشرف الخلق محمد و آله الطاهرين الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً. سرور و مولای من! ای قائم آل محمد و یمانی آنها! سلام و رحمت و برکات الهی بر شما و بر اهل بیت شما باد!

أستميحك عذراً سيدي، ما معنى قوله تعالى: ﴿ثَانِي اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾<sup>(۱)</sup>. وهل صحيح أن ابن أبي قحافة كان مع النبي الكريم(ص) في الغار؟

عذر مرا پذیرا باش سرورم. معنای این آیه چیست: (یکی از آن دو هنگامی که در غار بودند به همراهش می گفت: اندوهگین مباش، خدا با ما است!)<sup>(۲)</sup> و آیا این درست که ابن ابی قحافه در غار همراه پیامبر اکرم(ص) بوده است؟

جزاك الله عن آل محمد أفضل الجزاء. وأرجو أن تعذرنا لما قصرنا في جنب الله وتدعو لنا الله أن يثبت أقدامنا ويغفر لنا سيئاتنا إنه على كل شيء قدير.

۱- التوبة: ۴۰.

۲- توبه: ۴۰.

خداوند از آل محمد برترین جزا را به شما عنایت فرماید. از شما خواهشمندیم بابت کوتاهی در کار خدا، ما را معذور بداری و برای ما دعا نمایی که خداوند گام‌هایمان را استوار بدارد و از گناهان ما درگذرد که او بر هر چیزی توانا است.

والحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: حيدر الموسوي - العراق

(سپاس خدایی را که ما را به این راه رهبری کرد و اگر ما را رهبری نکرده بود راه خویش را نمی‌یافتیم)<sup>(۱)</sup>. و السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

فرستنده: حيدر الموسوي - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً. ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾<sup>(۲)</sup>.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. (اگر شما یاریش نکنید، آن‌گاه که کافران بیرونش کردند خدا یاریش کرد، یکی از آن دو به هنگامی که در غار بودند به همراهش می‌گفت: اندوهگین مباش، خدا با ما است. خدا به دلش آرامش بخشید و با لشکرهایی که شما آن را نمی‌دیدید تاییدش کرد، و کلام کافران را پست گردانید، زیرا کلام خدا بالا و خداوند پیروزمند و حکیم است)<sup>(۳)</sup>.

۱- اشاره به قسمتی از آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی اعراف (مترجم).

۲- التوبة: ۴۰.

۳- توبه: ۴۰.

هذه الآية ليس فيها مدح لمن رافق النبي(ص) في الغار بل فيها ذم واضح لمن رافق النبي(ص)، فالسكينة في هذه الواقعة نزلت فقط على الرسول ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ﴾، والملائكة جنود الله نزلوا لتأييد الرسول فقط ﴿وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا﴾، وهذا يعني إخراج المرافق للرسول(ص) من ربة الإيمان؛ لأن السكينة قد نزلت على بعض المسلمين أو المؤمنين في مواضع أخرى كان فيها كثير من المسلمين مع الرسول(ص) ولم يخصص الرسول(ص) بها، وبهذا علمنا أنه لم يكن في الغار من يستحق التأيد بالسكينة والجنود غير الرسول(ص)، وهذه نصوص قرآنية تبين لك كيف أن السكينة كانت تنزل على الرسول والمؤمنين الذين معه وكيف أن الجنود ينزلون تأييداً للرسول والمؤمنين الذين معه ولم تخصص بالرسول(ص):

این آیه نه تنها برای کسی که همراه پیامبر(ص) در غار بود، مدح و ثنایی به همراه ندارد، بلکه متضمن مذمت و نکوهشی آشکار برای او است. در این رویداد، آرامش فقط بر پیامبر نازل شد (خدا به دلش آرامش بخشید) و فرشتگان که لشکریان خداوند، فقط برای تأیید پیامبر نازل گشتند (و با لشکرهایی که شما آن را نمی‌دیدید تأییدش کرد) و این به معنای خارج شدن فرد همراه پیامبر از دایره‌ی ایمان است؛ زیرا در جاهای دیگر که مسلمانان بسیاری همراه پیامبر(ص) بوده‌اند، آرامش بر گروهی از مسلمانان یا مؤمنان نازل شده و این آرامش فقط به پیامبر(ص) اختصاص نیافته است. بر این اساس دانستیم که در غار، کسی جز پیامبر(ص) شایسته‌ی تأیید به وسیله‌ی آرامش و لشکریان نبوده است. این متون قرآنی به شما نشان می‌دهد که چگونه آرامش بر پیامبر و مؤمنانی که با آن حضرت بوده‌اند فرود آمده است و چگونه لشکریانی برای تأیید پیامبر و مؤمنان همراهش نازل می‌گشته‌اند بدون این که به‌طور انحصاری به پیامبر(ص) اختصاص داشته باشد.

﴿ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾<sup>(۱)</sup>.

(آن‌گاه خدا آرامش خویش را بر پیامبرش و بر مؤمنان نازل کرد و لشکریانی که آنها را نمی‌دیدند فرو فرستاد و کافران را عذاب کرد، و این است کیفر کافران)<sup>(۲)</sup>.

۱- التوبة: ۲۶.

۲- توبه: ۲۶.

﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾<sup>(١)</sup>.

(آن گاه که کافران تصمیم گرفتند که دل به تعصب - تعصب جاهلی - بسپارند، خدا نیز آرامش خود را بر دل پیامبرش و مؤمنان فرو فرستاد و به تقوی الزامشان کرد که آنان به تقوی سزاوارتر و شایسته‌تر بودند و خدا بر هر چیزی دانا است)<sup>(٢)</sup>.

تدبروا هذا الأمر جيداً: في هذه المواضع لما كان هناك مؤمنون مع رسول الله (ص) وهم بعض من كانوا معه (بعض من كانوا معه وليس كلهم) نزلت عليهم السكينة؛ لأنهم يستحقونها، فلو كان الذي في الغار مؤمناً لكان لزاماً أن تنزل عليه السكينة كما نزلت على المؤمنين مع رسول الله في مواضع أخرى.

در این موضوع به دقت تدبر کنید: در این موقعیت‌ها، به همراه پیامبر (ص) مؤمنانی بودند، و این مؤمنان قسمتی از همراهان آن حضرت را تشکیل می‌دادند (برخی از افرادی که همراه حضرت بودند و نه همه‌ی آنها)، زیرا آنها سزاوار چنین چیزی بوده‌اند؛ بنابراین اگر کسی که در غار بود، مؤمن می‌بود، می‌بایست الزاماً آرامش بر او نیز فرود می‌آمد؛ همان‌طور که در سایر موقعیت‌ها بر مؤمنین همراه پیامبر خدا فرود آمده بود.

أما إن كان هناك من يعتقد أن قول الرسول لمرافقه ﴿لَا تَخْزَنُ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ هو مدح للمرافق فهذا شطط من القول، فانظر إلى قوله تعالى: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا حَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾<sup>(٣)</sup>، وهذا يبين لك أن الله مع الكل سواء التفتوا أو لم يلتفتوا ﴿وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ﴾، وهذه حقيقة ثابتة يعرفها المؤمنون الموقنون وبالتالي يتبين أن ذلك الشخص في الغار كان غافلاً ولهذا ذكره الرسول بهذه الحقيقة لعله يعيها، ولكن تكلمت الآية تبين أنه لم يع هذه الحقيقة ولم يلتفت من غفلته ولهذا لم تنزل عليه

١- الفتح: ٢٦.

٢- فتح: ٢٦.

٣- المجادلة: ٧.

السكينة بل نزلت على الرسول فقط، وأيضاً اختص التأييد بالجنود الرسول فقط، في بيان واضح أنه لم يكن هناك مؤمن في الغار غيره(ص).

اگر کسی گمان برد سخن رسول خدا به همراهش (نترس! قطعاً خداوند با ما است) مدحی برای این همراه به شمار می‌رود، در واقع سخنی یاوه بر زبان رانده است. به این فرموده‌ی خدای متعال بنگر: (آیا نمی‌بینی که خدا هر چه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؟ هیچ سه نفر با هم نجوا نکنند مگر آن که خداوند چهارمین آنها و هیچ پنج نفر نباشند مگر آن که خداوند ششمین آنها است و نه کمتر از این هر جا که باشند مگر خدا با آنها است و نه بیشتر از این مگر آن که خدا با آنها است، سپس همه را در روز قیامت به کارهایی که کرده‌اند، آگاه می‌کند زیرا خدا بر همه چیز آگاه است)<sup>(۱)</sup>. این برای شما روشن می‌سازد که خدا با همگان است، چه آنها متوجه بشوند و چه متوجه نشوند: (وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ). این، حقیقت ثابت شده‌ای است که مؤمنان یقین‌دار، آن را می‌دانند؛ بنابراین روشن شد که آن شخص موجود در غار، غافل و ناآگاه بود و پیامبر این حقیقت را برای او گوشزد کرد تا شاید آن را دریابد، ولی باقی مانده‌ی آیه آشکار می‌سازد که او این حقیقت را فرا نگرفته و از غفلت خود بیدار نشده است؛ پس آرامش بر او نازل نشد بلکه فقط بر پیامبر نازل گشته است. همچنین تأیید به وسیله‌ی لشکریان، فقط مختص پیامبر بوده است. به بیان روشن‌تر در غار، به جز پیامبر(ص) مؤمن دیگری وجود نداشته است.

أما وصفه بأنه صاحبه فهذا لا أظن أن عاقلاً يعتبره مدحاً بعد كل ما تقدم، فالرسول صاحب قومه الذين كفروا به ﴿أَوْلَمَ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جِنَّةٍ إِنِ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾<sup>(۲)</sup>.

اما این توصیف که وی یار و مصاحب پیامبر بوده، با توجه به مطالبی که پیشتر گذشت گمان نمی‌کنم هیچ فرد عاقلی آن را مدح و ثنایی به شمار آورد. پیامبر با قوم خود که به او کافر بودند نیز مصاحبت داشته است: (آیا فکر نکرده‌اند که در یارشان نشانی از دیوانگی نیست و او آشکارا بیم دهنده‌ی آنها است؟)<sup>(۳)</sup>.

۱- مجادله: ۷.

۲- الأعراف: ۱۸۴.

۳- اعراف: ۱۸۴.

وقد عبّر القرآن في غير موضع عن الكافر بأنه صاحب المؤمن الذي كان ينصحه: ﴿وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفْرًا﴾<sup>(١)</sup>.

قرآن در بیش از یک موقعیت، به کافری اشاره کرده که یار و همدم فردی مؤمن بوده که او را نصیحت می کرده است:

(حاصل از آن بود، به دوستش که با او گفت‌وگو می کرد گفت: من به مال، از تو بیشتر و به افراد، پیروزترم)<sup>(٢)</sup>.

﴿قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّأَكَ رَجُلًا﴾<sup>(٣)</sup>.

(دوستش که با او گفت‌وگو می کرد گفت: آیا بر آن کس که تو را از خاک و سپس از نطفه بیافرید و به صورت مردی، استوار کرد، کافر شده‌ای؟)<sup>(٤)</sup>.

ففي أحسن الأحوال إن لم تكن تلك النصيحة التي في الغار ﴿إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ كهذه التي في الآيات المتقدمة باعتبار أن كلاهما نصيحة للصاحب وتذكير له بالله ومحاولة لانتزاعه من الغفلة التي هو فيها فإنها لن تكون بأي حال من الأحوال دليلاً على مدح للصاحب فضلاً عن أن تكون منقبة له كما يدعي بعضهم.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ١٤٣٢ هـ

در بهترین حالت، اگر آن نصیحتی که در غار بوده است یعنی: (یکی از آن دو به هنگامی که در غار بودند به همراهش می گفت: اندوهگین مباش! خدا با ما است!) مانند نصیحتی باشد که در آیات فوق‌الذکر گذشت، به این معنی که هر دو نصیحتی برای همراهش و یادآوری خدا به او و تلاشی برای جدا کردن او از غفلتی که در آن فرو رفته است، باشد، به هر حال هیچ دلیلی بر مدح این همراه نیست،

١- الکهف: ٣٤.

٢- كهف: ٣٤.

٣- الکهف: ٣٧.

٤- كهف: ٣٧.

چه برسد به این که بخواهد منقبت و مایه‌ی فخر و مباهاتی برای او باشد (همان‌طور که عده‌ای چنین گمان کرده‌اند).

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ۱۴۳۲ هـ.ق.



### پرسش ۵۳۱: معنای یوم الفصل در ( وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ )

السؤال / ۵۳۱: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين، الحمد لله صلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

السلام عليكم سيدي ومولاي، كل عام وأنتم بخير بمناسبة عيد الفطر.

پرسش ۵۳۱: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، الحمد لله و صلى الله على محمد و آله الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سرور و مولایم! السلام علیکم. به مناسب عيد فطر، سال نو بر شما مبارک باد!

سيدي، سؤالي عن آية من سورة المرسلات: ﴿... فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ﴿ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ﴾ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِتَتْ ﴿ لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ ﴾ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ﴿ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ﴾ وَيُلْ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ... ﴿<sup>(۱)</sup>

سرورم، سؤال من درباره‌ی آیاتی از سوره مرسلات است: (... پس آن‌گاه که ستارگان خاموش شوند \* و آن‌گاه که آسمان بشکافد \* و آن‌گاه که کوه‌ها پراکنده گردند \* و آن‌گاه که فرستاده‌شدگان را وقتی



معين شود \* برای چه روزی معین شود؟ \* برای روز فصل \* و چه دانی که روز فصل چیست؟ \* در آن روز، وای بر تکذیب کنندگان....<sup>(۱)</sup>.

سؤالی عن يوم الفصل .. هل هو إشارة للخروج المبارك، وهل هو من إحدى العلامات، وهل (المكذّبين) إشارة للمكذّبين بكم؟ أرجو بعد إذكم التوضيح.

أرجو المعذرة ... إلى لقاء فأنا في شوق.

المرسل: محمد الصفار

سؤال من دربارهی روز فصل است... آیا این عبارت اشاره‌ای به خروج مبارک است؟ و آیا یکی از علامت‌ها می‌باشد؟ و آیا منظور از «المکذّبین» (تکذیب کنندگان) کسانی هستند که شما را تکذیب می‌کنند؟ با اجازه‌تان، خواهش می‌کنم مطلب را توضیح دهید. معذرت می‌خواهم.... به امید دیدار، که من در آروزی دیدار شما هستم.

فرستنده: محمد الصفار

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً. الرسل أو خلفاء الله في أرضه (ع) قد بلّغوا رسالاتهم وقد أذروا أقوامهم وقد حصل معهم ما حصل من تكذيب وتشريد وقتل ولكن الله سبحانه وتعالى وعدهم بالانتصار لهم ولرسالاتهم ولحقهم المغبون، وهذا الانتصار لهم يكون في مواضع ثلاثة، هي: القيامة الصغرى، والرجعة، والقيامة الكبرى، أو الوقعات الإلهية الثلاث وأولها القيامة الصغرى وهي قيام قائم آل محمد وبعثه للناس.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً. پیامبران و خلفای الهی در زمینش پیام‌های خود را رساندند، اقوام خویش را انذار نمودند و با مواردی رو به رو شدند و از جمله تکذیب و بی‌خانمانی و کشته شدن نصیب آنها شد؛ ولی خدای سبحان به آنها وعده نصرت برای آنها و رسالت‌شان را و حق ناکام مانده آنها را بشارت داد. این پیروزی آنها در سه

موقعیت خواهد بود: قیامت صغری، رجعت و قیامت کبری؛ یا رویدادهای سه‌گانه‌ی الهی که اولین آنها قیامت صغری است که همان قیام قائم آل محمد و فرستادن او به سوی مردم می‌باشد.

قال تعالی: ﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿۱﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿۲﴾ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿۳﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۴﴾ وَأَبْصَرَهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿۵﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿۶﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذِرِينَ ﴿۷﴾﴾<sup>(۱)</sup>.

خدای متعال می‌فرماید: (ما درباره‌ی بندگانی که به رسالت می‌فرستیم، از پیش تصمیم گرفته‌ایم \* که هر آینه آنان خود پیروزند \* و لشکر ما خود غالبند \* پس تا مدتی از آنها روی بگردان \* عاقبتشان را ببین، آنها نیز خواهند دید \* آیا عذاب ما را به شتاب می‌طلبند؟ \* چون عذاب به ساحتشان فراز آید، این بیم داده‌شدگان چه بامداد بدی خواهند داشت!)<sup>(۲)</sup>.

وقال تعالی: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿۳﴾﴾.

و نیز می‌فرماید: (به موسی کتاب دادیم. در آن کتاب اختلاف شد؛ اگر نه حکمی بود که از پیش، از جانب پروردگارت صادر شده بود، میانشان داوری شده بود، و ایشان در آن کتاب سخت در تردیدند)<sup>(۴)</sup>.

﴿وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى ﴿۵﴾﴾.

(اگر نه سخنی بود که پروردگارت پیش از این گفته و زمان را معین کرده بود، عذابشان در این جهان حتمی می‌بود)<sup>(۶)</sup>.

۱- الصافات: ۱۷۱ - ۱۷۷.

۲- صافات: ۱۷۷ - ۱۷۱.

۳- هود: ۱۱۰.

۴- هود: ۱۱۰.

۵- طه: ۱۲۹.

۶- طه: ۱۲۹.

﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضِيَ بَيْنَهُمْ  
وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ﴾<sup>(١)</sup>.

(به موسی کتاب دادیم. در آن کتاب اختلاف شد؛ اگر نه حکمی بود که از پیش از جانب پروردگارت  
صادر شده بود، میانشان داوری شده بود، و ایشان در آن کتاب سخت در تردیدند)<sup>(٢)</sup>.

﴿وَمَا تَقْرُقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًّا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى  
أَجَلٍ مُسَمًّى لَقَضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ﴾<sup>(٣)</sup>.

(از روی حسد و عداوت فرقه فرقه نشدند، مگر از آن پس که به دانش دست یافتند و اگر پروردگار تو  
از پیش مقرر نکرده بود که آنها را تا زمانی معین مهلت است، بر آنها حکم عذاب می‌رفت، و کسانی که  
بعد از ایشان وارث کتاب خدا شده‌اند درباره‌ی آن سخت به تردید افتاده‌اند)<sup>(٤)</sup>.

هذه الآيات إذا تدبرتها تبين لك بوضوح أن انتصار الله للرسول (ع) ولنهجهم الإلهي الذي  
دعوا إليه وهو حاكمية الله مؤجل إلى أن يقوم القائم الذي هو الكلمة التي سبقت من ربك  
والذي هو قائد جند الله الغالبين والذي هو يوم الفصل الأول أي في القيامة الصغرى.

اگر در این آیات بیاندیشی، به وضوح درمی‌یابی که منظور از پیروزی خدا برای فرستاده‌شدگان (ع) و  
برای راه و رسم الهی آنها که دعوت‌کننده به آن هستند، همان حاکمیت خدا است که تا زمانی که قائم  
قیام کند به تأخیر می‌افتد؛ او همان کلمه‌ای است که پروردگار تو از پیش مقرر کرده است؛ او همان  
فرمانده لشکریان پیروز الهی است؛ او همان «یوم الفصل اول» یعنی «قیامت صغری» است.

هذا باختصار، وإذا تحتاجون تفصيلاً أكثر يمكنك أن تسأل وأكون بخدمتكم إن  
شاء الله تعالى.

وفتكم الله وسدد خطاكم. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ١٤٣٢ هـ

١- فصلت: ٤٥.

٢- فصلت: ٤٥.

٣- الشوری: ١٤.

٤- شوری: ١٤.

این به اختصار بود؛ اگر به شرح و تفصیل بیشتری نیاز دارید، می‌توانید بپرسید و ان شاء الله تعالی در خدمت شما خواهیم بود.

خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار سازد!  
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ۱۴۳۲ هـ.ق.



### پرسش ۵۳۲: تفسیر (إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ ...)

السؤال/۵۳۲: السلام علیکم ورحمة الله ..

اللهم صل علی محمد و آل محمد الأئمة و المهديين وسلم تسليماً.

سیدی و امامی و مولای یا قائم آل محمد علیک سلام الله، نرجو تفسیر هذه الآیة ولو إجمالاً.

پرسش ۵۳۲: السلام علیکم و رحمة الله.... اللهم صل علی محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

سرور، امام و مولای من، ای قائم آل محمد، سلام خدا بر تو باد! خواهشمندیم این آیات را هرچند به اختصار تفسیر فرمایید.

ما تفسیر قوله تعالى: ﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾<sup>(۱)</sup>.

المرسل: حسین التمیمی - العراق

تفسير این آیه چیست: (علم زمان «ساعت» تنها نزد خدا است و او است که باران را می باراند و از آن چه در رحمها است آگاه است و هیچ کس نمی داند که فردا چه چیز به دست خواهد آورد و کسی نمی داند که در کدام زمین خواهد مرد. خداوند دانا و آگاه است)<sup>(۱)</sup>.

فرستنده: حسین التیمی - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً  
كثيراً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

﴿إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَبِيرٌ﴾، هذه الآية يبين فيها الله سبحانه وتعالى أن علم الغيب عنده وأن أرزاق العباد وحياتهم على هذه الأرض بيده وهو يجريها كيف يشاء سبحانه وتعالى؛ لأنه عليم وخبير بما يصلح حياة الناس الدنيوية ولما فيه خير آخرتهم، وليس أن هذه أمور تخصه سبحانه ولا يمكن أن يُطلع سبحانه بعض عباده عليها، بل هو سبحانه يمكن أن يطلع بعض عباده على ما يشاء من الغيب سواء بالأسباب المادية أم الغيبية، بل ويمكن أن يجعل بأيديهم ما يشاء من المصالح الدنيوية والأخروية ويتصرفون بها بحوله وقوته سواء بالأسباب المادية أم بالغيبية

(علم زمان «ساعت» تنها نزد خدا است و او است که باران را می باراند و از آن چه در رحمها است آگاه است و هیچ کس نمی داند که فردا چه چیز به دست خواهد آورد و کسی نمی داند که در کدام زمین خواهد مرد. خداوند دانا و آگاه است). این آیه بیان می دارد که خدای سبحان دارنده ی علم غیب و رزق بندگان و زندگی آنها بر روی این زمین به دست او است و حضرتش هر گونه که بخواهد آنها را جاری می سازد؛ زیرا وی به صلاح زندگی دنیوی مردم و آن چه که خیر آخرتشان در آن است، دانا و آگاه می باشد. البته چنین نیست که این امور فقط منحصر به خدای سبحان باشد، و این امکان منتفی نیست که خداوند، برخی بندگان را بر قسمتی از اینها مطلع گرداند؛ بلکه ممکن است حق تعالی برخی بندگان را بر آن



پرسش ٥٣٣: بسم الله و صلوات بر سيد ما محمد و خاندان آن حضرت.  
 من پس از مطالعه‌ی اغلب تفاسیر معتبر، نتوانسته‌ام تفسیر کافی و قانع‌کننده‌ای که شک و گمان و  
 حدس در آن راه نداشته باشد درباره‌ی تفسیر سوره «عبس» بیابم؛ لذا آن را از شما تقاضا می‌کنم.  
 و السلام

فرستنده: الشراذی یاسر - مراکش

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفتكم الله لكل خير، إن كنت تقصد من هو الذي عبس في قوله تعالى: ﴿عَبَسَ  
 وَتَوَلَّىٰ ۖ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ ۖ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّىٰ ۖ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَىٰ ۖ أَمَّا مَنِ  
 اسْتَغْنَىٰ ۖ فَإِنَّ لَهُ تَصَدَّىٰ ۖ وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ۖ وَأَمَّا مَنِ جَاءَكَ يَسْعَىٰ ۖ وَهُوَ يَخْشَىٰ ۖ  
 فَإِنَّ عَنْهُ تَلَهَّىٰ﴾<sup>(١)</sup>

خداوند شما را بر هر خیری موفق گرداند! شاید می‌خواهی بدانی در این آیات چه کسی روی ترش  
 کرده است: (روی ترش کرد و سر برگردانید\* چون آن نابینا به نزدش آمد\* و تو چه دانی، شاید که او  
 پاکیزه شود\* یا پند گیرد و پند تو سودمندش افتد\* اما آن که او توانگر است\* تو روی خود به سوی او  
 می‌کنی\* و اگر هم پاک نگردد چیزی بر عهده‌ی تو نیست\* و اما آن که دوان دوان به نزد تو می‌آید\* و  
 می‌ترسد\* تو از او به دیگری می‌پردازی)<sup>(٢)</sup>.

عبس: فالذي عبس هو عثمان بن عفان، فقد كان عند رسول الله (ص) وجاء ابن أم  
 مكتوم الأعمى فقدمه رسول الله (ص) على عثمان وقربه يحادثه فعبس عثمان وتولى عنه  
 تكبراً على هذا الأعمى كما أخبر تعالى: ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ ۖ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ ۖ وَمَا يُدْرِيكَ  
 لَعَلَّهُ يَزَّكَّىٰ ۖ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَىٰ﴾.

١- عبس: ١-١٠.

٢- عبس: ١٠-١.

«عبس» (روی ترش کرد): کسی که روی ترش کرد عثمان بن عفان بود. وی نزد رسول خدا(ص) حضور داشت که ابن ام‌مکتوم نابینا آمد؛ حضرت او را بر عثمان مقدم داشت، نزدیک خود جای داد و با او سخن گفتن آغاز کرد. عثمان روی درهم کشید و متکبرانه به آن نابینا پشت کرد، همان‌طور که خدای متعال خبر داده است: (عَبَسَ وَتَوَلَّى \* أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى \* وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى \* أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى).

ثم بين الله لعثمان سوء فعلته وما انطوت عليه نفسه من التكبر، بأنه عندما يأتي فيما سبق شخص له جاه ومكانه يتصدى له حتى لو كان من المعرضين عن دعوة رسول الله والمتكبرين على رسول الله(ص) ودون أن يطلب أحد منه هذا: ﴿أَمَّا مَنْ اسْتَعْنَى \* فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى \* وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى﴾.

سپس خداوند عمل ناپسند عثمان و تکبری که درونش لانه کرده بود را بیان فرمود؛ به این ترتیب که وقتی کسی می‌آید که در گذشته جاه و مقامی داشته بود، عثمان روی به سوی او می‌کند حتی اگر وی از کسانی باشد که از دعوت پیامبر خدا روی گردانده و بر رسول خدا(ص) تکبر پیشه نموده باشد، بدون این که کسی از او چنین چیزی خواسته باشد: (أَمَّا مَنْ اسْتَعْنَى \* فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى \* وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّى).

وبين الله لعثمان بن عفان ولن هم مثله ويتصرفون كتصرفه أن الأولى بكم أن تقيّموا الإنسان على أساس طلبه للحق وعلى أساس خوفه من الله لا على أساس جاهه ومكانته وما يملك ﴿وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى \* وَهُوَ يَخْشَى \* فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى﴾

خداوند برای عثمان بن عفان و کسانی که همانند او هستند و مثل او رفتار می‌کنند، روشن ساخته است که سزاوار است انسان را براساس حق جوئی‌اش و براساس میزان ترسش از خدا ارزشیابی کنند، نه براساس مقام و منزلتش و آن چه که مالک آن است: (وَأَمَّا مَنْ جَاءَكَ يَسْعَى \* وَهُوَ يَخْشَى \* فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهَّى).

فابن أم مكتوم رغم عماه جاء يسعى إلى هذا المجلس المبارك والذي هو مجلس رسول الله(ص) ومجلس المسلمين فالمفروض أن تفرح يا عثمان به، والمفروض أن تقدمه أنت على نفسك؛ لأنه إنسان أعمى، لا أن تعبس في وجهه وتتولى عنه؛ لأن رسول الله(ص) قدّمه.



ابن أم مكتوم با آن که نابینا بود، دوان دوان به سوی این مجلس مبارک یعنی مجلس رسول خدا(ص) و مجلس مسلمین شتافت، پس تو ای عثمان می بایست خوشحال می شدی و او را بر خوبستن مقدم می داشتی، چرا که وی نابینا بود، نه این که چون پیامبر خدا(ص) او را مقدم داشته بود، در چهره اش اخم کنی و از او روی برگردانی.

هذا مختصر لمعنى هذه الآيات.

این معنای مختصری از این آیات بود.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ١٤٣٢ هـ

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ١٤٣٢ هـ.ق.



**پرسش ٥٣٤: چگونه خدا عزوجل پیامبر(ص) را از مسخره کنندگان کفایت می کند؟**

السؤال / ٥٣٤: بسم الله الرحمن الرحيم .. اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

يقول الله تعالى في القرآن الكريم: ﴿إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ﴾<sup>(١)</sup>، ما هو شكل الكفي هنا، علماً أن رسول الله(ص) والأئمة عانوا بشدة من المستهزئين وإلى اليوم وكما هو واضح من استهزاء الناس بالإمام الحجة ووصيه عليهم صلوات الله وسلامه وتحياته.

فهل تم تطبيق الآية أم لم يأت تأويلها بعد؟

المرسل: أبو يوسف - العراق

پرسش ۵۳۴: بسم الله الرحمن الرحيم....

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.  
خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: (ما مسخره‌کنندگان را از تو باز می‌داریم)<sup>(۱)</sup>. «کفایت» در اینجا چه صورتی دارد؟ با توجه به این که پیامبر خدا(ص) و ائمه تا به امروز از دست مسخره‌کنندگان بسیار رنج کشیده‌اند. همان‌طور که استهزاء مردم به حضرت حجت و وصی او(ع)، آشکار است. آیا این آیات عملی شده یا این که زمان تاویل آنها هنوز فرا نرسیده است؟

فرستنده: ابویوسف - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
كفاه الله تأثيرهم وتأثير استهزائهم على الرسالة ووصولها إلى الناس وإيمان الناس بها، قال تعالى: ﴿فَأَصْدَعُ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضُ عَنِ الْمُشْرِكِينَ \* إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ﴾<sup>(۲)</sup>، أي أنت بلغ ولا تهتم بهؤلاء المعاندين المستهزئين فلن يكون لأفعالهم ولإشكالاتهم السفيهية أثر على وصول الرسالة الإلهية إلى حيث يشاء الله سبحانه.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.  
خداوند تاثیر آنها و تاثیر استهزای آنها بر رسالت، رسیدن رسالت به مردم و گرویدن مردم به آن را کفایت کرده است. حق تعالی می‌فرماید: (به هر چه مأمور شده‌ای صریح و بلند بگو و از مشرکان رویگردان باش \* ما مسخره‌کنندگان را از تو باز می‌داریم)<sup>(۳)</sup>. یعنی تو ابلاغ کن و به این معاندين مسخره‌گر توجهی نداشته باش، که کارها و ایرادهای نابخردانه‌ی آنها نمی‌تواند بر رسیدن رسالت الهی به آنجا که خدای سبحان اراده فرموده است، تاثیرگذار باشد.

والله سبحانه وتعالى يرسل ملائكته فيثبتون المؤمنين ويدفعون عنهم وسوسة إبليس  
واستهزاء السفهاء وإشكالاتهم، وربما شاء الله أن يهلك بعض هؤلاء السفهاء أو يبتليهم  
بما يشغلهم عن الاستهزاء بالدعوة الإلهية، وربما جعلهم عبرة لغيرهم والحمد لله.

۱- حجر: ۹۵.

۲- الحجر: ۹۴-۹۵.

۳- حجر: ۹۴-۹۵.

## والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ١٤٣٢ هـ

خداوند سبحان فرشتگان خود را گسیل می‌دارد و آنها مؤمنان را ثبات و استقامت می‌بخشند و وسوسه‌ی ابلیس و ریشخند و ایرادگیری کم‌خردان را از آنها دور می‌گردانند. چه بسا خداوند برخی از این سفیهان را به هلاکت برساند یا آنها را به چیزی مبتلا سازد که از مسخره کردن دعوت الهی، مشغول و سرگرم‌شان سازد، و چه بسا آنها را عبرتی برای سایرین قرار دهد. و الحمد لله. و السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ١٤٣٢ هـ.ق.



### پرسش ٥٣٥: تفسیر آیه (لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ)

السؤال / ٥٣٥: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

أرجو منكم تفسیر قوله تعالى: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿١﴾ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿٢﴾، ومن هم المؤمنین المقصودین فی هذه الآية؟

المرسل: أحمد الواسطي - العراق

پرسش ٥٣٥: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

از شما خواهش می‌کنم این آیه را تفسیر فرمایید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (خدا از مؤمنان آن هنگام که زیر درخت با تو بیعت کردند خوشنود گشت، و دانست که در دلشان چه می‌گذرد، پس آرامش را بر آنها نازل کرد و به فتحی نزدیک پاداش‌شان داد)<sup>(١)</sup>. منظور از مؤمنین در این آیه چه کسانی است؟

فرستنده: احمد الواسطي - عراق

الجواب: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ .. وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَتْمَةِ وَالْمَهْدِیْنَ وَسَلَامٌ تَسْلِیْمًا.

پاسخ: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ...

والحمد لله رب العالمین، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمه و المهديين و سلم تسليماً.

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾<sup>(۱)</sup>.

(خدا از مؤمنان آن هنگام که زیر درخت با تو بیعت کردند خوشنود گشت، و دانست که در دلشان چه می‌گذرد، پس آرامش را بر آنها نازل کرد و به فتوحی نزدیک پاداششان داد)<sup>(۲)</sup>.

﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾<sup>(۳)</sup>.

(از آن گروه نخستین از مهاجران و انصار که پیش قدم شدند و آنانی که به نیکی از آنها تبعیت کردند، خدا خوشنود است و ایشان نیز از خدا خوشنودند، برای آنها بهشت‌هایی که در آنها نهرها جاری است و همیشه در آنجا خواهند بود، آماده کرده است، این است کامیابی بزرگ)<sup>(۴)</sup>.

الآيتان أعلاه كلاهما في حاكمية الله وبيان رضى الله عن يبايعون خليفة الله في أرضه في زمانهم، ومدحهم بسبب هذا الفعل المبارك وليس كما يفهمها بعض السنة بصورة مقلوبة فيعتقدون أن فيهما تزكية لكل من حضر البيعة وإن فعل ما فعل بعدها.

آیات فوق، هر دو درباره‌ی حاکمیت الهی و بیان خوشنودی خدا از کسانی است که با خلیفه‌ی خدا بر زمینش در زمان خودشان بیعت می‌کنند. این آیات آنها را به دلیل این کار مبارک، مدح و ثنا گفته است، و این گونه نیست که برخی اهل سنت آنها را وارونه فهمیده‌اند و معتقدند این دو آیه، تزکیه‌ای

۱- الفتح: ۱۸.

۲- فتح: ۱۸.

۳- التوبة: ۱۰۰.

۴- توبه: ۱۰۰.

برای تمام کسانی است که در بیعت حاضر شدند، حتی اگر پس از آن، هر کاری انجام دهند، مشابه آن چه که بعد از آن انجام دادند!

فَقَوْلُهُ تَعَالَى: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾ هو مدح المبايعين حال مبايعتهم وإن الله رضي عنهم لمبايعتهم لخليفته في أرضه في زمانهم، فالرضا مشروط بالبيعة لخليفة الله في أرضه محمد (ص) ﴿إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾ فرضى الله عنهم؛ لأنهم بايعوا خليفة الله في أرضه في زمانهم، فلو أنهم ارتدوا عن هذا القانون الإلهي وهو مبايعة خليفة الله في زمانهم فلا رضى عنهم بل سينقلب الأمر إلى سخط الله عليهم، ولهذا فالمفروض على من بقوا أحياء بعد محمد (ص) أن يبحثوا عن خليفة الله ويبايعوه ليدوم إيمانهم ووفائهم بالعهد والميثاق ولا يكونوا قد انقلبوا على قانون التنصيب الإلهي المذكور في القرآن بكل وضوح: ﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾<sup>(١)</sup>، ولتنطبق عليهم الآية القرآنية بعد وفاة محمد (ص) أيضاً ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ﴾.

این سخن خداوند متعال: (خدا از مؤمنان آن هنگام که زیر درخت با تو بیعت کردند خوشنود گشت، و دانست که در دلشان چه می‌گذرد، پس آرامش را بر آنها نازل کرد و به فتحی نزدیک پاداش شان داد)، مدح و ستایش بیعت کنندگان در هنگام بیعت است و این که خداوند به خاطر بیعت آنها با خلیفه اش در زمینش در زمان خودشان، از ایشان راضی و خوشنود است. این رضایت مشروط به بیعت با خلیفه‌ی خدا در زمینش در زمان آنها (حضرت محمد (ص)) می‌باشد؛ زیرا آنها با خلیفه‌ی خداوند در زمان خودشان بیعت کردند و اگر آنها از این قانون الهی، یعنی بیعت با خلیفه‌ی خدا در زمان شان روی برتابند نه تنها خدا از آنها راضی نیست بلکه قضیه دگرگون و به خشم و غضب خدای سبحان منجر می‌شود. بنابراین کسانی که پس از محمد (ص) زنده ماندند، وظیفه داشتند که به جست و جوی خلیفه‌ی الهی درآیند و با او بیعت کنند، تا ایمان آنها و نیز وفایشان به عهد و پیمان استمرار یابد و جزو کسانی نباشند که بر قانون تعیین حاکم از سوی خدا که در قرآن به روشنی تمام ذکر شده است پشت پا بزنند و آن را واژگونه سازند: (و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین خلیفه‌ای می‌آفرینم)<sup>(٢)</sup> و همچنین برای آن که این

١- البقرة: ٣٠.

٢- بقره: ٣٠.

آیه‌ی قرآن پس از وفات حضرت محمد (ص) نیز بر آنها منطبق باشد: (خدا از مؤمنان آن هنگام که با تو بیعت کردند خوشنود گشت).

قال تعالی: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾<sup>(۱)</sup>. وأقل ما يفهم بجلاء من هذه الآية أن الرضى في الآية المتقدمة إنما هو رضى مشروط بالبيعة ودوامها والوفاء بعهد الله لا بالبيعة فقط ﴿فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾، وبالتالي فلا رضى مطلق ولا رضى أبدي ولا رضى دائم، بل هو رضى متعلق بحدث معين ومشروط، فلا بد أن يوصل الوفاء بالعهد، ولا بد أن يوصل عدم نقض الميثاق وهذا لا يتحقق بعد وفاة خليفة الله السابق إلا ببيعة الخليفة اللاحق ليكون المبايع أوفى بالعهد ولم ينقض الميثاق حقاً.

حق تعالی می‌فرماید: (آنان که با تو بیعت می‌کنند جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند، دست خدا بالای دست‌هایشان است و هر که بیعت بشکند، به زیان خود شکسته است و هر که به آن بیعت که با خدا بسته است وفا کند، او را پاداشی عظیم دهد)<sup>(۲)</sup>. حداقل چیزی که از این آیه به وضوح فهمیده می‌شود این است که خوشنودی در آیه‌ی مزبور، مشروط به بیعت و استمرار بخشیدن به آن و نیز وفا به عهد الهی است، و نه فقط به بیعت صرف: ﴿فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾ و به تبع، هیچ خوشنودی مطلق، ابدی و دائمی در کار نیست بلکه خوشنودی، متعلق به رویدادی معین و مشروط می‌باشد، و الزاماً باید به وفای به عهد متصل شود، و حتماً باید به عدم نقض پیمان اتصال یابد و پس از وفات خلیفه‌ی پیشین خدا، این خوشنودی محقق نمی‌شود مگر از طریق بیعت با خلیفه‌ی بعدی، تا به این ترتیب، بیعت کننده به عهد خود وفا کرده و ميثاق حقیقی را نقض ننموده باشد.

قال تعالی: ﴿أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَٰئِكَ الْأَبَابِ ﴿الَّذِينَ يُؤْفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ﴾ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ

۱- الفتح: ۱۰.

۲- فتح: ۱۰.

وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ❖ ..... وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿١﴾.

خدای متعال می فرماید: (آیا کسی که می داند آن چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده حق است، همانند کسی است که نابینا است؟ تنها خردمندان پند می گیرند \* کسانی که به عهد خود وفا می کنند و خود پیمان را نمی شکنند \* آنان که آن چه را خدا به پیوستن آن فرمان داده است، پیوند می دهند و از پروردگارشان می ترسند و از سختی بازخواست خدا بیمناک اند \* .... و آنان که پیمان خدا را پس از استوار کردنش می شکنند و آن چه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده است، می گسلند و در زمین فساد می کنند، لعنت بر آنها است و بدی های آن جهان نصیب شان باد!) (۲).

قوله تعالى: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾. هذه الآية دليل على استمرار خلافة الله في أرضه بعد رسول الله (ص)، فالمراد باتباع المهاجرين والأنصار ليس بأشخاصهم؛ لأنهم غير معصومين، ولا بأفعالهم جميعاً، فأكد أن من أفعالهم ما هو مذموم أشد الذم ويجب اجتنابه، كعبادة بعضهم للأصنام قبل الإيمان، وشرب بعضهم للخمر بعد الإيمان، وبالتالي المراد هنا اتباعهم في أهم أمر أسبغ عليهم هذه الأسماء - السابقون الأولون المهاجرين والأنصار - وهو إيمانهم بمحمد (ص) باعتباره حجة الله في زمانهم وخليفة الله في أرضه، فهم ممدوحون بلحاظ فعلهم وهو الإيمان بحجة الله في زمانهم وسبقهم للإيمان به وليس لهم فضل على من يُخلق بعدهم؛ لأن سبقهم إنما يكون على أهل زمانهم، فمدحهم - باعتبارهم سابقين - هو مقارنة بأهل زمانهم؛ لأن تفضيلهم على من يُخلق بعدهم من القرون مطلقاً هو ظلم لمن تأخروا عنهم، بل قول يخالف العدل الإلهي وفطرة الإنسان التي فطر عليها وتؤهله دائماً وأبداً أن يكون من خيرة الخلق ويتقدم على من سبقوه، ومن الطبيعي أنك تقول عن شخصين موجودين في زمن النبي محمد (ص) وآمنا به واحد تلو الآخر أنّ فلان سبق فلان للإيمان بمحمد (ص)، ولكن غير صحيح أن تقول عن شخصين خُلقا في زمانين مختلفين أن فلان سبق فلان للإيمان بمحمد (ص)؛ لأن أحدهما تقدم على الآخر في الوجود في هذا العالم، سواء كان أحدهما في

١-العدد: ١٩-٢٥.

٢-عدد: ٢٥-١٩.

زمن الرسول أو أن كلاهما متأخران عن زمنه(ص)، وذلك لأن السبق الممدوح إنما يكون عن منافسة، وتقدم بالعمل والإخلاص على الآخرين وليس مجرد تقدم زمني.

همچنین می‌فرماید: (از آن گروه نخستین از مهاجرین و انصار که پیش قدم شدند و آنان که به نیکی از پی آنان رفتند، خدا خوشنود است و ایشان نیز از خدا خوشنودند، برایشان بهشت‌هایی که در آنها نهرها جاری است و همیشه در آنجا خواهند بود آماده کرده است، این است کامیابی بزرگ)<sup>(۱)</sup>. این آیه بر استمرار خلافت خدا بر زمینش پس از رسول الله(ص) دلالت دارد. منظور از پیروی مهاجرین و انصار، خود شخص آنها نیست زیرا ایشان معصوم نیستند؛ همچنین مراد، همه‌ی کارهای آنها نیست زیرا به‌طور یقین، برخی از اعمال و کردارهای آنها بسیار بسیار مذموم و دوری جستن از آنها الزامی است؛ مثلاً برخی از آنها قبل از ایمان آوردن بت می‌پرستیدند و گروهی بعد از ایمان آوردن شرب خمر می‌کردند. لذا در اینجا مراد از پیروی از آنها، پیروی از مهم‌ترین چیزی است که ایشان را شایسته‌ی دریافت این اسامی. السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ- کرده است، که همان گرویدن‌شان به محمد(ص) بوده، به این اعتبار که آن حضرت، حجت خدا در زمان آنها و خلیفه‌ی خدا در زمینش بوده است. آنها به خاطر کردارشان یعنی به جهت ایمان آوردن به حجت الهی در زمانشان و سبقت جستن در گرویدن به او مورد ستایش‌اند؛ این عده بر کسانی که پس از آنها آفریده می‌شوند فضل و برتری ندارند، زیرا پیشی گرفتن آنها بر اهل زمان خودشان مصداق دارد و لذا مدح شدن آنها به اعتبار پیش قدمی‌شان در قیاس با اهل زمان خودشان است؛ چرا که برتری دادن مطلق آنها بر کسانی که قرن‌ها پس از آنها خلق می‌شوند، ستمی است به متاخران نسبت به آنها. حتی این کلامی است که با عدل الهی و فطرت انسان که بر آن آفریده شده است سر ناسازگاری دارد و (به ناروا) این شایستگی را به آنها می‌دهد که به‌طور دائم و ابدی جزو برترین خلائق باشند و بر اسلاف خود، برتری یابند. طبیعی است که شما درباره‌ی دو نفر که در زمان حضرت محمد(ص) بوده‌اند و یکی پس از دیگری ایمان آورده، بگویی فلانی در ایمان آوردن به محمد(ص) بر آن یکی سبقت جسته است، ولی درست نیست که درباره‌ی دو نفر که در دو زمان مختلف به وجود آمده‌اند بگویی فلانی در گرویدن به حضرت محمد(ص) بر آن دیگری پیش افتاده است؛ زیرا یکی از این دو، بر آن یکی در پدیدار شدن در این عالم سبقت گرفته است؛ چه یکی از این دو در زمان پیامبر بوده باشد و یا هر دو پس از زمان آن حضرت آمده باشند. پیشی گرفتن از آن دو مورد ستایش بوده است که بر اساس رقابت و پیشی گرفتن در عمل و اخلاص ورزیدن نسبت به دیگران بوده و نه این که صرفاً به خاطر تقدم زمانی باشد.



وبالتالي فالمراد من قوله تعالى: ﴿وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ هو اتباعهم في الإيمان بخليفة الله في كل زمان، فالذين اتبعوهم بإحسان هم كل أناس يؤمنون بخليفة الله في زمانهم وينصرونه إلى يوم القيامة، وأيضاً هم لهم فضلهم بحسب سبقهم وعملهم وإخلاصهم فهذه الصفة (السابقين) لا تنتهي، بل ولا تنتهي أيضاً صفة الهجرة والنصرة إلى يوم القيامة، فالتابعين ليسوا نفر في القرن الأول أو الثاني أو الثالث، بل التابعين هم الفرقة الناجية إلى يوم القيامة.

بنابراین منظور از آیه‌ی: (و آنان که به نیکی از پی‌شان رفتند، خدا خوشنود است و ایشان نیز از خدا خوشنودند، برایشان بهشت‌هایی که در آنها نهرها جاری است و همیشه در آنجا خواهند بود آماده کرده است، این است کامیابی بزرگ) ، عبارت است از پیروی آنها در گرویدن به خلیفه‌ی خدا در هر زمان. کسانی که به نیکی از پی‌شان رفتند، تمام انسان‌هایی هستند که به خلیفه‌ی الهی در زمانشان ایمان می‌آورند و او را یاری می‌کنند، تا روز قیامت! و آنها نیز بر اساس پیشی گرفتن و کردار و اخلاصی که دارند از فضیلت برخوردارند. لذا این صفت «السابقون» (پیشی‌گرفتنگان) انتهایی ندارد، حتی صفت «مهاجرت» و یاری رساندن نیز تا روز قیامت بی‌انتهاست. «تابعین» فقط به چند نفر در قرن اول، دوم یا سوم گفته نمی‌شود بلکه تابعین گروه نجات‌یافتگان (فرقه‌ی ناجیه) هستند، تا روز قیامت.

وأما القول بأنهم نفر معين محصور بقرن أو قرنين أو ثلاثة فهو ظلم وإجحاف لحق المؤمنين في الأزمنة المتأخرة، الذين ربما يكونون أفضل من الأوائل بإخلاصهم.

اما این ادعا که تابعین تنها به چند تن مشخص و محدود به قرن اول، دوم یا سوم اطلاق می‌شود، ظلم و اجحاف در حق مؤمنانِ زمان‌های متأخر است؛ کسانی که چه بسا به خاطر اخلاصی که دارند، از دسته‌های اول نیز برتر و بافضیلت‌تر باشند.

فالسابقون الأولون من المهاجرين والأنصار صفة للمخلصين المؤمنين بخليفة الله في كل زمان، فهم مع محمد(ص) من آمنوا به وكل له فضله بحسب سبقه وعمله وإخلاصه، وهم مع علي(ع) أيضاً، وهكذا فالأمر مستمر ولكل زمان سابقون أولون مهاجرون وأنصار.

گروه نخستین از مهاجرین و انصار که پیش‌قدم شدند، صفت کسانی است که مخلصانه به خلیفه‌ی خدا در هر زمان ایمان می‌آورند. لذا اینها همراه محمد(ص) هستند؛ یعنی جزو همان کسانی که به آن

حضرت گرویدند. برتری هر کس براساس میزان پیش‌قدمی، عمل و اخلاصش تعیین می‌شود. اینها با حضرت علی(ع) نیز هستند، و این موضوع هم‌چنان استمرار دارد، و هر زمانی دارای (السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ) است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ۱۴۳۲ هـ

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ۱۴۳۲ هـ.ق.



**پرسش ۵۳۶: آیا صحت دارد که فقط چهار زن به کمال رسیدند؟**

السؤال / ۵۳۶: إلى سيدي وابن إمامي السيد الإمام أحمد الحسن حفظه الله وسدد خطاه.. السلام عليكم يا آل بيت رسول الله ومعدن العلم ومنبع الرحمة.

پرسش ۵۳۶: به سرورم و فرزند امامم، سید امام احمد الحسن(ع) که خداوند حفظش کند و گام‌هایش را استوار سازد!.... سلام بر شما ای خاندان پیامبر خدا و معدن علم و منبع رحمت!

سيدي، جئتک بسؤال لطالما حير فكري وأخذ مني الوقت الكثير والجهد فلم أصل إلى جواب ولم أصب المعنى، ألا وهو يا سيدي: لماذا فقط كمل من النساء أربع!!! السيدة مريم، والسيدة آسيا، والسيدة خديجة، والسيدة الطاهرة المعظمة مولاتي الزهراء صلوات ربي عليها.

سرورم! با پرسشی به سوی شما آمده‌ام که مدت‌ها است اندیشه‌ام در آن سرگردان شده و وقت و تلاش بسیاری از من گرفته است ولی به پاسخی دست نیافته و به معنایش نرسیده‌ام. سرورم: چرا فقط چهار زن به مراحل بالای کمال رسیده‌اند: سیده مریم، سیده آسیه، سیده خدیجه و سیده‌ی طاهره‌ی معظمه مولایم زهرا(ع)؟

هلا سيدي أخبرتني وأنت ابنها وحبیبها بشکل علمی وعقائدي حتی ارجع لأصحابي فرحاً مسروراً بالإجابة إئتني من مصدر العلم وابن النبي الأعظم صلوات ربي عليه؟؟  
سرورم! شما که پسر و حبیب او هستی، به گونه ای علمی و عقیدتی مرا مطلع گردان تا با پاسخی که از منبع علم و از پسر پیامبر اعظم (ص) آمده است، خوشحال و شادمان نزد اصحابم برگردم.

أنتظرک سيدي وکلي شوقاً للقائك وخدمتك والفوز بشرف الجهاد تحت رايتك..  
حفظکم وسددکم ورعاکم وأيدکم رب الأرباب ومسبب الأسباب، ودمتم بعناية الرحمن الرحيم محتجبين.

المرسل: السيد الإمام - الخلیج

منتظرت هستم، سرورم! و بسیار مشتاقم به ملاقات با شما و خدمت نمودن به شما و فائز شدن به شرف جهاد زیر پرچم شما.... رب الارباب و مسبب الاسباب شما را حفظ فرماید، توفیق دهد، محافظت نماید و تایید کند! و همواره با عنایت الرحمن الرحيم، پوشیده و در امان باشید.

فرستنده: سيد امام - خليج

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم .. والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

مسألتاً أنه كمل من النساء فقط أربعة غير صحيحة، والصحيح أن لكل إنسان بحسب علمه وإخلاصه مقاماً عند الله سبحانه وتعالى سواء كان هذا الإنسان رجلاً أو امرأة، أما فضل إنسان معين وأنه أفضل من كل الناس الذين سبقوه أو أفضل أهل زمانه أو حتى أفضل من كل الناس فهذا لا يثبت إلا بنص الله سبحانه وتعالى عليه عن طريق رسله.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم....

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
موضوع انحصار به کمال رسیدن زنان به چهار نفر درست نیست. صحیح آن است که هر انسان طبق علم و اخلاصش، جایگاهی نزد خدای سبحان دارد؛ چه این انسان مرد باشد، چه زن! اما این که برتر خواندن یک انسان معین و این که او از تمام انسان های پیش از خود برتر یا برترین اهل زمان خود است

و یا حتی نسبت به تمام انسان‌ها برتری دارد، فقط و فقط از طریق نص خدای سبحان از سوی فرستادگانش ثابت می‌گردد.

وقد ثبت أن فاطمة سيدة نساء العالمين وبإخبار الرسول (ص) نقلاً عن الله سبحانه علام الغيوب، وقد ثبت أن لمريم وآسيا ولخديجة فضلاً ومقاماً عند الله، ولكن الأمر لا يقتصر على هؤلاء بل هناك الكثير من النساء من لهنّ فضل ومقام عند الله، بل وهناك من هي أفضل من هؤلاء، فزينب (عليها السلام) بنت علي (ع) أفضل نساء العالمين بعد أمها فاطمة (عليها السلام).

از طریق خبررسانی پیامبر (ص) به نقل از خداوند سبحان و دانای غیب‌ها، ثابت شده است که فاطمه (ع) سرور زنان عالمیان (دو جهان) است. همچنین ثابت شده است که مریم، آسیه و خدیجه، فضل و مقامی نزد خداوند دارند ولی قضیه فقط به همین عده منحصر نمی‌شود بلکه زنان بسیاری وجود دارند که نزد خدا مقام و منزلت والایی دارند. حتی بانویی هست که از این عده برتر و بالاتر است: زینب (ع) دختر علی (ع) پس از مادرش فاطمه (ع) برترین زنان جهانیان است.

فكلامك عن كون من له فضل من النساء فقط هؤلاء الأربعة غير دقيق، واعلم أن الباب مفتوح إلى يوم القيامة لكل امرأة لتكون من خيرة نساء العالمين بعملها وإخلاصها.

این سخن شما که زنان بافضیلت فقط همین چهار نفرند، چندان دقیق نیست، و شما بدان که باب به روی تمام زن‌ها تا روز قیامت گشوده است تا با عمل و اخلاص‌شان بتوانند جزو برترین زنان دو عالم شوند.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ۱۴۳۲ هـ

و السلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام ۱۴۳۲ هـ.ق.



## پرسش ۵۳۷: در مورد وصی حضرت سلمان (آصف) و علم ایشان و جابجا کردن قصر

السؤال / ۵۳۷: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.. والصلاة والسلام على خير الخلق محمد وعلى آل يس والأئمة المهديين وسلم تسليماً.

إلى الإمام أحمد الحسن والأنصار، الله يشهد والملائكة وأنتم أعلم بما هو عليه الآن من اليقين من قراءة كتبكم وبياناتكم وحججكم، ولكن أسرد موضع لي لكي يطمئن قلبي:

پرسش ۵۳۷: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته....

و درود و سلام بر برترین خلق خدا محمد و بر خاندان او الائمه و المهديين و سلم تسليماً. به امام احمد الحسن و انصار! خدا و فرشتگان شهادت می دهند و شما داناترید که چه کسی با خواندن کتابها، خطبهها و استدلالهای شما، اکنون بر یقین است، ولی موضوعی را مطرح می سازم تا دلم اطمینان یابد:

أولاً: قصة وزير النبي سليمان (ع) آصف بن برخيا، نريد من الإمام أن يبين لنا الحجة علينا؛ لأنه عالم آل بيت وبقية الله لا شك فقط للاطمئنان.

اولین سؤال درباره‌ی داستان آصف بن برخیا، وزیر سلیمان نبی (ع) است. از امام می خواهیم حجت بر ما را برایمان تبیین فرماید؛ زیرا وی عالم آل بیت و بقیه الله است؛ نه از روی شک بلکه فقط برای اطمینان یافتن!

س۱: ما هي قصة وزير النبي سليمان (ع) آصف بن برخيا في حين أتى بالعرش بلقيس؟

سؤال ۱ - داستان آصف بن برخیا، وزیر سلیمان نبی (ع) هنگامی که تخت بلقیس را آورد چیست؟

س۲: ما هو الاسم الصحيح الذي تعرفونه لوزير النبي سليمان (ع)؟

سؤال ۲ - نام صحیحی که برای وزیر سلیمان نبی (ع) می شناسید چیست؟

س۳: ما هو اسم الكتاب الذي أخذ العلم منه كما سرد في القرآن الكريم؟

سؤال ۳ - نام کتابی که وی از آن علم آموخت - همان‌طور که در قرآن آمده است - چیست؟

س:۴: ما هو العلم الذي أخذه من الكتاب؟

سؤال ۴ - علمی که او از کتاب اخذ کرد چه بود؟

س:۵: هل أتى آصف بالعرش عن طريق الدعاء، أو ماذا؟ أذكر؟ إذا كان دعاء أو جملة

ثانية أرجو الذكر؟

سؤال ۵ - آیا آصف، تخت بقلیس را به وسیله‌ی دعا آورد یا از طریق دیگری این کار را انجام داد؟ به

آن اشاره نمایید. اگر دعا یا جمله‌ی دیگری بوده است، خواهش می‌کنم آن را بیان دارید.

س:۶: اشرح حالة انتقال العرش من مكان إلى مكان؟

سؤال ۶ - چگونه انتقال تخت از جایی به جای دیگر را شرح دهید.

وزادكم الله من علمه اللدني وأفاض نوركم والأنوار أنصاركم الذي لا ينطفئ ولو

كره المشركون.

خداوند از علم لدنی، شما را فزونی دهد و نور شما و انصارتان را که خاموش نمی‌شود، بتاباند؛ حتی

اگر مشرکان را خوش نیاید!

أرجو من الأنصار إرسال أسئلتني إلى الإمام المعصوم وأن يتوسل عنده بالدعاء لي بظهر قلب

بالتوفيق وإتباع خلفاء الله والبيعة ورؤية الطلعة البهية.

المرسل: أبو الرضا - عمان

از انصار تقاضا می‌کنم سؤال‌هایم را به امام معصوم برسانند و از او خواهش کنند که از صمیم قلب

مرا دعا کند به این که توفیق یابم و از خلفای الهی پیروی نمایم و به بیعت و دیدن طلعت زیبا موفق

گردم.

فرستنده: ابورضا - عمان

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

﴿ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رآه مُسْتَقِرًّا  
عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ  
كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴿١﴾

(و آن کس که از علم کتاب بهره‌ای داشت گفت: من پیش از آن که چشم بر هم زنی آن را نزد تو می‌آورم. چون آن را نزد خود دید گفت: این بخشش پروردگار من است، تا مرا بیازماید که سپاسگزارم یا کافر نعمت، پس هر که سپاس گوید برای خود گفته و هر که کفران ورزد پروردگار من بی‌نیاز و کریم است) (۲).

وفقك الله لكل خير، هو وصي سليمان وهو آصف(ع)، وأما كيفية جلوه للعرش  
فبالرفع وقد شرحته وبيّنته، وهو منشور في الكتب ويمكنك قراءتها، وبالتالي فليس هناك  
زمان أو مكان يؤثر على عملية النقل؛ لأن كل ما في الأمر هو تحديد مكاني الانتقال ومن  
ثم رفع العرش من مكان وإعادته من الرفع في المكان الثاني في آن واحد، وفي حال الرفع ليس  
هناك زمان ولا مكان وبالتالي فليس هناك حركة يلزم منها تأخر النقل.

خدا شما را بر هر خیری موفق بدارد! او آصف(ع)، وصی سلیمان(ع) بوده است. نحوه‌ی آوردن تخت  
به وسیله‌ی رفع بوده است که بنده قبلاً آن را شرح داده‌ام و این مطلب در کتاب‌ها منتشر شده است و  
شما می‌توانی آن را مطالعه کنی. بنابراین زمان یا مکان بر فرآیند جابه‌جایی اثرگذار نبوده است زیرا همه‌ی  
ماجرای عبارت است از تعیین دو نقطه‌ی انتقال و سپس برداشتن (رفع نمودن) تخت از یک مکان و  
بازگرداندن آن از حالت رفع در مکان دوم، در همان لحظه می‌باشد. در رفع، نه زمان در کار است و نه  
مکان؛ بنابراین در اینجا حرکتی که به بروز تأخیر در فرآیند جابه‌جایی منجر شود، وجود ندارد.

۱- النمل: ۴۰.

۲- نمل: ۴۰.

وأما ما هو العلم من الكتاب فهو ليس ألفاظ ولا معان بل هي حقائق تظهر وتتجلى في صفحة وجود الإنسان عندما يخلص لله سبحانه وتعالى وكل إنسان بحسبه، فكما ترى أن ما تجلى في آصف (ع) هو شيء من الكتاب ﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ﴾، أما ما تجلى في محمد وآل محمد (ع) فهو الكتاب كله حتى أصبحوا هم كتاب الله سبحانه.

و اما این که علم کتاب چه بوده است، این علم صرفاً لفظ و معنی نبوده بلکه حقایقی بوده است که در صفحه‌ی وجود انسانی که برای خدای سبحان اخلاص پیشه کرده است، ظهور و تجلی می‌یابد؛ هر انسانی بر حسب حال خودش! همان طور که شما خود ملاحظه می‌کنی، آن چه که برای آصف تجلی یافت، چیزی از کتاب بود: (و آن کس که از علم کتاب بهره‌ای داشت گفت)؛ اما آن چه که برای محمد و آل محمد (ع) تجلی یافته، تمامی کتاب است به گونه‌ای که اینها خود، کتاب خداوند سبحان گشته‌اند.

قال تعالى: ﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾<sup>(۱)</sup>، فهذا الشاهد هو علي (ع)، وقد بين الله بوضوح أن علياً (ع) هو كتاب الله وكل شيء محصى فيه، قال تعالى: ﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾<sup>(۲)</sup>.

خدای متعال می‌فرماید: (کافران می‌گویند که تو پیامبر نیستی. بگو: خدا و هر کس که از کتاب، آگاهی داشته باشد، برای شهادت دادن میان من و شما کافی است)<sup>(۳)</sup>. این شاهد، علی (ع) است و خداوند به وضوح بیان فرموده که علی (ع) همان کتاب خدا است و همه چیز در او به شماره آمده است. حق تعالی می‌فرماید: (ما مردگان را زنده می‌کنیم و هر کاری را که پیش از این کرده‌اند و هر اثری را که پدید آورده‌اند، می‌نویسیم و هر چیزی را در امامی مبین شماره کرده‌ایم)<sup>(۴)</sup>.

فاعلم وفقك الله أن هذا الكتاب من جهة هو تجلي الله في الخلق وهو صورة الله وهو الإنسان الكامل وهو محمد وآل محمد، ولو أنكم تقرؤون ما كتبت في الكتب فإن شاء الله توفقون لمعرفة إجابة هذه الأسئلة وكثير غيرها وفقكم الله وسدد خطاكم لمعرفة الحق.

۱- الرعد: ۴۳.

۲- یس: ۱۲.

۳- رعد: ۴۳.

۴- یس: ۱۲.



والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

خداوند توفیقت دهد! بدان، این کتاب از جهتی، تجلی خدا در خلق و همان صورت خدا و همان انسان کامل و همان محمد و آل محمد (ع) است. اگر آن چه که در کتابها نوشته‌ام را بخوانید به خواست خدا می‌توانید پاسخ این سؤالات و پرسش‌های فراوان دیگری را بیابید و دریابید. خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را در شناخت حق استوار گرداند!

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

هذا بعض ما موجود في كتاب (مع العبد الصالح) عن الرفع وهو منشور في موقع أنصار الإمام المهدي (ع) ويمكنك قراءته:

مطلب زیر، برخی از مطالب موجود در کتاب «در محضر عبد صالح (ع)» در مورد رفع می‌باشد که در سایت انصار امام مهدی (ع) منتشر شده است و می‌توانی آن را بخوانی:

(معنی الرفع):

وأما بخصوص الرفع وبيان معناه، وهو الأمر الثاني الذي تبقي من السؤال الذي تقدم حيث سألت العبد الصالح (ع) فيه، وقلت: إننا لا نوفق في بيان الرفع، أو لا أقل غير واضح جيداً عند بعضنا.

(معنی رفع):

اما رفع و بيان معنای آن، دومین موضوعی بود که من در سؤال پیشین از عبد صالح (ع) پرسیده بودم و عرض کردم: ما در شرح موضوع رفع، موفق نیستیم و یا حداقل این قضیه برای برخی از ما کاملاً روشن نیست.

فأجابني (ع): (بالنسبة للرفع أعطيك مثلاً، ولكن هل تعرف التفاضل والتكامل في الرياضيات؟ لأن المثال يعتمد عليه نوعاً ما).

ایشان (ع) پاسخ دادند: «در خصوص رفع، مثالی برایتان می‌زنم، آیا با حساب دیفرانسیل و انتگرال در ریاضیات آشنایی و از آن سر در می‌آوری؟ این مثال به نوعی با این موضوع، ارتباط دارد».

فقلت: ما أعرف ذلك.

عرض کردم: چیزی در این خصوص نمی‌دانم.

فقال(ع): (الحمد لله، تعرف المستقيم، تعرف (غير متناهي) ماذا تعني في الرياضيات؟

فرمودند: «الحمد لله. آیا می‌دانی مفهوم «خط» و «نامتناهی» در ریاضیات به چه معناست؟

على كل حال، سأحاول أن أجعله في أبسط صورة ممكنة، افرض أنك لديك عصا  
ضعها عمودية، أعلى موضع فيها هو نفس إنسانٍ ما، أو أعلى مقام لذلك الإنسان، وأوطأ  
موضع فيها هو الجسد، ولكن أرجو أن تلتفت أنه مثال وليس الواقع كما هو.

به هر حال من سعی می‌کنم این موضوع را به ساده‌ترین صورت ممکن بیان نمایم. فرض می‌کنم  
شما عصایی داری. این عصا را به صورت عمودی قرار بده بالاترین جای عصا، نفس یک انسان یا  
بالاترین مقام او است و پایین‌ترین جای آن نیز معادل جسم است. البته امیدوارم دقت داشته باشی که  
این، یک مثال است و واقعیت چیزی غیر از آن است.

الآن، قسّم هذه العصا إلى شرائح في ذهنك، ولكن لكي تكون الحالة أفضل ما  
يكون لا بد أن تكون هذه الشرائح أصغر ما يمكن، الآن انظر للشرائح كم عددها؟ لكي  
تعرف ذلك لا بد من أن تقسّم طول العصا على طول الشريحة، فإذا كان مثلاً طول العصا ١،  
وطول الشريحة أصغر ما يمكن، هل تعرف أصغر رقم كم يساوي؟ أصغر رقم يعبر عن  
وجود، هو ليس صفراً ولكنه أقرب ما يكون إلى الصفر، وبما أنّ الأعداد غير متناهية، فهو  
لا يمكن حصره ولكن يمكن تصوره، فهو ليس واحداً بالعشرة؛ لأن واحداً بالمائة أصغر،  
وهكذا واحد بالألف أصغر، وهكذا يمكنك إضافة أصفار إلى ما لا نهاية؛ لأن الأعداد غير  
متناهية، فيكون تصورنا للنتيجة من خلال نتيجة التقسيم على صفر.

اکنون در ذهنت این عصا را به بخش‌هایی تقسیم کن ولی برای این که وضعیت به بهترین وجه ممکن  
باشد، باید این بخش‌ها تا جایی که امکان دارد، کوچک باشد.

حال بین چه تعداد از این بخش‌های کوچک وجود دارد؟ برای دانستن این مطلب باید طول عصا را  
بر طول هر بخش تقسیم کنی؛ مثلاً اگر طول عصا را ۱ و طول هر قسمت را کوچک‌ترین مقدار ممکن  
در نظر بگیریم، آیا می‌توانی کوچک‌ترین عدد ممکن را تصور کنی؟ کوچک‌ترین عدد بیانگر «موجودیت»

است. این عدد صفر نیست ولی نزدیکترین عدد به صفر می باشد. از آنجا که اعداد، نامتناهی اند (محدود نیست)، لذا نمی توان آنها را شمرد ولی تصور نمودن آنها، شدنی است. این عدد (مورد بحث ما) یک دهم نیست زیرا یک صدم از آن کوچکتر است؛ یک هزارم از آن هم کوچکتر است. به این ترتیب می توانی تا بی نهایت صفر اضافه کنی چرا که اعداد نامتناهی اند. بنابراین تصور ما از نتیجه ای که به دست می آید برابر است با نتیجه تقسیم عدد یک بر صفر.

فنتیجة تقسیم طول العصا علی صفر یساوی ما لا نهاییه، غیر متناهی، وبما أنّ الرقم لیس صفرّاً بل قریب منه تكون النتيجة كما قال تعالی: ﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾ یعنی ممکن العد، من جهة الإمكان ممکن العد ولكن في الواقع هل يمكن عده؟ لا، ﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾.

بر این اساس تقسیم طول عصا بر صفر برابر است با بی نهایت و نامتناهی، و از آنجا که این عدد صفر نیست بلکه مقداری نزدیک به آن است، نتیجه همان است که خدای متعال فرموده: (و اگر بخواهید که نعمت های خدا را شمارش کنید، نمی توانید)<sup>(۱)</sup>؛ یعنی قابل شمارش است؛ به دیگر سخن از لحاظ امکان پذیری، قابل شمارش است ولی در واقع آیا می توان آن را به شماره آورد؟ خیر! (و اگر بخواهید که نعمت های خدا را شمارش کنید، نمی توانید).

الآن، هذه الآية أيضاً تبين لك معناها، ربما سابقاً سألت نفسك: كيف لا تعد نعم الله عليّ كيف لا أحصيتها، مع أنها بحسب الظاهر معدودة، أليس كذلك؟ كم هو عدد النعم، فليكن أي رقم فإنه معدود، ولكن تبين لك لماذا هي غير قابلة للإحصاء، أو أنّ إحصاءها غير ممكن في الواقع؛ لأنها في الحقيقة مفاضة على كل وجود الإنسان، على كل تجلياته، وتجليات الإنسان إن أردت عدها هل يمكنك إحصاؤها؟ قد وضحت في المثال أنّ هذا غير ممكن، هل هذا واضح الآن؟).

اکنون معنای این آیه نیز برای شما روشن شد. شاید قبلاً از خودت می پرسیدی: چه طور ممکن است نعمت های خدا بر من قابل شمارش نباشد و من نتوانم آنها را به شماره آورم؟ در حالی که به حسب ظاهر، این نعمت ها معدودند. آیا این طور نیست؟ تعداد نعمت ها چه قدر است؟ هر تعداد که باشد به هر حال قابل شمارش است ولی اکنون برای شما واضح شد که چرا آنها غیر قابل شمارش می باشند یا در واقع

شمارش آنها ناممکن است. زیرا در حقیقت نعمت‌های الهی بر تمام وجود انسان و همه‌ی تجلیات او افاضه شده است. آیا اگر بخواهی، می‌توانی تجلیات انسان را به شماره آوری؟ در مثال، برای توضیح دادم که این کار ناشدنی است. آیا اکنون موضوع روشن شد؟»

فقلت: نعم.

عرض کردم: بله.

فقال(ع): (لا تقل: "نعم" إن كان هناك شيء مبهم).

ایشان(ع) فرمود: «اگر چیزی مبهم است، نگوی بله!».

و فعلاً كان هناك أمر مبهم غير واضح، أوضحته في سؤالي فقلت: هل أن تجليات الإنسان تعني حالاته المختلفة التي يمر بها كالقيام والجلوس و... و...

البته یک موضوع مبهم و غیرواضح وجود داشت که من آن را در سؤال بیان کردم و عرض کردم: آیا منظور از تجلیات انسان، حالات مختلف او از قبیل ایستادن، نشستن و غیره است؟

فقال(ع): (لا، الآن أضرب لك مثلاً آخر: لنفرض أن الإنسان عبارة عن ضوء أريد له أن يصل إلى مكان، وفتحت أنت مصدر الضوء في مكان ما، فانتقال الضوء من المصدر ومن مكانه إلى المكان الآخر كيف يحصل؟ يحصل بتجلیه خطوة خطوة باتجاه الهدف، هذه الخطوات - خطوات الحركة - هي تجليات الإنسان، وفي الحقيقة أنها باقية كخطوات دائماً ومتجددة دائماً؛ لأن المصدر دائم البث، ولو انقطع البث لضي الإنسان وعاد عدماً.

ایشان(ع) فرمود: «خیر! برای شما مثال دیگری می‌زنم: فرض کنیم که انسان عبارت است از یک نور که من می‌خواهم این نور به جایی برسد. شما منبع نور را در یک جایی روشن کرده‌ای. انتقال نور از منبع و جایگاه خودش، به مکانی دیگر چگونه انجام می‌شود؟ از طریق تجلی و تابش گام به گام نور به سمت هدف. این گام‌ها (گام‌های حرکت) همان تجلیات انسان است. در حقیقت این تجلیات مانند گام‌ها، همیشه هستند و دائماً در حال تجدید و نو شدن می‌باشند، زیرا منبع، همواره در حال انتشار است. اگر این انتشار قطع شود، انسان به فنا رفته و به عدم باز می‌گردد.

الآن، لو أرجعتك كم خطوة إلى الوراء لا يتغير فيك شيء، فقط تكون غير مرئي في العالم الجسماني، وسيكون لديك جسد أكثر نورانية وغير مثقل بالظلمة، هذا هو الرفع وهو مراتب. لو أردت أن تعود أقدامك كم خطوة فتكون تُرى وتحتاج ما يحتاج أهل ذلك العالم الجسماني مما يبقيهم فيه، فالرفوع هو في الناس وليس فيهم.

اکنون اگر شما را چند گام به عقب برگردانم، چیزی در شما تغییر نمی کند، فقط شما در عالم جسمانی، نامرئی می شوی و از بدنی نورانی تر که با تاریکی، سنگین نشده است، برخوردار خواهی شد. این همان «رفع و درجات آن» است. اگر از شما بخواهم که چند گام به جلو بروی، مرئی خواهی شد و به آنچه اهل این عالم جسمانی برای بقا نیاز دارند، شما هم نیاز پیدا خواهی کرد. «رفع شده» بین مردم است ولی در آنها نیست<sup>(۱)</sup>.

ولأنّ الإنسان عبارة عن وجود تجلياته التي عددها قريب من لا متناهي، فإنّ النعم الإلهية عليه لا تعد، فالإنسان (فطرة الإنسان) قريب من اللامتناهي وهو الله سبحانه وتعالى، فهو صورة اللاهوت، ولذا قال علي(ع) في وصف حال الإنسان: "تحسب نفسك جرماً صغيراً وفيك انطوى العالم الأكبر". قد أتعبتك ربما أو أزعجتك فاعذرني.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ١٤٣٢ هـ

از آنجا که انسان عبارت است از وجود تجلیات او که تعداد آن نزدیک به نامتناهی است و از آنجا که نعمت های الهی که بر انسان داده شده، غیر قابل شمارش است، لذا انسان (فطرت انسان) نزدیک به نامتناهی که همان خدای سبحان و صورت لاهوت می باشد، است. از همین روست که علی(ع) در توصیف وضعیت انسان فرموده: (آیا گمان می کنی تو جرمی خرد و کوچکی؟ و حال آن که جهانی بزرگ تر در وجود تو نهفته است)<sup>(۲)</sup> شاید شما را خسته یا اذیت کردم، مرا ببخش.

أحمد الحسن - محرم الحرام ١٤٣٢ هـ ق.

١- حضرت امیرالمؤمنینؑ پس از آن که ضربت خورد فرمود: «... من دیروز همراه شما بودم و امروز مایه ی پند و عبرت شما هستم و فردا از شما جدا خواهم شد... چند روزی با بدنم در کنار شما زیستم، و به زودی از من جز جسدی بی روح، ساکن پس از آن همه تلاش و خاموش پس از آن همه گفتار، باقی نخواهد ماند. پس باید سکوت من، و بی حرکتی دست و پا و چشم ها و اندام من، مایه ی پند و اندرز شما گردد، که از هر منطبق رسایی و از هر سخن موثری عبرت انگیزتر است...» کافی: جلد ١ صفحه ٢٩٩ حدیث ٦.

٢- مراجعه نمایند به اعیان الشیعه: جلد ١ صفحه ٥٥٢



### پرسش ۵۳۸: آیا برای خدای سبحان باطنی هست؟

السؤال / ۵۳۸: بسم الله الرحمن الرحيم .. والصلاة والسلام على سيدنا محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين.

أما بعد .. السيد الإمام أحمد الحسن اليماني، لديّ بعض الأسئلة وأرجو منكم الإجابة عليها.

پرسش ۵۳۸: بسم الله الرحمن الرحيم....

دروود و سلام بر سرورمان محمد و بر خاندان طیب و طاهر او.

اما بعد.... سيد امام احمد الحسن يمانی، چند سؤال دارم و از شما خواهش می‌کنم آنها را پاسخ دهید.

أولاً: أريد لو سمحتم التعريف الصريح بمن هم سيدنا محمد (ص) والإمام علي (ع) وسيدنا سلمان الفارسي في السماء والأرض، وما هي صلتهم الحقيقية بالله تعالى، وهل ماتوا أو غابوا أو شيء آخر؟

اولاً: لطف کنید تعریف روشنی از سید ما محمد (ص) و امام علی (ع) و جناب سلمان فارسی در آسمان و زمین بیان دارید و بفرمایید ارتباط حقیقی آنها با خدای متعال چیست؟ آیا اینها مرده‌اند، غایب شده‌اند یا چیز دیگری؟

ثانياً: من هي السيدة فاطمة الزهراء في الحقيقة، وما سر مقامها الرفيع، وما هو السر المستودع فيها، وما هي صلتها بالسيدة مريم العذراء إن وجدت؟

ثانياً: سیده فاطمه‌ی زهرا (ع) در حقیقت کیست؟ راز مقام رفیع او چیست؟ سرّ نهاده شده در او چیست؟ و ارتباط او با سیده مریم عذراء، اگر ارتباطی وجود داشته باشد، کدام است؟

ثالثاً: من هم في الحقيقة الأسياد التاليين: المقداد بن الأسود، وأبو ذر الغفاري، وعبد الرحمن بن رواحة، وعثمان بن مظعون، وقنبر بن كادان، وهم كما تعلمون أصحاب الإمام علي(ع)؟

ثالثاً: این بزرگواران در حقیقت چه کسانی هستند: مقداد بن اسود، ابوذر غفاری، عبدالرحمن بن رواحه، عثمان بن مظعون، قنبر بن کادان، و اینها همان طور که خود می دانید، یاران حضرت علی(ع) هستند؟

وهناك سؤال سيدي يثير اهتمامي كثيراً، وهو هل السيد المسيح أكبر وأقرب إلى الله من مولانا الحسين حتى ينقذه الله من الصلب ويترك الحسين(ع) يعذب ويقتل بالطريقة التي نقلها القصاص، وخصوصاً أنني سمعت قولاً للإمام علي(ع) يقول: (أنا والهداة من أهل بيتي سر الله المكنون وأولياؤه المقربون كلنا واحد فلا تفرقوا فينا فتهلكوا، ونحن الآيات والحجب ووجه الله)<sup>(١)</sup>، فما سر الجواب لو سمحتم؟

و سؤالی که برایم بسیار مهم است این است که آیا سید مسیح(ع) از مولای ما حسین(ع) به خدا مقرب تر و نزد او از جایگاه برتری برخوردار است؟! چرا که خداوند مسیح را از صلیب رهایی بخشید ولی اجازه داد حسین(ع) به شیوه ای که در داستانها نقل می شود، زجر بکشد و کشته شود. خصوصاً با توجه به این که من کلامی از امام علی(ع) شنیده ام که می فرماید: (من و راهنمایان از اهل بیت من، سر پنهان خداوند و اولیای مقرب او هستیم. ما همگی یکی هستیم پس بین ما فرق نگذارید که هلاک خواهید شد، و ما نشانه ها، حجابها و وجه الله هستیم). لطفاً بفرمایید سر پاسخ چیست؟

رابعاً: إن كان النبي والأئمة روعي فداهم هم وجه الله كما روي عن الإمام علي(ع) أي أنهم جنبه الظاهر ونوره في الأرض وقد رأوهم الناس، فلم خر سيدنا موسى صاعقاً عندما قال ربي أرني وجهك؟

رابعاً: اگر همان طور که از حضرت علی(ع) روایت شده است، پیامبر و ائمه –روحم فدایشان باد- وجه الله باشند یعنی آنها جنبه ی ظاهری خدا و نور او در زمین هستند و مردم آنها را دیده اند، پس چرا سید ما موسی(ع) وقتی گفت پروردگرم خود را بنمای تا در وجه تو نظر کنم، بیهوش افتاد؟

وأخيراً ما هو باطن الله الحقيقي إن كان النبي والأئمة (عليهم السلام) هم ظاهره؟  
و سؤال آخر این که اگر پیامبر و ائمه (ع) ظاهر خدا هستند، باطن حقیقی خدا چیست؟

وأعتذر يا سيدي على الإطالة ولكن هذه الأسئلة تحيرني جداً ولن أجد أنجب وأقدر  
منكم على الإجابة الواضحة عنها بما أنكم كما قلت خليفته الله في الأرض وتعلمون  
طرق السماء والأرض .. وأرجو من الله أن تكون هدايتي على يدك وأن أكون من أتباعك  
المخلصين إن كنت الحق من عند الله.

سرورم! از این که مطلب به درازا کشید عذر می‌خواهم ولی این سؤالات واقعاً مرا متحیر و سرگردان  
کرده است و من کسی نجیب‌تر (گرامی‌تر) و توان‌تر از شما که بتواند پاسخی روشن به آنها بدهد نیافته‌ام؛  
زیرا شما همان‌طور که خود فرموده‌اید جانشین خدا در زمین هستید و راه‌های آسمان و زمین را  
می‌شناسید... از خداوند درخواست دارم که مرا به وسیله‌ی شما هدایت کند و مرا جزء پیروان مخلص  
شما گرداند، اگر حقی از جانب خدا باشید!

وشكراً، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: أيهم مخير - سوريا

با تشکر، و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

فرستنده: ايهم مخير - سوریه

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم .. والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل  
محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم....

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير وسدد خطاك لمعرفة الحق ومتابعته، أرجو منك قراءة الكتب التي  
كتبتها لمعرفة الحق ولتعرف إجابة بعض ما سألت، وبعد أن تقرأ بتمعن وتدبر يمكنك أن  
تسأل وسأكون بخدمتك لإجابة أي سؤال إن شاء الله.



خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد و گام‌هایتان را بر شناخت حق و پیروی از آن استوار سازد! از شما تقاضا می‌کنم کتاب‌هایی را که در زمینه‌ی معرفت حق نگاشته‌ام بخوانی تا با پاسخ برخی از سؤالاتی که پرسیده‌ای آشنا گردی. پس از آن که آنها را با تدبر و تأمل خواندی، می‌توانی پرسش‌هایت را مطرح کنی و من به خواست خدا برای پاسخ‌گویی به هر سؤالی آماده‌ی خدمت به شما خواهم بود.

وبعض أسئلتك لا يصح أن تسألها، مثل قولك إن لله باطن تعالى الله علواً كبيراً أن يكون له باطن أو ظاهر بل هو سبحانه الظاهر الباطن والأول والآخر وقد تجلى في الخلق والخلق قائمون به سبحانه. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ١٤٣٢ هـ

برخی از سؤالات‌هایت درست نیست که بپرسی؛ مثل این سخنت که «خدای متعال را باطنی است»؛ خدای سبحان برتر و والاتر است (وَتَعَالَى اللَّهُ عُلُوًّا كَبِيرًا) از این که باطن یا ظاهر داشته باشد بلکه او ظاهر و باطن و اول و آخر است، در خلق تجلی یافته است و خلق به او قائم‌اند. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام ١٤٣٢ هـ.ق.

## المحور الثاني: الأسئلة الفقهية

محور دوم: پرسش‌های فقهی

### پرسش ۵۳۹: حد و حدود روابط جنسی میان زن و شهر

السؤال / ۵۳۹: هل هناك حدود معينة للعلاقة الجنسية بين الزوجين، يعني هل توجد أمور محرمة لا يمكن أن يمارسها الزوجان؟

پرسش ۵۳۹: آیا در روابط جنسی میان زن و شوهر، حدود مشخصی وجود دارد، یعنی آیا موارد حرامی وجود دارد که زوجین نمی‌توانند آنها را انجام دهند؟

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

يجوز لكل من الزوج والزوجة الاستمتاع بكل جزء من جسد قرينه بأي جزء من جسده وفي أي وقت وفي أي مكان إذا تراضيا على ذلك عدا ما ذكرنا حرمة وهو الاتصال الجنسي بينهما قبلاً في أيام الحيض، ووطأ الزوجة في الدبر من غير رضاها، فأرجو أن لا تتبعوا قيوداً وحدوداً للعلاقة الجنسية بين الزوجين وضعتها الأهواء والآراء، ومحاولت من يدعون الفقه حمل الناس ممن لهم ميول جنسية مختلفة على ما يرونه هم.

هر یک از زن و شوهر می‌توانند در هر زمان و هر مکان با هر بخش متناظر از بدن طرف مقابل خود کام‌جویی کنند و لذت ببرند، اگر هر دو بر این امر راضی باشند؛ به جز مواردی که بیشتر حرمت آنها را بیان نمودیم که عبارت است از حرام بودن ارتباط جنسی در ایام حیض و این که شوهر بخواهد بدون رضایت همسرش در دُبُر دخول کند. من از شما خواهش می‌کنم در روابط جنسی بین زوجین، به دنبال قید و بندهایی که براساس اهواء و آراء بنا شده است و تلاش‌هایی که از سوی مدعیان فقه از آن چه که براساس بینش خود در مورد امیال جنسی بنا نموده‌اند، نروید.

ومن أعظم المستحبات التي يتقرب بها إلى الله سبحانه وتعالى هو إشباع الغريزة الجنسية للقرين (الزوج أو الزوجة) قربة إلى الله تعالى ولتحسين فرجه، وأجر هذا الأمر ليس بأقل من أجر العبادات كالصلاة والصوم، فقط يحتاج الزوجان إلى النية، فبدل أن يمارس الجنس مع قرينه لإشباع رغبته فقط ينوي أنه يشبع حاجة قرينه ويحصد فرجه قربة إلى الله، وهكذا يحصل الزوج والزوجة على أجر بفضل الله عليهما.

ارضاي غريزهى جنسى همسران (زن و شوهر) با نيت نزديك شدن به خدا و براى حفظ نمودن فرج، از بزرگترین مستحباتى است كه مى توان با آن به خدای سبحان تقرب جست. پاداش این كار كمتر از ثواب عبادات مانند نماز و روزه نیست، فقط به نیت زوجین نیاز دارد. به جای این كه هر يك با هدف إشباع میل و هوس خود، با شريكش ارتباط جنسى داشته باشد، فقط چنین نیت كند كه نیاز شريكش را برآورده سازد و فرج او را با نیت «قربة الى الله» (نزدیکی به خداوند) حفظ نماید. به این ترتیب زن و شوهر به فضل و گرمی كه خداوند بر این دو دارد، پاداش و ثواب مى گیرند.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن



پرسش ٥٤٠: حكم عمل به قوانین کشورها

السؤال/٥٤٠: الإمام المفدى أحمد الحسن سددك الله .. السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

پرسش ٥٤٠: امام مفدى احمد الحسن خداوند شما را توفيق دهد!.. السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

لديّ بعض الأسئلة الفقهية حول بعض ما نبتلى به في هذه البلاد أمريكا، راجية منك إجابتي ولكم جزيل الشكر والامتنان:

من در مورد برخی موضوعاتی که در کشور آمریکا به آن مبتلا هستیم چند سؤال فقهی دارم، و از شما خواهش می‌کنم به آنها پاسخ دهید، با تشکر بسیار از شما:

۱- تقدم الحكومة هنا مساعدات مالية وسكن بأجر رمزي لمن لا يحصل على عمل، فهل يجوز لنا العمل بدون علم الحكومة وبدون إبلاغها؛ لأنها ستقطع عنا المساعدات حينها، وبهذا يكون لدينا مساعدات وعمل (تحت الطاولة)؟

۱- در اینجا دولت به‌طور سمبلیک، برای کسانی که کار پیدا نکرده‌اند، مساعدت‌های مالی و کمک هزینه‌های مسکن ارائه می‌کند. آیا بر ما جایز است بدون اطلاع دولت و بدون این که آنها را در جریان اشتغال مان قرار دهیم، کار کنیم و به این ترتیب هم کارکنیم و هم از کمک‌ها استفاده نماییم؟ زیرا در غیر این صورت، این کمک‌ها را از ما قطع می‌کنند.

۲- هل يحق لنا التحايل على أنظمة هذه الدولة للحصول على امتيازات أخرى وبطرق مختلفة؟

۲ آیا ما می‌توانیم با فریفتن برخی سازمان‌های این دولت و با به‌کارگیری شیوه‌های مختلف، امتیازاتی به دست آوریم؟

۳- هل يجوز لنا العمل ببيع أوراق اليانصيب التي تباع هنا؟

۳ آیا ما می‌توانیم با برگه‌های قرعه‌کشی که در اینجا فروخته می‌شود کار کنیم و آنها را به فروش برسانیم؟

۴- هناك بعض البضائع التي تمنع الحكومة بيعها إلا إلى مجموعة معينة من الناس وفي مناطق معينة؛ لأنها تكون معفية من الضرائب، في حال حصولنا عليها هل يحق لنا بيعها؟ مع العلم أن الحكومة تعاقب على هذا الفعل بغرامات مالية وأحياناً بالسجن.

۴ در اینجا یک سری کالاها بی وجود دارد که دولت فروش آنها را فقط به گروه مشخصی از مردم و یا برای مناطقی معین، منحصر کرده زیرا این کالاها از مالیات معاف است. اگر ما این کالاها را به دست

بیاوریم، آیا این حق را داریم که آنها را بفروشیم؟ با توجه به این که دولت، این کار را با جرمه‌های مالی و بعضاً با زندان مجازات می‌کند.

٥- نشعر من خلال إجاباتك على هذا الموقع أنها مسددة وتصيب الواقع فمن هذا المنطلق أريد أن أسألك عن توجهنى إليه لأزداد من معرفة حقاك.

أشكرك جداً على وقتك وجزاك خيراً.

المرسلة: أمل - أمريكا

٥ - ما از طریق پاسخ‌های شما در این سایت دریافته‌ایم که این پاسخ‌ها درست و استوار است و با واقعیت همخوانی دارد، با این دیدگاه می‌خواهم از شما به عنوان کسی که توجهم را جلب نموده است، تقاضا کنم تا معرفت حق‌تان (برایم) زیاد گردد.

از این که وقت‌تان را در اختیار من گذاشته‌اید بسیار متشکرم، خداوند شما را جزای خیر دهد!

فرستنده: امل - آمریکا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، صلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.  
لا يجب الالتزام بالقوانين الوضعية وهي غير محترمة من جهة الشرع فيجوز مخالفتها والعمل بخلافها، فقط القوانين في دولة العدل الإلهي يجب الالتزام بها ولا يجوز مخالفتها؛ لأنها قوانين شرعية يحاسب ويعاقب الإنسان في الآخرة إن خالفها.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصعب / ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
التزام به قوانین وضع شده واجب نیست و این قوانین از نظر شرعی ارزش و احترامی ندارد، بنابراین مخالفت با آن و عمل برخلاف آن جایز است. فقط مراعات قوانین دولت عدل الهی لازم است و مخالفت با آنها جایز نمی‌باشد زیرا اینها قوانین شرعی است که اگر انسان با آنها مخالفت کند، در آخرت مورد محاسبه و مواخذه قرار می‌گیرد.

و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

\*\*\*\*\*

### پرسش ۵۴۱: تعهدات زوجین

السؤال / ۵۴۱: أرجو من سيادتكم إعطائي:

- ۱- واجبات الزوجة تجاه زوجها.
  - ۲- واجبات الزوج تجاه زوجته.
- وذلك بالنقاط، وأرجو أن تكون واضحة وحسب الشرع فقط.  
ولكم مني كل الشكر الجزيل.

المرسل: حسين لاري - الإمارات

پرسش ۵۴۱: از سرورانم خواهش می‌کنم به من مرحمت کنند:

- ۱- وظایف و تکالیف زن نسبت به همسرش.
  - ۲- وظایف و تکالیف شوهر نسبت به همسرش.
- لطفا نکات مهم را بفرمایید و خواهش مندم پاسخ، واضح و فقط مبتنی بر شرع باشد.  
و من از شما بسیار متشکر و ممنونم.

فرستنده: حسین لاری - امارات

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
وفقكم الله لكل خير، يوجد تفصيل لحقوق الزوج والزوجة في كتاب النكاح من  
شرائع الإسلام، وسيقوم إخوتكم الأنصار بنشره في الانترنت إن شاء الله.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم  
و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
خداوند شما را بر هر خیرى موفق بگرداند! در كتاب نکاح در شرايع الاسلام تفاصيل حقوق زن و شوهر بيان شده است. به خواست خدا برادران انصار شما، اين كتاب را در اينترنت منتشر خواهند کرد.  
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ١٤٣١ هـ ق.



### پرسش ٥٤٢: آیا ازدواج موقت از طريق اينترنت درست است؟

السؤال / ٥٤٢: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته..

لقد اطلعت على الأسئلة الفقهية ومنها الزواج المؤقت ليست هناك معلومات شافية عنه،  
أوجب أن يكون بعقد زواج يعني شاهدين يوقعون على العقد، أو ممكن يكون شفهي؟

پرسش ٥٤٢: السلام عليكم ورحمة الله و بركاته

من پرسش های فقهی و از جمله ازدواج موقت را مطالعه کرده ام ولی اطلاعات کافی در این خصوص وجود ندارد. آیا ازدواج موقت باید با عقد ازدواج باشد، یعنی لازم است دو شاهد عقد را امضا کنند؟ یا می شود آن را به طور شفاهی برگزار کرد؟

هل يصح عبر الانترنت، هل يصح بشروط عدم المعاشرة؟

آیا ازدواج موقت از طريق اينترنت درست است؟ آیا (این نوع ازدواج) با شرط عدم نزدیکی صحیح می باشد؟

أتمنى الرد بأسرع وقت؛ لأنه أنا متزوج بطريقة أخرى وهي بين الشخصين فقط، والله هو  
الشاهد على الزواج لم يكن هناك شاهدان ولم أمس البنت بسوء؛ لأنها بكر.

لیرحمنا الله برحمته.

المرسل: س ی - الكويت

خواهش می‌کنم در اسرع وقت پاسخ دهید زیرا من به روش دیگری یعنی فقط در حضور خودمان دو نفر ازدواج کرده‌ام، و فقط خدا شاهد ازدواج ما بوده و دو شاهد در کار نبوده است و قصد بدی نسبت به دختر ندارم زیرا او باکره است. خداوند ما را مشمول رحمت خویش قرار دهد.

فرستنده: س ی - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفقكم الله، يوجد تفصيل في كتاب النكاح من شرائع الإسلام سينشره إخوانكم الأنصار على شبكة الانترنت وفقهم الله.

خداوند شما را توفیق دهد! شرح تفصیلی در کتاب نکاح در شرایع الاسلام که توسط برادران انصار شما که خداوند توفیقشان دهد، در اینترنت منتشر خواهد شد، خواهد آمد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ۱۴۳۱ هـ

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ ق.





### پرسش ٥٤٣: چند سوال در مورد شك، خمس، صله رحم و اجتهاد

السؤال / ٥٤٣: السلام عليكم .. أرجو إيصال هذه الرسالة إلى أحمد الحسن.

أسئلتی:

پرسش ٥٤٣: السلام عليكم...

خواهش می‌کنم این نامه را به احمد الحسن برسانید. پرسش‌های من:

١. ما علاج الشك وضعف اليقين حتى مع توفر الأدلة بمسألة الولاية، أو بمعنى أشمل

بمسألة اتباع الطريق الصحيح، فالأمر كله مبني على الظن فكيف يحصل اليقين؟

١ - راه درمان شك و ضعف یقین درباره‌ی موضوع ولایت حتی به هنگام فراوانی ادله‌ی آن چیست؟ یا به عبارت کامل‌تر، درباره‌ی موضوع پیروی از راه درست، زیرا موضوع به‌طور کامل بر پایه‌ی شك و ظن استوار است، پس چگونه می‌توان یقین به دست آورد؟

٢. ما حكم الفتاة التي لا يخمس أبيها وهي لا تعمل ومصروفها على أبيها ولكن لديها

أغراض كثيرة استعملت وتُركت وغيرها لم يستعمل قط، هل يسقط الخمس عنها؟

٢ - حکم دختری که پدرش خمس نمی‌دهد و خود او کار نمی‌کند و مخارجش بر عهده‌ی پدرش می‌باشد چیست؟ این دختر وسایل زیادی دارد که مورد استفاده قرار گرفته و به حال خود رها شده و همچنین وسایلی دارد که هیچ‌گاه استفاده نشده است؛ آیا از این وسایل خمس ساقط است؟

٣. هل تسقط صلة الرحم لو كانت خطراً بحيث إن البنت لو وصلت رحم أبيها تغضب

الأم غضباً شديداً فهي لا توافق على ذلك وتتطور المشاكل وتلحق بالأب المريض وقد

يكون خطراً على حياته فهو لا يتحمل الصراخ والمشاكل؟

٣ - آیا در صورتی که صله‌ی رحم خطری به دنبال داشته باشد، ساقط می‌شود؟ به صورتی که اگر

دختر با خویشتاوندان پدرش رفت و آمد کند، مادرش که با این کار موافق نیست به شدت خشمگین می‌شود و در نتیجه مشکلاتی به وجود می‌آید و به پدر بیمارش آزار و اذیت می‌رسد و حتی ممکن است خطری برای زندگی او به دنبال داشته باشد زیرا پدر نمی‌تواند جار و جنجال و مشکلات را تحمل کند.

۴. هل أنت فتی باجتهادك أم برأي من الإمام المهدي؟

۴- آیا شما به اجتهاد خودتان فتوا می‌دهید یا براساس رأی گرفته شده از حضرت مهدی (ع) فتوا صادر می‌نمایید؟

۵. قرأت في المحاورة بين المسيحية وأحمد الحسن عن الإمام أبي جعفر أن لكل قرن من هذه الأمة رسولاً من آل محمد يخرج إلى القرن الذي هو إليهم رسول، فهل كل القرون التي مضت بعد غيبة القائم الكبرى كان هناك رسل؟  
المرسلة: زهراء - السعودية

۵- در گفت‌وگویی بین یک زن مسیحی با احمد الحسن، خواندم که از امام ابو جعفر محمد باقر (ع) نقل شده است که برای هر قرن و نسلی از این امت، رسولی از خاندان محمد در میان آن نسل وجود دارد که فرستاده شده به سوی آنها است و ظهور می‌کند. آیا برای تمام قرونی که پس از غیبت کبری قائم گذشته است، رسولانی فرستاده شده‌اند؟

فرستنده: زهرا - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

ج س ۱: اليقين يحصل بالإخلاص لله سبحانه وتعالى، فيعرف العبد الحق والصراف المستقيم من الله الذي عرض نفسه شاهداً لمن يطلب شهادته سبحانه وتعالى ﴿قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبيراً بَصيراً﴾<sup>(۱)</sup>.

پاسخ سؤال ۱- یقین از طریق اخلاص برای خدای سبحان به دست می‌آید و طی آن بنده، حق و راه مستقیم را از طریق خدایی می‌شناسد که خود را شاهدهی برای کسی که شهادت او سبحان و تعالی را

طلب می‌کند، قرار داده است. (بگو خدا میان من و شما برای شهادت کافی است، زیرا او به بندگانش آگاه و بینا است)<sup>(۱)</sup>.

ج س ۲: بالنسبة لمثل هذه الحالة فتضع لها يوماً معيناً في كل سنة تحاسب نفسها فيه فما بقي عندها من مكسب في هذا اليوم تقوم بتخميسه، فمثلاً إذا كان عندها مال في هذا اليوم تخمسه وإذا كان عندها شيء غير مستخدم أيضاً تخمسه.

پاسخ سؤال ۲ - در خصوص چنین موردی، این دختر باید روزی مشخص در طول سال تعیین کند و در آن روز آن چه که از درآمدهایش باقی مانده است را حساب و خمس آن را محاسبه نماید؛ مثلاً اگر در آن روز، مالی داشته باشد، خمس آن را بدهد و اگر چیز استفاده نشده‌ای دارد نیز خمس آن را محاسبه نماید.

ج س ۳: بر الوالدين واجب ولا يسقط ويؤدى بالممكن.

ويجب الإنفاق على الزوجة والأبناء والآباء، وأما صلة بقية الأرحام سواء بالمال أو الكلمة فهي مستحبة وغير واجبة.

پاسخ سؤال ۳ - نیکی به والدین واجب است و ساقط نمی‌گردد و حتی المقدور باید ادا شود. انفاق بر زن، فرزندان و اجداد واجب است ولی صله‌ی رحم با دیگر ارحام چه با مال باشد و چه به وسیله‌ی گفتار، مستحب است و واجب نمی‌باشد.

ج س ۴: نحن آل محمد لا نجتهد في أمور الدين وفقك الله، بل هو علم تفضل به الله علينا وأغنانا به عن بقية خلقه.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ۱۴۳۱ هـ

پاسخ سؤال ۴ - خداوند شما را توفیق دهد! ما آل محمد، در امور دین اجتهاد نمی‌کنیم بلکه این علمی است که خداوند به ما تفضل فرموده و با آن، ما را از دیگر مردمان بی‌نیاز ساخته است. و السلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ ق.

\*\*\*\*\*

### پرسش ۵۴۴: چند سوال در مورد احكام تعامل با حكومت غير شرعى

السؤال / ۵۴۴: بسم الله الرحمن الرحيم .. الحمد لله، وصلى الله على محمد وآله الطيبين الطاهرين الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.  
سيدي أحمد الحسن، لدي بعض الأسئلة الملحة جداً حيث إنها بخصوص كثير من المعاملات الحياتية المستمرة.

پرسش ۵۴۴: بسم الله الرحمن الرحيم...

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.  
مولای من، احمد الحسن! در خصوص بسيارى از ارتباطات معمول و در جريان زندگى، برخى مسائل مبرم و ضرورى براى من مطرح مى‌باشد.

س: سيدي، نحن نؤمن أن كل سلطان غير الذي ينصبه الله فهو سلطان جائر الواجب الكفر به، لكننا سيدي نحتاج احتياجاً ضرورياً إلى معرفة حدود التعامل مع الحاكم الجائر في المعاملات المختلفة، مثل استخراج الأوراق الرسمية التي تلازمها كثير من الإقرارات التي هي بمثابة إما استعداد لقبول الرجوع إلى المحاكم التي تحكم بغير شرع الله، وإما موافقة على الكون واحد من جنود الدولة، والجدير بالذكر سيدي أن تلك الأوراق الكثيرة والمختلفة هي في كثير من الأحيان وسيلة لتحقيق مصلحة ما، فاستخراج البطاقة يسمح لك باستخراج جواز السفر، وبطاقة التمويل، وأيضاً فهي إن لم يحملها المواطن فإنه سوف يتعرض للسجن أو الغرامة المالية، أو على الأقل الإهانة، ولكن توجد أشياء هي مصالح ولكن فقدها لن يؤدي إلى ما يؤدي فقدان البطاقة؛ كبطاقة التمويل مثلاً، فإن فقدانها سيضطررك لشراء المواد التموينية بأسعار عالية، ومثلاً عقد الهاتف فهو يمكن الاستغناء عنه ولكن المرء يحتاج إليه، ويمكن الاستعاضة عنه بالهاتف المحمول ولكنه أكثر كلفة، وكذلك عقد الكهرباء، وأيضاً سيدي هناك كثير من العقود

تستلزم دفع مبلغ مالي مآله إلى خزنة الحاكم الجائر، فأرجو منك سيدي ومولاي أن تتفضل على خادمك الجاهل وأن تفرج عنا بالجواب المفصل.

سؤال ١ - مولاي من! ما ايمان داريم به اين كه هر حاكم و سلطاني، جائر و كفر ورزیدن به او واجب است مگر آن حاکمی که خداوند او را نصب کرده باشد. ولی سرورم، ما بسیار نیاز داریم که حدود تعامل با حاکم جائر در تعاملات مختلف را بدانیم؛ نظیر دریافت اوراق رسمی که برای منعقد ساختن بسیاری از قراردادها، ضروری می باشد از رجوع به محاکمی که به غیر از شرع خداوند اداره می شوند تا موافقت برای عضویت به عنوان یک سرباز دولت. سرورم! شایان ذکر است این گونه اوراق بسیار و متنوع و در زمینه های مختلف و در اغلب موارد وسیله ی رسیدن به منفعتی می باشد. به عنوان مثال شما با دریافت کارت ملی می توانید بلیط سفر تهیه کنید و کالابریگ (کوپن) به دست آورید. اگر شهروندی کارت ملی به همراه نداشته باشد، ممکن است در معرض زندانی شدن یا پرداخت جریمه ی مالی واقع شود یا حداقل مورد اهانت قرار گیرد. چیزهایی هست که منفعتی به دنبال دارند ولی فقدان آنها ضرری به اندازه ی فقدان کارت ملی به همراه ندارد، مثل کالابریگ که اگر نباشد، شما مجبورید کالاهای اساسی را به قیمت گران تری خریداری کنید؛ همچنین به عنوان مثال، می توان از قرارداد تلفن چشم پوشی کرد ولی انسان به آن نیاز پیدا می کند، هر چند می توان آن را با تلفن همراه عوض کرد ولی هزینه بالاتری در پی دارد. قرارداد برق نیز همین طور است. سرورم! قراردادهای زیادی هست که من باید در آخر کار پولم را به خزانه ی حاکم جائر واریز کنم. سرور و مولایم! از شما خواهش می کنم به خادم جاهلت لطف کنی و با جواب مفصل ما را رهایی بخشی.

س ٢: ماذا لو أدى عدم الالتحاق إلى الجيش إلى المنع من السفر إلى الدول الأوروبية أو غيرها، فهل بالإمكان لتفادي ذلك الالتحاق بالجيش الذي لا يتوقع في الأمد القريب دخوله في حرب مع أي عدو، بلى توجد أقسام من مؤسسات الدولة تعمل ضمن العمل الميداني الداخلي، فأرجو منك سيدي أن تفصل لنا تلك المسائل بالتفصيل.

سؤال ٢ - اگر نیوستن به ارتش باعث منع سفر به کشورهای اروپایی یا دیگر کشورها شود چه حکمی دارد؟ آیا می توان با زیرکی و طفره رفتن به ارتشی که احتمال می رود در آینده ی نزدیک وارد جنگ با هیچ دشمنی نشود، پیوست؟ انواع مختلفی از نهادها و مؤسسات دولتی وجود دارد که کار میدانی داخلی انجام می دهند. سرورم، از شما خواهش می کنم که این مسائل را با تفصیل برای ما شرح دهید.

س ۳: الأرض التي يسيطر عليها الحاكم الجائر هي أرض في حكم المغصوبة على حد علمي، والسؤال: هل العقود التي يفرضها الحاكم الجائر لنيل مصلحة ما هي من نتاج استثماره من المال الذي استخرجه من الأرض المغصوبة التي تسلط عليها، هل تلك العقود هي عقود حقيقية تجري عليها أحكام العقود، أم أنها لا تصلح أن تكون عقود؛ لأنه ليس صاحب المال الذي استثماره من الأرض التي اغتصبها؟

سؤال ۳ - زمینی که حاکم جائر بر آن سيطره دارد، زمینی است که از نظر علمی در حکم غصبی می‌باشد، سؤال این است: قراردادهایی است که حاکم جائر برای رسیدن به منفعت و هدفی وضع می‌کند که پول آن از طریق مصادره‌ی زمین غصبی تحت تملک حاکم به دست می‌آید، آیا این قراردادها را می‌توان قراردادهایی حقیقی که احکام قرارداد بر آن جاری است در نظر گرفت؟ یا این که شایستگی این را ندارد که آنها را قرارداد بخوانیم، زیرا او صاحب واقعی زمینی که مصادره شده است، نمی‌باشد؟

س ۴: یا سیدی، أنا عرض عليّ عمل بمركز لخدمات الطلبة، وذلك المركز من شأنه أن يستقبل كل ما يريد الطلبة أو غيرهم من الناس، ويقوم بطباعته على الكمبيوتر، ومن ثم إخراجة على ورق أو غيره، والأشياء المخوفة التي يخشى من طلبه طباعتها هي مثلاً المواد التي تتحدث عن النظريات الغربية، وأيضاً تعظيم الفراعنة القدماء، فهل يمكن العمل في مركز كهذا أم لا، وإذا كان يمكن فما الضوابط؟

سؤال ۴ - ای سرورم! به من کاری در مرکز خدمات‌رسانی به دانشجویان پیشنهاد شده و این مرکز کارش این است که هر چه که دانشجویان و دیگر مردم بخواهند را می‌پذیرد، با رایانه تایپ می‌کند و سپس آن را روی برگه‌ی کاغذ یا چیزهای دیگر خروجی می‌گیرد. ممکن است تایپ چیزهای دلهره‌آوری خواسته شود؛ مانند موضوعاتی که درباره‌ی نظریات غربی بحث می‌کند، و همچنین موضوعاتی مانند تمجید از فراعنه‌ی باستان! آیا کار در چنین مرکزی امکان‌پذیر است یا خیر؟ و اگر امکان‌پذیر است با کدام شرایط و ضوابط؟

أدعو الله بحق جدك محمد وبحق أمك فاطمة وبحق آبائك جميعاً أن يفرج عنك، وأن يجعل النصر حليفك، وأن يجعلنا أنصاراً صالحين لك ولأبيك عليكم سلام الله ورحمته وبركاته أبد الأبدین.

از خدا مسئلت دارم به حق جدّت محمد(ص) و به حق مادرت فاطمه(ع) و به حق تمام پدران(ع) شما را فرج عطا فرماید و پیروزی را قرین شما گرداند و ما را از انصار شایسته‌ی تو و پدرت قرار دهد. علیکم السلام و رحمة الله و بركاته تا انتهای روزگار!

فرستنده: عبدالله - مصر

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

ج س ۱: لا إشكال في استخراج الأوراق التي تعتمد لإثبات بعض الأمور أو المنافع من الدولة وإن كانت دولة غير شرعية، ولا إشكال في الانتفاع منها ولكن لا يجب احترام القوانين الوضعية التي تضعها.

پاسخ سؤال ۱ - دریافت اوراقی که برای انجام برخی امور و یا دریافت منافع دولتی لازم است، اشکالی ندارد حتی اگر دولت غیرشرعی باشد. همچنین منتفع شدن از آنها نیز فاقد اشکال است اما قوانین وضع شده که دولت آنها را وضع می کند واجب الاحترام نیست.

ج س ۲: إذا كان عدم الالتحاق يسبب لك أذىً وضرراً فلا إشكال في التحاقك بالجيش إن لم يكن الجيش يباشر عمل ظلم مباشر للناس أو يقوم بحماية الظالمين وتيسير قيامهم بالظلم.

پاسخ سؤال ۲ - اگر ثبت نام نکردن و نپیوستن شما به ارتش، اذیت و زیانی برای شما به بار آورد پیوستن به ارتش بی اشکال است، به شرطی که ارتش عامل عملی ستمکارانه بر مردم نباشد و یا از ستمکاران حمایت و اعمال ظالمانه‌ی آنها را تسهیل نکند.

ج س ۳: بالنسبة للمؤمن يمكنه الاستفادة من تلك العقود ولكن لا يجب عليه احترامها والالتزام بتنفيذ ما فيها.

پاسخ سؤال ۳ - فرد مؤمن می‌تواند از این قراردادها استفاده کند ولی احترام به آنها و التزام به اجرای آنچه در قرارداد آمده است بر او واجب نیست.

ج س ۴: لا إشكال في هكذا عمل، ولا إشكال في طباعة البحوث التي يقوم بها الطلبة إلا إن كانت بحوثاً تهدف للطعن في المقدسات الدينية والشريعة أو الاستهزاء بها.

پاسخ سؤال ۴ این کار اشکالی ندارد. همچنین چاپ پژوهش‌هایی که دانشجویان انجام می‌دهند بی‌اشکال است، مگر این که پژوهش‌ها با هدف تخریب و یا مسخره کردن مقدسات دینی و شریعت صورت گرفته باشد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصعب / ۱۴۳۱ هـ

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب لأصعب / ۱۴۳۱ هـ ق.



### پرسش ۵۴۵: سوالی در مورد کثیر السفر

السؤال / ۵۴۵: السلام عليكم سماحة السيد.

پرسش ۵۴۵: جناب سيد السلام عليكم.

أنا وظيفتي السفر، أي أعمل سواق قطار وأنتقل بين عدة مدن، أقطع في الأسبوع الواحد حوالي ۲۷۰۰ كيلو متر، هل إذا ذهبت إلى هذه المدن للزيارة أقصر أم أتم الصلاة؟ وشكراً لكم.

المرسل: عدنان الفرحان - السعودية



من کارم سفر است یعنی راننده‌ی قطار هستم و بین شهرهای مختلف رفت و آمد می‌کنم. در یک هفته حدود ۲۷۰۰ کیلومتر مسافت می‌پیمایم. اگر برای دیدار و بازدید به این شهرها بروم، نمازم را تمام بخوانم یا شکسته؟ با تشکر از شما.

فرستنده: عدنان الفرحان - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

بَيَّنَّتْ فِي كِتَابِ الشَّرَائِعِ أَنَّ كُلَّ مَنْ كَانَ سَفْرَهُ أَكْثَرَ مِنْ حَضْرِهِ فَهُوَ يَتِمُّ وَيَصُومُ فِي السَّفَرِ سِوَاءَ كَانَ سَفْرَهُ لِلْعَمَلِ أَمْ لِغَيْرِهِ.

در کتاب شرایع بیان داشتیم که هر کس که مدت سفرش بیش از حضور در وطنش باشد، باید در سفر، نماز را تمام بخواند و روزه بگیرد، چه سفر او برای کار باشد و یا برای غیر آن.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ١٤٣١ هـ

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ١٤٣١ هـ ق.



## پرسش ۵۴۶: سوالاتی در مورد برخی احکام حج

السؤال / ۵۴۶: بسم الله الرحمن الرحيم .. اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پرسش ۵۴۶: بسم الله الرحمن الرحيم .. اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

السلام على يمانى آل محمد ورحمة الله وبركاته.

سلام بر يمانى آل محمد و رحمة الله و بركاته.

سيدي ومولاي، ذهبت إلى العمرة وكانت هي المرة الأولى ولم أذهب للحج من قبل، وكان الإحرام قبل الوصول للسعودية في الطائرة بنية نذر للإحرام للعمرة المفردة الواجبة، وهبطت بجدة ومن هناك ذهبت بالسيارة إلى مكة.

سرور و مولایم! من برای اولین بار به عمره رفتم و قبل از آن حج نرفته بودم. احرام، قبل از رسیدن به عربستان و در داخل هواپیما انجام شد، به نیت نذر احرام عمره‌ی مفرده‌ی واجبه. هواپیما در جده به زمین نشست و از آنجا با ماشین به مکه رفتم.

السؤال هو: إن السيارة كانت مسقفة وكنت وقتها محرم، فهل هناك دية عليها؟

سؤال من: ماشین مسقف بود و من در آن هنگام محرم بودم؛ آیا دیه واجب می‌شود؟

بالتائرة قدموا وجبة وهي رز مع دجاج ولا أدري إذا كان الدجاج مذبوحاً ذبحاً إسلامياً؟ وما هو حكم أكل الدجاج الموجود في المطاعم بمكة والمدينة المنورة؟

در هواپیما غذایی که شامل برنج با مرغ بود آوردند و من نمی‌دانستم که آیا این مرغ ذبح اسلامی شده است یا خیر. ضمناً خوردن مرغی که در رستوران‌های مکه و مدینه‌ی منوره موجود است چه حکمی دارد؟

علماً أن أغلب المذبوح مستورد من الخارج ويكتبون عليه ذبحاً إسلامياً، حتى إذا سألت

البائع في المطعم يقول إنه ذبح إسلامي، فما حكمه؟

با توجه به این که اغلب ذبح شده‌ها از خارج وارد می‌شود و بر آن می‌نویسند ذبح اسلامی. حتی اگر از فروشنده در رستوران بپرسیم می‌گوید این ذبح اسلامی شده است. حکم آن چیست؟

ذهبت بعد العمرة إلى المدينة لزيارة رسول الله محمد (ص) وأئمة البقية وفاطمة (ع)، وبداية وصولي ذهبت مباشرة لزيارة رسول الله (ص) بعد الحجز بالندق والاعتسال وكان الوقت قبل صلاة المغرب بقليل، فقدموا في المسجد للموجودين إفتاراً وهي سبع تمرات وعصير وأكلت منها بنية ضيافة من رسول الله (ص) ولا يمكنني ردها، ولكن بعدها خطر ببالي أن المائدة كانت للنواصب والوهابية، ما هو الحكم الشرعي؟

پس از عمره برای زیارت پیامبر خدا محمد (ص) و ائمه‌ی بقیع و فاطمه (ع) به مدینه رفتم. وقتی آنجا رسیدم، پس از رزرو هتل و غسل کردن، مستقیم به زیارت پیامبر خدا (ص) رفتم. آن موقع کمی قبل از وقت نماز مغرب بود. برای افراد حاضر در مسجد افطاری آوردند که عبارت بود از هفت خرما و آب میوه. من به نیت این که اینها پذیرایی از طرف پیامبر خدا (ص) است از آنها خوردم و نمی‌توانستم آنها را رد کنم. ولی پس از آن به ذهنم آمد که این سفره متعلق ناصبی‌ها و وهابی‌ها است. حکم شرعی آن چیست؟

والسلام عليكم ورحمة الله.

اللهم صل على فاطمة وأبيها وبعلمها وبنيتها والسر المستودع فيها.

المرسل: أبو علي - الكويت

و السلام عليكم و رحمة الله.

خداوندا! بر فاطمه، پدرش، شوهرش، فرزندانش و سزای که در آن نهاده شده، صلوات بفرست!

فرستنده: ابوعلی - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

التظليل إذا كان عن اضطرار كما لو كانت وسيلة النقل المتوفرة هي فقط السيارة المسقفة فلا إشكال فيه.

زیر سایه رفتن، اگر از روی اضطرار باشد مثلاً به این دلیل که وسیله‌ی نقلیه‌ی موجود فقط خودروی مسقف باشد، اشکالی ندارد؛

أما لو كان عن اختيار يعني مثلاً كانت توجد سيارتان يمكنه الانتقال بهما وأحدهما بدون سقف والأخرى مسقفة واختار بإرادته السيارة المسقفة ففي هذه الحالة ارتكب محرماً وعليه كفارة شاة يذبحها في مكة إن كان معتمراً.

ولی اگر این کار از روی اختیار صورت بگیرد، مثلاً در آنجا دو خودرو باشد که با آن دو می‌توان نقل مکان نمود و یکی از آنها مسقف و دیگری بدون سقف باشد و فرد با اختیار خودش ماشین مسقف را انتخاب کند، وی مرتکب حرام شده و اگر «معتمر» (عمره‌گزار) است، باید یک گوسفند در مکه قربانی کند و کفاره بدهد.

أما بالنسبة للحوم الدجاج فلا بد من الاطمئنان إلى أنها ذبحت بيد مسلم؛ لأنهم يجيزون الآن الذبحة بالماكنة.

در خصوص گوشت مرغ، حتماً باید مطمئن شد که به دست فرد مسلمان ذبح شده باشد زیرا آنها اکنون ذبح با ماشین را هم مجاز می‌دانند.

وفي الطائرة وفي المطاعم إذا كنت قد بحثت وسألت وعلمت أن الدجاج مذبوح بيد المسلم فيمكنك أكله وإلا فاجتنبه وفقك الله.

در هواپیما و رستوران‌ها اگر پرس و جو کردی و سؤال نمودی و فهمیدی که مرغ به دست مسلمان ذبح شده است، می‌توانی آن را میل کنی، و گرنه از آن اجتناب کن. خداوند توفیق دهد!

أما المائدة التي تقدم في المسجد النبوي من تمر وشراب فكلها هنيئاً، ولا إشكال فيها وفقك الله.

و اما در خصوص سفره‌ی خرما و نوشیدنی که در مسجد نبوی عرضه شد، با طیب خاطر آن را میل کن؛ اشکالی بر آن نیست. خداوند شما را توفیق دهد!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ١٤٣١ هـ

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ١٤٣١ هـ ق.



### پرسش ٥٤٧: با اجبار شرکت در انتخابات

السؤال / ٥٤٧: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

السلام عليكم يا مولاي أحمد الحسن اليماني.

پرسش ٥٤٧: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

سلام بر شما، ای مولای من، احمد الحسن یمانی!

مولاي، إني أنصارية لكن أهلي ليسوا من الأنصار، لكن الأهل ضغطوا عليّ بمسألة الانتخابات وإني ذهبت لكن أفسدت القائمة وأشرت على أكثر من كيان ولا أعرف من هم... أشرت على أكثر من كيان، هل يعتبر حرام، أم ماذا؟ أرجو الإجابة.

هل اعتبر ذنب عليّ، أم ماذا؟

المرسلتة: المهندسة المدنية - العراق

سرورم! من زنی از انصار هستم ولی خانوادهام جزو انصار نیستند و آنها در مورد انتخابات بر من فشار آوردند. من هم رفتم و برگه‌ی (رای گیری) را خراب کردم و نام بیش از یک حزب را نوشتم و نمی دانستم اینها چه کسانی اند... آیا این که در برگه نام بیش از یک حزب را نوشته‌ام، کاری حرام به شمار می رود یا خیر؟ لطفاً پاسخ بدهید. آیا این کار گناهی بر گردن من محسوب می شود یا خیر؟

فرستنده: مهندس عمران - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفقك الله، إن كنت مجبرة على هذا الأمر فيغفر لك الله وهو خير الغافرين، وأسأل الله لكم خير الآخرة والدنيا.

خداوند شما را توفیق دهد! اگر بر این کار مجبور بوده‌ای خداوند شما را می‌بخشد که او بهترین آمرزندگان است. از خداوند برای شما خیر آخرت و دنیا را درخواست می‌نمایم!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصعب / ۱۴۳۱ هـ

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب لأصعب / ۱۴۳۱ هـ ق.



**پرسش ۵۴۸: احکام نگاه کردن به تصاویر در تلویزیون و اینترنت**

السؤال / ۵۴۸: السلام عليكم سيدي ومولاي وإمامي في الدنيا والآخرة، إن شاء الله أسألك مولاي الدعاء بالثبات والنصرة لكم.

پرسش ۵۴۸: سرور، مولا و امام من در دنیا و آخرت، سلام عليكم! ان شاء الله سرورم، از شما مسئلت دارم که مرا بر ثبات و نصرتان دعا کنی.

وأما بعد .. فإني بفضل من الله مؤمن بكم سيدي ومولاي، وأسأل الله الثبات بحق مظلومية الزهراء.

و اما بعد... سرور و مولاييم! من به فضل خدا به شما ايمان دارم، و به حق مظلوميت زهرا(ع) ثبات و پايدارى را از خدا خواهانم.

ومشكلتي أنني ضعيف أمام الجنس الآخر، فهل من الممكن دعاء نصيحة تخلصني، وما هو السبب بتحريم النظر إلى الصور في التلفاز والانترنت للنساء العاريات؟  
مشكل من اين است كه من در مقابل جنس مخالف ضعيف ام. آيا امكان دارد نصيحتي به من بفرمايي كه مرا خلاص كند؟ درضمن دليل حرام بودن نگريستن به تصاوير زنان برهنه در تلويزيون و اينترنت چيست؟

شكراً جزيلاً لجنابكم، ويحرص السائل أن يحصل الجواب من الإمام(ع).

المرسل: أ د - الكويت

با تشكر فراوان از حضرتعالى. سؤال کننده بسيار ماييل است پاسخ را از امام(ع) دريافت كند.

فرستنده: ا د - كويت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير، هناك كبائر، وهناك صفائر هي عادة تكون سبباً لارتكاب الكبائر، فاجتنبوا الذنوب صغيرها وكبيرها، وعليك دائماً بقراءة القرآن وصلاة الليل والصيام ولا تضيع حظك من رضا الله سبحانه وتعالى، وأسأل الله أن يرحمك برحمته ويطهرك من الذنوب صغيرها وكبيرها ويجعلك من جنده وحزبه وأوليائه هو وليي وهو يتولى الصالحين.

خداوند شما را بر هر خیری توفیق دهد! یک سری گناهان، کبیره هستند و برخی گناهان صغیره‌اند که معمولاً زمینه‌ساز ارتکاب کبیره‌ها می‌شوند. از گناهان پیرهیزید، از کوچک و بزرگ آنها. بر شما باد دائماً به قرائت قرآن و نماز شب و روزه و این که بهره‌ی خود را از رضایت خدای سبحان و تعالی از دست ندهید. از خداوند تقاضا دارم که به رحمت خویش بر تو رحم آورد و از گناهان کوچک و بزرگ پاک گرداند و تو را از سربازان و حزب و اولیایش قرار دهد! او یاور من است و او دوست شایستگان است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ۱۴۳۱ هـ

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ. ق.

\*\*\*\*\*

### پرسش ۵۴۹: احکام قرض و مطالبه آن

السؤال / ۵۴۹: السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

بعد التحية والسلام إنني خادمة الحسين (ع) أم علي من طرف السيد التقي. سيدي الفاضل، هنالك طلب قديم أحب استدل وأستشرع من خلالكم عليه أطل الله في عمركم:

پرسش ۵۴۹: السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

پس از تحیت و سلام، من امّ علی خادم حسین (ع) از طرف سید تقی هستم. سرور ارجمندم، خواسته‌ای قدیمی دارم که مایلم استدلال و حکم شرعی آن را از شما دریافت کنم. خداوند عمر شما را طولانی فرماید!

والدي يطلب مبلغ من المال صديق له ويوجد شهود على هذا الطلب، الرجل مات الذي نطلبه، والدي أيضاً مات هل يحق لنا المطالبة بهذا المبلغ من خلال أولاده، للعلم والدي شكل



ذمة الرجل أمام ولده عندما طالب بحقه ورفضوا والمبلغ كبير. سيدي الفاضل، من حقنا المطالبة بالمبلغ؟ للعلم يوجد شهود.

پدر من مقدرای پول از یکی از دوستانش طلب دارد و بر این قضیه شاهدانی هم موجود است. مردی که از او طلب داشتیم فوت کرد و پدر من نیز فوت کرده است. آیا ما این حق را داریم که مبلغ مزبور را از اولاد آن فرد مطالبه کنیم؟ با توجه به این که پدرم وقتی حقیقتش را طلب نمود و آن‌ها نپذیرفتند، مرد را جلوی پسرانش مشغول الذمه کرد [وی را حلالیت نداد] درضمن این مبلغ، پول زیادی است. سرور فاضل من! آیا ما این حق را داریم که مبلغ را مطالبه کنیم؟ متذکر می‌شوم شاهدانی هم وجود دارد.

أرجو الرد أظال الله في عمرکم مع خالص تحياتي.

المرسلة: أشواق العبيدي - العراق

لطفاً پاسخ دهید، خداوند عمر شما را طولانی گرداند! با تقدیم صمیمانه‌ترین احترامات من.  
فرستنده: اشواق العبيدي - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليمًا.

إذا كان الشخص الذي مات وهو مدين لوالدكم قد ترك مالا أو ملكاً يسع الدين أو بعضه فلا بد أن يسد دينه وتبرأ ذمته من قبل ورثته، وأنتم لكم حق مطالبته بالمال؛ لأنكم ورثته هذا الحق بعد وفاة والدكم.

اگر شخصی که فوت کرده و به پدر شما بدهکار بوده است، مال یا ملکی از خود بر جای گذاشته باشد که بتواند بدهی یا قسمتی از آن را پوشش دهد، باید از طریق وارثان او دینش پرداخت شود و ذمه‌اش بری گردد. شما نیز این حق را دارید که مال را از آنها مطالبه کنید زیرا شما پس از وفات پدرتان، وارثان این حق هستید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ۱۴۳۱ هـ

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ.ق.



### پرسش ۵۵۰: حکم استخاره گرفتن برای تشخیص حلال بودن گوشت

السؤال / ۵۵۰: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

نحن مجموعة من النساء المؤمنات بالسيد أحمد (ع) ولم يؤمن أزواجنا بعد، ويشق علينا الذهاب للتأكد من الذبح، فصرنا نستخير على اللحم والدجاج لأكله، فهل يجوز لنا ذلك؟ وهل يجوز إخبار باقي الأنصار من الرجال بذلك (الاستخارة على اللحم) الذين لديهم المجال للتحقق أكثر منا؟ أعني هل يجوز ذلك كقاعدة نعتد عليها ولو كنا في سعة ولم تكن هناك مشقة؟

المرسلة: ز.خ - الإمارات

پرسش ۵۵۰: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً. ما گروهی از زنان هستيم که به سيد احمد (ع) گرویده ایم ولی شوهران ما هنوز چنین اعتقادی پیدا نکرده اند. بر ما دشوار است که برويم و از روش ذبح مطمئن شويم، لذا ما برای خوردن گوشت و مرغ استخاره می کنيم. آیا این کار برای ما جایز است؟

و آیا جایز است که ما مردان انصار را که بیشتر از ما می توانند بروند و تحقیق کنند، از این موضوع (استخاره برای گوشت) باخبر سازيم؟ منظورم این است که آیا این روش می تواند به صورت قانونی که بتوان به آن اعتماد کرد تلقی شود حتی اگر امکان تحقیق فراهم باشد و رنج و مشقتی برای آن وجود نداشته باشد؟

فرستنده: ز. خ - امارات

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفقكم الله، بالنسبة للدجاج لا بد من الاطمئنان إلى أنه ذبح بيد المسلم؛ لأنهم أجازوا الذبح بالماكنة وهو غير شرعي.

خداوند شما را توفیق دهد! در خصوص مرغ باید حتماً اطمینان حاصل شود که به دست فرد مسلمان ذبح شده باشد زیرا آنها ذبح با دستگاه را مجاز شمرده‌اند و حال آن که غیر شرعی است.

أما اللحوم الحمراء فيمكن أكل المذبوح في البلاد الإسلامية ولا إشكال فيه.

اما در مورد گوشت‌های قرمز، در سرزمین‌های اسلامی می‌توان حیوانات ذبح شده را میل کرد و این کار اشکالی ندارد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ١٤٣١ هـ

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ١٤٣١ هـ ق.



## پرسش ۵۵۱: سوال در مورد قرض و هدیه

السؤال / ۵۵۱: اشتریت كارتات تلفون بمبلغ من المال، وسعر الكارت (۱۲,۵۰۰) وبعثتها على شخص بمبلغ (۱۳,۵۰۰) على أن يسدد لي بعد شهر ولم يستطع أن يسدد لي، فبقى المبلغ عليه دين ولكنه يأتي بمبلغ من المال ويقول هذه هدية وليست فوائد دون أن أطلب منه أي مبلغ، فما حكم أخذ مثل هذا المال؟

ولكم الأجر والثواب إن شاء الله.

المرسل: أبو جعفر - العراق

پرسش ۵۵۱: با پرداخت مبلغی پول، دو کارت تلفن خریدم. قیمت کارت ۱۲۵۰۰ بود و من آن را به فرد دیگری به قیمت ۱۳۵۰۰ فروختم، به این شرط که پس از یک ماه پول را به من برگرداند؛ ولی او نتوانست این پول را به من پرداخت کند و این مبلغ به صورت دین بر عهده‌ی او مانده است. لکن او با مقداری پول نزد من آمد و گفت این هدیه است و سود نمی‌باشد، بدون این که من هیچ پولی از او طلب کرده باشم. گرفتن چنین پولی چه حکمی دارد؟ و برای شما پاداش و ثواب باشد ان شاء الله.

فرستنده: ابوجعفر - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.  
وفقك الله، الهدية موضوع آخر لا ارتباط بينه وبين الدين ولا إشكال في أخذ الهدية  
ولكن الأولى بك وبه أن يحتسب الأموال التي يعطيك جزءاً من الدين الذي لك عليه.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - شعبان الخير والبركة / ۱۴۳۱ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.

خداوند شما را توفیق دهد! هدیه، موضوع دیگری است و ارتباطی با قرض ندارد. گرفتن هدیه اشکال ندارد ولی برای شما و او بهتر آن است که این مبالغی که به شما می‌دهد، بخشی از دینی که شما از او طلب داری حساب شود.  
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - شعبان الخیر و البرکة / ۱۴۳۱ هـ ق.



### پرسش ۵۵۲: آیا مشروب (خمر) قبل از اسلام حلال بود؟

السؤال / ۵۵۲: السلام علیکم.

سیدی ومولای وتاج رأسی أحمد الحسن علیک أفضل الصلاة والسلام مولای ورحمة الله وبرکاته، عجل الله فرجك وکثر أنصارك ولعنة الله على أعدائك من الجن والناس أجمعین وجعلني خادمك الحقیير الفقیر المقاتل بین یدیک والمستشهد تحت قدمیک.

پرسش ۵۵۲: السلام علیکم.

سرور و مولایم، تاج سرم، احمد الحسن، بر شما برترین درود و سلام باد سرورم، و رحمة الله و برکاته! خداوند در فرج شما تعجیل فرماید و انصارت را زیاد گرداند! و لعنت خدا بر تمام دشمنان تو از جن و انس باد! و مرا خادم حقیر و فقیر و کارزارکننده‌ای پیش روی تو و شهیدی زیر پای شما قرار دهد.

سیدی، سؤالی مولای عن الخمر أجلكم الله، هل كان حلالاً قبل الإسلام وفي وقت الإسلام وبعدها حرم كما تقول الآية الكريمة: أعوذ بالله من شر الشيطان اللعين الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم ﴿لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى﴾<sup>(۱)</sup> صدق الله العلي العظيم.

سرورم! سؤال من درباره‌ی مشروب است - اِجْلِكُمْ اللّٰهَ - آیا شراب قبل از اسلام و در زمان اسلام حلال بوده و پس از آن حرام شده است، طبق گفته این آیه‌ی شریفه: اعوذ باللّٰه من الشیطان الرجیم بسم اللّٰه الرحمن الرحیم (آن‌گاه که مست هستید گرد نماز مگردید)<sup>(۱)</sup> صدق اللّٰه العلی العظیم.

وصلاة اللّٰه علی محمد وآل محمد، وعلی أحمد الحسن والمهدیین وسلم تسليماً كثيراً.  
فی أمان اللّٰه ورعايته وحفظه مولای أحمد علیک أفضل الصلاة والسلام سیدی خادمک  
العبد الحقیر.

المرسل: میثم التمار - اسپانیا

و صلوات و درود خدا بر محمد و آل محمد، و بر احمد الحسن و بر مهدیین و سلم تسليماً كثيراً.  
در امان و پشتیبانی و نگهداری خدا باشید ای مولای من، احمد! برترین درود و سلام بر تو باد سرورم!  
خادم تو، بنده‌ی حقیر.

فرستنده: میثم تمار - اسپانیا

الجواب: بسم اللّٰه الرحمن الرحیم

والحمد لله رب العالمین، و صلی اللّٰه علی محمد وآل محمد الأئمة والمهدیین وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم اللّٰه الرحمن الرحیم

والحمد لله رب العالمین، و صلی اللّٰه علی محمد وآل محمد الأئمة والمهدیین وسلم تسليماً.

لم یکن الخمر المسکر حلالاً فی دین اللّٰه منذ خلق اللّٰه آدم (ع)، وهذه الآیة لا علاقة لها  
بحلیة الخمر المسکر بل هی فی النهی عن الصلاة حتی یكون الإنسان منتبه ویعی ما یقول،  
والذی یغلب علیه النعاس مشمول بهذه الآیة.

از زمانی که خدا آدم (ع) را آفرید، شراب مست‌کننده در دین خدا حلال نبوده است. این آیه ارتباطی  
با حلال بودن شراب مستی‌آور ندارد بلکه این آیه در مقام اجتناب از نماز تا انسان، آگاه و هوشیار  
باشد و بداند چه می‌گوید؛ و کسی که چُرت بر او غلبه کرده، مشمول این آیه است.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ١٤٣١ هـ

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - نيمه شعبان / ١٤٣١ هـ ق.

\*\*\*\*\*

### پرسش ٥٥٣: چند سوال از تفسیر قرآن و روابط زناشویی

السؤال / ٥٥٣: بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، وعظم الله أجوركم باستشهاد الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء صلوات ربي عليها.

پرسش ٥٥٣: بسم الله الرحمن الرحيم  
اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً. السلام عليكم و رحمة الله و بركاته، خداوند پاداش شما را در شهادت صديقه‌ی طاهره فاطمه‌ی زهرا(ع) عظيم گرداند.

إلى سيدي ومولاي وأبي يماني آل محمد .. إنه دائماً يراودني شعور بالحزن والقلق وأفكار بالتالي توصلني إلى اليأس.

به سرور و مولا و پدرم، يماني آل محمد.... احساسات، پيوسته مرا به حزن و دل‌واپسی و پریشانی و در نتیجه به یأس و ناامیدی سوق می‌دهد.

سيدي ومولاي، إني أريد منك أي شيء يساعدي على أن أتخلص من هذا الشعور، وأن أكون أهلاً لنصرة محمد وآله باللسان والسنان مكن الله لكم في الأرض سادتي وموالي.

سرور و مولایم! هر چیزی که مرا کمک کند تا از این احساس رهایی یابم را از شما درخواست دارم، و این که برای نصرت محمد و آل او با لسان و سنان شایستگی داشته باشم. ای آقایان من و سرورانم! خداوند شما را در زمین تکمین عطا فرماید!

### رسالة أخرى:

نامه‌ای دیگر:

بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صلي على محمد وآل محمد الأمة والمهديين وسلم تسليمًا.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليمًا.  
السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

عظم الله لكم الأجر باستشهاد الصديقة الطاهرة فاطمة الزهراء صلوات ربي عليها، وعلى أبيها رسول الله (ص) سيد البشر، وعلى بعلمها أمير المؤمنين (ع) سيد الأوصياء، وعلى بنيتها الحسن والحسين وزينب والأئمة والمهديين (ع)، وبالخصوص ولدها بقية الله في الأرض ووصيه (مکن الله لهم في الأرض).

خداوند پاداش شما را در شهادت صدیقه‌ی طاهره فاطمه‌ی زهرا (ع) عظیم گرداند؛ درود خداوند بر او و بر پدرش پیامبر خدا (ص) سید البشر، و بر همسرش امیرالمؤمنین (ع) سید الاوصیا، و بر دو پسرش حسن و حسین و زینب و ائمه و مهدیین (ع)، و به خصوص بر فرزندش بقیه الله در زمین و وصی او (که) خداوند ایشان را در زمین تمکین عنایت فرماید).

اللهم العن ظالمیها و غاصبی حقها و حق بنیها و أنصار بنیها، اللهم اجعل لنا الشرف في نصرتهم باسمك الواحد القهار وبالصلاة على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.



خداوندا! کسانی که بر حضرت زهرا(ع) ستم کردند و حق او و فرزندان و انصار فرزندان او را غصب نمودند لعنت کن. خداوندا! در نصرت ایشان ما را شرافت عطا فرما! به نام نامی ات «واحد قهار» و با صلوات بر محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

والحمد لله رب العالمين

و الحمد لله رب العالمين.

إلى سيدي ومولاي يمانى آل محمد(ع)، لديّ بعض الأسئلة، منها:

خطاب به سرور و مولایم، یمانی آل محمد(ع)، من چند سؤال دارم، از جمله:

قال تعالى: ﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ عَلَيْكَ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>(١)</sup>، عند قراءتي إلى هذه الآية تداخلني أفكار كثيرة، وأنت تعلم يا مولاي أن للإنسان خفايا كثيراً منها ذنوب الإنسان وأشياء لا يعرفها الله يعرفها، ولا أعرف ماذا تعني هذه الآية: ﴿وَحُرِّمَ عَلَيْكَ الْمُؤْمِنِينَ﴾، هل هي حرام من الله أم من الإنسان المؤمن؟ اعذرني يا مولاي على قلتة فهمي في صياغة الأسئلة وإني أعلم أنك يا سيدي تعرف قصدي.

خدای متعال فرموده است: (مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را نمی‌گیرد، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک نمی‌گیرد، و این بر مؤمنان حرام شده است)<sup>(٢)</sup>. وقتی این آیه را می‌خوانم، افکار زیادی در سرم می‌چرخد و شما ای سرورم، می‌دانی که انسان، نهفته‌های زیادی دارد که گناهان آدمی از آن جمله است و چیزهایی که ما نمی‌دانیم و خدا می‌داند. من منظور این آیه را که می‌فرماید: (و این بر مؤمنان حرام شده است) متوجه نمی‌شوم؛ آیا از طرف خدا حرام است یا از طرف انسان مؤمن؟ سرورم! عذر مرا بر کم فهمی ام در نحوه‌ی سؤال کردن بپذیر و من می‌دانم تو ای سرورم، منظورم را متوجه هستی.

١- النور: ٣.

٢- نور: ٣.

في بداية سورة الواقعة لماذا بدأ سبحانه وتعالى بأصحاب الميمنة ولم يبدأ بالسابقين أو أصحاب المشأمة حسب ترتيب الصفات إما بالمقربين أو الضالين كما في نهاية السورة.

در ابتدای سوره‌ی واقعه، چرا خدای سبحان با «اصحاب میمنه» شروع کرده است، نه با «السابقین» یا «اصحاب المشأمة» (اهل شقاوت) بر حسب ترتیب صفات؛ همان‌طور که در انتهای سوره با «مقربین» یا «ضالین» آمده است؟

في القرآن الكريم وروايات أهل البيت (عليهم صلوات الله أجمعين) كلام عن المرأة، وأسئلتی سيدي:

سرورم! در قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) سخنی درباره‌ی زن هست، و سؤال من این است:

ما هي المشورة التي فيها يجب أن يخالفها الرجل بها؛ لأن دائماً الرجال عندما يكون موضوع وتتكلم به المرأة معهم وتعطي رأيها يقولون شاوروهن واخلفوهن، وهذا يجعل في القلب حيرة وكسرة؛ لأنهم يحتجون علينا بأهل البيت (ع).

آن کدام مشورت است که مرد باید با آن مخالفت کند؟ زیرا همیشه وقتی موضوعی پیش می‌آید و زن‌ها با مردها در مورد آن صحبت می‌کنند و نظرشان را بیان می‌دارند، آقایان می‌گویند «شاوروهن و اخلفوهن» (با زنان مشورت کنید و مخالف آن عمل نمایید). این باعث می‌شود که دل، سرگشته و شکسته شود زیرا آن‌ها با اهل بیت (ع) با ما احتجاج می‌کنند.

سيدي، أريد أن تحكم لنا مدى حدود تكلم وتعامل المرأة مع الأجنبي (غير المحرم)، وكذلك للرجل ومدى تعامله مع الأجنبية (الأنصارية أو غير الأنصارية)، هل هو نفس التعامل من جميع النواحي؟

سرورم! خواهش می‌کنم برای ما حدود سخن گفتن و تعامل داشتن زن با مرد بی‌گانه (نامحرم) را مشخص نمایید. هم‌چنین برای مرد و این‌که یک مرد با زن بی‌گانه (چه از انصار و چه از غیر انصار) چه مقدار می‌تواند تعامل داشته باشد را بیان دارید. آیا این تعامل در همه‌ی ابعاد و جوانبش می‌تواند باشد؟

هنالك تعاملات عند بعض الإخوة الأنصار مع زوجاتهم فيها كثير من السب والشتم وقد يصل إلى أشياء أخرى نخجل أن نتكلم بها، وكذلك تعاملهم بالضرب معهن وهذا لا

أتكلم به عن نفسي ولكن لأشياء واقعة تبعث الحزن في قلوبنا، وأسأل الله أن يوفق إخواني لكل خير وأن يبدلوا هذه التعاملات بتعامل يصل به الأخوات الأنصاريات إلى الله ونصرة محمد وآل محمد باللسان والسنان.

برخی برادران انصار رفتارهایی با زنانشان دارند که با فحش و دشنام زیادی همراه است و بعضی وقتها کار به جاهایی می کشد که از بیان آنها خجالت می کشیم. هم چنین گاهی اوقات زنانشان را کتک می زنند؛ من اینها را از خودم نمی گویم بلکه چیزهایی است که اتفاق افتاده و دل های ما را به درد آورده است. از خداوند مسئلت می نمایم که برادرانم را بر هر خیری موفق بدارد و به جای این برخوردها، رفتاری پیشه کنند که خواهران انصار با آن به خدا برسند و با لسان و سنان محمد و آل محمد را یاری دهند!

يا سيدي ومولاي وقرّة عيني، إن الفرحة لا تسعني؛ لأنكم معنا في هذا الزمان يا سادتي وموالي، والله إني أحياناً لا أصدق نفسي عندما أسمع صوتكم العزيز علينا، ونتمنى من الله بحق الصديقة الزهراء (عليها السلام) أن يجعل لنا الشرف في نصرتكم عليكم السلام.

ای سرور و مولایم! ای نور دیده ام! خوشحالی ام قابل توصیف نیست؛ زیرا در این زمان شما با ما هستید. ای آقایان من و سرورانم! به خدا سوگند من گاهی اوقات باور نمی کنم که صدای شما را که نزد ما بسیار ارجمند و عزیز است می شنوم. از خداوند تقاضا داریم که به حق صدیقه ی زهرا(ع) ما را به نصرت شما مشرف گرداند. علیکم السلام.

اعذرنی یا سیّدی ومولای إن کان منی تجاوز بالكلمات؛ لأنني التقطها بصعوبة لأنها متزاحمة وأنا مرتبكت.

سرور و مولایم! اگر در کلمات از حد تجاوز کردم، مرا ببخش؛ زیرا من به سختی آنها را مرتب نمودم؛ زیرا کلمات انبوه اند و من آشفته و سرگردان!

اللهم مكن لمحمد وآل محمد وقائم آل محمد عاجلاً غير آجل بحق فاطمة وأبيها وبعلمها وبنيتها والسر المستودع فيها.

خداوندا! به حق فاطمه، پدرش، همسرش، فرزندانش و سر پنهانش، محمد و آل محمد و قائم آل محمد را در اسرع وقت تمکین عنایت فرما!

والسلام علیکم ورحمة الله وبركاته.

المرسلة: أم زينب - العراق

و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

فرستنده: ام زينب - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُوَفِّقَكُمْ لَذِكْرِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى وَقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ فِيهَا جَلَاءً لِلْقُلُوبِ وَطَهَارَةً لِلنَّفُوسِ، فَأَكْثِرِي مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَخُصُوصاً مِنْ قِرَاءَةِ سُورَةِ يَسٍ وَالْوَاقِعَةِ وَآيَةِ السَّخْرَةِ، وَهِيَ: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثاً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ ❖ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعاً وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ❖ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفاً وَطَمَعاً إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>(۱)</sup>

لطرد شیاطین الإنس والجن کفایک الله شرهم.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را بر ذکر خدای سبحان و تلاوت قرآن که در آن صیقل دل‌ها و طهارت نفس‌ها است، موفق بدارد! قرآن زیاد بخوان، مخصوصاً سوره‌ی یس، واقعه و آیة‌ی سخره را که به شرح زیر است: (پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، پس به عرش پرداخت، شب را در روز می‌پوشاند و روز، شتابان آن را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و فرمان‌روایی سزاوار او است. خدای پروردگار جهانیان، به غایت بزرگ است\* پروردگارتان را با تضرع و در نهان بخوانید، زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد\* در زمین

آن‌گاه که به صلاح آمده است فساد مکنید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید و رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است<sup>(۱)</sup> تا شیاطین انس و جن دور شوند که خداوند شر آن‌ها را از شما بازمی‌دارد.

ج س ۱: ﴿الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>(۲)</sup>، لا یزنی الزانی وهو یزنی وهو مؤمن إنما یخلع عنه ثوب الإیمان، فإن ندم وتاب عاد إليه إیمانه، فالتحریم بالآیة علی الزانی والزانیة المشهورین بالزنا ولم تظهر منهم توبة فهؤلاء یحرم مناكحتهم.

پاسخ سؤال ۱ - (مرد زناکار جز زن زناکار یا مشرک را نمی‌گیرد، و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک نمی‌گیرد، و این بر مؤمنان حرام شده است)<sup>(۳)</sup>. زناکار، در حال زنا، مؤمن نیست بلکه جامه‌ی ایمان از او کنده می‌شود؛ اگر پشیمان شود و توبه کند، ایمانش بازمی‌گردد. تحریمی که در آیه آمده مربوط به مردان و زنان زناکاری است که به زنا مشهورند و توبه‌ی آن‌ها آشکار نشده است. ازدواج با این عده حرام است.

وفقکم الله، وقد بیئت هذا الأمر فی الشرائع وهذا هو النص من کتاب الشرائع: (ولا یجوز الزواج من المشهورة بالزنا إلا أن تظهر توبتها).

خداوند شما را توفیق دهد! من این موضوع را در «شرايع الاسلام» توضیح داده‌ام و این متن از کتاب شرايع است: «ازدواج با زنی که به زنا شهرت دارد جایز نیست، مگر این که توبه‌اش را آشکار نماید».

ج س ۲: ربما أنت اشتبهت بالسؤالين في بداية السورة ﴿فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ❖ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ❖ وَاعْتَدْتُمْ أَنَّهُ بَدَأُ بِأَصْحَابِ الْمَيْمَنَةِ فِي حِينَ أَنَّهُ بَدَأَ بِالْمَقْرِبِينَ وَبَيْنَ حَالِهِمْ ❖ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ❖ وَأُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ❖ فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ ... ❖ ثُمَّ أَصْحَابُ الْيَمِينِ وَبَيْنَ حَالِهِمْ ❖ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ❖ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ... ❖ ثُمَّ أَصْحَابُ الشَّمَالِ وَبَيْنَ حَالِهِمْ ❖ وَأَصْحَابُ الشَّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشَّمَالِ ❖ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ... ❖ وَكَذَا فِي نَهَايَةِ السُّورَةِ.

۱ - اعراف: ۵۴ تا ۵۶.

۲ - النور: ۳.

۳ - نور: ۳.

پاسخ سؤال ۲ احتمالاً شما درباره‌ی دو سؤال‌ی که در آغاز سوره هست، دچار اشتباه شده‌ای: (... یکی اهل سعادت، اهل سعادت چه حال دارند؟ دیگر اهل شقاوت، اهل شقاوت چه حال دارند؟) و گمان نموده‌ای که سوره‌ی واقعه با اصحاب اهل سعادت آغاز شده، حال آن‌که این سوره با مقربین شروع شده و وضعیت آن‌ها را توصیف کرده است: (آن‌ها که سبقت جسته بودند و اینک پیش افتاده‌اند، اینان مقربانند، در بهشت‌های پر نعمت ...). (....) سپس اصحاب یمین و وضعیت آن‌ها را بیان نموده است: (اما اصحاب سعادت، اصحاب سعادت چه حال دارند؟ در زیر درخت سدر بی‌خار....) آن‌گاه به توصیف اصحاب شمال و وضعیت آن‌ها پرداخته است: (اما اصحاب شقاوت، اصحاب شقاوت چه حال دارند؟ در باد سموم و آب جوشانند....) و همین‌طور در پایان سوره.

أما السؤالان في بداية السورة عن أصحاب اليمين وأصحاب المشأمة وترك السؤال عن المقربين فهو لبیان شرف المقربين وعلو شأنهم وأغنياء عن السؤال عن حالهم أو بیان حالهم، ولذا بدأ سبحانه مباشرة ببيان حالهم دون السؤال عنه.

این‌که در ابتدای سوره، دو سؤال درباره «اصحاب الیمینه» و «اصحاب المشأمة» آمده و از مقربین سؤال‌ی مطرح نشده است، برای بیان عظمت و شرافت مقربین و بلندی مقام و مرتبه‌ی آن‌ها است؛ و این‌که آن‌ها بی‌نیاز از آن هستند که درباره‌ی وضعیت‌شان سؤال‌ی مطرح شود یا وضعیت ایشان تبیین و توصیف گردد. لذا خداوند سبحان به‌طور مستقیم و بدون این‌که در این مورد سؤال‌ی مطرح نماید، به بیان وضعیت آن‌ها پرداخته است.

ج س ۳:

أ: من السفه أن نقول استشر شخصاً لتخالفه، بل هو من قلة الأدب، وليس كل ما روي عن أهل البيت (ع) صحيحاً، فهناك من أخطأ في النقل عنهم، وهناك من تقصد الافتراء عليهم ليسيء لهم، وما وجدتموه يخالف القرآن وخلق القرآن فأكيد أنه لم يصدر من أهل البيت (ع)، بل هو نقل خاطئ أو مصحف أو أنه كلام مفترى عليهم (ع).

پاسخ سؤال ۳ الف: این از سفاهت است که بگوییم با کسی مشورت کن و بر خلافش عمل نما!؛ حتی این کار از کم‌ادبی است! این‌گونه نیست که تمام آن‌چه که از اهل بیت (ع) روایت شده است، صحیح باشد. گاهی اوقات کسی در نقل مطلب از آن‌ها اشتباه کرده است و گاهی اوقات کسانی هستند با هدف اهانت نمودن به آن‌ها، نسبت دروغ به ایشان داده‌اند. هرچه را که دیدید با قرآن و خلق قرآن

مخالف است، قطعاً از اهل بیت (ع) صادر نشده است؛ بلکه یا نقل اشتباه‌آمیز است یا تحریف شده و یا کلامی است که به دروغ به این بزرگواران منتسب گشته است.

ب: الكلام بين المرأة والرجل جائز، ولكن المفروض أن يكون الكلام لسبب صحيح ومقبول، كالعمل والإرشاد، ولا يكون كلاماً عبثياً ولأجل الكلام فقط.

ب: سخن گفتن بین زن و مرد جایز است ولی باید کلام برای غرضی درست و مقبول باشد مانند کار یا راهنمایی کردن و این گفت‌وگو نباید از روی بی‌هودگی و شوخی و صرفاً برای هم کلام شدن باشد.

ج: الزوج والزوجة هما شخصان اقترنا بعقد، فأکید أنهما ليسا شخصاً واحداً، بل هما اثنان وبالتالي لا بد أن يكون بينهما اختلاف وافتراق في أمور كثيرة، وهذا يحتاج للصبر وتحمل كل واحد منهما للآخر، ولا بد من المودة والرحمة بين الزوجين لتستمر حياتهما معاً، وإلا فالصدام بينهما هو مؤشر على فشل أحدهما أو فشلهما الاجتماعي معاً، ولهذا حثَّ الله سبحانه وتعالى أن يتدخل بعض أفراد المجتمع القريب منهما وهم أهله وأهلها لإرشاد الزوجين ونصحهما وحل المشاكل التي سببت الخلاف بينهما، قال تعالى: ﴿وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا﴾<sup>(١)</sup>.

ج: زن و شوهر دو نفر هستند که به وسیله‌ی عقد، همسر و مصاحب یکدیگر گشته‌اند؛ بنابراین تأکید می‌شود که اینان یک نفر نیستند بلکه دو نفرند و به طور طبیعی وجود اختلاف و تفاوت در بسیاری از موارد، بین آن‌ها حتمی است، و این به صبر نیاز دارد و این که هر یک دیگری را تحمل کند (و نسبت به او شکیبایی ورزد). بین زوجین باید مهر و محبت و مهربانی برقرار باشد تا زندگی مشترک آن‌ها با هم استمرار یابد و گرنه اصطکاک و کشمکش بین این دو، نشانه‌ای از ناتوانی و شکست اجتماعی یک، یا هر دوی آن‌ها است. بر همین اساس خدای سبحان برای حل مشکلاتی که به اختلاف و ناسازگاری بین زن و شوهر منجر می‌شود و نیز برای ارشاد و توجیه این دو، تشویق کرده است که برخی افراد جامعه که نسبت به ایشان قرابت دارند، یعنی خانواده‌ی شوهر و خانواده‌ی زن، در موضوع مداخله و وساطت نمایند. خدای متعال می‌فرماید: (اگر از اختلاف میان زن و شوی آگاه شدید، داوری از خانواده‌ی مرد و داوری

از خانواده‌ی زن برگزینید اگر آن دو را قصد اصلاح باشد، خدا میان‌شان موافقت پدید می‌آورد که خدا دانا و آگاه است<sup>(۱)</sup>.

أما استخدام الزوج الضرب مع الزوجة فهو محرم وغير جائز إلا في النشوز، وهذه حالة خاصة وهي امتناع الزوجة عن فراش الزوجية، ولا يجوز أن يكون الضرب مبرحاً، وقد جعل الله لها مثل هذا وهو حرمة امتناع الزوج عن فراش الزوجية.

این‌که مرد بخواهد همسرش را کتک بزند، کاری است حرام و جز در «نشوز» جایز نمی‌باشد؛ این حالت خاصی است که به امتناع زن از هم‌خوابگی معنا می‌شود. ضربه هم نباید شدید باشد. خداوند برای زن نیز نظیر همین (حق) را قرار داده که عبارت است از حرام بودن امتناع شوهر از هم‌خوابگی با زن.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ۱۴۳۱ هـ

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ هـ.ق.



### پرسش ۵۵۴: سکونت در خانه دولتی

السؤال / ۵۵۴: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أسكن في شقة تابعة للدولة، اشتريتها بمبلغ مع دفع بدل إيجار للدولة، علماً أن الشقة هذه عائدة إلى الإدارة المحلية واشتريتها من امرأة كانت موظفة في الإدارة المحلية، وخصت لها بأمر إداري من قبل دائرتها، علماً أن أناساً قبل أن تخصص لهذه المرأة الموظفة كانوا ساكنين فيها أي وجدوها فارغة فسكنوا فيها، وعندما خصت لهذه الموظفة خرجوا هؤلاء الناس بغير رضاهم، وأنا أسأل ما هو الإجراء الذي أعمله شرعاً؟



## سددنا الله ورزقنا الله طاعته ونهج منهاجه الصالح.

المرسل: أبو نور - العراق

پرسش ۵۵۴: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته  
 من در یک واحد آپارتمانی که متعلق به دولت است زندگی می‌کنم. من با پرداخت مقداری پول به دولت به جای اجاره بها این خانه را خریداری کرده‌ام. متذکر می‌شوم این آپارتمان مربوط به سازمان محلی است و من آن را از خانمی که کارمند این سازمان بوده است، خریده‌ام. این خانه از طرف سازمان مزبور به این خانم اختصاص یافته بود. گفتنی است قبل از این که خانه به این خانم کارمند اختصاص یابد، افرادی در آن سکونت داشته‌اند یعنی آن را خالی دیدند و در آن سکنی گزیدند و هنگامی که خانه به خانم مزبور اختصاص یافت، این افراد بدون این که راضی باشند خانه را تخلیه کردند. سؤال من این است کاری که من شرعاً باید انجام بدهم چیست؟  
 خداوند ما را تسدید نماید و اطاعتش و راه صالحش را روزی مان نماید.

فرستنده: ابو نور - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
 الشقة لك، ولك السكن فيها، وليس عليك شيء، وفقك الله.  
 والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
 واحد مسكونی متعلق به شما است و شما می‌توانی در آن ساکن شوی و چیزی هم بر عهده‌ی شما نیست. خداوند شما را توفیق دهد!  
 و السلام عليكم ورحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - نیمه شعبان / ١٤٣١ هـ.ق.



### پرسش ۵۵۵: حکم حج برای کسی که خمس بر اموالش واجب است.

السؤال / ۵۵۵: السلام عليكم.. لدي مبلغ من المال يكفي للقيام بالحج الواجب وإذا خمسته لم أتمكن من القيام بالحج، ما الحكم، هل أخمس أم لا؟  
وشكراً لكم.

المرسل: عدنان - السعودية

پرسش ۵۵۵: السلام عليكم....

مقداری پول دارم که برای انجام حج واجب مرا کفایت می‌کند ولی اگر خمس آن را بدهم، نمی‌توانم حج بگذارم. حکم چیست: خمس بدهم یا خیر؟  
با تشکر از شما.

فرستنده: عدنان - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
أذهب للحج وفقك الله وتقبل عملك، والخمس هو حق لحجة الله على خلقه وله أن يُبرئ ذمتك منه، فأسأل الله أن يتقبل منك حجك وطاعتك، وأرجو منكم الدعاء لإخوتكم وخصوصاً الذين في سجون الظالمين.

سدد الله خطاكم، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن منتصف شعبان / ۱۴۳۱ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
به حج برو، خداوند شما را توفیق دهد و عملت را قبول نماید! خمس عبارت است از حق حجت خدا بر خلقش، و او است که می‌تواند ذمه‌ات را از آن بری گرداند. از خداوند مستلت می‌نمایم که حج و طاعت تو را بپذیرد، و از شما خواهش می‌کنم برای برادران‌تان به ویژه آن‌هایی که در زندان‌های ستم‌گران محبوس‌اند، دعا کنی

خداوند گام‌های‌تان را استوار سازد و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - نيمه شعبان / ١٤٣١ هـ.ق.



### پرسش ٥٥٦: حکم مشاهده تصاویر بی حجاب زنی که با حجاب شده است؟

السؤال / ٥٥٦: إذا كانت المرأة محجبة منذ عشرين سنة، وكان لديها شريط فيديو لحفل زواجها، وكان الزواج قبل الحجاب، هل يجوز أن يتفرج الأجنبي أو أي رجل على هذا الشريط، أو هل يجوز أي رجل غريب أن يشاهد صور المرأة بدون حجاب قديمة أكثر من عشرين سنة وهي الآن محجبة؟ أفيدونا آجرکم الله ونحن لكم من الشاکرين.

المرسل: محمد حکيم - ألمانيا

پرسش ٥٥٦: اگر زنی به مدت بیست سال محجبه باشد و یک نوار ویدیویی از جشن ازدواجش داشته باشد، و ازدواج او قبل از محجبه شدنش صورت گرفته باشد، آیا یک مرد نامحرم یا هر مرد دیگری می تواند این نوار را تماشا کند؟ یا آیا هر مرد نامحرمی می تواند عکس های قدیمی زن بی حجاب را که مربوط به بیست سال پیش است و وی اکنون محجبه شده، نگاه کند؟ ما را بهره مند سازید. خداوند اجرتان دهد و ما از شما متشکریم.

فرستنده: محمد حکيم - آلمان

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

لا يجوز أن يشاهدها رجل أجنبي، والأفضل لها أن تحاول إتلاف هكذا صور أو أفلام، وفقكم الله لكل خير.

جایز نیست مرد نامحرم آن را ببیند، و برای آن خانم بهتر است این تصاویر و فیلم‌ها را از بین ببرد. خداوند شما را بر هر خیری موفق گرداند!

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ۱۴۳۱ هـ

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ هـ.ق.



### پرسش ۵۵۷: بهترین زمان مناسب برای نماز

السؤال / ۵۵۷: ما هي الأوقات التي يتم بها الصلاة ليلاً لغرض استجابة الدعاء؟

المرسل: شوكت الزبيدي - العراق

پرسش ۵۵۷: اوقات نماز در شب با هدف استجابة دعا چه زمانی است؟

فرستنده: شوكت الزبيدي - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

أفضل الأوقات هي بعد انتصاف الليل، وأفضل وقت هو الجزء الأخير من الليل.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

بهترین اوقات پس از نیمه شب است و برترین وقت، قسمت پایانی شب می باشد.  
و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ.ق.



### پرسش ٥٥٨: سوالی در روابط جنسی زوجین

السؤال / ٥٥٨: السلام علیکم .. أرجو إجابتي

أولاً: هل يجوز جماع الزوجة من الدبر؟

پرسش ٥٥٨: السلام علیکم....

خواهشمندم پاسخ دهید.

اول: آیا نزدیکی با زن از دُبر جایز است؟

وثانياً: عن الخمس، أنا أعمل في بعض الأعمال الخاصة وورزقها على يكاد يكفيني قوت عائلتي، وكان عندي قطعة أرض اشتريتها عندما كانت الأراضي رخيصة جداً وبعثتها هذه الأيام وفتحت محل لبيع الأحذية كي أحسن وضعي المادي، ولكن أيضاً المحل مدخوله قليل، سؤالي: هل يوجد عليه خمس؟ علماً أنني أسكن بالإيجار ومدخولي من عملي الحر ومحلي يكاد يكفي مصروفي العائلي؛ لأنني أسكن دولة خليجية وكل شيء غالٍ، الإيجار، دراسة أطفالي، تنقلي، العلاج، كل شيء.

المرسل: ق س - الكويت

دوم: در مورد خمس است. من در بخش خصوصی کار می کنم و درآمدی که از این کار به دست می آورم به قدری است که تقریباً برای مخارج خانواده ام کفایت می کند. من قطعه زمینی داشتم که وقتی قیمت زمین خیلی ارزان بود آن را خریدم و این چند وقته آن را فروخته ام و مغازه ی کفش فروشی باز کرده ام تا وضعیت مالی ام بهتر شود، ولی درآمد این جا نیز کم است. سؤالم این است: آیا این مغازه خمس دارد؟ با توجه به این که من مستأجر هستم و درآمدم از کار آزاد است و فروشگاهی که دارم، تقریباً

برای خرج و مخارج خانواده‌ام کفایت می‌کند؛ زیرا من در یکی از کشورهای خلیج زندگی می‌کنم و این‌جا همه چیز گران است، اجاره، تحصیل بچه‌هایم، ایاب و ذهابم، درمان و همه چیز.

فرستنده: ق س - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. يوجد تفصيل عما سألت في كتاب شرائع الإسلام وهو منشور في موقع أنصار الإمام المهدي (ع)، وبالنسبة للعلاقة بين الزوجين قد بينتها في جواب على سؤال سابق وسأنقله لكم ربما ينفعكم إن شاء الله:

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً. تفصيل آنچه که پرسیده‌ای، در کتاب شرایع الاسلام موجود است که در سایت انصار الامام المهدي (ع) منتشر شده است. در خصوص روابط بین زن و شوهر، من در پرسش قبلی این موضوع را تشریح کردم و این‌جا نیز آن را می‌آورم تا چه بسا ان شاء الله برای شما سودمند باشد:

(بسم الله الرحمن الرحيم)

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

«پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

يجوز لكل من الزوج والزوجة الاستمتاع بكل جزء من جسد قرينه بأي جزء من جسده وفي أي وقت وفي أي مكان إذا تراضيا على ذلك، عدا ما ذكرنا حرمة وهو الاتصال الجنسي بينهما قبلاً في أيام الحيض، ووطأ الزوجة في الدبر من غير رضاها، فأرجو أن لا تتبعوا قيوداً وحدوداً للعلاقة الجنسية بين الزوجين وضعتها الأهواء والآراء، ومحاولت من يدعون الفقه حمل الناس ممن لهم ميول جنسية مختلفة على ما يرونه هم.

هر یک از زن و شوهر می‌توانند در هر زمان و هر مکان با هر بخش متناظر از بدن طرف مقابل خود کام‌جویی کنند و لذت ببرند، اگر هر دو بر این امر راضی باشند؛ به جز مواردی که بیشتر حرمت آن‌ها را بیان نمودیم که عبارت است از حرام بودن ارتباط جنسی در ایام حیض در قُبُل و این‌که شوهر بخواهد

بدون رضایت همسرش در دُبُر دخول کند. من از شما خواهش می‌کنم در روابط جنسی بین زوجین، به دنبال قید و بندهایی که براساس هوای نفس و آراء بنا شده است و تلاش‌هایی که از سوی مدعیان فقه از آن‌چه که براساس بینش خود در مورد امیال جنسی بنا نموده‌اند، نروید.

ومن أعظم المستحبات التي يتقرب بها إلى الله سبحانه وتعالى هو إشباع الغريزة الجنسية للقرين (الزوج أو الزوجة) قربة إلى الله تعالى ولتحصين فرجه، وأجر هذا الأمر ليس بأقل من أجر العبادات كالصلاة والصوم، فقط يحتاج الزوجان إلى النية، فبدل أن يمارس الجنس مع قرينه لإشباع رغبته فقط ينوي أنه يشبع حاجة قرينه ويحصن فرجه قربة إلى الله، وهكذا يحصل الزوج والزوجة على أجر بفضل الله عليهما.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته).

ارضای غریزه‌ی جنسی همسران (زن و شوهر) با نیت نزدیک شدن به خدا و برای حفظ نمودن فرج، از بزرگترین مستحباتی است که می‌توان با آن به خدای سبحان تقرب جست. پاداش این کار کم‌تر از ثواب عبادات مانند نماز و روزه نیست، فقط به نیت زوجین نیاز دارد. به جای این که هریک با هدف اشباع میل و هوس خود، با شریک‌ش ارتباط جنسی داشته باشد، فقط چنین نیت کند که نیاز شریک‌ش را برآورده سازد و فرج او را با نیت «قربة الى الله» (نزدیکی به خداوند) حفظ نماید. به این ترتیب زن و شوهر به فضل و گرمی که خداوند بر این دو دارد، پاداش و ثواب می‌گیرند.

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته»

أما بالنسبة لحالك الذي تصفه وإنك لا يوجد عندك فائض فعند هذا لا يجب عليك الخمس، وخير لك ولزيادة رزقك أن تجعل لك يوماً ثابتاً في كل سنة وتخمس أي مال فائض عندك في ذلك اليوم، وفقك الله وسدد خطاك.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ۱۴۳۲ هـ

اما در خصوص وضعیت‌تان که آن را بیان کرده‌ای، و این که شما مازاد بر مخارجت نداری، در این صورت خمس بر شما واجب نیست. بهتر برای شما و نیز برای افزایش رزقت این است که در هر سال، روز ثابتی را در نظر بگیری و در آن روز هر مال اضافه‌ای که داری خمسش را بدهی. خداوند شما را موفق بدارد و گام‌هایت را استوار سازد!

و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ.ق.

\*\*\*\*\*

### پرسش ۵۵۹: سکونت داشتن در زمین شبهه

السؤال / ۵۵۹: أبعث سلامي إلى الإمام الحجة ابن الحسن المهدي (ع) وعلى ابنه الإمام أحمد الحسن (ع).

السلام عليكم، وبعد..

إن الأرض التي نسكن عليها يوجد بها شبهة ولم نكن نعرف ذلك إلا حينما أردنا استصدار وثيقة ملكية للمنزل من مكتب التوثيق، وقد أخبرونا بأن الأرض مسجلة في مكتب التوثيق باسم شخص، فيكون بذلك بيتنا وبيت جارنا قطعة أرض واحدة، وقالوا لنا بأن هناك خطأ حصل من وزارة الإسكان وهم يتحملون الخطأ وأنهم سوف يصدرون الوثيقة، مع العلم أننا لم نكن ندري بأن الأرض مسجلة باسم أحد ولكنها غير موثقة ولم يخبرنا أحد بذلك وقد بنينا عليها ونحن نسكنها، فما هو الحكم جزاكم الله ألف خير؟

المرسل: حسن - البحرين

پرسش ۵۵۹: به امام حجت بن الحسن المهدي (ع) و بر پسرش امام احمدالحسن (ع) سلام می فرستم. السلام علیکم و بعد....

زمینی که ما روی آن زندگی می کنیم، شبهه‌ای دارد و تا وقتی که خواستیم برای منزل از دفترخانه سند ملکی بگیریم، از این موضوع باخبر نبودیم. به ما گفتند که این زمین به اسم یک نفر در دفترخانه ثبت شده است و بر این اساس خانه‌ی ما و خانه‌ی همسایه‌مان، یک زمین به حساب می‌رود. آن‌ها به ما گفتند در وزارت مسکن اشتباهی رخ داده است و آن‌ها مسئولیت این اشتباه را برعهده دارند و سند را صادر خواهند کرد. متذکر می‌شوم که ما نمی‌دانستیم این زمین قبلاً به نام کسی ثبت شده است ولی سند ندارد، و کسی این موضوع را به ما خبر نداده بود. ما در آن، خانه ساختیم و الآن در آن زندگی می‌کنیم. حکم آن چیست؟ خداوند هزار پاداش خیر به شما بدهد!

فرستنده: حسن - بحرین



الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم  
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
بما أنه ليس خطأكم وأنهم سيتحملون خطأهم فلا إشكال في سكنكم بهذه الدار  
إن شاء الله، وفقكم الله وسدد خطاكم لما يرضيه سبحانه.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم  
والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
از آن جا که این اشتباه از طرف شما نبوده است و آن ها مسئولیت اشتباه شان را عهده دار خواهند شد،  
سکونت شما در این خانه فاقد اشکال است، ان شاء الله. خداوند شما را توفیق دهد و گام های تان را بر  
آن چه که مورد رضایت او است، استوار سازد!  
و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ.ق.



### پرسش ٥٦٠: پرداخت وام های اخذ شده در دوران نظام سابق

السؤال / ٥٦٠: أنا موظف حكومي في العهد البائد، استوليت على مبلغ لحاجتي إليه في حينها من الدائرة، فهل يجوز أن أدفع عنه صدقة وأخمس المبلغ المتبقي لأتمكن من التصرف به في أمور خاصة؟

المرسل: المؤمن بالله - العراق

پرسش ٥٦٠: من در رژیم سابق، کارمند دولت بودم. در آن زمان به خاطر نیازی که داشتم مقداری پول از آن سازمان متصرف شدم. آیا جایز است که مقداری از آن مبلغ را صدقه بدهم و خمس باقی مانده ی پول را نیز بدهم تا بتوانم در این پول برای کارهای خاصی تصرف کنم؟

فرستنده: المؤمن بالله - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

إذا كان الذي أخذته في حينها هو بقدر حاجتك، وقد سددت به حاجتك فلا شيء عليك، فالأموال هي أموال الإمام والمسلمين، ودولة الطاغوت لا تملك شيئاً بل هم يتصرفون فيما لا يحق لهم التصرف فيه.

اگر پولی که در آن زمان گرفته‌ای به اندازه‌ی نیازت بود و شما، نیاز خود را با آن برطرف کرده‌ای، چیزی بر عهده‌ی شما نیست؛ چرا که اموال، در واقع متعلق به امام و مسلمین است و دولت طاغوت چیزی را مالک نیست بلکه آن‌ها از چیزی که نمی‌توانند در آن تصرف داشته باشند، استفاده می‌کنند.

أما إذا كان المبلغ الذي أخذته هو مبلغ كبير فوق احتياجك ولا يزال عندك فائض منه سواء كان مالا أو أشياء ذات قيمة كبيرة فيجب عليك عندها دفع المتبقي منه للفقراء؛ لأن المال هو للإمام والمسلمين فلا يحق لأحد الاستيلاء عليه إلا بقدر ما يسد به حاجته. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ

ولی اگر این مبلغی که گرفته‌ای، پول زیادی است که بیش از نیازهای شما بوده و هنوز باقی مانده‌ی آن نزد شما است، چه به صورت مال باشد و چه به صورت اشیاء گران‌بها، در این صورت بر شما لازم است که باقی مانده‌ی آن را به فقرا بدهی زیرا مال، مال امام و مسلمین است و کسی حق ندارد آن را در اختیار خود بگیرد مگر به مقدار رفع نیازش. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ.ق.



## پرسش ۵۶۱: سوالاتی در مورد حدود اختیارات زن در مقابل پدر و همسر

السؤال / ۵۶۱: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

سماحة السيد أحمد الحسن، لقد أرسلت رسالته سابقة ولكنها على ما أظن لم تكن واضحة.

موضوعي أنني أعرف فتاة قد تعرضت لتحرش جنسي. عندما كانت في الثانية عشر من عمرها، وكان التحرش من خالها ولم يتعدى التحرش إلا ملامسات بسيطة، ولقد علم الأهل بما جرى وقرر أب الفتاة منع الفتاة من رؤية خالها أو حتى أن تتواجد في مكان تواجده ولا تراه وإن كانت بصحبة الأم والأهل والأقرباء، وقد منع حتى الأطفال من التواجد في مكان تواجده وإن لم يراهم، فهل يحق له ذلك؟

پرسش ۵۶۱: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

جناب سيد احمد الحسن، من قبلاً نامه‌ای فرستاده ام ولی به گمانم مطلب واضح نبوده است. موضوع من از این قرار است که من دختری را می‌شناسم که وقتی دوازده ساله بود مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفت. این آزار از طرف دایی او صورت گرفت و چیزی جز تماس‌های ساده در کار نبود. خانواده‌ی دختر از ماجرا باخبر شدند و پدر دختر، دیدار او با دایی‌اش را ممنوع و حتی قدغن کرد که دختر با دایی‌اش در یک مکان باشند و این‌طور دستور داد که دختر نباید دایی‌اش را ببیند حتی اگر با همراهی مادر و خانواده و نزدیکان باشد. وی حتی گفته که کودکان نباید در جایی که دایی هست باشند، حتی اگر او کودکان را نبیند. آیا او چنین حقی دارد؟

وهو يرى أن الحل الوحيد الذي يرضى به هو القتل أو الحرق، مع العلم أن خال الفتاة قد اعتذر وطلب السماح وقال أنه تاب توبة نصوحا، ولم يقتنع أبو الفتاة بتوبته ولا يزال يود قتله، ومع العلم أيضاً أن الفتاة الآن قد دخلت سن الواحد والعشرون وقررت أن تجعل الله سبحانه وتعالى الحاكم بينها وبين خالها ولا تود أن يتدخل أي شخص سواء كان من الوالدان أو الأهل، فهل هذا حق من حقوقها؟

تنها راه حلی که پدر به آن رضایت دارد این است که او را بکشد یا بسوزاند، و حال آن‌که دایی دختر عذرخواهی کرده و طلب بخشش نموده و گفته توبه‌ی نصوح کرده است ولی پدر دختر قانع نشده و کماکان خواستار قتل او است. این دختر اکنون بیست و یک ساله شده و گفته است که خدای سبحان

را بین او و دایی‌اش حاکم قرار می‌دهد و دوست ندارد هیچ‌کس از والدین یا خانواده‌اش در این قضیه دخالت کنند. آیا دختر چنین حقی دارد؟

وقد كان هذا القرار مبنياً على اللجوء إلى الله بالدعاء والصلاة وإلى أن ارتاحت الفتاة لمنام قد رآته ولكنها قطعت وعداً لنفسها ولله بأن لا تخبر هذا المنام لأي شخص مهما كان. فهي تريد أن يكون الحاكم بينهما الله فقط، فهل هذا من حقها؟ وهل يجوز قتل الخال؟ مع العلم أن الخال قد أعلن توبته وقد وفق بعدها لأداء العمرة وزيارة الإمام الحسين (ع) وغيرها من الأماكن المقدسة.

این تصمیم‌گیری بر اساس پناه آوردن به دعا و نماز گرفته شده است، و این دختر به واسطه‌ی خوابی که دید آرامش پیدا کرد ولی با خودش و با خدا عهد کرده است که این خواب را برای هیچ‌کس تعریف نکند، هر که می‌خواهد باشد! دختر می‌خواهد بین آن دو فقط خدا حاکم باشد، آیا او چنین حقی دارد؟ آیا کشتن دایی جایز است؟ با توجه به این که دایی توبه‌اش را اظهار نموده و پس از آن به ادای عمره و زیارت امام حسین (ع) و زیارت دیگر اماکن مقدسه توفیق پیدا کرده است.

سماحة السيد أحمد الحسن، أرجو أن أحصل على إجابة بأسرع وقت ممكن وأن تكون الإجابة شاملة لجميع تفاصيل الأسئلة المذكورة. شكراً.

جناب سید احمد الحسن، امیدوارم پاسخ را در سریع‌ترین زمان ممکن دریافت کنم و نیز امید دارم که پاسخ، تمام تفصیلات سؤالات مذکور را در بر بگیرد. با تشکر.

الموضوع الثاني: أود أن أسأل هل يجب على الزوجة أن تطيع زوجها في كل شيء وبدون مشاورته أو بدون أن يعطيها أي سبب مقنع وهي غير مقتنعة وغير راضية بينما يمتنع الزوج عن سماع رأيها؟

موضوع دوم: دوست دارم بپرسم آیا بر زن واجب است که در همه‌ی امور از شوهرش اطاعت کند، بدون این که از او مشورت بخواهد یا بدون این که مرد هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای به زنش بدهد، و حال آن که زن متقاعد نشده است و راضی نیست، و شوهر از شنیدن رأی و نظر او اجتناب می‌کند؟

وسؤال آخر: ما هو العمر الذي يمكن للفتاة أن تتخذ قراراتها بنفسها مع مراعاة شروط الدين؟

سؤال پایانى: سنّى که در آن یک دختر می تواند تصمیم هایش را به در نظر گرفتن شرایط دینی به تنهایی اتخاذ کند، چه سنّى است؟

أسفة على الإطالة وأنا بحاجة إلى الرد السريع.  
وشكراً، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسلة: م . م

از این که مطلب به درازا کشید متاسفم. من به پاسخ سریع نیاز دارم. با تشکر.  
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

فرستنده: م . م

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.  
يحق للأب أن يمنع هذا الإنسان من الاقتراب من عائلته بعد أن تبين له أنه قد فعل هذا الفعل الشيطاني ولكن لا يحق للأب قتله. وهذا الشخص إن كان قد تاب حقاً وصدقاً يتوب الله عليه والله غفور رحيم، ولكن يبقى للأب حق منعه من الانفراد ببنته أو بأبنائه.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
پس از آن که برای پدر روشن شد که این فرد به چنین کار شیطانی دست زده است، حق دارد او را از نزدیک شدن به خانواده اش باز بدارد؛ اما، پدر حق کشتن او را ندارد. این شخص اگر واقعاً و حقیقتاً توبه کرده باشد، خداوند توبه ی او را می پذیرد که خدا آمرزنده و بخشاینده است. اما این حق برای پدر باقی می ماند که از تنها شدن چنین فردی با دختران یا پسرانش جلوگیری کند.

وفقكم الله وسدد خطاكم.

ويمكنك قراءة كتاب الشرائع وقد بينت فيه ما هو الواجب على الزوجة تجاه زوجها، وأيضاً متى يكون للفتاة الحق في الولاية على نفسها، والكتاب منشور في موقع أنصار الإمام المهدي(ع)، وإذا لم يتبين لكم شيء بعد القراءة يمكنكم السؤال وأكون بخدمتكم إن شاء الله.

وفقكم الله وسدد خطاكم، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ

خداوند شما را توفیق دهد و گام‌های تان را استوار سازد!  
می‌توانی کتاب شرایع را بخوانی. من در آن واجباتی که زن در قبال شوهر بر عهده دارد را بیان کرده‌ام؛ و نیز این که دختر چه زمانی حق ولایت بر خودش را دارا می‌شود. این کتاب در سایت انصار امام مهدی(ع) منتشر شده است. اگر پس از خواندن کتاب چیزی برای تان مبهم ماند، می‌توانید سؤال کنید و من ان شاء الله در خدمت شما هستم.  
خداوند شما را توفیق دهد و گام‌های تان را استوار سازد!  
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ ق.



**پرسش ۵۶۲: حکم درخواست هزینه شیردهی به نوزاد و خدمت به شوهر ، آرایش و خالکوبی**

السؤال / ۵۶۲: بسم الله الرحمن الرحيم

والصلاة والسلام على أشرف الخلق محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين الأئمة والمهديين  
وسلم تسليماً كثيراً.

السلام عليكم ورحمه الله وبركاته يمانی آل محمد مولاي ومولى كل مسلم  
ومسلمته. سيدي ومولاي، أسأل الله العلي القدير أن تكون بأحسن حال.

پرسش ۵۶۲: بسم الله الرحمن الرحيم

درد و سلام بر برترین خلائق، محمد و بر خاندان طیب و طاهر او، الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

يمانی آل محمد، مولای من و مولای هر مرد و زن مسلمان. سرور و مولایم! از خدای بلندمرتبه‌ی قادر مستلت می‌کنم که شما در بهترین حال باشید.

مولاي، عندي سؤال بالنسبة لرضاعة الطفل، هل يجوز للمرأة أن تطلب من زوجها ثمن رضاعه ابنها؟

سرورم، سؤالی درباره‌ی شیر دادن به کودک دارم. آیا زن می‌تواند مزد شیر دادن به فرزند خودش را از شوهرش مطالبه کند؟

والسؤال الثاني: ماذا بخصوص خدمة المرأة لزوجها في البيت، هل هي مجبرة وواجب عليها خدمته؟

سؤال دوم درباره‌ی خدمت زن به شوهرش در منزل است. آیا زن بر این کار مجبور است و خدمت به شوهر بر او واجب می‌باشد؟

والسؤال الثالث: بخصوص تزيين المرأة لحاجبها هناك تزيين لحاجب يسمى (الوشم)، هل يجوز للمرأة أن تفعل ذلك وهذا الوشم يكون صبغ على الحاجب ولكن يكون تحت الجلد لكن يعطي لون للحاجب، مع العلم هو لا يمنع الضوء؛ لأنه يكون الصبغ تحت الجلد، هل يجوز استعماله أم لا؟

سؤال سوم درباره‌ی آرایشی است که زن‌ها ابروهای خود را با آن می‌آرایند. آرایشی هست که به نام «خال کوبی». آیا برای زن جایز است که چنین کند؟ این خال کوبی، رنگی است که بر ابرو گذاشته می‌شود، زیر پوست است ولی به ابرو رنگ می‌دهد. با توجه به این که خال کوبی مانع وضو نیست چون رنگی در زیر پوست است، آیا به کار بردن آن جایز است یا خیر؟

أعتذر لكم وأستغفر الله إن كنت أطلت عليكم بالأسئلت، أسأل الله أن يوفقكم لكل خير ويثبتكم وكل من يعمل مع يمانی آل محمد ويجعلنا دروع نحمي حجه الله على أرضه بحق ذلك الضلع المكسور.  
في حفظ الله ورعايته يا إخوة الإيمان.

المرسلة: ن. ي - كندا

از شما پوزش می‌خواهم و از خدا طلب آمرزش می‌کنم اگر با این سؤال‌ها مطلب را بر شما طولانی نمودم. از خداوند مسئلت دارم که شما را بر هر خیری موفق بدارد و شما و هر کس که با یمانی آل محمد کار می‌کند را ثابت قدم گرداند، و ما را زره‌هایی قرار دهد که از حجت خدا بر زمینش محافظت و پاسداری می‌کنند! به حق آن پهلوی شکسته شده!  
در امان و حفظ خداوند، ای برادر ایمانی!

فرستنده: ن. ی - کنیا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.  
وفقكم الله لكل خير، بالنسبة لأحكام الزواج وما يلحقها من حقوق الزوجة وواجباتها وما يتعلق بالأولاد والرضاع وغيرها قد ذكرتها في كتاب الشرائع ويمكنكم قراءة ومعرفة الحكم بوضوح، وهو منشور وهذا بعض ما مكتوب في الشرائع بخصوص الرضاع:

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
خداوند شما را بر هر خیری توفیق دهد! احکام ازدواج و آنچه که از حقوق و تکالیف زن به آن مربوط می‌شود، و نیز آنچه که به فرزندان و شیر دادن و غیر آن مربوط است را در کتاب شرایع بیان کرده‌ام و شما می‌توانید حکم را به وضوح (در آن) بخوانی و دریابی. این کتاب منتشر شده و برخی قسمت‌های مکتوب در شرایع درباره‌ی شیر دادن به صورت زیر است:



(وأما الرضاع: فلا يجب على الأم إرضاع الولد، ولها المطالبة بأجرة إرضاعه، وله استئجارها إذا كانت بائناً. ويجب على الأب بذل أجرة الرضاع إذا لم يكن للولد مال، ولأمه أن ترضعه بنفسها أو غيرها، ولها الأجرة. وللمولى إجبار أمته على الرضاع. ونهاية الرضاع حولان، ويجوز الاقتصار على أحد وعشرين شهراً، والأفضل أن لا ينقصه عن ذلك. ويجوز الزيادة عن الحولين شهراً وشهرين. ولا يجب على الوالد دفع أجرة ما زاد عن حولين.

«و اما رضاع (شیر دادن): شیر دادن فرزند، بر مادر واجب نیست و او می تواند اجرت شیر دادن را مطالبه کند و اگر زن (طلاق) بائن گرفته باشد، شوهر می تواند او را اجاره کند. بر پدر واجب است که اجرت شیر دادن را بدهد، اگر فرزند مالی نداشته باشد؛ مادرش این حق را دارد که خودش یا زنی دیگر به فرزند شیر دهد، و برای او مزد این کار محفوظ است. مالک می تواند کنیزش را بر شیر دادن مجبور کند. پایان شیرخوارگی دو سال است و جایز است که بر بیست و یک ماه بسنده شود. بهتر آن است که از این مدت نگاهد. جایز است که بر دو سال، یک ماه یا دو ماه بیافزاید. بر پدر واجب نیست که اجرت آن چه که بیش از دو سال است را بپردازد.

والأم أحق بإرضاعه إذا طلبت ما يطلب غيرها. ولو طلبت زيادة كان للأب نزعها وتسليمه إلى غيرها. ولو تبرعت أجنبية بإرضاعه فرضيت الأم بالتبرع فهي أحق به، وإن لم ترض فللأب تسليمه إلى المتبرعة. ويستحب: أن يرضع الصبي بلبن أمه، فهو أفضل).

اگر مادر همان اجرتی که دیگران درخواست می نمایند را طلب کند، به شیر دادن سزاوارتر است. اگر مادر اجرت بیشتری بطلبد، پدر این حق را دارد که او را برکنار کند و فرزند را به زن دیگری بسپارد. اگر یک بی گانه به رایگان و داوطلبانه فرزند را شیر دهد و مادر نیز راضی شود که رایگان به او شیر دهد، مادر به فرزند سزاوارتر است. اگر مادر راضی نشود، پدر این حق را دارد که فرزند را به زن داوطلب بسپارد. مستحب است که طفل، شیر مادرش را بخورد، که این برتر است».

أما تزيين المرأة لحاجبها بالوشم فهو جائز، وفقكم الله وسدد خطاكم. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

جایز است زن ابروی خود را با خال کوبی آرایش کند. خداوند شما را توفیق دهد و گام های تان را استوار سازد! و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ.ق.



### پرسش ۵۶۳: اعمال عبادی کسی که غسل توبه نکرده باشد.

السؤال / ۵۶۳: بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين.

السلام عليكم ورحمة الله.. لقد أعلننا أنا وزوجي البيعة للوصي الأول والمهدي الأول السيد أحمد الحسن سلام الله عليه يوم ۲۱ من هذا الشهر التاسع سبتمبر يعني قبل أربعة أيام، لكننا لم نغمس غسل التوبة إلا أمس بالليل يعني فجر يوم ۲۵؛ لأننا لم نكن نعلم أنه يجب علينا غسل التوبة حتى قال لنا ذلك بعض الإخوة في البالتوك، فهل يجب علينا إعادة الصلوات التي قمنا بها خلال هذه الأربعة أيام؟  
جزاكم الله خيراً.

المرسلة: أم أردلان - السويد

پرسش ۵۶۳: بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين.  
السلام عليكم و رحمة الله....

من و شوهرم در روز بیست و یکم این ماه (نهم سپتامبر)، یعنی چهار روز قبل، بیعت خود را با وصی اول و مهدی اول سید احمد الحسن (ع) اعلان کردیم، ولی غسل توبه را تا دیشب یعنی صبح روز ۲۵ انجام ندادیم زیرا نمی دانستیم که غسل توبه بر ما واجب است، تا این که بعضی از برادران در پالتاک این موضوع را به ما گفتند. آیا بر ما واجب است نمازهایی را که در این چهار روز به جا آورده ایم، اعاده کنیم؟ خداوند به شما جزای خیر دهد!

فرستنده: ام اردلان - سوئد

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم .. والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وفقكم الله وسدد خطاكم، وأسأل الله لكم دوام الإيمان والثبات على الحق، وأن يرزقكم خير الآخرة والدنيا، ولا إشكال في صلاتكم وعبادتكم قبل غسل التوبة ولا يجب عليكم إعادتها، وفقكم الله لكل خير. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم....

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
 خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار سازد! و از خداوند دوام ایمان و ثبات بر حق را برای شما مسئلت می‌نمایم، و این که خیر آخرت و دنیا را روزی شما گرداند. نماز و عبادات شما قبل از غسل توبه بدون اشکال است و تکرار آن نیز بر شما واجب نیست. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد! و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ.ق.



### پرسش ٥٦٤: حکم پرداخت خمس برای غیر معصوم و تعامل با اهل کتاب

السؤال / ٥٦٤: السلام عليكم سيدي ومولاي، أتمنى لك الموفقية بإذن خالقي وخالقك وبحق آبائك وأجدادك العظماء.

أما بعد .. فأنا عندي سؤالان:

پرسش ٥٦٤: سرورم و مولایم! سلام علیکم. به اذن خالق من و خالق خودت و به حق پدران و اجداد بلند مرتبه‌ات، برای شما توفیق آرزو می‌کنم.

اما بعد.... دو سؤال دارم:

السؤال الأول: هل يجوز إعطاء الخمس إلى المرجعية الحالية، وما رأيكم بها؟

سؤال اول: آیا دادن خمس به مراجع فعلی جایز است، و شما در این خصوص چه نظری دارید؟

الثاني: ما رأيك بالصابئة أو المندائيين، فهل هم أناس أهل كتاب أو عبدة الله وحده، وما علمك عنهم من أجدادك وآبائك(ع)؟

المرسل: إبراهيم الموسوي - العراق

سؤال دوم: نظر شما درباره‌ی صابئین یا مندائیان چیست؟ آیا آن‌ها اهل کتاب یا بندگان خدای یگانه هستند، و علمی که شما از اجداد و پدران‌ت(ع) در مورد آن‌ها داری چیست؟

فرستنده: ابراهیم موسوی - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. وفقكم الله لكل خير، الخمس لا يجوز دفعه إلا للمعصوم أو من ينصبه هو لقبض الخمس عنه، وهناك رسالة في الخمس فيها تفصيل كل شيء ويمكنك أن تقرأها ليتبين لك الحق وهي منشورة في موقع الانترنت.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! پرداخت خمس جایز نیست مگر به معصوم یا کسی که او برای دریافت خمس منصوب می‌کند. رساله‌ای درباره‌ی خمس هست که تفصیل هر چیزی در آن قید شده است. می‌توانی آن را بخوانی تا حق برای شما روشن گردد. این کتاب در سایت اینترنتی منتشر شده است.

وأهل الكتاب في زماننا هذا هم اليهود والمسيحيون، وهناك أحكام فقهية فيما يخص التعامل معهم من جهة الطهارة والزواج تجدها في كتاب شرائع الإسلام المنشور، وأيضاً تجدها في كتب الأسئلة الفقهية وهي منشورة أيضاً في موقع الانترنت.

اهل کتاب در زمان ما عبارتند از یهود و مسیحیان. در خصوص تعامل با این‌ها از نظر طهارت و ازدواج، یکسری احکام فقهی وجود دارد که در کتاب منتشر شده‌ی «شرایع اسلام» آن‌ها را می‌یابی. هم‌چنین در کتاب‌های «سؤالات فقهی» که آن‌ها نیز در سایت اینترنتی منتشر شده‌اند می‌توانی این مطلب را بیابی.

أسأل الله لك التوفيق لمعرفة الحق ونصرته هو وليي وهو يتولى الصالحين.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

توفیق در شناخت حق و نصرت آن را برای شما از خدا مسئلت دارم! او یاور من است و او دوست  
شایستگان است.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ.ق.



## المحور الثالث: أسئلة متفرقة

محور سوم: مسائل متفرقه

### پرسش ۵۶۵: چه رازی در پس حادثه‌ای که برای من اتفاق افتاد؟

السؤال / ۵۶۵: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

سیدنا الکریم الفاضل، العبد الفقیر من ضحایا النظام وهرب من قبل السقوط إلى هولندا ولا يعرف عن دعوتکم، والآن علمت نسأل الله أن یرزقنا اتباع الحق، وقرأت عن الفتن وما جرى فی العراق من دعوات كثيرة للمهدویة أرید منکم أن توضح ما حدث لی فی هولندا، أنا تعرضت إلى حادث اصطدام وتكسرت جميع أعضاء جسمی تقريباً ولم تسقط من ملابسی قطرة دم ولا فی الشارع، ما السر وراء ذلك؟ ورأیت أثناء الإغماء سیدتی فاطمة والسيدة الطاهرة مریم العذراء، وبعد أيام رجعت روحي وأنا حي أرزق، واسمی عماد ....

پرسش ۵۶۵: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

سرور کریم و فاضل ما! اینجانب بنده‌ای فقیر از قربانیان رژیم هستم که قبل از سقوط رژیم به هلند فرار کردم و چیزی از دعوت شما نمی‌دانستم. اکنون دانستم و از خدا مسئلت دارم که پیروی از حق را روزی ما گرداند. من درباره‌ی فتنه‌ها و آنچه از دعوت‌های فراوان مهدویت که در عراق جریان داشته است مطالبی خوانده‌ام. از شما خواهش می‌کنم آنچه را که در هلند برایم اتفاق افتاده توضیح دهید. من دچار یک تصادف رانندگی شدم و تقریباً همه‌ی اعضای بدنم شکست ولی یک قطره خون روی لباس‌هایم یا روی خیابان نچکید. راز آن چیست؟ وقتی بی‌هوش بودم، سرورم فاطمه(ع) و سیده‌ی طاهره مریم عذراء(ع) را دیدم. پس از چند روز روحم برگشت و من اکنون زنده هستم و روزی می‌خورم. اسم من عماد است....

إن كنت على حق نسأل الله أن یرزقنا اتباع الحق، وأثناء غربتی رأیت أسراراً كثيرة ثبتتی عن الانحراف وعدم الانجراف وراء الشهوات والدنیا، وأنا من حفظة أجزاء من كتاب الله، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أرجو الرد على رسالتي.

اگر بر حق هستی، از خدا مسئلت داریم که پیروی از حق را روزی ما گرداند. در غربت اسرار زیادی دیدم که مرا از انحراف و از کشیده شدن به سمت شهوت‌ها و دنیا بازداشت. من قسمت‌هایی از کتاب خدا را حافظ هستم. و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.  
خواهش می‌کنم به نامه‌ام جواب دهید.

فرستنده: السویدی - هلند

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير، وأسأل الله أن يتم لك العافية ويرزقك عافية الدنيا والآخرة،  
وينجيك من نار وقودها الناس والحجارة، ويريك الحق حقاً ويرزقك اتباعه، ويريك والباطل  
باطلاً ويرزقك اجتنابه.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از خداوند مسئلت دارم که عافیت را بر شما تمام گرداند  
و عافیت دنیا و آخرت را قسمت کند و شما را از آتشی که هیزم آن مردمان و سنگ‌ها هستند برهاند، و  
حق را کاملاً به تو بنمایاند و پیروی از آن را روزی‌ات گرداند و باطل را به طور کامل به تو بنماید و دوری  
از آن را روزی‌ات نماید.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصعب / ١٤٣١ هـ

و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب الأصعب / ١٤٣١ هـ.ق.



## پرسش ۵۶۶: درخواست دعا برای تفقه در دین

السؤال / ۵۶۶: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام على من رايته أهدى الرايات، والسلام على مَنْ من خالفه هوى ومن تبعه نجا.  
بايعتكم وأعلم أنكم تعلمون ما في قلبي، فباطني معلوم أمامكم كما ظاهري.

پرسش ۵۶۶: بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر کسی که پرچمش هدایت کننده‌ترین پرچم‌ها است، و سلام بر کسی که هر کس با او مخالفت ورزید سقوط کرد و هر کس از او پیروی نمود نجات یافت.  
من با شما بیعت کردم و می‌دانم که شما آنچه را که در دلم است می‌دانید، و باطن من پیش روی شما آشکار است، همان‌طور که ظاهر من چنین است.

وأنا في بلد غريب لا أجد من إخوة لي أسلو بهم وأحوال الدهر تصيبني بسهام مصائبها فما  
إن أنجو من مصيبة وأحمد الله على كل حال إلا وأتتني مصيبة أشد منها، لا ولد لي وزوجة  
غير موالية ولا مال لي.

من در کشوری غریب هستم و برادرانی ندارم که با آنها انس بگیرم. روزگار با تیر مصیبت‌هایش مرا گرفتار می‌سازد و من از مصیبتی نجات پیدا نمی‌کنم و خدا را بر هر حال شکر نمی‌گویم، مگر آن‌که مصیبتی بدتر و شدیدتر از آن به سراغم می‌آید. نه زنی که حامی‌ام باشد و نه فرزندی و نه مال و منالی دارم.

فأقف على باب داركم كما وقفت قبل أشهر راجياً عفوكم، ودعواتكم لي بزوجة  
صالحة وولد من صلبك يكون مالياً لكم تقر به عيني، فالموت لا بد أن يلاقيني ولو بعد حين.  
بر درگاه شما می‌ایستم، همان‌طور که چند ماه پیش به امید عفو و بخشش شما ایستادم، و نیز به امید  
دعاهای شما برایم به این‌که زنی شایسته و فرزندی از صلب من که دوست‌دار شما باشد و چشمم به او  
روشن شود روزی‌ام گردد. به هر حال مرگ مرا ملاقات خواهد کرد، ولو پس از چندی.



رجائي دعواتكم لي بأن أتفقه أكثر في ديني وأن أكون لساناً وجوارح وعملاً داعياً لكم في هذه الأرض، فأنتم أهل الكرم وليس الصدود من طبعكم ولا رد السائل من شيمكم، ولولا التشهد لكانت لاؤكم نعم.

از شما خواهش می‌کنم برایم دعا کنید که مسائل دینم را بیشتر بیاموزم و زبان و اعضا و عملی باشم که در این سرزمین دعوت کننده به سوی شما باشد. شما اهل جود و کرم هستید و روی برگرداندن از طبیعت شما نیست و رد سائل از خلق و خوی شما نیست و اگر تشهد نبود، «نه» شما همیشه «آری» بود<sup>(۱)</sup>.

أنتظر ردكم على أحر من الجمر.

با شکیبایی تمام منتظر پاسخ شما هستم.

والسلام من قلب محب لكم ومناصر لكم إن شاء الله.

وَأدعو لي أن يكون باطني كظاهري، وأن يقذف الله في قلبي نور العلم فليس العلم بالتعلم ولا أريد علماً من غيركم، فطلب العلم من غيركم مساو لإنكاركم، وحاشا أن اختار الظلمة والجهالة بعد أن فتح الله بصيرتي بنور الحق.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: رعد - أمريكا

برایم دعا کن که باطنم مانند ظاهرم باشد، و این که خدا نور علم را در قلبم بیندازد، چرا که علم با فراگیری حاصل نمی‌شود، و من علمی غیر از علم شما نمی‌خواهم زیرا طلب علم از غیر شما برابر است با انکار شما، و هرگز مباد که ستم‌گران و جاهلان را برگزینم، پس از آن که خداوند بصیرت مرا به نور حق گشوده است.

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

فرستنده: رعد - آمریکا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

۱- به تعبیر فرزددق در مدح امام سجاد(ع)

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.  
 وفقك الله لكل خير، وأسأل الله أن يمنّ عليك بما هو أهله سبحانه، هو أهل التقوى  
 وأهل المغفرة، وهو الجواد الواسع، وهو الكريم الذي لا يزيده كثرة العطاء إلا كرمًا وجوداً.  
 والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصعب / ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.  
 خداوند شما را بر هر خیرى موفق بگرداند! و از خداوند مسئلت می‌نمایم که به آن چه او اهل آن است  
 بر شما منت گذارد. «(اوست سزاوار تقوى و سزاوار آمرزش، و اوست بخشنده‌ی نعمت‌های بیکران و او  
 کریمی است که بخشش بسیارش جز جود و کرم بر او نیفزاید)».  
 و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب الأصعب / ١٤٣١ هـ.ق.



### پرسش ۵۶۷: اعلان بیعت به سید احمد الحسن (ع)

السؤال / ٥٦٧: بسم الله الرحمن الرحيم

أنا تونسي، كنت سني المذهب المالكي ووهابي اتبع الألباني وغيره، وصوفي والقرآنيون  
 والفرانبيين (كذا)، وسنة ٢٠٠٣ تشيعت واستبصرت والحمد لله رب العالمين ورأيت في منامي  
 النبي محمد(ص) والإمام علي(ع).

پرسش ۵۶۷: بسم الله الرحمن الرحيم

من یک تونسى هستم و قبلاً سنی مذهب مالکی و وهابی و از پیروان البانی و غیر او و هم‌چنین  
 صوفی و قرآنیون و فرانیین و سایرین بودم. در سال ۲۰۰۳ شیعه و بیدار شدم و الحمد لله رب العالمین،  
 و در خواب حضرت محمد(ص) و امام علی(ع) را دیدم.

ويوم الخميس ٢٤ ديسمبر ٢٠٠٩ سمعت عن إمام اسمه أحمد الحسن (ع) ولأول مرة في حياتي ويوم الجمعة ٢٥ ديسمبر ٢٠٠٩ بعد صلاة المغرب دخل قلبي ولحمي ودمي وبايعته أمام الناس في غرفة أنصار الإمام المهدي والحمد لله.

والآن أقول للإمام أحمد الحسن (ع):

روز پنجشنبه ٢٤ دسامبر ٢٠٠٩ برای اولین بار در عمرم، از امامی به اسم احمد الحسن (ع) مطالبی به گوشم خورد، و روز جمعه ٢٥ دسامبر ٢٠٠٩ پس از نماز مغرب وارد دل و گوشت و خونم شد و جلوی مردم در تالار گفت و گوی انصار امام المهدي (ع) با او بیعت کردم، و الحمد لله. اکنون به امام احمد الحسن (ع) می گویم:

بسم الله الرحمن الرحيم .. الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله. قال تعالى: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا﴾<sup>(١)</sup>.

بسم الله الرحمن الرحيم... «(سپاس خدایی را که ما را به این راه هدایت کرد و اگر ما را رهبری نکرده بود هدایت نمی یافتیم)»  
خدای متعال می فرماید: «(خدا از مؤمنان آن هنگام که زیر درخت با تو بیعت کردند خشنود گشت، و دانست که در دل شان چه می گذرد، پس آرامش را بر آنها نازل کرد و به فتحی نزدیک پاداششان داد)»<sup>(٢)</sup>.

السلام على محمد المصطفى وأهل بيته الكرام صلوات الله عليهم أجمعين، السلام على سيدي ومولاي الإمام أحمد الحسن وأولاده المهديين وأهل بيته الطاهرين صلوات الله عليهم أجمعين.

بيعتي لسيدي ومولاي الإمام أحمد بن الحسن (ع).

أشهد أن الإمام المهدي أحمد الحسن (ع) وصي ورسول الإمام المهدي (ع).

المرسل: خالد - تونس

١- الفتح: ١٨.

٢- فتح: ١٨.

سلام بر محمد مصطفی (ص) و اهل بیت کرام آن حضرت (ع). سلام بر سرور و مولایم، امام احمدالحسن و فرزندان مهدیین او و اهل بیت طاهرینش (ع). بیعت من برای سرور و مولایم امام احمد بن الحسن (ع) است. شهادت می‌دهم که امام مهدی احمدالحسن (ع)، وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (ع) است. فرستنده: خالد\_تونس

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. وفقكم الله لكل خير، وجنبكم كل شر، وجعل عاقبتكم إلى خير، جزاكم الله خيراً عن محمد وآل محمد أن نصرتم الحق في زمن قلّ فيه الناصر، وأسأل الله أن يوفقني لخدمتكم، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از هر شری دور بدارد و عاقبتان را ختم به خیر کند. خداوند از سوی محمد و آل محمد جزای خیر به شما بدهد که در زمانی که یاری‌گر، اندک است، حق را یاری کردید، و از خداوند مسئلت دارم که مرا در خدمت کردن به شما موفق گرداند! و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - ١٤٣١ هـ.ق.



پرسش ۵۶۸: درخواست دعا

السؤال / ٥٦٨: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله وسلم على سيدنا محمد وعلى آله الأئمة والمهديين الطاهرين وسلم تسليماً كثيراً.

السلام عليكم يا نور الله، السلام عليكم يا كهف الله الحصين، السلام عليكم يا صراط الله المستقيم، السلام عليكم سيدي ومولاي، السلام على أئمتنا الفاضل المحب لأبنائه ورحمة الله تعالى وبركاته.

پرسش ۵۶۸: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين الطاهرين و سلم تسليماً كثيراً.

سلام بر شما ای نور خدا! سلام بر شما ای غار حصن الهی! سلام بر شما ای صراط مستقیم الهی! سلام بر شما ای سرور و مولایم! سلام بر پدر فاضل مان که فرزندانش را دوست می‌دارد و رحمة الله تعالى و برکاته.

أبي العزيز، أعتذر منكم كثيراً وأسألكم الدعاء مولاي وسيدي يا قائم آل محمد يا صراط الله المستقيم.

پدر عزیزم! از شما بسیار عذر می‌خواهم و از شما التماس دعا دارم، ای سرور و مولایم! ای قائم آل محمد و ای صراط مستقیم الهی!

لقد طلب من عندي أحد الأنصار اسمه خالد ويعيش بفرنسا هو وعائلته زوجته وبنته ... وابنيه .... أن أرسل لكم هذه الرسالة بعدما علم أنني رأيتم في رؤيا وقد قبلتني ابنة لكم، يقول:

یکی از انصار به نام خالد که خودش و خانواده‌اش، همسر و دخترش.... و دو پسرش.... در فرانسه زندگی می‌کنند، وقتی فهمید من در خواب شما را دیده‌ام، از من درخواست کرد این نامه را برای شما بفرستم و دخترش به خاطر شما مرا قبول کرد. او می‌گوید:

بسم الله الرحمن الرحيم

اسمي خالد وأكره اسمي؛ لأنه اسم خالد بن الوليد، لم أكن أعرف من أهل البيت إلا علي والحسن والحسين(ع).

مَنْذَأَنَّ عَرَفَنِي اللَّهُ الْأُتْمَةَ الْإِثْنِي عَشْرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ (ص) كَرِهَتْ كُلَّ الصَّحَابَةِ  
وَتَبَرَّاتُ مِنْهُمْ إِلَّا مَنْ نَصَرُوا عَلِيًّا (ع).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسم من خالد است و من از اسمم بدم می‌آید، زیرا اسم خالد بن ولید است. من از اهل بیت جز علی و حسن و حسین (ع) کس دیگری را نمی‌شناختم. از وقتی که خداوند ائمه‌ی دوازده‌گانه از اهل بیت محمد (ص) را به من شناساند، من از تمام صحابه متنفر شدم و از همه‌ی آن‌ها بیزاری جستم مگر کسانی که علی (ع) را یاری دادند.

في يوم ٢٤ من شهر ديسمبر ٢٠٠٩ تعرفت على الإمام أحمد الحسن (ع) وكان ذلك يوم  
الخميس والحمد لله.

يوم الجمعة بعد صلاة المغرب توجهت إلى الله بكل قلبي وبايعت إمامي أحمد (ع).

در روز ۲۴ از ماه دسامبر ۲۰۰۹ با امام احمد الحسن آشنا شدم و این ماجرا در روز پنجشنبه اتفاق افتاد، و الحمد لله.

روز جمعه بعد از نماز مغرب با تمام قلبم رو به خدا کردم و با امام احمد (ع) بیعت نمودم.

يقول أيضاً: إنه يحبكم كثيراً أكثر من أي شيء، ويسلم عليكم كثيراً ويطلب  
منكم الدعاء له ولعائلته؛ لأنهم يعانون بعض المشاكل. والحمد لله رب العالمين.

او هم چنین می‌گوید: شما را بسیار دوست دارد، بیشتر از هر چیزی. بسیار به شما سلام می‌رساند و از شما می‌خواهد که برای خود و خانواده‌اش دعا کنید، زیرا آن‌ها با مشکلاتی دست به گریبانند، و الحمد لله رب العالمین.

حفظكم الله ورعاكم وسددكم ونصركم أبي العزيز، وأسأل الله (عزوجل) أن يمن  
عليّ بقلبيكم مولاي.

الصلاة والسلام عليكم مولاي وعلى آبائكم الطاهرين وآل بيتكم.

خداوند شما را حفظ و پشتیبانی فرماید و توفیق دهد و پیروز گرداند، ای پدر عزیزم! از خداوند مسئلت دارم که ملاقات با سرورم را بر من منت گذارد.  
درود و سلام بر سرورم و بر پدران طاهرين و اهل بيت شما باد.

فرستنده: سعديه - مغرب

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم .. والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وفقكم الله لكل خير، وجنبكم كل شر، وجعل عاقبتكم إلى خير، جزاكم الله خيراً عن محمد وآل محمد أن نصرتم الحق في زمن قلّ فيه الناصر، وأسأل الله أن يوفقي لخدمتكم.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم...

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.  
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از هر شری دور بدارد و عاقبتان را ختم به خیر کند!  
خداوند از سوی محمد و آل محمد جزای خیر به شما بدهد که در زمانی که یاری گر اندک است حق را یاری کردید، و از خداوند مسئلت دارم که مرا در خدمت کردن به شما موفق گرداند.

أما بالنسبة لاسم خالد فهو اسم أحد الأنبياء السابقين(ع)، وفقك الله لكل خير.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ١٤٣١ هـ

و اما اسم خالد، نام یکی از پیامبران گذشته(ع) است. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد!  
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - ١٤٣١ هـ.ق.



## پرسش ۵۶۹: نامه به سید احمد الحسن (ع) اعلام یاری و یآوری

السؤال / ۵۶۹: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، مالك الملك، مجري الفلك، مسخر الرياح، فالق الإصباح، ديان الدين، رب العالمين. اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.  
من العبد المذنب العاصي المقصر المشفق على نفسه من الهلاك، إلى مولاي وسيدي ابن رسول الله أحمد الحسن وصي ورسول الإمام المهدي صلوات الله عليه وعلى آبائه.

پرسش ۵۶۹: بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، مَالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي الْفُلْكِ، مُسْخِرِ الرِّيَّاحِ، فَالِقِ الْإِصْبَاحِ، دَيَّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ

حمد و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است؛ مالک سلطنت، روان کننده‌ی کشتی (وجود)، مُسَخِّر کننده‌ی باده‌ها، شکافنده‌ی سپیده‌ی صبح، حکم فرمای روز جزا و پروردگار جهانیان اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهدين و سلم تسليماً كثيراً.  
از بنده‌ی گنه‌کار خطاکار مقصر که بر نفس خویش از هلاک شدن بیم‌ناک است به سرور و مولایم فرزند رسول خدا، احمد الحسن وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (ع) که صلوات خداوند بر او و پدران‌ش باد).

لقد آمنت بك؛ لأن الله شهد لك عن طريق الرؤيا التي رآها الكثيرون يشهد فيها رسول الله أو أحد الأئمة (ع) أو فاطمة الزهراء (عليها السلام)، وهذه الرسالة تحمل عرضي نفسي- لنصرتك وخدمتك فأرجو أن تقبلني ولو أنني لا أرى نفسي- استحق أن أكون في صفوف خدمك يا مولاي.

المرسل: عبد الله - مصر

من به تو ایمان آورده‌ام؛ زیرا خداوند به وسیله‌ی خواب‌هایی بسیاری که آن را دیده‌اند بر تو شهادت داده است، که در آن‌ها پیامبر خدا (ص) یا یکی از ائمه (ع) یا فاطمه‌ی زهرا (ع) گواهی می‌دهند. این نامه حامل آبرو و جان من است برای نصرت و خدمت به شما. امیدوارم مرا بپذیری؛ هرچند من این شایستگی را در خودم نمی‌بینم که در صفوف خادمان تو باشم، ای سرورم!

فرستنده: عبدالله - مصر



الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم .. والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

وفقكم الله لكل خير، وجنبكم كل شر، وجعل عاقبتكم إلى خير، جزاكم الله خيراً عن محمد وآل محمد أن نصرتهم الحق في زمن قلّ فيه الناصر، وأسأل الله أن يوفقني لخدمتكم، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند، و از هر شری دور بدارد و عاقبتان را ختم به خیر کند! خداوند از سوی محمد(ص) و آل محمد(ع) جزای خیر به شما بدهد که در زمانی که یاری گر اندک است حق را یاری کردید، و از خداوند مسئلت دارم که مرا در خدمت کردن به شما موفق گرداند. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - ١٤٣١ هـ.ق.



### پرسش ٥٧٠: درخواست دعا برای مادرش

السؤال / ٥٧٠: بسم الله الرحمن الرحيم .. اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

قبل فترة من الزمن تقارب الأسبوع أو أكثر أرسلت رسالت إلى سيدي ومولاي قائم آل محمد رسالت شكوت له فيها حال والدتي المريضة، راجياً من الله أن يمن عليها مولاي القائم(ع) بدعائه.

پرسش ٥٧٠: بسم الله الرحمن الرحيم... اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

السلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

چند وقت پیش تقریباً یک هفته یا بیشتر، نامه‌ای به سرور و مولایم قائم آل محمد فرستادم و در آن از حال مادر بیمارم شکوه کردم. از خداوند امید دارم، مولایم قائم(ع) بر او منت گذارد و برایش دعا کند.

فيا إخوتي الكرام في اللجنة العلمية وفقكم الله لكل خير على ما تقدمونه من جهد في إيصال الرسائل إلى الإمام المظلوم(ع) أسأل الله تعالى أن تكون الرسالة قد وصلت إليه، وإن كانت لم تصل لحد الآن أسألكم بالله أن تسرعوا في إيصالها فإن حال أمي يسوء يوماً بعد آخر، وأرجو منكم أيضاً أيها الأنصار الأطهار أن تدعوا لها بالشفاء العاجل وفقكم الله لكل خير. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: محمد الأنصاري - العراق

ای برادران گرامی ام در هیأت علمی، از این که تلاش می‌کنید تا نامه‌ها را به امام مظلوم(ع) برسانید، خداوند شما را بر هر خیریه موفق بگرداند! از خدا مسئلت دارم که نامه به دستش رسیده باشد، و اگر هم تا الآن نرسیده، شما را به خدا، در رساندن نامه عجله کنید که حال مادرم روز به روز بدتر می‌شود. هم‌چنین از شما ای انصار پاک تقاضا دارم که برای شفای عاجل او دعا کنید. خداوند شما را بر هر خیریه موفق بگرداند!

و السلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

فرستنده: محمد الانصاری - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم .. والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

أسأل الله لك ولوالدتك العافية وحسن العاقبة، هو وليي وهو يتولى الصالحين.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصعب / ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم...

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

از خداوند برای شما و مادرت عافیت و حسن عاقبت را مسئلت می نمایم. او یاور من است و او دوست شایستگان است.  
و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - رجب الأصب / ١٤٣١ هـ.ق.



### پرسش ٥٧١: دعا برای رزق و روزی

السؤال / ٥٧١: السلام علیکم ورحمة الله و بركاته .. أشکو من قلت في الرزق وسعة (کذا) العیش، فأريد من سيدي ومولاي أن يعلمني دعاء إن دعوت به فتح الله علي من حيث احتسب ولا احتسب.

المرسل: يوسف - الكويت

پرسش ٥٧١: السلام علیکم و رحمة الله و بركاته....  
از کمی رزق و گشایش (فلان) زندگی شکایت دارم. از سرور و مولایم می خواهم مرا دعایی بیاموزد که اگر آن دعا را بخوانم، خداوند از جایی که گمان می برم و گمان نمی برم بر من درهای روزی را بگشاید.  
فرستنده: یوسف - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم  
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
عليك بصلاة الليل، فمن بركتها أنها تسبب سعة الرزق إن شاء الله، وأيضاً كرر ألف مرة (يا رزاق يا كريم) في ركعة الوتر وأنت قائم قبل السجود.  
والسلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.  
بر شما باد به نماز شب، که از جمله برکات آن این است که باعث وسعت رزق می‌شود ان شاء الله.  
هم‌چنین در رکعت وتر در حالی که ایستاده‌ای، قبل از سجده، هزار بار «یا رزاق یا کریم» را تکرار نما.  
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب الأصب / ۱۴۳۱ هـ.ق.



### پرسش ۵۷۲: درخواست دعا برای ازدواج

السؤال / ۵۷۲: قيل لي إن معي أنثى من الجن يهودية تمنع عني الزواج وهي ترافقني دائماً  
وكثيراً ما ترعبني ليلاً عندما أكون ما بين اليقظة والنوم، مثلاً: شاهدت مرة المخدة تمشي  
تحت رأسي، وغير ذلك، علماً أنني ما زلت عازباً وأنا على أبواب الأربعين، والدتي تدعى ...،  
والدي ...، أنا من مواليد ۱۹۷۱.

هل من مساعدة رجاء؟

المرسل: عماد - لبنان

پرسش ۵۷۲: به من گفته شده که با من یک جنّ مؤنث یهودی همراه است که از ازدواج من جلوگیری  
می‌کند. او همیشه همراه من است و شب‌های زیادی، وقتی بین خواب و بیداری هستم، مرا ترسانده  
است؛ مثلاً یک بار دیدم بالش زیر سرم به راه افتاده است و هم‌چنین موارد دیگر. یادآور می‌شوم من  
هنوز مجرد و در آستانه‌ی ۴۰ سالگی هستم. مادرم.... نام دارد و پدرم.... من متولد ۱۹۷۱ هستم.  
آیا می‌شود مرا کمک کنید؟

فرستنده: عماد - لبنان

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.  
لمدة أربعين يوماً اقرأ سورة يس كل ليلة قبل النوم.

اقرأ آية الكرسي عندما تضع رأسك على الوسادة قبل أن تنام.  
اذكر الله في كل يوم ألف مرة بهذا الذكر: (سبحانه هو الله الواحد القهار).

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم  
و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
چهل روز سورہی یس را هر شب قبل از خواب بخوان.  
وقتی قبل از خواب سرت را بر بالش می گذاری، آیت الكرسي را بخوان.  
هر روز هزار بار با این ذکر خدا را یاد کن: «سبحانه هو الله الواحد القهار».

أيضاً اكتب في ورقة بالزعفران سورة الفاتحة وآية الكرسي وأول عشر آيات من سورة الصافات، ومن ثم حلّ الكتابة بقليل من الماء واغتسل به ولكن اجمع الماء في إناء وارمه في أرض نظيفة ولا تجعله يذهب مع مياه غير نظيفة، وإن شاء الله ستتنفعك هذه الأعمال، وفقك الله.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصعب / ١٤٣١ هـ

همچنین سورہی فاتحه و آیت الكرسي و ده آیهی اول سورہی صافات را با زعفران بر روی کاغذ بنویس و سپس نوشتهها را با کمی آب حل کن و با آن غسل نما، ولی آب را در یک ظرف جمع کن و در زمین پاکی بریز و نگذار که با آبهای ناپاک یکجا برود. به خواست خدا این کارها برای شما مفید خواهد بود، خداوند توفیق تان دهد!  
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب الأصعب / ١٤٣١ هـ.ق.



پرسش ٥٧٣: حجاب (حرز) برای شفا یافتن

السؤال / ٥٧٣: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أتمنى من الله سبحانه وتعالى ومن اليماني أحمد الحسن(ع) يرسل لي حجاب للمحبة  
والشفاء، حجاب ضد إبليس وجنوده، حجاب في عملي مع اليهود والنصارى وأهل السنة  
والوهابية.

وفي الختام أقول لكم: ابنتي كذلك عرفت اليماني أحمد الحسن(ع) سوف تتزوج يوم ١٦  
أبريل ٢٠١٠، وأتمنى من الله سبحانه وتعالى ومن اليماني أحمد الحسن(ع) أن يدعو لنا الخير  
والمحبة بين بنتي وزوجها وبارك الله فيكم.

وإني والله إنني أحب اليماني أحمد الحسن(ع) وهو في قلبي.

المرسل: ابن علي

پرسش ۵۷۳: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

از خداوند سبحان و از احمدالحسن یمانی(ع) مسئلت می‌نمایم که حجابی برای محبت و شفا برایم  
بفرستد؛ حجابی ضد ابلیس و لشکریانش، حجابی در کارم با یهود و نصارا و سنت‌ها و وهابی‌ها. و در  
پایان به شما می‌گویم: دخترم نیز یمانی احمدالحسن(ع) را می‌شناسد. او در ۱۶ آوریل ۲۰۱۰ ازدواج  
می‌کند. از خداوند سبحان و از یمانی احمدالحسن(ع) تقاضا دارم برای ما دعا کند که خیر و محبت بین  
دخترم و شوهرش برقرار باشد. خداوند به شما برکت دهد! به خدا سوگند من یمانی احمدالحسن(ع) را  
دوست دارم و او در قلب من جای دارد.

فرستنده: ابن علی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.  
وفقكم الله لكل خير، وأتمّ الله لكم أموركم بخير وعافية، وفقك الله لكل خير،  
أفضل حجاب هو قراءة القرآن؛ فداوم على قراءة سورة يس في الليل قبل أن تنام، وكذا قراءة  
سورة الواقعة وسورة النور بعد الصلاة الواجبة ما أمكنك وفقك الله وسددك.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - شعبان الخير والبركة/ ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند شما را توفیق دهد، و خداوند امور شما را به خیر و عافیت ختم نماید! خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! بهترین حجاب، تلاوت قرآن است؛ شب قبل از این که بخوابی بر قرائت سوره‌ی «یس» مداومت نما. همچنین پس از نماز واجب در حد توانایی ات سوره‌ی واقعه و سوره‌ی نور را قرائت کن. خداوند شما را توفیق دهد و ثابت قدم بدارد!  
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - شعبان خیر و برکت / ١٤٣١ هـ.ق.



### پرسش ٥٧٤: بهترین راه برای دور ماندن از شیطان و بهبودی سردرد

السؤال / ٥٧٤: سيدي الإمام أحمد الحسن (ع) ..

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.  
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أنا أعرف العربية قليلاً أريد أن أعرف أكثر عن الحقيقة.

١- ما هي أفضل وسيلة للحماية من نزغات الشيطان؟

٢- ما هو أفضل دعاء للشفاء من الصداع؟

المرسل: truthisfromallah

پرسش ٥٧٤: سرورم امام احمدالحسن (ع)....

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهدين و سلم تسليماً.  
السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

من کمی زبان عربی می دانم و می خواهم از حقیقت، بیشتر سر در بیاورم.

١- بهترین وسیله برای محافظت در برابر وسوسه های شیطان چیست؟

٢- بهترین دعا برای شفا یافتن از سردرد چیست؟

فرستنده: truthisfromallah

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم  
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
وفقكم الله، هذه الدنيا هي لامتحان، وللتخلص من الشيطان لا بد للإنسان من المداومة  
على ذكر الله على كل حال؛ كقراءة القرآن مثل سورة يس وسورة الصافات.  
وللشفاء من الصداع توضع اليد اليمنى على مكان الألم وتقرأ سورة الفاتحة سبعين  
مرة.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - شعبان الخير والبركة / ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم  
والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
خداوند شما را توفیق دهد! این دنیا، سرایی برای امتحان است و برای رهایی از شیطان، انسان باید  
در همه حال بر ذکر خدا مداومت کند؛ از طریق تلاوت قرآن مثل سوره‌ی یس و سوره‌ی صافات.  
برای شفا از سردرد، دست راست را بر مکان درد می‌گذاری و هفتاد بار سوره‌ی فاتحه را می‌خوانی.  
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - شعبان خیر و برکت / ١٤٣١ هـ.ق.



### پرسش ۵۷۵: چند سوال در مورد تقیه و رؤیای یوحنا قرص ربوی

السؤال / ۵۷۵: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، السلام عليكم سيدي ومولاي  
يماني آل محمد.

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.  
سيدي ومولاي، أشكرك على تفضلك بالرد على أسئلتى وأرجو أن تزيدني من علمك  
الفياض يا قرة عين الزهراء.



پرسش ۵۷۵: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.  
سلام عليكم، سرور و مولایم، یمانی آل محمد!  
اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.  
سرور و مولایم! از این که لطف می کنی و به سؤالتم پاسخ می دهی از شما متشکرم، و خواهش می کنم  
از علم پربرکتات بر من بیافزایی، ای نور دیده‌ی زهرا(ع).

۱- سيدي، هل يمكن الدعوة إليك في تقيّة أي أن نكر على الناس أننا من أتباعك  
وندعوهم لأمرك على سبيل التذكير والإخبار؟

۱- سرورم! آیا می توان در حالت تقيه ديگران را به سوی شما دعوت کرد؟، یعنی به این صورت که ما  
بين مردم انکار کنیم که از پیروان شما هستیم و در قالب تذکر و إخبار، آنها را به امر شما دعوت کنیم؟

۲- سيدي، في رؤيا يوحنا أن الشيوخ الأربعة والعشرين يسجدون للخروف المذبوح،  
فكيف يسجد المهدي الأول للخروف وهو المهدي الأول أيضاً، وهم أنتم؟ وما معنى هذا  
السجود؟ كيف نرفع التناقض الظاهري ربما؟

۲- سرورم! در خواب يوحنا آمده است که بیست و چهار شيخ، بر گوسفند سربریده سجده می کنند؛  
حال چگونه مهدی اول برای گوسفند سجده می کند در حالی که او نیز مهدی اول است، و آنها شما  
هستید؟ معنای این سجود چیست؟ این تناقض ظاهری اندک را چگونه برطرف کنیم؟

۳- سيدي، هل يجوز أخذ قرض من بنوك الدولة، وهل يحل لنا أموالهم حيث أنه ممزوج  
بمال الدولة والنواصب وغيرهم؟

۳- سرورم! آیا وام گرفتن از بانک‌های بین المللی جایز است؟ و آیا اموال آنها با توجه به این که با  
مال دولت و نواصب و ديگران مخلوط است، بر ما حلال می باشد؟

۴- سيدي، هلا أخبرني عن أمر يقربني إليك وإلى الله؟ وهل أنا مذکور في أنصارك أو  
مبشر بي وأعوذ بالله من كلمة أنا؟  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أرجو العفو إذا أزعجت سماحتكم يا مولاي يا ابن رسول الله.

۴- سرورم! آیا مرا به امری که مرا به سوی شما و به سوی خدا نزدیک می‌کند، باخبر نمی‌کنی؟ و آیا من \_ و پناه می‌برم به خدا از کلمه من \_ جزو انصار شما یا مورد بشارت هستم؟  
و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

سرورم اگر به حضرت عالی زحمت دادم، خواهش می‌کنم مرا ببخش، ای پسر رسول خدا!  
فرستنده: مسلم انصاری

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

ج س ۱: نعم، يمكن وفقكم الله لمن هو مضطر للتقية.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

پاسخ سؤال ۱ آری، کسی که به تقیه مجبور شده است، می‌تواند. خداوند شما را توفیق دهد!

ج س ۲: سجود الرسول والأئمة (ع) للمهدي قد بينت معناه سابقاً وتجده أيضاً في كتاب  
تفسير سورة التوحيد وفقك الله.

پاسخ سؤال ۲ معنای سجده‌ی پیامبر و ائمه (ع) بر مهدی را قبلاً بیان کرده‌ام و شما این مطلب را در  
کتاب تفسیر سوره‌ی توحید می‌توانی بیابی. خداوند توفیقتان دهد!

أما ما يخص رؤيا يوحنا فهي رؤيا مرزمة.

اما آنچه در خصوص رویای یوحنا است، پس آن رویایی رمزگونه است.

ج س ۳: وفقك الله القرض الربوي حرام ولا يجوز أخذه، أما إذا كان القرض غير ربوي فلا  
إشكال فيه.

پاسخ سؤال ٣ خداوند شما را توفیق دهد! قرض ربایی حرام است و گرفتن آن جایز نمی باشد، ولی اگر قرض غیر ربایی باشد، اشکالی ندارد.

وبین المؤمن والناصبی لا یوجد ربا، فعلیک أن تشخص البنك ومالك البنك وهل هو ناصب عداء للأئمة أو المهديین أو شیعتهم أم هو کافر أم مسلم أو مؤمن، وعلى أساس هذا التشخیص يمكنك أخذ القرض الربوي أو عدم أخذه.

بین مؤمن و ناصبی ربا وجود ندارد. شما باید بانک و مالک بانک را بشناسی که آیا وی، ناصب و دشمن ائمه یا مهديین یا شیعه‌ی آنها است و یا کافر یا مسلمان یا مؤمن است. براساس این تشخیص می توانی نسبت به دریافت یا عدم دریافت قرض ربوی از او اقدام نمایی.

ج س ٤: وفقك الله، هذه الدنيا هي دنيا امتحان فلا تأمن حتى يختم لك بخير وعلى سلامة من الدين الذي يحبه الله ويرضاه.

پاسخ سؤال ٤ خداوند شما را توفیق دهد! این دنیا، دنیای امتحان است. شما تا زمانی که عاقبتت به خیر و بر سلامت دینی که خداوند آن را دوست دارد و به آن خوشنود است ختم نشده باشد، ایمن مباش.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - شعبان الخیر والبرکة / ١٤٣١ هـ

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - شعبان خیر و برکت / ١٤٣١ هـ ق.



پرسش ٥٧٦: نامه‌ای با محتوایی رؤیا

السؤال / ٥٧٦: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

پرسش ۵۷۶: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

سیدی، ارسالت لك رسالة تحوي رؤياي وأنا أنتظر ردك الكريم، وتكررت الرؤيا معي مع تغيير في الحروف التي أعطاني إياها العجوز في الرؤيا، كما أنني قرأت اسمي واسم مدينتي في رواية الإمام علي (ع) وهذا مما أسعدني، ولكن يا سیدی ما زاد دهشتي أنني ألبس خاتماً في يدي اليميني في البنصر تعرض إلى ضربة وقد بدأ يتشكل داخل الفص شكل انشطار، وكل يوم تتضح معالمه، وقد بدت على شكل أحرف لكلمة لم تتضح بعد، والأحرف ليست باستقامة واحدة، وهي: (ا م د ل ه ي).

سرورم، نامه‌ای برای شما می‌فرستم که حاوی خواب من است و منتظر پاسخ بزرگوارانه‌ی شما هستم. این خواب برایم تکرار شده ولی با تغییراتی در کلمات و واژه‌هایی که آن پیرمرد در خواب به من داده است. همچنین من اسم خودم و اسم شهرم را در روایات حضرت علی (ع) خواندم و این از جمله چیزهایی است که باعث خوشحالی من شده است. ولی ای سرورم، آنچه که بر وحشت من افزوده این است که من انگشتری در انگشت بنصر<sup>(۱)</sup> دست راستم داشتم که به آن ضربه‌ای وارد شده و نگین آن دارد دو تکه می‌شود و هرروز نشانه‌هایش بیشتر آشکار می‌شود و دارد به شکل حروف کلمه‌ای در می‌آید که هنوز واضح نیست. این حروف به صورت مشخصی نقش نبسته و شبیه «ا م د ل ه ی» می‌باشد.

أنتظر ردك سيدي وتفسيرك لهذه المعجزة التي أسأل الله أن تكتمل وأن تكون من أسباب نصرتك وأن أكون من خدمك المقربين.

سرورم! منتظر پاسخ و تفسیر شما بر این معجزه هستم؛ معجزه‌ای که از خداوند مسئلت دارم کامل شود و از عوامل نصرت شما باشد و من نیز در زمره‌ی مقربین شما قرار گیرم.

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

المرسل: إبراهيم - السعودية

۱ - انگشت حلقه (بنصر): انگشت چهارم هر دست که معمولاً انگشتری ازدواج را در آن می‌اندازند (مترجم).

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

فرستنده: ابراهيم - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
أسأل الله أن يوفقك ويسدّدك وينصرك على نفسك وهواك والدنيا والشيطان، وأن  
يجعل الله عاقبتك إلى خير الآخرة والدنيا، هو وليي وهو يتولى الصالحين.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - شعبان الخير والبركة / ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.  
از خدا مسألت می نمایم که شما را موفق بدارد و ثابت قدم گرداند و شما را بر نفست و بر هوا و هوست  
و بر دنیا و شیطان پیروز گرداند و عاقبت شما را در آخرت و دنیا خیر بگرداند! او یاور من است و او دوست  
شایستگان است.

والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - شعبان خير وبرکت / ١٤٣١ هـ.ق.



پرسش ٥٧٧: نامه‌ای از یکی از انصار

السؤال / ٥٧٧: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.  
سيدي ومولاي يا يمانى آل محمد (ع) وقائهم، سلام من الله عليك ورحمته وبركاته.

أقف في حضرتك سيدي بقلب منكسر وعين اغرورقت بالدمع لأعزيك باستشهاد أمك  
البتول الطاهرة فاطمة الزهراء عليها من الله آلاف السلام، وعزاء متواصل لسيدي ومولاي  
أبيك الحجة بن الحسن عليه سلام الله، وإلى آبائك الطيبين الطاهرين سلام الله عليهم  
أجمعين، وأتوسل إلى الله أن يعجل لكم الفرج وأن يمكّن لكم في أرضه وينصركم على  
عدوكم وعدوه إن الله سميع مجيب.

پرسش ۵۷۷: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سرور و مولایم ای یمانای آل محمد (ع) و قائم آن‌ها! سلام و رحمت و برکات از جانب خداوند بر تو باد!  
سرورم با دلی شکسته و چشمی گریان و اشک‌آلود در محضر شما می‌ایستم تا شما را بر شهادت مادرت  
بتول طاهره‌ی فاطمه‌ی زهرا (ع) تسلیت و تعزیت گویم و همچنین بر سوگواری ادامه‌دار برای سرور و  
مولایم، پدرت حجت بن الحسن (ع) و بر پدران طیب و طاهرت (ع). به خدا متوسل می‌شوم که فرج را  
برای شما مقدر گرداند و شما را در زمینش تمکین و فرمانروایی دهد و شما را بر دشمنان تان و دشمنان  
خودش پیروز گرداند. همانا خداوند شنوا و اجابت‌کننده است.

سیدی و مولای و آبی یا یمانای آل محمد (ع) و قائمهم، فی فنائك لازلت أحبو ومن حبك  
أرضع، كتبت لك رسائل ثم طويتها متردداً بين خوف واستحياء حياء عبد أبق مسودّ الوجه  
وغارق في دنس نفسه بظلمي وظلمتي أمام الطهر والنور كله، كأنه المحال، وخوف أن  
يكون هذا جفاء وقلّة حياء، وما بين هذا الخوف وذاك الحياء جاءت هذه الحروف الخجلى  
لتطرق الآن بابك، فأرجوك سيدي لا تردها فأنت كريم ابن كرام ولا ترد سائلاً على بابك.

سرور و مولا و پدرم، ای یمانای آل محمد (ع) و قائم آن‌ها! پیوسته عاشق فنا شدن برای شما هستم و  
با محبت شما زنده هستم. برای شما نامه‌هایی نوشتم، سپس آن‌ها را در هم پیچیدم چراکه من بین  
خوف و حیا سرگردانم؛ حیای بنده‌ای روسیاه که از ارباب خود گریخته و به دلیل ظلم و ظلمتم در برابر  
تمامی پاکی و نور، در پستی نفس خود غرق گشته و گویی نشدنی است و ترس از این‌که این کار، جفا و  
کم‌حیایی باشد، مابین این خوف و آن حیا، این کلمات شرمسارانه‌ی من آمد تا اکنون درب شما را بکوبم.  
خواهش می‌کنم سرورم، آن را رد نکن که تو کریم و فرزند اهل کرم هستی و سائل را از درگاهت نمی‌رانی.

سيدي ومولاي وأبي وحببي، مذ لاح طيف نورك رضيت لي الوقوف تكرماً منك  
بخدمتك، وسأبقى إن شاء ربي خادماً عند عتبتك، فأنت من أحييته وأطعمته بيدك فتصدق  
على مسكينك بما شئت من كرمك، وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ.

سرورم، مولا، پدر و محبوبم! از آن هنگام که طیف نورت درخشیدن گرفت، از سر اکرام از جانب  
خودت برایم خدمت‌گزاری بر درگاهت را راضی گشتی و اگر خواست پروردگارم باشد، بر آستان تو  
خدمت‌گزار باقی خواهم ماند. تو کسی هستی که زندگانی و روزی به دست می‌باشد پس هرگونه که  
کرمت می‌باشد بر مسکینت تصدق فرما؛ (و به ما صدقه بده، زیرا خدا صدقه‌دهندگان را دوست دارد)<sup>(۱)</sup>.

والحمد لله وحده الذي منّ علينا بك ورزقنا من غير استحقاق معرفتك ونصرتك إن  
قبلتني، ابنك الصغير وعبدك المقصر.

المرسل: أبو مهدي - بلاد الغربت

و الحمد لله وحده! کسی که به وسیله‌ی تو بر ما منت نهاد و درحالی که لیاقت شناخت و یاری تو را  
نداشتیم، روزی‌مان نمود اگر قبول فرمایی! فرزند کوچک و بنده‌ی گنه‌کار تو!  
فرستنده: ابومهدی - بلاد غربت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
أسأل الله أن يوفقك ويسدّدك وينصرك نصراً عزيزاً، هو وليي وهو يتولى الصالحين.  
وفقكم الله، طبتم وطهرتم بولاية الله وأوليائه، وبطاعة الله وطاعة أوليائه، أسأل الله  
أن يختم لكم بخير الآخرة والدنيا، وأن يجعل لكم من أمركم يسراً.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - شعبان الخير والبركة/ ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

١ - اشاره به بخشی از آیه‌ی ٨٨ سوره‌ی یوسف (مترجم).

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را توفیق دهد و ثابت‌قدم گرداند و به نصرتی ارجمند یاری نماید! او یاور من است و او دوست شایستگان است. خداوند شما را توفیق دهد! با ولایت خدا و اولیایش و با طاعت خدا و طاعت اولیایش طیب و پاکیزه‌اید. از خداوند مسئلت دارم که امر شما را به خیر دنیا و آخرت ختم گرداند و خدا کارتان را آسان کند. والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - شعبان خیر و برکت / ۱۴۳۱ هـ.ق.



### پرسش ۵۷۸: خواندن سوره فاتحه و هدای آن به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)

السؤال / ۵۷۸: بسم الله الرحمن الرحيم.. اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله، السلام عليك أيها الطاهر، السلام عليك أيها المظلوم، السلام عليك أيها الشريد الطريد، والسلام على آبائك وأبنائك الأئمة الأطهار.

پرسش ۵۷۸: بسم الله الرحمن الرحيم...

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً. السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

سلام بر تو ای پاکیزه! سلام بر تو ای مظلوم! سلام بر تو ای آواره و رانده‌شده! و سلام بر پدران و پسران تو ائمه‌ی اطهار!

سيدي ومولاي، جعلنا الله من خدامك وأنصارك بإذنه تعالى، نعتذر من الله ومنك عن التقصير، أرجو أن تقبلوا منا هذا الاعتذار.

سيدي، لقد لفتوا نظري إخوتي أنه لا يصح قراءة الفاتحة وطلب الرحمة على أرواح الرسول (ص) والأئمة الأطهار؛ لأنهم هم أهل الرحمة، ونحن من نترجى الرحمة من الله سبحانه ومنهم صلوات الله عليهم، فماذا يقول سيدي ومولاي وإمامي أحمد الحسن (ع) في هذا الأمر؟ وأعتذر عن تقصيري سيدي.



## السلام على الطاهر ورحمة الله وبركاته.

المرسلة: تمارا مراد - فنلندا

سرور و مولایم! خداوند با اذن بلندمرتبه‌اش، ما را جزو خادمان و انصار تو قرار دهد. از خدا و از شما بابت سستی و کوتاهی عذرخواهی می‌کنیم، امیدوارم این پوزش طلبی را از ما بپذیرید.

سرورم! برادرانم نظرم را به این جلب کرده‌اند که قرائت سوره‌ی فاتحه و طلب رحمت برای ارواح پیامبر(ص) و ائمه‌ی اطهار(ع) صحیح نیست زیرا آن‌ها خود اهل رحمت‌اند و این ما هستیم که از جانب خدای سبحان و از سوی آن‌ها، رحمت را امید داریم. سرور، مولا و امام احمدالحسن(ع)! در این خصوص چه می‌فرماید؟ بابت کوتاهی و تقصیرم، عذر می‌خواهم، سرورم!

سلام و رحمت و برکات خدا بر طاهر باد.

فرستنده: تمارا مراد - فنلاند

## الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

يجوز قراءة سورة الفاتحة وإهداء ثواب قرائتها إلى الرسول والأئمة(ع).

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ١٤٣١ هـ

## پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

قرائت سوره‌ی فاتحه و اهدای ثواب قرائت آن به پیامبر(ص) و ائمه(ع) جایز است.

والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - نیمه شعبان / ١٤٣١ هـ.ق.



## پرسش ۵۷۹: دلیل خمیازه کشیدن هنگام دعا و ذکر گفتن

السؤال / ۵۷۹: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ .. اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَتْمَةِ وَالمُهْدِیْنَ وَسَلِّمْ تَسْلِیْمًا.

السلام علیکم یا قائم آل محمد، سؤالی هو: لماذا الإنسان عندما يقوم بالتسبیح أو الأذکار أو الاستغفار وخصوصاً الاستغفار يبدأ يتثاءب وتدمع عيناه، وأيضاً عندما نسع ذکرکم تدمع أعیننا أو عندما نخشع؟

المرسلة: أحلام - استراليا

پرسش ۵۷۹: بسم الله الرحمن الرحيم...

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

سلام بر تو ای قائم آل محمد! سؤال من: چرا وقتی انسان به سراغ تسبیح گویی (سبحان الله گفتن) یا اذکار و استغفار و خصوصاً استغفار می‌رود، شروع به دهن دره می‌کند و از چشمانش اشک می‌ریزد؛ و همچنین هنگامی که ذکر شما را می‌شنویم چشمانمان اشک باران می‌شود یا هنگامی که خشوع می‌ورزیم؟

فرستنده: احلام - استراليا

الجواب: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ .. والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وفقك الله، بالنسبة للتثاؤب فهو من الظلمة التي في الإنسان أو الشيطان والشر الذي في صفحة وجوده، فعندما يحاصر الظلام بالنور يلجأ شياطين الإنس والجن من خلال الظلمة التي في صفحة وجود الإنسان إلى تخذيل الإنسان عن ذكر الله، وهذا بالتأثير عليه وعلى جسده بالتثاؤب والكسل وغيرها من الصفات التي تجعل الإنسان يلجأ إلى الراحة وترك ذكر الله، وللتخلص منها فعليكم بالإصرار على الذكر وعدم ترك النور والذكر حتى يئس الشياطين أخزاهم الله، ولكم في هذا الأمر ثواب فهو محاربة للشياطين وجند إبليس أخزاهم الله. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ۱۴۳۱ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم...

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
 خداوند شما را توفیق دهد! دهن دره، از ظلمتی که در انسان وجود دارد، یا شیطان و شری که در صفحه‌ی وجودی اوست ناشی می‌شود. هنگامی که ظلمت با نور محاصره می‌شود، شیاطین انس و جن از طریق ظلمتی که در صفحه‌ی وجودی انسان است، دست به کار می‌شوند تا انسان را از ذکر خدا بازدارند، و این موضوع بر او و بر بدنش، به صورت دهن دره، بی‌حالی و دیگر صفاتی که باعث می‌شود انسان به استراحت و ترک ذکر خدا متوسل شود، تأثیر می‌گذارد. برای خلاصی از این‌ها باید بر ذکر اصرار بورزید و نور و ذکر را رها نکنید تا شیاطین که خداوند خوارشان سازد، مأیوس شوند. شما در این امر پاداش دارید چراکه این کار، جنگ با شیاطین و لشکر ابلیس - که خداوند خوارشان دارد - می‌باشد. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ هـ.ق.



### پرسش ۵۸۰: نیازدارم که اندوهم کم شود.

السؤال / ۵۸۰: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أكتب لك يا سيدي ومولاي والنار تسعر في قلبي أثر ما أصابني من بلاء، والحمد لله على بلائه، فما رأيت إلا جميلاً.

پرسش ۵۸۰: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

سرور و مولایم! در حالی این نامه را برای شما می‌نویسم که به خاطر بلایی که گرفتارش شده‌ام، آتش در دلم زبانه می‌کشد. سپاس خدا را بر بلایش که جز زیبایی چیزی ندیدم!

يا سيدي ومولاي، أشكوك ما جرى لي علّ شكواي ومعرفتك بالأمر تهون عليّ، في تاريخ ٢١ من شهر مارس الفائت كان عقد قرآني، وبعد هذا التاريخ بأسبوع تم طلاقي،

والسبب أني متمسكة بدعوتكم رغم أني لم أنتهج منهاج السب والتجريح وكانت أدلتي كما تفضلتم بها، لكنه شعر بالعجز أمام الأدلة فأثر الطلاق على البقاء معي، أشعر بجرح عميق في قلبي، فقد هشمت كرامتي، وها هو الآن مع والدته يجوبون بين الناس يخبرونهم كذباً بأنني سببت السيستاني، واتهموا أختي بالجنون، ووصل إلى مسامعنا أن طائفة تنوي الهجوم على منزلنا؛ لأننا ننشر الدعوة.

آقا و مولای من! از آنچه بر من گذشت به شما شکایت می‌کنم و اطلاع یافتن شما از ماجرا، مرا آرامش می‌دهد! ۲۱ ماه مارس گذشته تاریخ عقد ازدواج من بود و یک هفته بعد از این تاریخ، طلاق من صورت گرفت. دلیلش هم آن بود که من متمسک به دعوت شما هستم و هرچند که من به سراغ فحش و بدزبانی نرفته‌ام و دلایل من نیز همان چیزهایی بود که شما فرموده بودید، ولی او در مقابل دلایل، احساس عجز و ناتوانی کرد و لذا طلاق را بر ماندن با من ترجیح داد. من در دلم زخمی عمیق احساس می‌کنم و کرامت من در هم شکسته شده است. اکنون او به همراه مادرش، بین مردم می‌چرخند و رفت‌وآمد می‌کنند و به دروغ به آن‌ها می‌گویند که من به سیستانی فحش داده‌ام و خواهرم را نیز به دیوانگی متهم کرده‌اند. به گوش ما رسیده است که عده‌ای قصد دارند به خانه‌مان هجوم بیاورند، زیرا ما دعوت را منتشر کرده‌ایم.

يا سيدي ومولاي، أنا تائهة ولا أعلم ما أحاجه بحق، لكني أرجو منك أن ترد عليّ، أحجاج لما يخفف من حزني، أرشدني يا مولاي، وادعولي أن يأخذ الله بحقي، أرجوك لا تردني خائبة يا سيدي.

ای سرور و مولایم! سرگشته و حیران مانده‌ام و حقیقتاً نمی‌دانم به چه چیزی نیاز دارم ولی از شما خواهش می‌کنم که پاسخ مرا بدهی. به چیزی که غم و غصه‌ام را کم کند احتیاج دارم. سرورم مرا راهنمایی فرما و برایم دعا کن که خداوند حقم را بگیرد. از شما خواهش می‌کنم مرا ناامید نکنی، سرورم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

المرسلة: أنصاریة - الكويت

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

فرستنده: یک بانوی انصاری - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفتقكم الله لكل خير، ما يضركم إن تمسكتم بالحق وإن حاربكم أهل الأرض جميعاً، أستم تقولون إنكم شيعة؟! فهل في فاطمة (عليها السلام) وما جرى لها قدوة لكم، وهل في زينب (عليها السلام) وما جرى لها قدوة لكم؟! ووالله لئن صبرتم وعضضتم على دينكم بالنواجذ لترون الخير كله في الدنيا والآخرة، ولا يرى عدوكم إلا الشرف في الدنيا والآخرة، وسيخزيهم الله وسيخسرون الدنيا والآخرة، إن موعدهم الصبح أليس الصبح بقريب؟!؟

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! اگر به حق تمسک جوئید، زیانی به شما نمی‌رسد حتی اگر همه‌ی مردم زمین با شما بجنگند؟ آیا نمی‌گوئید که شیعه هستی؟! آیا در فاطمه (ع) و آنچه که برای او پیش آمد، الگویی برای شما نیست؟! و آیا در زینب (ع) و آنچه که برای او پیش آمد، الگویی برای شما نیست؟! به خدا سوگند اگر صبر پیشه کنید و با چنگ و دندان به دین‌تان محکم چنگ زنید، همه‌ی خیر دنیا و آخرت را شاهد خواهید بود و دشمن شما جز شر در دنیا و آخرت نخواهد دید و خداوند آن‌ها را خوار و ذلیل خواهد کرد و در دنیا و آخرت، زیانکار خواهند بود. (وعدۀ آن‌ها صبحگاه است، آیا صبح نزدیک نیست؟!)(<sup>۱</sup>).

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ١٤٣١ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - نیمه شعبان / ١٤٣١ هـ.ق.



### پرسش ۵۸۲: درخواست دعا برای شفا یافتن

السؤال / ۵۸۲: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

پرسش ۵۸۲: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

السلام على السيد اليماني.

سیدی، لديّ سؤال يتعلق بعرض حالي وحالة زوجتي على متخصصة في العلم الروحاني وفك الأعمال، فقالت لنا أن هناك ربطاً بيننا وأن نأتي بقميصي - وقميص زوجتي وقفل لكي تفك الربط ونرزق بولد، فهل نفع ذلك، وهل هذا صحيح، وما علاج ذلك؟ أفيدونا يرحمكم الله.

سرورم! سؤال من درباره‌ی وضعیت خودم و همسر است که آن را به یک زن متخصص در امور معنوی و رمزگشایی عرضه کرده‌ام. او به ما گفت بین ما را بسته‌اند و باید پیراهن خودم و پیراهن همسر را به همراه یک قفل نزد او ببریم تا این بستگی را باز کند تا فرزندى روزی ما شود. آیا این کار را انجام دهیم؟ و آیا این درست است؟ و راه چاره‌ی آن چیست؟ لطفاً ما را باخبر سازید، خداوند شما را رحمت کند.

شکراً.

المرسل: أنصاري - استراليا

با تشکر.

فرستنده: انصارى - استراليا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفتكم الله لكل خير، اعمل هذه الأعمال:

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! این کارها را انجام بده:

١- اكتب سورة الفاتحة وآية الكرسي والإخلاص والمعوذتين بالزعفران على ورقة بيضاء، ثم حلّ الكتابة في خمسة لترات ماء، ثم اغتسل بنصف الماء ولتغتسل زوجتك بنصف الماء الباقي، تماماً كغسل الجنابة والجمعة، والماء الذي يتقاطر اجمعه وألقه في مكان نظيف، ولا تتركه يذهب مع ماء الحمام إلى مكان غير نظيف.

١- سورهی فاتحه و آیت الكرسي و اخلاص و معوذتین را با زعفران بر یک برگه‌ی کاغذ سفید بنویس. سپس نوشته را در پنج لیتر آب حل بکن. سپس با نصف آب غسل نما و همسرت با نیمه‌ی دیگر آب غسل کند؛ دقیقاً مانند غسل جنابت و غسل جمعه. آبی را که می‌چکد جمع کن و آن را در یک مکان پاکیزه بریز و نگذار که با آب حمام به جایی ناپاک برود.

٢- اقرأ أنت وزوجتك هذه الأذكار:

أ- عشرة الآلاف مرة (سبحانه هو الله الواحد القهار).

ب- قراءة سورة النور (سبعين مرة).

وقراءة آية السخرة سبعين مرة، وهي: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ❖ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ❖ وَلَا تفسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>(١)</sup>.

ج- قراءت سورة يس بعد صلاة الفجر، وقراءة سورة الواقعة بعد صلاة المغرب، لمدة أربعين يوماً.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ۱۴۳۱ هـ

۲- خودت و همسرت این اذکار را بخوانید:

(الف) ده هزار بار (سبحانه هو الله الواحد القهار).

(ب) قرائت سوره‌ی نور (هفتاد بار).

و هفتاد بار قرائت آیه‌ی سخره: (پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، پس به عرش پرداخت، شب را در روز می‌پوشاند و روز، شتابان آن را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و فرمانروایی سزاوار اوست. خدا، پروردگار جهانیان، به‌غایت بزرگ است\* پروردگارتان را با تضرع و در نهان بخوانید، زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد\* در زمین آنگاه که به صلاح آمده است فساد مکنید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید و رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است)<sup>(۱)</sup>.

(ج) قرائت سوره‌ی یس بعد از نماز صبح و قرائت سوره‌ی واقعه بعد از نماز مغرب، به مدت چهل روز. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ هـ.ق.



**پرسش ۵۸۳: آیا مسجدی که در آن خطبه می‌خواندم را ترک کنم؟**

السؤال / ۵۸۳: السلام عليكم آل البيت ورحمة الله وبركاته.

اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

پرسش ۵۸۳: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما آل البيت باد.



اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سيدي الإمام يا ابن النبي صلى الله عليكم وسلم، الموضوع: آمنت بدعوتكم المباركة وأبايعكم وأعاهدكم على الاتباع والنصرة.

سرورم! ای امام، ای پسر پیامبر(ص)، موضوع: من به دعوت مبارک شما ایمان آورده‌ام و با شما بیعت می‌کنم و بر پیروی و یاری‌رساندن به شما، با شما عهد و پیمان می‌بندم.

سيدي، أنا أعمل خطيب مسجد بمنطقة في مصر هي قلعة للوهابية المجسمة، وأنا أشعري العقيدة قبل موالاتي واتباعي لكم، ماذا أفعل؟ هل أترك المسجد الذي أخطب فيه؟ علماً بأن الوهابية سيستولون على المسجد وينشرون الفساد بين الناس، خاصة أن لي مناظرات وحوارات معهم وكلها انتصارات على هذا الفكر التجسيمي.

سرورم! من در منطقه‌ای در مصر خطیب مسجدی هستم که نمونه‌ای از پایگاه وهابیون است. من قبل از موالات و پیروی از شما، اشعری مذهب بودم؛ حال چه کنم؟ آیا مسجدی که در آن خطبه می‌خوانم را رها کنم؟ با توجه به این که وهابیون بر مسجد مسلط خواهند شد و فساد را بین مردم منتشر می‌سازند؛ خصوصاً با توجه به این که من با آن‌ها مناظره و گفت‌وگو داشته‌ام و همه‌ی این‌ها به پیروزی بر این فکر غلوگرایانه منجر شده است.

اللهم انصر محمد وآل محمد.

خداوندا! محمد و آل محمد را نصرت عطا فرما!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: محمد الأشعري - مصر

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

فرستنده: محمد الأشعري - مصر

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.  
 إذا كان في بقائك خطيباً في المسجد دفع لفساد وفتنة الوهابية فابق فيه، وفقك الله  
 وسدد خطاك لما فيه خير آخرتك ودياك.  
 والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ۱۴۳۱ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
 اگر باقی ماندن شما به عنوان خطیب در مسجد، عاملی برای دفع فساد و فتنه‌ی وهابی‌ها است، در  
 مسجد بمان. خداوند شما را توفیق دهد و به آنچه که خیر آخرت و دنیای تو در آن است، ثابت قدم گرداند!  
 والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ هـ.ق.



### پرسش ۵۸۴: راه اطمینان قلبی به دعوت شما

السؤال / ۵۸۴: السيد أحمد الحسن .. من خلال البحث الذي قمت به للاستدلال عليكم  
 بروايات أهل البيت(ع) وجدت أن الإشارة كانت واضحة إلى شخصية ملازمة للإمام  
 المهدي(ع) يعبرون عنها بالمهدي والمنصور والوزير والمولى الذي يلي أمره، وإني مؤمن بكل  
 ذلك ولكن يبقى الاطمئنان القلبي فهل إلى ذلك من سبيل، أرشدونا يرحمكم الله.

پرسش ۵۸۴: سید احمد الحسن(ع)... من با کند وکاو در استدلالی که شما به روایات اهل بیت(ع)  
 داشته‌اید، دریافتم که به شخصیت همراه امام مهدی(ع) که از او به مهدی و منصور و وزیر و مولی که  
 امر او را بر عهده می‌گیرد (المولی الذی یلی امره) به روشنی اشاره شده است. من به همه‌ی این‌ها مؤمن  
 هستم ولی عدم اطمینان قلبی، همچنان به حال خود باقی است. آیا برای رسیدن به آن راهی وجود  
 دارد؟ ما را راهنمایی کنید، خداوند شما را رحمت کند!

السيد أحمد الحسن .. كل الذي جئتم به من الأدلة الروائية على ثبوت حجيتكم ووجودكم والإشارة إليكم في مضمون الروايات صحيح إن شاء الله، ولكن يبقى القلق من المتلقي بما فيهم السائل شيء، فكيف السبيل إلى الاطمئنان القلبي؟  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: صادق - العراق

سيد احمد الحسن (ع)... تمام آن ادله‌ی روایی که برای اثبات حجیت و وجودتان و اشاره‌ای که در مضمون روایات به شما شده است، آورده‌اید ان شاء الله صحیح است ولی مقداری نگرانی و اضطراب از آنچه از آن‌ها استنباط می‌شود، در دلم باقی مانده است؛ چه راهی برای اطمینان قلبی وجود دارد؟  
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

فرستنده: صادق - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
وفقك الله لكل خير، إن كنت تطلب اليقين والاطمئنان فتزود وارتحل إلى الله وأسأله فيجيبك سبحانه، وما أخف الزاد على القلوب الطاهرة وهو الإخلاص له سبحانه، وما أقصر طريق الرحيل إليه الذي لا يحتاج إلا النية فقط، فهو لا يبعد عن خلقه سبحانه وتعالى، ﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلْمَا نُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسَهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾<sup>(١)</sup>، وما أيسر أن تسأله وهو لا تتشابه عليه الأصوات ولا تزيده كثرة العطاء إلا كرمًا وجوداً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! اگر در طلب یقین و اطمینان هستی، توشه برگیر و به سوی خدای سبحان مهاجرت نما و از او مسألت کن که تو را اجابت می‌کند. چقدر این توشه - که همان اخلاص برای خدای سبحان است - بر قلوب طاهر سبک است و چه کوتاه است راه مهاجرت، که به چیزی جز نیت نیاز ندارد؛ چراکه خداوند متعال از خلقش دور نیست: (ما آدمی را آفریده و از وسوسه‌های

نفس او آگاه هستیم، زیرا از رگ گردن به او نزدیک‌تریم<sup>(۱)</sup>. و چه آسان است که از او درخواست نمایی و او کسی است که صداها بر حضرتش مشتبه نگردد و بخشش بسیارش جز جود و کرم بر او نیفزاید.

هل يصعب عليك أن تسجد ولا ترفع رأسك حتى تسمع جواب ربك لتنجو في الآخرة  
والدنيا؟ وهل يصعب عليك أن تصوم ثلاثة أيام وتتضرع في لياليها إلى الله أن يجيبك  
ويعرفك الحق؟

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! آیا بر شما دشوار است که سجده کنی و سر برنداری تا این‌که پاسخ پروردگارت را بشنوی تا در آخرت و دنیا نجات یابی؟ آیا بر شما دشوار است که سه روز روزه بگیری و در شب‌هایش به درگاه خدا تضرع کنی تا شما را پاسخ گوید و حق را به شما بشناساند؟

وفقك الله لكل خير، الجأ إلى الله وستجده كهفاً حصيناً لا يضيع من لجأ إليه.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ۱۴۳۱ هـ

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! به خدا پناه ببر، که او را غاری محکم و نفوذناپذیر می‌یابی که کسی که به او پناه ببرد را ضایع نمی‌گرداند.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - نيمه شعبان / ۱۴۳۱ هـ.ق.



### پرسش ۵۸۵: قبله حقیقی

السؤال / ۵۸۵: أنا حفيد الإمام الشيخ منتصر بن حيدر بن هاشم من آل النعمي، جدي الإمام منتصر توفي عام ۱۳۸۸ هـ في جازان السعودية، وكان من علماء مذهب آل البيت ولكنه تحول تقيّة إلى المذهب السلفي بسبب دعوة الشيخ عبد الله القرعاوي وطلابه في جازان وقد

أحرقوا كتبه وكتب أجداده العلماء وأوذى في سبيل الله، المهم بعد وفاته وجدنا بخط يده وصية مكتوبة قال فيها: (اعلموا بأن زمن يمانى آل محمد قد أوشك، فإن سمعتم بدعوته فحولوا قبلتكم في الصلاة إلى حيث كان، اللهم بحق آل أبو محتحت وآل جرمد عليك أن تنصر عبادك وأن تمكن لهم في الأرض).

پرسش ۵۸۵: من نوهی امام شیخ منتصر بن حیدر بن هاشم از آل النعمی هستم. پدر بزرگم امام منتصر در سال ۱۳۸۸ هـ.ق. در جازان سعودی وفات یافت. وی از علمای مذهب آل البيت بود ولی به خاطر دعوت شیخ عبدالله القرعاوی و شاگردان او در جازان، از روی تقیه به مذهب سلفی روی آورد. آن‌ها کتاب‌های او و اجداد عالمش را آتش زدند و وی در راه خدا آزارها دید. به‌رحال پس از وفاتش، وصیت مکتوبی دیدیم که به دست خط خودش نوشته بود و در آن گفته بود: «بدانید زمان یمانى آل محمد(ص) نزدیک شده است. پس اگر دعوت او را شنیدید قبله‌ی نمازتان را به هر جایی که او باشد برگردانید. خداوندا! به حقى که آل ابومحتحت و آل جرمد بر تو دارند، بندگان را نصرت بخش و آن‌ها را در زمین فرمانروایی عطا کن».

ماذا يجب علينا فعله الآن بعد أن سمعنا بدعوتكم؟

أرجو أن تفيدني، ماذا يقصد جدي بتحويل قبلة الصلاة، وهل هذا الفعل موافق للحق أم لا؟ وما معنى آل أبو محتحت وآل جرمد وما منزلتهم؟  
أرجو الإفادة فنحن نجهل المذهب كثيراً لتحولنا إلى المذهب السلفي قسراً كما ذكرت لكم.

المرسل: منتصر الحسن - السعودیة

اکنون که دعوت شما را شنیده‌ایم، باید چه کنیم؟  
خواهش می‌کنم مرا مطلع گردانی، منظور جد من از برگرداندن قبله‌ی نماز چیست و آیا این کار موافق حق است یا خیر؟ و معنی آل ابومحتحت و آل جرمد چیست و منزلت آن‌ها چگونه است؟  
فرستنده: منتصر الحسن - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

أسأل الله لكم الهداية ومعرفة الحق واتباعه، وأما سؤالك عن قبلت الصلاة فالقبلت الحقيقية هو حجة الله في كل زمان، واتخاذها قبلت بأن تتبعه وتعمل معه، ويمكنك أن تقرأ الكتب في موقع أنصار الإمام المهدي لتتعرف على العقيدة الحق، وفقكم الله لما يحب ويرضى.

از خداوند برای شما هدایت و شناخت و پیروی حق را مسئلت دارم! و اما سؤال شما درباره‌ی قبله‌ی نماز، قبله در حقیقت همان حجت خدا در هر زمان است و قبله گرفتن او یعنی این که از او پیروی کنی و با او عمل نمایی. شما می‌توانی کتاب‌های سایت انصار امام مهدی (ع) را مطالعه کنی تا با عقیده‌ی حق آشنا گردی. خداوند شما را به آنچه که دوست دارد و از آن خوشنود است توفیق دهد!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۱ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ.ق.



### پرسش ۵۸۶: سوالی در مورد نذر

السؤال / ۵۸۶: بسم الله الرحمن الرحيم

س۱: والصلاة والسلام على نبينا محمد (ص) وعلى آله الطيبين الطاهرين والمهدي والمهديين من ولده وسلم تسليماً.

إني العبد المسكين عندي نذر كنت أنذره في كل زيارة أي أذبح ذبيحة لكي أخدم الزوار في زمن صدام اللعين، وأما بالطعام وأشتري بثمان الذبيحة ما تحتاجه لكفاية الزوار

فراش ومواد غذائية، فبعد القول وأصبح أكثر الناس من يقوم بهذه الخدمة تركت هذا الشيء فغيرت نيتي، إما أن أعطي الذبيحة وهي حق الإمام إلى أصحابها، أو تبقى عندي الذبيحة وابنها في شهر رمضان وأوزعه على الفقراء، فماذا يكون رأي سيدي ومولاي بهذا الشيء؟ أم تبقى عندي وكل سنة أذبح ابنها في شهر رمضان وأوزع لحم ابنها على الفقراء هذا؟

پرسش ۵۸۶: بسم الله الرحمن الرحيم

سؤال ۱: درود و سلام بر پیامبرمان محمد(ص) و بر خاندان طیب و طاهر او و بر مهدی(ع) و مهدیین(ع) از فرزندان او، و سلم تسلیماً.

من بنده‌ی مسکین، نذری دارم به این صورت که نذر کرده بودم در زمان صدام ملعون در هر زیارت یک قربانی برای خدمت به زوار ذبح کنم، یا با آن غذا بپزم و یا با پول قربانی می‌توانم زوار از رختخواب و مواد غذایی را خریداری کنم. پس از این گفت‌وگو، اکنون که اغلب مردم این خدمات‌رسانی را انجام می‌دهند، این نیت را ترک کرده‌ام و آن را تغییر داده‌ام به این که یا قربانی بدهم - و این حق امام بر اصحابش است -، یا این که قربانی و بچه‌اش را پیش خودم نگه دارم تا در ماه رمضان آن را بین فقرا قسمت کنم. نظر سرور و مولایم در این خصوص چیست؟ یا این که آن را نگه دارم و هر سال بچه‌اش را در ماه رمضان ذبح کنم و گوشت بچه‌اش را بین فقرا تقسیم کنم؟

بسم الله الرحمن الرحيم

س ۲: إني (س.ع)، حائر في أمري أطلب من سماحتكم وجاهكم عند الله أن تدعوا لي أن يرزقني الله بطفل تقر به عيني، فقد ظلمني الناس وأهلي فأرجو من سماحتكم من بعد إذن ربي أنا سمعت عن معجزكم وأسراركم أن تكون لي معجزة وهي إنجاب طفل، ولكم من الله الأجر والتوفيق.

المرسل: أبو أمير - العراق

بسم الله الرحمن الرحيم

سؤال ۲: من «س.ع»، در کارم سرگردان شده‌ام. از حضرت‌عالی و از مقامی که نزد خدا دارید خواهش می‌کنم برایم دعا کنید که خداوند فرزندی روزی من کند تا چشمم به آن روشن گردد. مردم و خانواده‌ام به من ظلم کرده‌اند، پس از جناب‌عالی تقاضا می‌کنم، بعد از اجازه‌ی پروردگارم با توجه به این که از معجزه‌ها

و اسرار شما چیزهایی شنیده‌ام، امیدوارم معجزه‌ای برای من رخ بدهد و من صاحب فرزندی شوم و از خدا برای شما اجر و توفیق باشد.

فرستنده: ابو امیر - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
ج۱: وفقك الله، إذا كنت في كل عام تنذر نذراً منفصلاً؛ فيمكنك أن تغير في النذر الجديد كما تشاء، سواء غيّرت الوقت أم الكيفية أم أي شيء آخر يتعلق بالنذر، أما إن كنت نذرت نذراً بكيفية معينة ووقت ثابت من كل عام؛ فعليك أن تفي به بحسب ما نذرت.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
جواب ۱: خداوند شما را توفیق دهد! اگر در هر سال نذر جداگانه‌ای نذر کرده‌ای، می‌توانی در نذر جدید هر طور که می‌خواهی تغییر دهی، چه در زمان یا کیفیت یا هر چیز دیگر متعلق به نذر؛ ولی اگر نذری با کیفیت معین و وقت ثابت برای هر سال داشته‌ای، باید به نذرت وفا کنی، طبق همان چیزی که نذر کرده‌ای.

ج۲: أسأل الله أن يرزقك صالحاً، وهو أرحم الراحمين.

جواب ۲: از خداوند مسئلت می‌نمایم که فرزندی صالح روزی شما گرداند. او ارحم الراحمين است.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ.ق.





### پرسش ۵۸۷: شکایت زنی از رفتار همسرش

السؤال / ۵۸۷: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

پرسش ۵۸۷: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أقسم عليك بأبيك محمد بن الحسن العسكري سلام الله عليه وعجل الله خروجهما هؤلاء هم أنصارك بسبب أخلاقهم إننا نبتعد عن الحق، وزوجي الآن يحاربنا بتصرفاته ويقول خلص لقيت الحجة عليكم، وقد ترك تربية الأولاد والمسؤولية وأنا ما أراه ملتهمين بالدنيا ويقولون يكفي إنا آمنة، فهل هذا صحيح، هي كلمة هو قائلها، فأين الأخلاق المحمدية لا أرى سوى السب والغلط والتجمعات بينهم على الناس، هل هذه الدعوة تبلغ هكذا فأقل مشكلة يهددنا، فهل هذا صحيح؟

تو را سوگند می‌دهم به پدرت محمد بن الحسن العسكري (ع) که سلام خدا بر او باد و خداوند خروج شما را تعجیل فرماید؛ انصار شما به دلیل اخلاقی که دارند باعث می‌شوند ما از حق دور شویم. شوهرم اکنون با کارهایش با ما سر جنگ و دعوا دارد و می‌گوید دیگر تمام شد، حجت بر شما را ملاقات کردم. او تربیت اولاد و مسئولیت را رها کرده و توجهی به امور دنیا در او نمی‌بینم و می‌گوید همین که ما ایمان آورده ایم کافی است. آیا این درست است؟ این سخنی است که او می‌گوید، پس کجاست اخلاق محمدی؟ من چیزی جز فحش و اشتباه‌کاری و این که علیه مردم دور هم بنشینند، نمی‌بینم. آیا این دعوت که این گونه تبلیغ می‌شود، کوچک‌ترین مشکلی است که ما را تهدید می‌کند؟ آیا این درست است؟

متی تآتون وتعطونا الأمان والاستقرار، متى نرى طلعتكم البهية، فهل واجب عليه أن أبلغ بأخلاق رديئة، فإن المقابل سوف يهرب.

شما کی می‌آید و امنیت و آرامش به ما می‌دهید؟ چه زمان چهره دلربای شما را خواهیم دید؟ آیا بر او واجب است که با اخلاق پست تبلیغ کند؟ چرا که طرف مقابل فرار می‌کند.

وأقول أنا من أنصار الإمام أرجو أن تبينوا لي وأرجو أن تبعثوا وصايا لهم، أقسم عليك بحاكميه الله الرد السريع لي أترجاكم ومنتظرة أن تتكفلونا من الظلم الذي نعيشه.  
 من می‌گویم از انصار امام (ع) خواهشمندم برایم روشن کنید و خواهش می‌کنم شما به آن‌ها سفارش کنید. شما را به حاکمیت خدا سوگند می‌دهم پاسخ مرا سریع بدهید. چشم امید به شما داریم و منتظریم تا ظلمی که در آن زندگی می‌کنیم را از ما دفع نمایید.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المسلة: ز. ر

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

فرستنده: ز. ر

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

أسأل الله أن يصلح أحوال جميع المؤمنين والمؤمنات لما فيه خير آخرتهم ودنياهم، وإنما جاء الأنبياء والأوصياء لإصلاح الناس ونشر الخلق الطيب بين الناس، ومن يقول إنه من شيعة محمد وآل محمد فعليه أن يتخلق بأخلاقهم ويحسن مع عائلته ومع الناس.

از خداوند مسئلت دارم که حال تمام مؤمنین و مؤمنات را به آنچه که خیر آخرت و دنیایشان در آن است نیکو گرداند! پیامبران و اوصیاء (ع) برای اصلاح مردم و گسترش اخلاق خوش بین مردم آمده‌اند. کسی که می‌گوید من از شیعیان محمد و آل محمد (ع) هستم، باید به اخلاق آن‌ها آراسته گردد و با خانواده‌اش و مردم خوش رفتاری پیشه کند.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ۱۴۳۲ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ.ق.



### پرسش ٥٨٨: درخواست نصیحت برای ازدواج

السؤال / ٥٨٨: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على أشرف خلق الله أجمعين حبيب إله العالمين  
أبي القاسم محمد، اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پرسش ٥٨٨: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و درود و سلام بر برترین خلق خدا حبيب اله العالمين ابى القاسم  
محمد(ص)، اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

أما بعد ... سيدي ومولاي أحمد(ع)، كما تعلم أنا أعمل بالجيش وهناك أمور بالجيش  
عن الزواج، أي إذا أردت الزواج يجب عليّ أن آخذ إذن من الاستخبارات لكي أتزوج، وهذا الإذن  
إذا كان من غير كويتية شبه مستحيل، وخصوصاً إذا كانت عراقية أو إيرانية أو كثير  
من الجنسيات، كما تعلم سيدي ومولاي أنا الآن عمري ٢١ سنة وأريد الزواج لحفظ نفسي  
والعياذ بالله منها، وتركت أمر زواجي بيدك.

اما بعد... سرور و مولایم، احمد(ع)! همان طور که می دانی من در ارتش کار می کنم و در ارتش در  
مورد ازدواج قوانینی وجود دارد؛ یعنی اگر بخواهم همسری انتخاب کنم باید از سازمان اطلاعات اجازه  
بگیرم تا بتوانم ازدواج کنم. اگر زن مورد نظر کویتی نباشد، تقریباً غیرممکن است به ویژه اگر عراقی،  
ایرانی یا از خیلی از کشورهای دیگر باشد. سرور و مولایم، همان طور که می دانی من اکنون ٢١ سال  
دارم و می خواهم برای حفظ خودم -پناه بر خدا- ازدواج کنم. من مسئله ازدواجم را به شما واگذار کرده ام.

مولاي وأسأل الله أني لم أثقل عليك بكلامي هذا وأرجو مسامحتي والدعاء لي بالتوفيق.

سرورم! از خدا می‌خواهم که با این سختم، بر شما گرانبار نباشم و از شما خواهش می‌کنم مرا عفو کنید و برایم دعا نمایید که توفیق داشته باشم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

المرسل: ش ع - الكويت

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

فرستنده: ش ع - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

أسأل الله أن يوفقك لما يرضيه سبحانه وتعالى، هو وليي وهو يتولى الصالحين، نعم وفقك الله، توكل على الله ولا إشكال في الجنسية أو القومية، فإذا كان زواجك من غير الكويتية غير ممكن فتزوج من كويتية وفقك الله، واحرص على اختيار ذات الدين العفيفة التي تحفظك، وإن لم تجد المؤمنة في بلدك فاحرص أن تقترن بمن ترجو إيمانها وهدايتها إلى الحق، والله أرحم الراحمين، وأسأل الله أن يبارك فيك ولك.

از خداوند سبحان مسألت دارم که شما را به آنچه که مورد رضایت اوست توفیق دهد. او یاور من است و او دوست شایستگان است. آری! خداوند توفیقت دهد! بر خدا توکل نما و بدان که به نژاد یا قومیت اشکالی وارد نیست. اگر ازدواج شما با زن غیر کویتی ممکن نیست، یک همسر کویتی انتخاب کن، خداوند توفیقت دهد و بکوش یک زن دین‌دار و باعفت که تو را حفظ کند، برگزینی. اگر زن مؤمنی در کشور خودت نیافتی، سعی نما با زنی ازدواج کنی که به ایمان و هدایت‌شدگی او به‌سوی حق امیدوار باشی. خداوند ارحم‌الراحمین است و از خداوند مسألت دارم که در شما و برای شما برکت نهد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ ق.



### پرسش ٥٨٩: درخواست دعا برای گشایش روزی و شفا یافتن

السؤال / ٥٨٩: أريد معرفة دعاء من القرآن مقبول عند الله لسعة الرزق وآخر للشفاء.

المرسلة: فاطمة - بيروت

پرسش ٥٨٩: می‌خواهم دعایی از قرآن که نزد خدا مقبول است برای افزایش رزق و یک دعای دیگر برای شفا به دست آورم.

فرستنده: فاطمه - بيروت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

اقرئي هذه الآيات في كل يوم وليلة ألف مرة واعلمي بها؛ أي اتقي الله لزيادة الرزق، وإن شاء الله يزيد رزقك ويوسع الله رزقك بفضلله سبحانه وتعالى: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾<sup>(١)</sup>.

این آیات را هرروز و شب هزار بار بخوان و به آنها عمل کن؛ یعنی برای افزایش رزق تقوا پیشه نما و ان شاء الله رزق شما زیاد می‌شود و خداوند سبحان به فضل خودش رزق و روزی شما را توسعه می‌دهد: (و هر کس از خدا بترسد، برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد\* و از جایی که گمانش را ندارد روزی اش می‌دهد و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است. خدا کار خود را به اجرا می‌رساند و هر چیز را اندازه‌ای قرار داده است)<sup>(۱)</sup>.

وللشفاء أقرئي هذا الدعاء دائماً وبحضور قلب: (یا من اسمہ دواء، و ذکرہ شفاء، یا من يجعل الشفاء فيما يشاء من الأشياء، صلّ على محمد وآل محمد، واجعل شفاء (وتذكر الاسم إن كان غيرك أو ياء المتكلم أي تقول شفائي) من هذا الداء، باسمك هذا "يا الله عشر مرات"، "يا رب عشر مرات"، "يا أرحم الراحمين عشر مرات").

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ

برای شفا گرفتن، این دعا را همیشه با حضور قلب بخوان: «یا من اسمہ دواء، و ذکرہ شفاء، یا من يجعل الشفاء فيما يشاء من الأشياء، صلّ على محمد وآل محمد(ع)، واجعل شفاء (اسم شخص مورد نظر) من هذا الداء، باسمك هذا» «یا الله، ده مرتبه»، «یا رب، ده مرتبه»، «یا أرحم الراحمين، ده مرتبه» (ای که نامش دوا و ذکرش شفا است ای که شفا را در هر چیزی که بخواهد قرار می‌دهد، درود فرست بر محمد و آل محمد(ع)، و از این درد، شفای (اگر مربوط به کسی غیر از شما است، اسم او را بیاور و یا از یاء متکلم استفاده کن یعنی بگو شفای من) را مقدر بدار، به این نام تو «یا الله، ده مرتبه»، «یا رب، ده مرتبه»، «یا أرحم الراحمين، ده مرتبه»).

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ.ق.



## پرسش ٥٩٠: درخواست دعا برای درمان حدیث نفس و سخن گفتن سریع

السؤال / ٥٩٠: أقسم على الإدارة برأية أبي الفضل العباس أن يوصلوا رسالتي إلى السيد أحمد الحسن.

السلام على السيد أحمد الحسن ورحمة الله وبركاته.

إني من الشيعة الموالين ومصاب بمرضين أتعابني بشدة، الأول: حديث النفس أو الخيال أو ما يسمى أحلام اليقظة.

پرسش ٥٩٠: سازمان را سوگند می‌دهم به حق پرچم ابوالفضل العباس (ع) که نامه‌ی مرا به سید احمد الحسن (ع) برسانند.

سلام بر سید احمد الحسن (ع) و رحمة الله و برکاته.

من از شیعیان موالی هستم و گرفتار دو بیماری شده‌ام که مرا به شدت خسته کرده‌اند، اولی حدیث نفس یا حدیث خیال یا آنچه که خیال‌پردازی نامیده می‌شود، می‌باشد.

والثاني هو: إني أتحدث بسرعة وبطريقة يصعب على المقابل فهمي فيها، وهذا المرض الثاني يحرمني كثيراً وهز شخصيتي، وأرجو من سماحه السيد أن يدعو لي الله وأن أشفى على يده بأذن الله، والله فقد تعبت من مرضي هذا، أقسم عليك بحق الإمامة عليك أن تدعو لي بالشفاء.

المرسل: الباحث عن الحق - العراق

دومی، من تند و سریع صحبت می‌کنم به طوری که طرف مقابل در فهم آن به مشکل برمی‌خورد. این بیماری دوم، مرا خیلی خجالت‌زده کرده و شخصیت مرا به هم ریخته است. از جناب سید می‌خواهم که خدا را برای من بخواند تا به دست او به اذن خدا شفا یابم. به خدا از این بیماری ام خسته شده‌ام. شما را به حق امامتی که داری سوگند می‌دهم که برای شفایم دعا کنی.

فرستنده: جست و جو کننده حق - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير، وأسأل الله أن يشفيك من كل داء بفضلِه ومنه سبحانه وتعالى، وأرجو منك أن تقرأ سورة التوحيد ثلاث مرات كل ليلة قبل أن تنام، وأن تقرأ آية الكرسي، وأن تقرأ هذه الآيات في كل يوم وليلة: ﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْثِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ ❖ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ❖ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ حَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿١﴾.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از خدا مسئلت دارم که به فضل و منت گذاری اش از هر بیماری شما را شفا بدهد. از شما خواهش می‌کنم که هر شب قبل از خواب سوره‌ی توحید را سه بار بخوانی، و همچنین آیت‌الکرسی را. این آیات را نیز هرروز و شب بخوان: (پروردگار شما الله است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید، پس به عرش پرداخت، شب را در روز می‌پوشاند و روز، شتابان آن را می‌طلبد و آفتاب و ماه و ستارگان مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و فرمانروایی سزاوار اوست. خدا، پروردگار جهانیان، به‌غایت بزرگ است\* پروردگارتان را با تضرع و در نهمان بخوانید، زیرا او متجاوزان سرکش را دوست ندارد\* در زمین آنگاه که به صلاح آمده است فساد مکنید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید و رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است)<sup>(۲)</sup>.

وأيضاً للشفاء أقرأ هذا الدعاء دائماً وبحضور قلب: (يا من اسمه دواء، وذكره شفاء، يا من يجعل الشفاء فيما يشاء من الأشياء، صلّ على محمد وآل محمد، واجعل شفاء (وتذكر الاسم إن كان غيرك أو ياء المتكلم أي تقول شفائي) من هذا الدعاء، باسمك هذا "يا الله عشر مرات"، "يا رب عشر مرات"، "يا أرحم الراحمين عشر مرات").

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ۱۴۳۲ هـ

۱- الأعراف: ۵۴ - ۵۶.

۲- اعراف: ۵۴ تا ۵۶.



همچنین برای شفا این دعا را همیشه و با حضور قلب بخوان: یا من اسمه دواء، و ذکره شفاء، یا من يجعل الشفاء فيما يشاء من الأشياء، صلّ على محمد وآل محمد (ع)، واجعل شفاء (اسم شخص مورد نظر) من هذا الداء، باسمك هذا «يا الله، ده مرتبه»، «يا رب، ده مرتبه»، «يا أرحم الراحمين، ده مرتبه» (ای که نامش دوا و ذکرش شفا است ای که شفا را در هر چیزی که بخواهد قرار می دهد، درود فرست بر محمد و آل محمد (ع)، و از این درد، شفای (اگر مربوط به کسی غیر از شما است، اسم او را بیاور و یا از یاء متکلم استفاده کن یعنی بگو شفای من) را مقدر بدار، به این نام تو «یا الله ده، ده مرتبه»، «یا رب، ده مرتبه»، «یا ارحم الراحمين، ده مرتبه»).

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ.ق.



### پرسش ٥٩١: درخواست آیاتی از قرآن برای افزایش روزی

السؤال / ٥٩١: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

سیدی الکریم، آرید آیات من القرآن تجلب الرزق؛ لأنه رزقي تدهور في الآونة الأخيرة، وعلمت أن لديك علم الكتاب، فأرجو مساعدتي، وعيد مبارك عليك مع أطيب المنى.

المرسل: خالد - السعودية

پرسش ٥٩١: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

سرور بزرگوام! آیاتی از قرآن برای جلب رزق می خواهم، چون اخیراً روزی ام کم شده است و من دانسته ام که شما علم کتاب داری؛ از شما خواهش می کنم کمکم کنی. عید بر شما مبارک با برترین آرزوها!

فرستنده: خالد - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.

اقرأ هذه الآيات في كل يوم وليلة ألف مرة؛ واعمل بها واتق الله لزيادة الرزق، وإن شاء الله يزيد رزقك ويوسع الله رزقك بفضله سبحانه وتعالى: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ۖ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا﴾<sup>(۱)</sup>.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
این آیات را هرروز و شب هزار بار بخوان و به آنها عمل کن؛ یعنی برای افزایش رزق تقوا پیشه نما و ان شاء الله رزق شما زیاد می شود و خداوند سبحان به فضل خودش رزق و روزی شما را توسعه می دهد: (و هر کس از خدا بترسد، برای او راهی برای بیرون شدن قرار خواهد داد\* و از جایی که گمانش را ندارد روزی اش می دهد و هر که بر خدا توکل کند، خدا او را کافی است. خدا کار خود را به اجرا می رساند و هر چیز را اندازه ای قرار داده است)<sup>(۲)</sup>.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ ق.



### پرسش ۵۹۲: چند سوال در مورد شب غدر

السؤال / ۵۹۲: ۱- نهاية آية الكرسي هو العلي العظيم أم خالدون؟

۲- هل أم السيد (ع) اسمها حميدة؟

۳- ليلة القدر هل ۲۴ أو ۲۳؟ علماً هنالك روايتان في البرهان تدل على ۲۴.

۴- من المقصود بأخرنا عيسى في رواية الطوسي بالغيبة؟

۵- هل الخامنئي مصداق الخرساني؟

۶- هل يجوز الصلاة في المسجد وصلاة مقلدة الفقهاء قائمة؟

۱- الطلاق: ۲- ۳.

۲- طلاق: ۲ و ۳.

- ٧- ما حكم دجاج الهدى المجدد والسماك المجدد؟
- ٨- السواد في القمر أنه محمد(ص) يذكر بالروايات، ما معناها؟
- ٩- هل يجوز التشابيه وحضور مجالس الحسينية التي يقيمها مقلدة الفقهاء والذهاب معهم في الزيارة والاشراك معهم بصندوق دعم الفقراء والأيتام والأرامل؟
- ١٠- هل لكل أناس برج، أو بدعه؟
- ١١- والذي توفي وردد الشهادة الرابعة على لسانه قبل الوفاة، هل مات على ملّة الأئمة والمهديين(ع)؟
- ١٢- هل السيد(ع) علم أنه معصوم وابن الإمام(ع) بعالم الرؤيا أو بلقائه بأبيه(ع)؟
- ١٣- نتيجة البعد عن الأنصار والإمام أحمد(ع) لا تراه العين ويراه القلب لمن تعطى صلّة الإمام(ع)؟

المرسل: علي العراقي - العراق

پرسش ٥٩٢:

- ١- پایان آیت الکرسی (هو العلی العظیم) است یا (خالدون)؟
- ٢- آیا اسم مادر سید(ع)، حمیده است؟
- ٣- شب قدر بیست و چهارم است یا بیست و سوم؟ با توجه به این که دو روایت در برهان هست که نشان می دهد شب قدر بیست و چهارم است.
- ٤- در روایت طوسی در کتاب غیبت، منظور از «آخرین ما عیسی است» چه کسی است؟
- ٥- آیا خامنه ای مصداق خراسانی است؟
- ٦- آیا نماز در مسجدی که نماز مقلدین فقها در آن برقرار است جایز می باشد؟
- ٧- حکم مرغ قربانی منجمد و ماهی منجمد چیست؟
- ٨- در روایات آمده این سیاهی که در ماه است، حضرت محمد(ص) می باشد؛ این به چه معنا است؟
- ٩- آیا تعزیه و حضور در مجالس حسینی که توسط مقلدین فقها برگزار می شود و نیز رفتن با آنها به زیارت و شرکت کردن با ایشان در صندوق کمک به فقرا و ایتام و بیوه زنان جایز است؟
- ١٠- آیا همه ی مردم برج و طالع دارند یا این یک بدعت است؟
- ١١- پدرم در حالی وفات یافت که پیش از وفات، شهادت های چهارگانه را بر زبان جاری ساخت. آیا بر آیین ائمه و مهدیین(ع) فوت کرده است؟

۱۲- آیا سید(ع) از طریق رؤیا فهمیده که معصوم و پسر امام(ع) است یا به وسیله‌ی دیدار با پدرش(ع)؟

۱۳- به خاطر دوری از انصار و امام احمد(ع) که چشم او را نمی‌بیند و قلب او را می‌بیند، صله‌ی امام(ع) را به چه کسی باید داد؟

فرستنده: علی العراقي - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
ليلة القدر هي ليلة الثالث والعشرون من شهر رمضان.  
ووالدك بما أنه ردد الشهادة الحق فهو مؤمن إن شاء الله توفي على الحق.  
وفقك الله يمكنك الإطلاع على الكتب والخطابات لتعرف كل ما تريد معرفته عن  
الدعوة، سدد الله خطاك لما يرضيه سبحانه.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
شب قدر، شب بیست و سوم از ماه رمضان است.  
پدر شما از آنجا که شهادت حق را به زبان آورده، ان شاء الله مؤمن و بر حق وفات کرده است.  
خداوند شما را توفیق دهد! می‌توانی از طریق کتاب‌ها و خطبه‌ها، از هر چیزی درباره‌ی دعوت که  
می‌خواهی بدانی، مطلع شوی. خداوند سبحان گام‌هایتان را در آنچه که مورد رضایت اوست، استوار  
سازد!  
والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ.ق.



### پرسش ٥٩٣: سوال در مورد جن و تاثیر بر انسان

السؤال / ٥٩٣: السلام عليكم.

هل القط الأسود من الجن، وكيف التخلص منه؟

هل يجوز تحضير الجن المؤمن؟

هل لبان الذكر يجذب نوع من الجن؟

هل يمكن للجن أن يمسه الإنسان ويلبسه ويؤذيه ويقتله؟

هل الجن ممكن أن يتشكل ويأتي باليقظة على شكل نوع من أنواع الحيوانات؟

ما هو أفضل حرز من الجن؟

وشكراً.

المرسل: علي عبد الكريم - الكويت

پرسش ٥٩٣:

السلام عليكم.

أيا غربه ي سياه از جن است؟ و چگونه می توان از آن خلاص شد؟

أيا احضار جن مؤمن مجاز است؟

أيا صمغ كندر، جذب کننده نوعی از جن است؟

أيا جن می تواند انسان را لمس کند، او را به اشتباه بیندازد، آزار نماید و بکشد؟

أيا جن می تواند تغییر شکل دهد و در بیداری به صورت یکی از حیوانات ظاهر شود؟

بهترین حرز برای در امان ماندن از جن چیست؟ با تشکر.

فرستنده: علی عبدالکريم - كويت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

الجن يمكن أن يمسه بعض الحيوانات ويوجهها جزئياً ويحركها جزئياً بالاتجاه الذي

يريد، تماماً كما يمسه الإنسان ويصيبه جزئياً، بفقدان السيطرة على سلوكه وكلامه

وتصرفاته، وأفضل حرز من الجن هو التحصن بخليفة الله في زمانك، وبالقرآن الكريم، وبكلام الله سبحانه وتعالى حتى لو كان حديثاً قدسياً مروياً، أو حتى ما صح من التوراة والإنجيل.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
جن می‌تواند برخی حیوانات را لمس کند و آن‌ها را به‌طور محدود و اندک، به سمت و سوی که خودش می‌خواهد به حرکت وادارد، دقیقاً همان‌طور که می‌تواند به‌طور جزئی انسان را اندکی لمس کند و با او برخورد نماید ولی قادر به سیطره بر رفتار و کلام و سلوک او نیست. برترین حرز از جن، تحصن و پناه بردن به خلیفه‌ی خدا در زمانت، به قرآن کریم و به سخن خدای سبحان است، حتی اگر یک حدیث قدسی روایت شده باشد، یا حتی مطالب صحیح از تورات و انجیل.

وتحضير الجن ممكن وجائز إن كان لغرض راجح وشرعي، ولكن يجب أن تعلم أن الجن أغلبهم يكذبون، وأنهم موجودون بأعداد كبيرة في كل مكان، ويمكن أن يخدعون من يحضرهم ببساطة، إضافة إلى أنهم يمكن بسهولة أن يؤذون من يقوم بتحضيرهم؛ لأنه عادة يكون مصاب بداء الأنا فيكون ضعيفاً جداً أمامهم.  
وآذاهم للإنسان منه النفسي وهو معروف لكل، ومنه الأمراض الجسدية.

احضار جن ممکن و جایز است، اگر برای غرض راجح و شرعی باشد؛ ولی باید بدانی که اغلب جن‌ها دروغ می‌گویند و جنیان به تعداد زیاد در هر مکانی حضور دارند و به‌آسانی می‌توانند کسانی که آن‌ها را احضار می‌کنند فریب دهند. علاوه بر این، جن‌ها به‌سادگی می‌توانند کسی که به احضار آن‌ها اقدام می‌کند را آزار برسانند زیرا معمولاً این افراد گرفتار بیماری منیت هستند و در برابر اجنه بسیار ضعیف‌اند. اذیتی که اجنه به انسان می‌رسانند، یکی روحی است که برای همه آشناست و دیگری بیماری‌های جسمی است.

ومسألة أن الجن يقتل الإنسان بصورة مباشرة غير صحيحة، فهو ليس له سلطة لفعل هذا، ولكن يمكن أن يمس الإنسان ويؤذيه نفسياً ويجعله يؤذي نفسه، وربما أيضاً يؤذي غيره، ويمكن أن يتسبب للإنسان بأمراض جسدية بطرق كثيرة، منها مثلاً نقل الجراثيم إلى طعامه وشرابه وتنفسه، وذكر اسم الله عند الأكل والشرب وفي كل حال يدفع شرهم إن شاء الله.

این موضوع که جن، انسانی را به طور مستقیم بگشود صحیح نیست زیرا اجنه تسلط و قدرتی برای انجام این کار ندارند ولی می‌توانند انسان را لمس کنند و او را از لحاظ روحی آزار دهند و او را در وضعیت خودآزاری و چه‌بسا آزار رساندن به دیگری قرار دهند. جن می‌تواند با روش‌های مختلف انسان را به بیماری‌های جسمانی مبتلا سازد؛ مثلاً از طریق انتقال دادن میکروب به غذا، نوشیدنی و تنفس فرد. ذکر نام خدا به هنگام خوردن، نوشیدن و در همه حال، شر آن‌ها را برطرف می‌سازد، ان شاء الله!

وفقكم الله وسدد خطاكم، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار سازد!  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ ق.



### پرسش ٥٩٤: درخواست دعا برای شفا یافتن

السؤال / ٥٩٤: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

سيدي ومولاي اليماني، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

سيدي أيها الكريم ابن الكرماء، لديّ طلب أطلبه منك سيدي وأنا على يقين بأنك لن تردني؛ لأنكم أهل البيت لا تردون طالب حاجة أبداً، وحاجتي سيدي أن تدعو لي بالشفاء من مرضي، وأن تدعو لي بحسن العاقبة حفظك الله لنا من كل مكروه.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسلة: ل ك - استراليا

پرسش ٥٩٤: اللهم صل على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سرور و مولایم، یمان! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.  
 سرورم! ای کریم فرزند کریم‌ها! درخواستی دارم که از شما، سرورم تقاضا می‌کنم و مطمئنم که مرا  
 رد نمی‌کنی؛ زیرا شما اهل بیت (ع) هیچ‌گاه نیازمند را رد نمی‌کنید. سرورم! حاجت من این است که برایم  
 دعا کنی از بیماری‌ام شفا یابم و برایم به حسن عاقبت دعا کنی. خداوند شما را از هر مکروهی برای ما  
 حفظ فرماید!  
 والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: ل ک - استرالیا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم  
 والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
 وفقك الله لكل خير، أسأل الله أن يمنّ عليك بما هو أهله، وأن يمنّ عليك بالشفاء متى  
 يشاء وكيفما يشاء، وهو أرحم الراحمين.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم  
 والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.  
 خداوند شما را بر هر خیرى موفق بگرداند! از خداوند مسئلت دارم به آنچه که اهل و شایسته آن است  
 بر شما منتّ گذارد، و بر شما به شفا منتّ نهد، هرگاه که اراده کند و هرگونه که اراده فرماید و او  
 ارحم الراحمين است.

وللشفاء اقربى هذا الدعاء دائماً وبحضور قلب: (يا من اسمه دواء، وذكره شفاء، يا من  
 يجعل الشفاء فيما يشاء من الأشياء، صلّ على محمد وآل محمد واجعل شفاء (وتذكر  
 الاسم إن كان غيرك أو ياء المتكلم أي تقول شفائي) من هذا الدعاء، باسمك هذا "يا الله  
 عشر مرات"، "يا رب عشر مرات"، "يا أرحم الراحمين عشر مرات").

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ۱۴۳۲ هـ

برای شفا این دعا را همیشه و با حضور قلب بخوان: «یا من اسمه دواء، و ذکره شفاء، یا من يجعل  
 الشفاء فيما يشاء من الأشياء، صلّ على محمد وآل محمد، واجعل شفاء (اسم شخص مورد نظر) من  
 هذا الدعاء، باسمك هذا «یا الله، ده مرتبه»، «یا رب، ده مرتبه»، «یا أرحم الراحمين، ده مرتبه» (ای که  
 نامش دوا و ذکرش شفا است ای که شفا را در هر چیزی که بخواهد قرار می‌دهد، درود فرست بر محمد



و آل محمد، و از این درد، شفای (اگر مربوط به کسی غیر از شما است، اسم او را بیاور و یا از یاء متکلم استفاده کن یعنی بگو شفای من) را مقدر بدار، به این نام تو «یا الله، ده مرتبه»، «یا رب، ده مرتبه»، «یا ارحم الراحمین، ده مرتبه».

احمدالحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ.ق.



### پرسش ٥٩٥: درخواست دعا برای شناخت حق

السؤال / ٥٩٥: السلام على من اتبع الهدى.

إلى السيد أحمد الحسن.. سيدي الموقر، تعبت كثيراً وبعثت رسالتك لكم ولم أتوفق لردكم الكريم، أرجوك سيدي إن كنت إماماً ومعصوماً فدعاؤك لا يرد إن شاء الله.

أقسم عليك بحق سيدة النساء و بنت خير خلق الله و زوجة أمير المؤمنين وقائد الغر المحجلين على بن أبي طالب عليهم الصلاة والسلام أن تدعو لي لمعرفة الحق واتباعه فليس لي حل آخر.

ولكم جزيل شكري وامتناني.

المرسلته: أسيل - نيوزلندا

پرسش ٥٩٥: «(سلام بر آن کس که از پی هدایت قدم نهد)».

به سید احمدالحسن(ع)... سرور ارجمندم! با مشقت بسیار نامه‌ای برای شما فرستادم ولی از پاسخی کریمانه‌ی شما بی‌نصیب ماندم. از شما خواهش می‌کنم سرورم که امام و معصوم هستی، چراکه دعای شما رد نمی‌شود، ان شاء الله.

شما را به حق سرور زنان و دختر بهترین خلق خدا و همسر امیرالمؤمنین(ع) و پیشوای سفید رویان علی بن ابی طالب(ع) سوگند می‌دهم که برایم به جهت معرفت پیدا کردن نسبت به حق و پیروی از آن دعا نمایی که من راه حل دیگری ندارم. بسیار از شما متشکر و ممنونم.

فرستنده: اسیل - نیوزیلند

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

أسأل الله أن يوفقكم ويسدّدكم لمعرفة الحق والثبات عليه، هو وليي وهو يتولى الصالحين.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را موفق بدارد و بر شناخت حق و استوار ماندن بر آن توفیق دهد! او یاور من است و او دوست شایستگان است.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ.ق.

\*\*\*\*\*

**پرسش ۵۹۶: جاز است که نماز اعرابی را بخوانم تا از شما بشوم؟**

السؤال / ۵۹۶: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

سيدي، فداك نفسي وأهلي ومالي والشاهد الغائب سبحانه على ما أقول شهيد، أشهد أنك سيدي ومولاي وإمامي في الدنيا والآخرة.

پرسش ۵۹۶: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

سرورم! جان و خانواده و مالم فدای تو باد! شاهد غایب سبحان بر آنچه می‌گویم گواه است. شهادت می‌دهم که تو سرور و مولا و امام من هستی در دنیا و آخرت.

سيدي يا بن رسول الله(ص)، قرأت في كتاب الشرائع عن صلاة الإعرابي، وبتوفيق منه سبحانه بعد مدة قرأت تفصيل هذه الصلاة في مفاتيح الجنان وهذا ما فهمته: إعرابي اشتكى إلى رسول الله(ص) أنه لا يستطيع حضور صلاة الجمعة مع الرسول(ص) بسبب بعد المكان فعلمه الرسول(ص) هذه الصلاة، عجل الله فرجك يا سيدي ومولاي وجعلنا من الساجدين لكم في الدنيا والآخرة وكالكبش الصامت بين يديكم، وكالحجر في يمينك تلقيه حيث تشاء، وجعلنا ممن يرضيكم، وأن يعجل لنا بلقائكم ومفارقة أعدائكم بحقكم يا وجه الله(ع).

سرورم، ای پسر رسول خدا(ص)! در کتاب شرایع درباره‌ی نماز اعرابی مطلبی خواندم و با توفیق الهی پس از مدتی، تفصیل این نماز را در مفاتیح الجنان خواندم. آنچه من فهمیدم به این صورت است: مردی از بادیه‌نشینان به پیامبر خدا(ص) شکایت برد از این که وی به دلیل دوری راه نمی‌تواند در نماز جمعه با پیامبر(ص) حاضر شود و پیامبر(ص) این نماز را به او یاد داد. سرور و مولایم! خداوند فرج شما را تعجیل فرماید و ما را از سجده‌کنندگان بر شما در دنیا و آخرت و همچنین گوسفند خاموش و بی‌صدا در پیشگاه شما قرار دهد. همچنین سنگی در دست شما که هر کجا بخواهی آن را بیندازی. ما را از کسانی که مورد رضایت شما هستند قرار دهد. ما را از کسانی که شما را ملاقات و از دشمنانتان دوری می‌کنند قرار دهد! به حق شما! ای وجه خدا(ع).

فهل يا سيدي يجوز لي أن أصلي صلاة الإعرابي يوم الجمعة وتكون كمن صلى معك؟  
وا شوقاً لك يا مولاي.

المرسل: خالد - الكويت

سرورم! آیا برای من جایز است که روز جمعه نماز اعرابی را بخوانم و مثل کسی باشم که با شما نماز خوانده است؟

وه که چقدر مشتاق شما هستم، ای سرورم!

فرستنده: خالد - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم  
و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفتكم الله وسدد خطاكم لما يرضيه، إن شاء الله أنتم معنا ما دمتم مؤمنين عارفين  
بالحق مخلصين لله، هو وليي وهو يتولى الصالحين.

خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را در آنچه مورد رضایتش است، استوار سازد. ان شاء الله شما  
با ما هستید تا وقتی که مؤمن، عارف به حق و مخلص لله باشید. او یاور من است و او دوست شایستگان  
است.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ ق.



**پرسش ۵۹۷: چند سوال برای آزمودن علم یمان آل محمد(ع)**

السؤال / ۵۹۷: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

كيف حالكم مولانا يشرفني أن ترد على هذه الأسئلة:

من هم الأنبياء الثلاثة الذين وهبهم الله القدرة لإحياء الموتى؟

ما هي الصلاة التي لا تحتاج إلى وضوء ولا تيمم؟

أحد الملائكة اسمه الحارث، فما وظيفته؟

من هو المخلوق الذي أنذر قومه ولم يكن من الجن ولا الإنس؟

من هو شومان؟

من هم الأنبياء الثلاثة الذين شهدوا لقومهم بنبوّة محمد(ص)؟  
 وشكراً جزيلاً وأعتذر على كثرة الأسئلة وكلي ثقة بالإجابة الوافية الشافية  
 منكم.

المرسل: محمد العلي - السعودية

پرسش ۵۹۷: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته  
 مولای ما! حال شما چطور است؟ به من افتخار دهید و به این سؤالات پاسخ دهید:  
 آن سه پیامبری که خداوند به آنان قدرت زنده کردن مردگان عطا نمود، چه کسانی می باشند؟  
 کدام نماز به وضو و تیمم نیاز ندارد؟  
 یکی از فرشتگان حارث نام دارد، وظیفه و تکلیف او چیست؟  
 کدام آفریده است که به قومش هشدار داد درحالی که او نه از جن بود و نه از آدمیان؟  
 شومان کیست؟  
 سه پیامبری که برای قوم خود به پیامبری محمد(ص) شهادت دادند چه کسانی هستند؟  
 با تشکر فراوان، و بابت زیادی سؤالات عذر می خواهم و من اطمینان دارم که پاسخ وافى و شافى از  
 شما دریافت خواهم نمود.

فرستنده: محمد العلي - سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم  
 والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.  
 وفقك الله لكل خير، لقد نشرت كثيراً من الكتب فيها علم كثير، ومن الإطلاع  
 عليها يمكنك أن تعرف هذا العلم ومصدره إن كنت طالب حق. ولا أظنك تعتقد أن لا أحد  
 يعلم أن النملة أنذرت قومها، وهو أمر مذكور في القرآن، وهل تعتقد أنني لا أعلم أن الصلاة  
 على الميت ممكنة دون وضوء أو تیمم، مع أنني ذكرت هذا الأمر في كتاب شرائع الإسلام؟!،  
 أسأل الله لك التوفيق في بحثك، وأن يعرفك الله الحق ويسدد خطاك.  
 والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ١٤٣٢ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.  
 خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! کتاب‌های زیادی منتشر شده که در آن‌ها علوم زیادی  
 درج شده است. شما اگر طالب حق هستی، با مطالعه‌ی این کتاب‌ها می‌توانی این علم را بشناسی و  
 مصدر و منبع آن را بدانی. گمان نمی‌کنم شما بر این باور باشی که کسی نداند مورچه به قومش هشدار  
 داد درحالی‌که این قصه در قرآن ذکر شده است! آیا تو بر این باوری که من نمی‌دانم نماز بر میت بدون  
 وضو یا تیمم ممکن است، با این‌که این مطلب را در کتاب شرایع الاسلام بیان نموده‌ام؟!  
 از خداوند برای شما در جست‌وجویت توفیق خواهانم و این‌که خداوند حق را به شما بشناساند و  
 گام‌هایت را استوار سازد.  
 والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ



## المحور الرابع: تأويل الرؤى

محور چهارم: تعبیر خواب

**پرسش ٥٩٨: رؤيا (خواب دیدن) زیارت نجف و خریدن پارچه**

السؤال / ٥٩٨: بسم الله الرحمن الرحيم

الصلاة والسلام على أبي القاسم محمد (ص) وعلى آله وصحبه أجمعين.

پرسش ٥٩٨: بسم الله الرحمن الرحيم

درود و سلام بر ابوالقاسم محمد (ص) و بر جمیع خاندان و اصحاب او.

أما بعد .. في يوم من أيام شهر محرم الحرام لهذا العام وأقسم على ذلك أني شاهدت في منامي وكأنني ذاهب إلى الزيارة في النجف الأشرف وفي السوق المسقف لبيع الأقمشة، وكأنني اشتري قماشاً من أحد المحلات، ولجمال الألوان وعطر خاص في المحل جلبني لرؤية كتاب في إحدى رفوف المحل وكأنه كتاب الله تعالى القرآن الكريم ولكن مكتوب عليه الإمام أحمد بن الحسن من جهة الحفظ، وقد سألت صاحب المحل من يكون أحمد بن الحسن فلم يجبني، ولكنني علق في بالي الاسم، واليوم أكتب لكم وأرجو منكم أن تفتوني أو تساعدوني ما معنى هذه الرؤيا؟

والسلام عليكم.

المرسل: أبو أحمد - اسكتلندا

اما بعد... در یکی از روزهای ماه محرم الحرام امسال، قسم می خورم در خواب دیدم که گویی در نجف اشرف به زیارت می رفتم و در یک بازار سرپوشیده ی فروش پارچه بودم. گویی از یکی از مغازه ها پارچه ای خریدم. زیبایی رنگ ها و عطری خاص مرا به گوشه ای از مغازه کشاند تا در یکی از طاقچه های مغازه، کتابی را ببینم و گویی کتاب خدا قرآن کریم بود ولی بر آن نوشته شده بود امام احمد بن الحسن، به جهت حفظ. از صاحب مغازه پرسیدم احمد بن الحسن کیست، وی پاسخم را نداد ولی این اسم در ذهنم حک شد. امروز برای شما می نویسم و از شما خواهش می کنم که در کار من نظر بدهید یا کمکم کنید که معنی این رؤیا چیست؟

والسلام علیکم.

فرستنده: ابواحمد - اسکاتلند

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً. وفقك الله لكل خير في الدنيا والآخرة، رؤياك واضحة وهي من فضل الله عليك أن بين لك الحق بهذا الوضوح الذي لا لبس فيه.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. خداوند شما را بر هر خیرى در دنیا و آخرت موفق بگرداند! رؤیای شما واضح است و این از فضل خداوند بر شما است که حق را به این روشنى که شبهه و ابهامى در آن نیست به شما شناسانده است.

والقماش في الملكوت هو لباس التقوى، ولباس أهل الجنان، جعلك الله من خيرة أهل الجنان، قال تعالى: ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾<sup>(۱)</sup>، والقرآن هو رمز للحجة وخليفة الله في كل زمان، فهو القرآن الناطق وترجمان القرآن.

پارچه در ملکوت همان لباس تقوا و لباس اهل بهشت است. خداوند شما را از برترین اهل بهشت قرار دهد! خدای متعال می فرماید: (ای فرزندان آدم برای شما جامه‌ای فرستادیم تا شرمگاهتان را بپوشد و نیز جامه‌ی زینت و جامه‌ی پرهیزگاری از هر جامه‌ای بهتر است و این یکی از آیات خدا است، باشد که پند گیرید)<sup>(۲)</sup>. قرآن نماد حجت و خلیفه الهی در هر زمان است که او قرآن ناطق و ترجمان قرآن می باشد.

ورؤياك تمثل دخولك لموقع الأنصار في الانترنت، فهو يمثل زيارة أمير المؤمنين؛ لأنه يعرفك بأمر المؤمنين علي(ع)، وهو محل أقمشة؛ لأن منه يأخذ أهل الإيمان والتقوى لباس التقوى والأمن ليوم القيامة وللمعاد، والعطور هي الكلام الطيب، والقرآن الكريم هو خليفة الله

۱- الأعراف: ۲۶.

۲- اعراف: ۲۶.



وسيرة خليفة الله والتعريف به، ولم يعرفك صاحب المحل بمن هو أحمد الحسن؛ لأنه في وقت دخولك لم يكن اسم أحمد الحسن ونسبه منشوراً كاملاً حتى علي بن أبي طالب (ع).  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ١٤٣١ هـ

و رؤيای شما تمثیلی از وارد شدنتان در سایت انصار در اینترنت است و این مشابه زیارت امیرالمؤمنین (ع) می باشد زیرا شما را با امیرالمؤمنین علی (ع) آشنا می سازد و او همان مغازه‌ی پارچه فروشی است؛ زیرا اهل ایمان و تقوا از او لباس تقوا و ایمنی برای روز قیامت و معاد می گیرند. عطرها نیز کلام طیب و نکو است و قرآن کریم همان خلیفه‌ی خدا و سیره‌ی خلیفه‌ی خدا و شناخت نسبت به او است. مغازه دار به شما نگفت که احمد الحسن کیست زیرا به هنگام ورود شما، اسمی از احمد الحسن نبود درحالی که نَسَب او به طور کامل تا علی بن ابی طالب (ع) منتشر شده است.  
والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ١٤٣١ هـ.ق.



### پرسش ٥٩٩: رؤیای مشاهده برخی از علما بعد از مردن آنها

السؤال / ٥٩٩: بسم الله الرحمن الرحيم  
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.  
السلام على مولاي محمد ووصيه أحمد وعلى آبائهم الطيبين الطاهرين ورحمة الله وبركاته.

سؤالی الأول: هو ما سبب رؤيائي بالعلماء بعد موتهم؟

پرسش ٥٩٩: بسم الله الرحمن الرحيم  
و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.  
سلام بر مولایم محمد (ص) و وصی او احمد (ع) و بر پدران طیب و طاهرش و رحمة الله و برکاته.  
سؤال اول من: چرا من پس از مرگ علما، آنها را در خواب می بینم؟

رأيت السيد الخميني بعد ۳ أيام من وفاته والنور يسطع من جبينه وخديه ولم أستطع تشخيصه إلا من حاجبيه، وكان معه معمم آخر وهما في بداية طريق.

سید خمینی را سه روز پس از وفاتش در خواب دیدم، در حالی که نور از پیشانی و گونه‌هایش ساطع بود و من نتوانستم او را بشناسم مگر از طریق ابروهایش. همراه او یک معمم دیگری هم بود و این دو در اول راه قرار داشتند.

ورأيت بنت الهدى أخت الصدر وشعرها منشور ولا بسة شيء يشبه الكفن وقالت لي عمرك من عمري أو عمري من عمرك، لا أذكر جيداً.

بنت‌الهدی خواهر صدر را در خواب دیدم که موهایش آشفته شده بود و چیزی شبیه کفن به تن کرده بود. او به من گفت عمر تو از عمر من است یا عمر من از عمر تو است، خوب به خاطر نمی‌آورم.

ورأيت باقر الحكيم بعد تفجير جالسا في غرفة الشهداء العلماء، وكأنه غلام علي متكأ وبجانبه الشهيد الصدر الثاني الشاب وهو منحني على الحكيم، وكأنه يمدحه، والسيد باقر مبتسم ابتسامة التلميذ حين يمدحه أستاذة والنور يسطع من رأس الصدر الشاب حلقات، وكان متكأ السيد الصدر أعلى من متكأ السيد باقر.

باقر حکیم را پس از منفجر شدنش دیدم که در اتاق علمای شهید شده نشسته و گویی او پسر بچه‌ای بر روی بالش بود، در کنارش شهید صدر دوم پیرمرد قرار داشت و او بر حکیم خم شده بود و گویی از او تعریف و تمجید می‌کرد و سید باقر خندان بود، همچون لبخند شاگردی که استادش از او ستایش می‌کند و نور به صورت حلقه حلقه از سر صدر پیرمرد ساطع می‌شد و بالش سید صدر بالاتر از بالش سید باقر بود.

ورأيت السيد محمد رضا الشيرازي على نفس هيئته التي نشرت في الانترنت وهو متوفى واقفاً وعليه كفن لونه أخضر مزرقي فيروزي لونه جميل جداً وفي رقبة سلسلة فضة معلق بها قفل كبير نوعاً ما وشيئين آخرين لا أذكرهما.

سید محمدرضا شیرازی را به همان هیئتی که در اینترنت منتشر شده است دیدم و او درحالی که فوت کرده بود ایستاده بود و کفنی به رنگ سبز مایل به آبی فیروزه‌ای بر او بود که رنگش بسیار زیبا بود و در

گردنش زنجیری از نقره بود که یک‌جور قفل بزرگ از آن آویزان شده بود و دو چیز دیگر هم بود که آن‌ها را بیان نمی‌کنم.

وأخيراً هذه المرة الثالثة أو أكثر أسمع في المنام هذه الآيات الشريفة: ﴿يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ ﴿١﴾ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢﴾ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ ﴿٣﴾..... إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ﴿٤﴾<sup>(١)</sup>، وكذلك سمعت آيات بداية سورة الأنبياء وأواخر سورة الشمس: ﴿إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا...﴾<sup>(٢)</sup>، وبعضها كان بنفس طريقة قراءة تكم. هل هي تخصني؟! أنا خائفة سيدي أرجوكم الدعاء لنا بحسن العاقبة.

المرسلته: زينب - الإمارات

و بالاخره برای سومین بار یا بیشتر است که در خواب این آیات شریفه را می‌شنوم: (روزی که آسمان به آشکارا دود بیاورد\* و آن دود همه‌ی مردم را در خود فرو پوشد و این عذابی است دردآور\* ای پروردگار ما، این عذاب را از ما دور گردان که ما ایمان آورده‌ایم\* ... عذاب را اندکی برمی‌داریم و شما باز به آیین خویش بازمی‌گردید)<sup>(٣)</sup> و نیز آیات آغاز سوره‌ی انبیاء و اواخر سوره‌ی شمس را شنیدم: (آنگاه که شقی‌ترینشان برخاست ...)<sup>(٤)</sup> و برخی از آن‌ها به همان طریق قرائت شما بود. آیا منظور آیه من هستم؟ سرورم! من می‌ترسم. از شما خواهش می‌کنم برای حسن عاقبت ما دعا کنید!

فرستنده: زينب - امارات

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. الرؤى بالأشخاص بعضها المراد منهم الأسماء فقط، فالسيد الخميني الذي رأته ليس هو السيد الخميني (رحمه الله) إنما هي تعريف من الله لك بالقادم لإصلاح الأمة بعد وفاة السيد (رحمه الله) من خلال شخص تعرفينه وهو السيد الخميني، فالمراد هو اسم السيد الخميني فقط وهو (روح الله).

١- الدخان: ١٠-١٥.

٢- الشمس: ١٢.

٣- دخان: ١٠ تا ١٥.

٤- شمس: ١٢.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
 بعضاً منظور از خواب دیدن اشخاص، فقط اسامی است. آقای خمینی که شما دیده‌ای، همان آقای  
 خمینی (رحمه الله) نیست بلکه شناساندن کسی به شما است که پس از وفات سید ع برای اصلاح امور  
 امت پا پیش می‌گذارد، و این کار از طریق شخصی که او را می‌شناسی صورت می‌گیرد که او همان آقای  
 خمینی (رحمه الله) است. پس مراد، فقط اسم آقای خمینی (رحمه الله) و او «روح‌الله» است.

وبنت الهدى التي رأيتها أيضاً لا يمكن أن تكون بنت الهدى العلوية أخت السيد محمد  
 باقر (رحمهما الله)؛ لأن قولها لك عمرك من عمري (وهذه هي العبارة الصحيحة) تعني أنها  
 من آل محمد وليست إنسانة عادية، بل هي من أرواح الحياة - وهم آل محمد (ع) - التي منها  
 حياة وموت بقية الخلق.

بنت الهدی نیز که در خواب دیده‌ای، قطعاً علویه بنت الهدی خواهر سید محمد باقر (رحمه الله) نیست  
 زیرا سخن او به شما مبنی بر این که عمر تو از عمر من است (و این همان عبارت صحیح است) به این  
 معناست که وی از آل محمد (ع) بوده است و انسانی عادی نمی‌باشد، بلکه او از ارواح الحیات که همان  
 آل محمد (ع) هستند، می‌باشد؛ کسانی که زندگی و مرگ سایر خلایق از آن‌هاست.

ورؤياك بالسيد محمد باقر الحكيم والسيد الصدر (رحمهما الله) إن شاء الله تكون  
 خيراً لهما وهما ماتا على الولاية إن شاء الله وقبل بيان ۱۳ رجب ولم ينكرا الدعوة.

این که سید محمد باقر حکیم و سید صدر (رحمه الله) را در خواب دیده‌ای ان شاء الله برای این دو خیر  
 است. این دو، قبل از بیانیه‌ی ۱۳ رجب و ان شاء الله بر ولایت وفات کرده‌اند و دعوت را رد و انکار نمودند.

ومحمد رضا الشيرازي رؤياك فيه غير جيدة بالنسبة له، فالسلسلة والقفل تعني السجن،  
 أعاذك الله من سجن الآخرة.

خوابی که درباره‌ی محمد رضا شیرازی دیده‌ای، برای او خوب نیست، چرا که زنجیر و قفل به معنای  
 زندان است، خداوند شما را از زندان آخرت نگاه دارد!

أما ما تسمعيه فهو إنذار بقدوم العذاب إلى أهل الأرض، أسأل الله لك ولكل الأنصار العافية والنجاة وحسن العاقبة.

اما آنچه كه به گوش شما رسیده است، هشدارى درباره‌ى آمدن عذاب به سوى اهل زمین است. از خداوند عافیت و نجات و حسن عاقبت را برای شما و همه‌ى انصار مسئلت می‌نمایم.

أما آية: ﴿إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا﴾ فلأن سيرة المهدي ستكون كسيرة علي(ع) وخاتمه كخاتمة علي(ع).

و اما آیه‌ی (آنگاه که شقی‌ترین‌شان برخاست)، سیره‌ی مهدی(ع) همانند سیره‌ی علی(ع) و عاقبت او نیز همچون عاقبت علی(ع) خواهد بود.

وفقك الله لكل خير.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ١٤٣١ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ١٤٣١ هـ.ق.



### پرسش ٦٠٠: رؤیای مباحثه با مردم در مورد دعوت مبارک

السؤال / ٦٠٠: رأيت أننا جالسون في قاعة كبيرة ونحن أنصار نحاوّر بعض الناس، وكانت القاعة كبيرة وفيها ناس نحاوّر للدعوة، ثم خرجنا وذهبت أنا وشخص كان يقود سيارة وأنا جالس بجانبه وذهبنا إلى منطقة ريفية سبحانه الله من جمال، وكانت المنطقة تطلّ

على نهر عريض مملوء بالماء، ثم كنا نسير في طريق ترابي وفجأة خرجوا رجال يحملون سلاح من بستان وجاء إليّ شخص يحمل سلاح جعلني أنظر بالمنظار السلاح إلى بيتين تطلّ على نهر وبيتين بناء قديم، وقال لي: من هنا يظهر إمامكم أحمد الحسن ونحن هنا ننتظره يظهر ونقتله، لم أرد عليهم وكنا على حذر منهم، وقال لي أحدهم: نحن (الجهة الفلانية) هنا ننتظره لنقتله عندما يظهر، وقلت للسائق: صف جانباً، ووقفنا على مسافة منهم وأنا أنظر إليهم، فجأة دخلوا البستان وسبحان الله كل الأرض خضرة وجميلة جداً إلا هذه البستان كأنها في الخريف أو يابسة التي دخلوا فيها، واستيقظت من نومي وكانت الساعة حوالي ٢ ظهراً، وفقكم الله ما معنى هذه الرؤيا؟

المرسل: الغائب المنتظر - العراق

پرسش ۶۰۰: در خواب دیدم که ما در سالن بزرگی نشسته بودیم و ما انصار با برخی مردم گفت‌وگو می‌کردیم. سالن، بزرگ بود و در آن گروهی از مردم بودند و ما درباره‌ی دعوت با آن‌ها سخن می‌گفتیم. سپس از آنجا بیرون آمدیم و من با یک نفر که رانندگی خودرو را بر عهده داشت و من کنارش نشستم، به سمت یک منطقه‌ی روستایی که سبحان‌الله بسیار زیبا بود به راه افتادیم. آن منطقه، مشرف بر رودخانه‌ای عریض و پر آب بود. در ادامه، ما در یک راه خاکی حرکت می‌کردیم که ناگهان چند مرد که اسلحه با خود داشتند از باغ بیرون آمدند. یک فرد مسلح به سراغ من آمد و اجازه داد من با دوربین اسلحه به دو خانه‌ای که مشرف بر رودخانه بود نگاهی بیندازم؛ دو خانه‌ی قدیمی. به من گفت: امام شما احمد الحسن (ع) از اینجا ظاهر می‌شود و ما اینجا منتظرش هستیم تا او ظاهر شود و ما بکشیمش. من به آن‌ها پاسخی ندادم و ما از آن‌ها می‌ترسیدیم. یکی از آن‌ها به من گفت: ما (گروه فلانی) اینجا منتظرش هستیم تا وقتی ظاهر شد او را بکشیم. من به راننده گفتم: کنار بایست. ما با مقداری فاصله از آن‌ها ایستادیم و من به آن‌ها نگاه می‌کردم. ناگهان داخل باغ شدند و سبحان‌الله همه‌ی زمین بسیار سرسبز و زیبا شده بود مگر این باغی که در آن داخل شدند؛ گویی آنجا پاییزی و خشک بود. از خواب بیدار شدم و ساعت حدود ۲ ظهر بود. خداوند شما را توفیق دهد! معنای این رؤیا چیست؟

فرستنده: غائب منتظر - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير، وأسأل الله أن يكون في رؤياك خير لك وبشرى من الله بنصر دينه وإظهار الحق وإن كره الكافرون والمنافقون.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از خداوند مسئلت دارم که در خوابت، خیری برای شما و بشارتی از جانب خدا برای پیروزی دینش و اظهار حق باشد، اگرچه کافران و منافقان را ناخوش آید.  
والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ١٤٣١ هـ.ق.



**پرسش ٦٠١: رؤیای اینکه پدرم عادل امام است.**

السؤال / ٦٠١: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام على أبتى الإمام محمد بن الحسن (ع)، السلام على أبتى الإمام أحمد الحسن يمانى آل محمد (ع).

پرسش ٦٠١: بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر پدرم امام محمد بن الحسن (ع)، سلام بر پدرم امام احمد الحسن يمانى آل محمد (ع).

اللهم صلّ على محمد وآل محمد والأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

رأيت في منامي فجر يوم الأربعاء الموافق ٢٥ صفر ١٤٣٢ بأني واقف أمام والدي وهو الممثل عادل إمام (في الرؤيا اسمه عادل إمام) وليس ممثلاً وكأنه صاحب شركة كبيرة ويريد السفر إلى مكان بعيد، وإن سفره حسب ما أذكر يكون لمدة طويلة، فقال لي: سوف تكون أنت المسؤول على الشركة، وكان مرتاحاً ومطمئناً للأمر، وكأنه واثق مني، فقلت له بابتسامته: إنني والله لا أستطيع ذلك، وتوسلت به أن يعفيني من ذلك ولكنه أصّر على أمره باطمئنان تام فقبلت الأمر، وعندها استدرت وشاهدت مباشرة أحد الممثلين مع عادل إمام في إحدى المسرحيات وهو شخص أقرع (أنزع)، فكان هذا الشخص يتكلم عن الرقم إما ٦٠٠٠٠٠ أو ٦٠٠٠٠ لا أتذكر بالضبط، وأراد هذا الشخص أن يحذف الصفر الأخير للرقم حتى يقل العدد وكان أمره مريباً وهو يعلم ذلك، وكان بالقرب منه عدد من الأشخاص وكأنه يريد الاحتيال عليهم، فقال: إن رفعت الصفر يقل العدد وهذا ليس بمشكلة، ثم بعد ذلك أراد حذف الصفر الأخير من الرقم ٥٠٠٠٠ ألف حسبما أذكر وذلك ليقل العدد إلى ٥٠٠٠ حيث ونتيجة لفعله هذا وقفت بوجهه وأمرته بأن يرجع عن أمره وكأن لي السلطة عليه، فانتهى رغماً عنه، والحمد لله رب العالمين.

المرسل: محمد الأنصاري - العراق

در سحر روز چهارشنبه ٢٥ صفر ١٤٣٢ (١٠ بهمن ١٣٨٩) در خواب دیدم که گویی من پیش روی پدرم ایستاده بودم و پدرم نماینده «عادل امام» بود (در خواب اسمش عادل امام بود) ولی نماینده نبود و گویی او صاحب شرکت بزرگی بود و می‌خواست به‌جای دوردستی سفر کند و تا آنجا که یادم هست، سفرش مدت‌زمان زیادی طول می‌کشید. او به من گفت: شما مسئول و مدیر شرکت خواهی شد. وی در خصوص این قضیه آسوده‌خاطر و مطمئن بود و گویی به من اعتماد داشت. من با لبخند به او گفتم: به خدا من از پس این کار بر نمی‌آیم و به او التماس کردم که از این کار معافم کند ولی او در کمال آرامش و اطمینان، بر کارش اصرار ورزید و من سرانجام موضوع را پذیرفتم. در آن هنگام برگشتم و بلافاصله دیدم یکی از نماینده‌ها با عادل امام در یکی از صحنه‌هاست. این شخص کچل بود و داشت درباره یک عدد که ٦٠٠٠٠٠٠ یا ٦٠٠٠٠٠٠ بود و الآن دقیقاً به خاطر ندارم صحبت می‌کرد. این فرد می‌خواست آخرین صفر عدد را حذف کند تا عدد کوچک شود. کار وی مشکوک بود و خودش هم این را می‌دانست. در نزدیکی او افراد دیگری بودند و گویی وی می‌خواست از آن‌ها کلاه‌برداری کند. وی گفت: اگر صفر را برداری عدد کوچک می‌شود و این مشکلی نیست. سپس تا آنجا که به یاد دارم، بعد از این قضیه می‌خواست آخرین صفر عدد ٥٠٠٠٠ را نیز بردارد تا عدد را به ٥٠٠٠ کاهش دهد. من به دلیل این کارش



با او رویارو شدم و به وی گفتم از کارش دست بردارد و گویی من بر او تسلط و قدرتی داشتم. او برخلاف میلش از آن کار دست کشید. و الحمد لله رب العالمین.

فرستنده: محمد انصاری - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً. وفقك الله لكل خير، وأسأل الله أن يكون في رؤياك خير لك وبشرى من الله بنصر دينه وإظهار الحق وإن كره الكافرون والمنافقون، واعلم أن الأشخاص الذين تراهم في الرؤيا إن لم يكن لهم موضع فهو الاسم فقط، أي أن المراد منهم هو الاسم فقط، فالملائكة يأخذون صوراً لها أسماء مناسبة من صفحة وجودك ومما هو منطبع في ذاكرتك لإيصال ما يريدون إيصاله لك.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! و از خداوند مسئلت دارم که در خوابت، خیری برای شما و بشارتی از جانب خدا برای پیروزی دینش و اظهار حق باشد، اگرچه کافران و منافقان را ناخوش آید. بدان، اشخاصی که در خواب می بینی، اگر موضعی نداشته باشند، صرفاً نامی بیش نیستند یعنی منظور از آنها فقط اسم است؛ فرشتگان تصاویری برای این اسامی، متناسب با صفحه ی وجودی ات و آنچه که بر حافظه ی شما نقش بسته است ترتیب می دهند تا از این طریق آنچه را که می خواهند به شما برسانند.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ١٤٣١ هـ.ق.



## پرسش ۶۰۲: رؤیای علت آمدن عذاب، تکذیب فرستاده امام مهدی (ع) است.

السؤال / ۶۰۲: السلام عليكم يا سادتي ورحمة الله وبركاته.

بسم الله الرحمن الرحيم .. الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيد الخلق محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

پرسش ۶۰۲: ای سرورانم! السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

رأيت بعد فجر الأمس ۱۳ / ۰۲ / ۲۰۱۰ وكأني عند جماعة لتبليغهم بأمر العذاب، وكنت أقول لهم: إن الرسول الذي أرسله الإمام المهدي (ع) والكفر بدعوته السبب لنزول العذاب الإلهي، والجماعة لا أعرفهم، وكان لهم بيوتاً قريبة من بعض، فجاءت في هذه الأثناء حشرات كبيرة الحجم نسبياً أكبر من حجم الكف وتدخل من كل مكان في البيوت وفي الشوارع، وكانت ذات لون بني داكن، فقلت للناس: هذا العذاب قد نزل؛ لأن هذه الحشرات تتواجد قبل العذاب بفترة قصيرة جداً .. لقد نزل العذاب ودخلت كل حيواناتهم لائذة بالمنزل الذي دخلته الحشرات بشكل مهول، ومن ضمن ما رأيت بقرة تحاشيت ضربها، وفي هذه الأثناء حاولت الهرب إلى البيت المجاور فإذا بتلك الحيوانات قد ملأت أركان كل الأماكن فحاولت الهرب من المكان الذي أنا فيه إلى مكان لا أدري ما هو لكنه ببالي، فرأيت سيارات (تكسي) على الشارع العام فدخل في قلبي أنه لا يمكن أن يقبل أحد أن يوصلني، لكن أحدهم وافق من أول مرة سألته، وقبل أن أركب معه ذهبت إلى بقال يبيع الفواكه والخضروات فاشترت شيئاً لا أتذكره وحدثت أناساً على الشارع بشيء عن العذاب فركبت مع السائق وغادرت المكان والحمد لله وحده وحده وحده.

دیروز ۱۳/۲/۲۰۱۰ پس از سحر در خواب دیدم که گویی نزد گروهی هستم که می‌خواستم موضوع عذاب را به آن‌ها تبلیغ کنم و برسانم. به آن‌ها می‌گفتم: امام مهدی (ع) فرستاده‌ای فرستاده است و کفرورزی به دعوت او، باعث نزول عذاب الهی شده است. من این افراد را نمی‌شناختم. خانه‌هایی داشتند که به هم نزدیک بود. در همین حال حشرات نسبتاً بزرگی که از کف دست بزرگ‌تر بود آمدند و از همه‌جا در خانه‌ها و در خیابان‌ها وارد شدند. آن‌ها به رنگ قهوه‌ای تیره بودند. به مردم گفتم: این عذاب است

که نازل شده، زیرا به فاصله‌ی بسیار کمی قبل از عذاب، این حشرات پیدا می‌شوند... عذاب نازل شد. تمام حیواناتشان در خانه‌ای که حشرات به شکل ترسناکی به آن وارد شده بودند، پناه گرفتند. از جمله چیزهایی که دیدم گاوی بود که نمی‌گذاشت کسی او را بزند. در همین اثنا سعی کردم به خانه‌ی کناری بگریزم، ولی دیدم حیوانات همه‌جا را پر کرده‌اند لذا درصدد آمدن از جایی که در آن هستم به جایی فرار کنم که نمی‌دانم کجاست ولی در ذهنم بود. در خیابان اصلی تاکسی‌هایی دیدم و به دلم این‌گونه خطور کرد که امکان ندارد کسی قبول کند که مرا برساند ولی یکی از آن‌ها همان بار اول که از او خواستم، موافقت کرد. قبل از آن که با او سوار ماشین بشوم، به یک بقالی که میوه و سبزیجات می‌فروخت رفتم و چیزی که الآن به یاد ندارم از او خریدم و به مردمی که در خیابان بودند چیزی درباره‌ی عذاب گفتم. سوار ماشین شدم و آنجا را ترک کردم. و الحمد لله وحده وحده وحده.

### ما هو تأویل الرؤيا سيدي قائم آل محمد(ع)؟

المرسل: زياد الجبوري - فنلندا

سرورم، ای قائم آل محمد(ع) تعبیر این خواب چیست؟

فرستنده: زياد الجبوري - فنلندا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليمًا.

وفقك الله لكل خير، رؤياك مبشرة لك أنك إن شاء الله ستكون من الناجين من عذاب الله سبحانه وتعالى في هذه الدنيا، وأسأل الله لك أن تكون مع محمد وآل محمد في الدنيا والآخرة.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! خوابت، بشارتی برای شماست بر این که ان شاء الله شما در این دنیا در زمره‌ی کسانی هستی که از عذاب خدای سبحان نجات می‌یابند. از خداوند مسئلت دارم که شما در دنیا و آخرت با محمد و آل محمد(ع) باشی.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ۱۴۳۱ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ.ق.

\*\*\*\*\*

**پرسش ۶۰۳: رؤیای شخصی که خود را در سلف دانشگاه می‌بیند.**

السؤال / ۶۰۳: بسم الله الرحمن الرحيم .. السلام عليكم يا حجة الله في الأرض، السلام على أنصار إمامنا وحبیبنا ووصي إمامنا المهدي (ع).

پرسش ۶۰۳: بسم الله الرحمن الرحيم...

سلام بر تو ای حجت خدا بر زمین، سلام بر انصار امام ما و حبیب ما و وصی امام ما مهدی (ع).

حلمي كان والله أعلم إن كان له تفسير أو لا، ولا أعلم إن كان شيئاً من الشيطان أم لا. به خدا نمی‌دانم خواب من تفسیر دارد یا نه و نمی‌دانم این خواب چیزی از سوی شیطان بوده است یا نه.

من المعروف أنني (وأعوذ بالله من الأنا) أخاف من كل شيء حتى في الأحلام، ولكن في هذا الحلم لم أكن خائفة رغم بشاعته.

معروف است که من (و پناه می‌برم به خدا از منیت) از همه چیز ترس و وا همه دارم حتی در خواب، اما این خواب هر چند وحشتناک بود ولی من نترسیدم.

رأيت نفسي في مطعم الجامعة التي أدرس فيها، وأخذت صحنى والأكل الكامل ولم انتبه لما في الصحن من طعام، المهم وصلت لنصف المطعم لآخذ قطعة من الخبز وكنت أحاول قطعها بالسكين وبالغلط قطعت إصبعي الشاهد الأيسر، ولكنني كنت في شدة الهدوء،

وأخذت الجزء المقطوع من الأصبع ووضعت في فمي تحت اللسان وربطت باقي الإصبع وذهبت إلى مطبخ المطعم وسألت الموجودين أن يجلبوا لي صحناً فيه معقم ووضعت من فمي الجزء المقطوع في التعقيم ووضعت أيضاً الجزء الباقي من الإصبع وكنت انتظر الإسعاف والجميع كان خائفاً إلا أنا كنت مرتاحة.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

خودم را در غذاخوری دانشگاهی که در آن درس می‌خوانم دیدم. بشقابم را با غذای کامل گرفتم ولی متوجه غذایی که در بشقاب بود نشدم. به‌هرحال به وسط غذاخوری رسیدم تا یک تکه نان بگیرم. می‌خواستم نان را با چاقو ببرم ولی به اشتباه انگشت سبابه‌ی دست چپم را بریدم ولی با این وجود بسیار آرام بودم. قسمت بریده شده‌ی انگشت را گرفتم و آن را در دهان زیر زبانه گذاشتم و باقیمانده‌ی انگشت را بستم و به آشپزخانه‌ی غذاخوری رفتم و از افراد حاضر در آنجا خواستم بشقابی که در آن ماده‌ی ضدعفونی‌کننده است برایم بیاورند. آن قسمت بریده‌شده را از دهانم بیرون آوردم و در ماده‌ی ضدعفونی‌کننده قرار دادم. قسمت باقی‌مانده‌ی انگشت را نیز در آن ماده گذاشتم. من منتظر آمبولانس بودم. همه ترسیده بودند ولی من راحت و آرام بودم.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

رجاء خاص من الإمام الحجة الدعاء لي ليثبت الله أقدامي على الطريق المستقيم والهداية ونصرة الإمام ليوم الدين.

المرسلة: خادمة أهل البيت - فنلندا

از امام حجت درخواست ویژه دارم که برایم دعا کند که خداوند گام‌هایم را بر راه مستقیم و هدایت و نصرت امام، برای یوم‌الدين ثابت و استوار بدارد.

فرستنده: خادمه‌ی اهل‌البيت - فنلاند

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. رؤياك إن شاء الله مبشرة، وفيها خير لك، فالجامعة أو الكلية في الرؤيا ترمز إلى سماء العقل السماء السابعة الكلية، وإن شاء الله تكونين في طريق كمال العقل ويحشرك الله

مع الأنبياء والمرسلين(ع). أما الإصبع فهو يمثل في الرؤيا الأقرباء والناس القريبين من الإنسان، وقطعه يعني الاختلاف معه أو قطع العلاقة به لسبب مثل أن يكون شخصاً غير مؤمن بالحق، والذهاب إلى المستشفى يعني محاولة إصلاحه. وأسأل الله لكم التوفيق وحسن العاقبة.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصعب / ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. خواب شما ان شاء الله بشارت‌دهنده است و برای شما خير به همراه دارد! دانشگاه یا دانشکده در خواب به آسمان عقل یا آسمان هفتم کلی اشاره دارد. به خواست خدا شما در راه کمال عقل هستيد و خداوند شما را با انبياء و مرسلين محشور فرمايد. در رؤيا انگشت، نشانه‌ی خویشان و انسان‌های نزدیک به انسان است و بریده شدن آن نیز یعنی اختلاف با آن شخص یا قطع رابطه با او به خاطر علتی، مثلاً به این دلیل که وی به حق ایمان ندارد. رفتن به بیمارستان نیز یعنی تلاش برای اصلاح او. از خداوند برای شما توفيق و حسن عاقبت مسئلت می‌نمایم!  
والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصعب / ١٤٣١ هـ.ق.



**پرسش ٦٠٤: رؤیای کسی که مُرده‌ای که مُرده نیست و پنهانی که پنهان نیست.**

السؤال / ٦٠٤: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليكم .. عندما علمت بأمر السيد أحمد الحسن ونمت حلمت هذا الحلم حسب ما أتذكر وأستغفر الله من الزيادة والنقصان:

عند نافذة غرفتي كان هناك أمر، كأن من هناك ميت وليس بميت، ومخفي وليس بخفي، فيه طاقة قوية كأن هنا أمر عظيم، أشعر بحرارة لما كنت جنبها وكنت أشعر بالخوف وكنت أذكر الله كثيراً.

هناك أيضاً تكلمت لكن أكتفي بهذا القدر؛ لأنه يصعب عليّ وصف الرؤيا.

المرسلتة: زهراء - السعودية

پرسش ٦٠٤: بسم الله الرحمن الرحيم. السلام عليكم...

وقتی با ماجرای سید احمد الحسن (ع) آشنا شدم و خوابیدم، این خواب را دیدم طبق آنچه که به یاد می آورم و از کمی و زیادی آن، از خداوند طلب بخشش می کنم: در کنار پنجره ای اتاقم ماجرای رخ داده بود. گویی آنجا کسی بود که مرده بود ولی مرده نبود، مخفی بود ولی مخفی نبود، در او نیروی زیادی وجود داشت، گویی اینجا واقعه ای بزرگی در جریان بود. وقتی کنار او بودم گرما را حس می کردم. من احساس ترس داشتم و بسیار ذکر خدا می گفتم. این خواب تتمه ای نیز دارد ولی به همین مقدار اکتفا می کنم زیرا توصیف خواب برایم دشوار است. فرستنده: زهرا - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. أسأل الله لك التوفيق ومعرفة الحق ونصرته، أما رؤياك فهي في هذه الدعوة الحقّة وبيان حال صاحبها، وكونه ميت وليس بميت أي أنه دخل إلى هذا العالم فيما مضى وقتل وفارق هذا العالم، ويمكنك مراجعة قضية شبيهة عيسى (ع) وهي موجودة في المتشابهات ج، وأما كونه ليس بميت أي أنه الآن في هذا الوقت موجود في هذا العالم، أما كونه مخفياً وليس بخفي أي أنّ قضية المهدي الأول موجودة بالروايات عند السنة والشيعّة عن الرسول محمد وآل محمد (ع) وفي وصية رسول الله (ص) وقد نقلتها الكتب، ولكن رغم هذا فهو أمر تقريباً خفي على عامة الناس؛ لأن مشيئة الله أن يظهر هذا الأمر عندما يحضر صاحبه، أما الطاقة التي فيه فهي نور الله، والحرارة التي تحسّينها فهي حرارة الحياة الحقيقية، وذكر الله يبين لك أن رؤياك هي وحي من الله سبحانه لك.

وفقك الله، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا.  
از خداوند برای شما توفیق و شناخت حق و یاری آن را مسئلت می‌نمایم! رؤیای شما درباره‌ی این دعوت راستین و بیان وضعیت صاحب آن است. این که او مرده بوده ولی مرده نبوده یعنی وی در گذشته وارد این عالم شده و سپس به قتل رسیده و این دنیا را ترک گفته است. می‌توانی به ماجرای شبیه عیسی (ع) که در جلد ۴ کتاب «متشابهات» موجود است مراجعه نمایی؛ اما این که وی مرده نبوده است یعنی او اکنون و در حال حاضر در این عالم وجود دارد. این که مخفی بود و در عین حال مخفی نبود به این معنا است که قضیه‌ی مهدی اول در روایات شیعه و سنی که از حضرت محمد و آل محمد (ع) نقل شده و نیز در وصیت پیامبر خدا (ص) موجود است، در کتاب‌ها نقل شده است ولی در عین حال تقریباً بر عموم مردم مخفی و پوشیده است؛ زیرا مشیت الهی بر آن است که هنگامی این موضوع را ظاهر گرداند که صاحبش حاضر گردد. نیرویی که در آن است همان نور خدا و حرارتی که شما احساس کرده‌ای همان حرارت و گرمای حیات واقعی است. ذکر خدا نیز به شما نشان می‌دهد که خواب شما وحیی از جانب خدای سبحان برای شما می‌باشد.

خداوند شما را توفیق دهد!

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ.ق.



**پرسش ۶۰۵: رؤیای شنیدن صدایی که ندا می‌دهد (یا آیها المزمّل)**

السؤال / ۶۰۵: الصلاة والسلام عليك يا مولاي يا بن رسول الله وعلى آباءك والمهديين من ولدك صلوات الله عليهم أجمعين.

سیدی و مولای یا بن رسول الله، ذهبت في أحد الليالي إلى النوم وكلي أسي على المخالفين لكم، وخلدت إلى النوم وكان عليّ غطاء قد غطيت نصف جسدي به من التعب، وفزعت من النوم وأنا أسمع صوت في أذني يقول: يا أيها المزمّل، قم الليل إلا قليلاً، نصفه أو انقص منه قليلاً، أو زد عليه ورتل القرآن ترتيلاً.



ولقد كتمت في نفسي هذه الرؤيا وآليت أن لا أحدث بها أحداً سواك يا سيدي، فمنكم نأخذ وإليكم نرد، فيما تنصحنى وبما توجهني؟

المرسل: يوسف - الحجاز

پرسش ٦٠٥: درود و سلام بر تو ای سرورم، ای پسر رسول خدا و بر پدران و بر مہدیین از فرزندان (ع).

سرور و مولایم، ای پسر رسول خدا (ص)! در یکی از شبها رفتم که بخوابم و برای مخالفین شما خیلی متأسف و ناراحت بودم. در خواب عمیقی فرو رفتم و گویی بر رویم رواندازی بود که از شدت خستگی نصف بدنم را با آن پوشانده بودم. وحشت زده از خواب بیدار شدم و صدایی در گوشم می شنیدم که می گفت: (یا ایها المزمّل، قم الیل الا قلیلاً، نصفه او انقص منه قلیلاً، اوزد علیه و رتل القران ترتیلاً). این خواب را در دلم پنهان کردم و با خود گفتم آن را با هیچ کس در میان نمی گذارم مگر با شما ای سرورم، که ما از شما می آموزیم و به شما پاسخ گوییم. چه نصیحت و نکته ای برایم دارید؟

فرستنده: یوسف - حجاز

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. أنصار الإمام المهدي (ع) هم رسل من الأنبياء السابقين، ول بعضهم مقام النبوة، وقد بينت هذا الأمر في كتاب النبوة الخاتمة، وفقك الله. ورؤياك هي دعوة من الله لك لتتعبد في بعض الليل ما أمكنك، ليطلعك الله على ما يشاء اطلاعك عليه في ملكوته سبحانه، وفقك الله لكل خير، وإن أمكنك فصل صلاة ناشئة الليل، وتجدها عند الأنصار وفقهم الله، فقد كتبتها لهم قبل سنوات وهي موجودة في الأعمال العبادية. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصعب / ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. انصار امام مهدي (ع)، فرستادگانی از انبیاء پیشین هستند و برخی از آنها دارای مقام نبوت اند. این مطلب را در کتاب نبوت خاتم تشریح نموده ام، خداوند شما را توفیق دهد! خواب شما، دعوت خدا از شما

برای تعبد در بخشی از شب است، به هر مقداری که می‌توانی، تا خداوند سبحان شما را بر آنچه که می‌خواهد درباره‌ی ملکوتش اطلاع دهد، مطلع گرداند. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! اگر می‌توانی «نماز ناشئه الیل» را بخوان و شما چگونگی آن را نزد انصار که خداوند توفیقشان دهد، می‌یابی. من چند سال قبل در این مورد برای آن‌ها مطلبی نوشته‌ام و این مطلب در قسمت اعمال عبادی موجود است.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ.ق.



**پرسش ۶۰۶: رؤیای گذرگاهی که با کابل‌های برق روشن می‌شود.**

السؤال / ۶۰۶: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا  
كثيراً.

رأيت في منامي أنه يوجد ممر، وهذا الممر محاصر بجانبين، وكل جانب يشبه الحائط على شكل زنقة، وعلى كل جانب (الحائط) أسلاك كهربائية ينبثق منها الضوء كثير ويخوف، وإذا برجل طويل القامة ويحمل بيديه اليمنى محفظة وعمره ما بين ۳۹ و ۴۰ أو ۴۱ سنة، أقول في منامي إنه أحمد الحسن(ع)، وأخذني من يدي فقال لي: انطلق من هنا، يعني بين لي الطريق السليم والنجاة من الضوء، وفي انطلاقي كنت أجد أثر المارين سالمين من الضوء، وبعدها استيقظت.

اللهم انصر وليك أحمد الحسن(ع) ومكن له في الأرض ووفق أنصاره يا أرحم الرحمين.

المرسل: أحمد - المغرب

پرسش ۶۰۶: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليمًا كثيرًا.

در خوابم دیدم که گذرگاهی وجود داشت و این گذرگاه از دو طرف محصور بود. هر طرف شبیه دیوار بود، به شکل یک کوچه‌ی تنگ و باریک، و بر هر طرف (دیوار) نیز سیم‌های برق وجود داشت که از آن‌ها نور زیاد و ترسناکی پخش می‌شد. ناگهان مردی بلند قد را که کیفی به دست راستش گرفته بود و سش نیز ۳۹، ۴۰ یا ۴۱ ساله می‌نمود دیدم. در خواب گفتم این احمدالحسن (ع) است. او دست مرا گرفت و گفت: از اینجا برو؛ یعنی راه امن و مناسب و رهایی از نور را برایم مشخص کرد. در مسیر رفتنم، ردپای کسانی که به سلامت از نور عبور کرده بودند را می‌دیدم و پس از آن بیدار شدم. خداوندا! ولی خودت احمدالحسن (ع) را نصرت عطا فرما و او را در زمین تمکین بده و انصار او را موفق گردان، یا ارحم الراحمین.

فرستنده: احمد - مراکش

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
رؤياك هي مبشرة لك من الله سبحانه وتعالى بحسن العاقبة إن شاء الله وتثبيت منه سبحانه وتعالى لك، وبيان أنك على الحق وعلى الصراط المستقيم، فاحمد الله سبحانه وتعالى أن منّ عليك بهذا الفضل العظيم.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
رؤیای شما بشارتی از جانب خدای سبحان مبنی بر حسن عاقبت شما و استوار داشتن از سوی او سبحان و تعالی است، ان شاء الله و بیان این مطلب که شما بر حق و بر صراط مستقیم هستی. پس خدای سبحان و تعالی را حمد کن که این فضل عظیم را بر تو منت نهاده است.  
والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ١٤٣١ هـ.ق.



## پرسش ۶۰۷: رؤیای نماز جماعت و قبله سمت شرق بود.

السؤال / ۶۰۷: إلى سيدي ومولاي الإمام أحمد الحسن (ع)..

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

السلام على سيدي ومولاي الإمام المهدي، السلام عليك يا سيدي ومولاي قائم آل محمد ورحمة الله وبركاته.

سيدي ومولاي، أنقل لك رؤيا لإحدى الأخوات الأنصاريات:

پرسش ۶۰۷: به سرور و مولایم، امام احمد الحسن (ع)...

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

سلام بر سرور و مولایم امام مهدی (ع)، سلام بر تو ای سرور و مولایم، قائم آل محمد (ص) و رحمة الله و برکاته.

سرور و مولایم! خواب یکی از خواهران انصار را برای شما نقل می‌کنم:

بسم الله الرحمن الرحيم

إلى سيدي ومولاي ذخري وذخيرتي في آخرتي ودنياي قررة عين الرسول والأخذ بثار الزهراء

البتول وساللة الطيبين وثمررة الأئمة المنتجبين أبو القادة المهديين سيدي ومولاي قائم آل

محمد عليهم وعليه أفضل الصلاة التسليم، سيدي ومولاي السلام عليكم ورحمة الله

وبركاته.

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت سرور و مولایم، همه‌ی دار و ندارم در دنیا و آخرت، چشم‌روشنی پیامبر (ص) و انتقام گیرنده‌ی

زهرا‌ی بتول (ع)، سالله‌ی پاكان، میوه‌ی ائمه‌ی منتجبین و پدر مه‌دیین پادشاه. آقایم و مولایم، قائم آل

محمد (ع)، بر آن‌ها و بر او بالاترین سلام و صلوات باد! آقا و مولایم، سلام بر شما و رحمت خداوند و

برکات او بر شما!

سيدي، رأيت في المنام كأننا في صلاة جماعة وترأصت الصفوف، وكانت القبلة مائلة إلى الشرق، وكانت الصفوف قرابة العشر صفوف أو أكثر بقليل، وكان إمام الجماعة يتوسط الصف الأول للمصلين، وكان في كل صف من جهة اليسار نساء ولم يكن وقوفهن بشكل مستقيم بل مائل على شكل هلال، وكان إمام الجماعة هو الشهيد سيد عبد الإمام (رحمه الله)، وكانت الصلاة واجبة أي أربع ركعات، وكنت أنا في منتصف الصفوف مع النساء ومعني في الصف زوجي، ومما لا يخفى عليكم هو جاهل بصراط الحق، فأقام سيد عبد الإمام (رحمه الله) وصلى ركعتين كاملتين، وفي الركعة الثالثة سكت السيد عبد الإمام (رحمه الله) وأتم الصلاة سيدي ومولاي قائم آل محمد أحمد الحسن (ع)، وكان في منتصف الصفوف أي الصف الذي أنا وزوجي فيه، فلما سمع وعرف أن السيد سوف يتم الصلاة قطع صلاته مما أثار ضجة بين المصلين قائلاً: كنت أصلي خلف السيد عبد الإمام ولم أكن أعلم أن أحمد الحسن هو الذي سيتم الصلاة، في هذه الأثناء التفت السيد (ع) قليلاً بدون قطع الصلاة كما إنني التفت إليه أيضاً ثم ترك زوجي الصلاة وبقي مكانه فارغاً ونحن أتممنا الصلاة.

سرورم! در خواب دیدم که گویا من در نماز جماعت بودم و صفها به هم پیوسته شد و قبله کمی مایل به مشرق بود و تعداد صفها حدود ده صف یا کمی بیشتر بود. امام جماعت در وسط صف اول نمازگزاران قرار داشت. در سمت چپ هر صف زنان قرار داشتند ولی ایستادن آنها به طور مستقیم نبود بلکه خمیده و به شکل نیم دایره بود. امام جماعت، شهید سید عبدالامام (رحمه الله) بود و نماز هم نماز واجب یعنی نماز چهار رکعتی بود. من در وسط صفها با زنان ایستاده بودم و شوهرم نیز در صف همراه من بود. بر شما پوشیده نیست که وی نسبت به راه حق جاهل است. سید عبدالامام (رحمه الله) نماز را شروع کرد و دو رکعت کامل خواند، در رکعت سوم سید عبدالامام (رحمه الله) ساکت شد و سرور و مولایم، قائم آل محمد احمد الحسن (ع) نماز را تمام کرد. وی در وسط صفها یعنی همان صفی که من و شوهرم در آن بودیم، قرار داشت. شوهرم وقتی شنید و فهمید که سید (ع) نماز را تمام خواهد کرد، نمازش را قطع کرد و این کار او باعث شد جنجالی بین نمازگزاران به وجود آید. او می گفت: من پشت سر سید عبدالامام نماز می خواندم و نمی دانستم این احمد الحسن (ع) است که نماز را تمام خواهد کرد. در همین احوال سید (ع) بدون این که نمازش را قطع کند، کمی به سوی او توجه کرد. من نیز کمی رو به سوی او کردم. سپس شوهرم نماز را ترک کرد و جای او خالی ماند و ما نماز را به پایان بردیم.

والحمد لله رب العالمين، نسألكم الدعاء يا باب الله المأتي منه، والصلاة والسلام على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

و الحمد لله رب العالمين. ای درگاه خدا که از آن درآیند ما از شما التماس دعا داریم، و درود و سلام بر محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته .. والحمد لله رب العالمين.

المرسل: محمد - العراق

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته... و الحمد لله رب العالمين

فرستنده: محمد - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

الرؤيا مبشرة لك ومنذرة لزوجك، نسأل الله له حسن العاقبة، والصلاة هي ولاية ولي الله والعمل معه وبين يديه، وفقكم الله للعمل بالحق مع الحق.

این رؤیا برای شما بشارت‌دهنده و برای شوهرت هشداردهنده است. از خداوند برای او حسن عاقبت مسئلت داریم. نماز، همان ولایت ولی خدا و کار با او و در پیشگاه اوست. خداوند شما را به کار با حق همراه حق موفق بدارد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصعب / ۱۴۳۱ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - رجب لأصعب / ۱۴۳۱ هـ.ق.



**پرسش ٦٠٨: رؤیای دیوار اتاقی دارای دو روزنه که نور از آن خارج می شود.**

السؤال / ٦٠٨: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

پرسش ٦٠٨: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

كانت بيعتي ليلة الجمعة، وفي منامي رأيت أن جدار غرفة نومي الجانب المطل على الشارع فتح فيه فتحتان، رأيت منه نور النهار ولم أر إحدى مراتب السرير الخاص بي وهي التي كانت تمنع ظهور الفتحة، ولكن كان داخلي شعور بالخوف من أنه قد يكون قد تسلل أحد الفئران من الشارع للبيت من خلال هذه الفتحة ولكن لا يوجد تأكيد على تواجد فأر بالمنزل.

بيعت من در شب جمعه صورت گرفت و در خواب دیدم که در دیوار اتاق خوابم که مشرف بر خیابان است، دو شکاف باز شد و من نور روز را از آن می دیدم ولی یکی از تشک های تخت خوابم را که مخصوص من بود ندیدم و این همان چیزی بود که از باز شدن شکاف جلوگیری می کرد. ولی من در درونم احساس ترس می کردم از این که نکند از طریق این سوراخ، یک موش از خیابان به خانه رخنه کرده باشد، ولی به طور قطع و یقین در منزل موش پیدا نمی شود.

أرجو من سيادتكم التفسير.

از حضرتعالی تفسیر خواب را تقاضا دارم.

وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً .. والسلام عليكم

ورحمة الله وبركاته.

و صل الله على محمد و آله الائمه و المهديين و سلم تسليماً كثيراً... والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.  
فرستنده: عبدالله - مصر

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

رؤياك مبشرة لك، وهي تثبيت لك من الله على الحق، ومعنى فتحتان رأيت منهما النور أي موضعين فيهما هدى، ويمثلان دعوة الحق وأنت تدخل فيهما وترى منهما نور الحق، رؤيا برای شما بشارت‌دهنده است و به معنای استوار داشتن شما بر حق از سوى خداوند است. دو شکاف که از آنها نور دیده‌ای، یعنی دو مکانی که در آنها هدایت وجود دارد و این دو، نماد دعوت حق است که تو در آنها داخل می‌شوی و از آنها نور حق را مشاهده می‌کنی.

أما خوفك من دخول فأر من الشارع إلى بيتك من خلال هذه الفتحة فإن شاء الله يجنبك الله كل ما يضر بك وبما تملك بالتوكل عليه سبحانه وتعالى، وفقك الله لكل خير. اما ترس شما از این که موش از طریق این سوراخ از خیابان وارد خانه‌ات شود به این معناست که ان شاء الله خداوند شما را از هر چه که به شما و به آنچه که در تملک شماست زیان می‌رساند، دور نگاه می‌دارد، با توکل بر خدای سبحان. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصعب / ۱۴۳۱ هـ

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - رجب لأصعب / ۱۴۳۱ هـ.ق.





### پرسش ٦٠٩: رؤیای مسجد رسول الله (ص)

السؤال / ٦٠٩: بسم الله الرحمن الرحيم .. اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

السلام على يمانى آل محمد أحمد الحسن (ع) وعلى أولياء الله وحججه.

پرسش ٦٠٩: بسم الله الرحمن الرحيم...

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.  
سلام بر يمانى آل محمد احمد الحسن (ع) و بر اولیای خدا و حجت های الهی.

اليوم وبعد صلاة الفجر ذهبت للنوم فرأيت أني كنت في مسجد رسول الله محمد (ص) (المسجد النبوي في المدينة المنورة) وكنت أتمشى في داخله ولم يخطر ببالي أني في المسجد، وعندما وصلت إلى البوابة للخروج أدركت أني في المسجد النبوي فالتفت مباشرة للسلام على رسول الله (ص) والصلاة عليه وكان هناك شخص يركض باتجاهي من بعيد وعرفت أنه جاء لأذيتي ولا أتذكر كيف كانت هيئته هل هو ملتحي أم لا، وهل هو قزم أو لا، فالحقيقة لا أتذكر هيئته، المهم أنه اتجه نحوي لإيذائي فابتعدت عنه، وجاءني مرة أخرى محاولاً أذيتي ومنعي من زيارة الرسول الأكرم محمد (ص) ولكني تخلصت منه لا أعرف كيف وذهبت من فوري إلى ضريح الرسول.

امروز بعد از نماز صبح رفتم که بخوابم و در خواب دیدم در مسجد پیامبر خدا حضرت محمد (ص) (مسجد نبوی در مدینه منوره) هستم. در داخل مسجد راه می رفتم و حضور ذهن نداشتم که در مسجد قرار دارم. وقتی به در خروجی رسیدم، دریافتم که در مسجد نبوی هستم بنابراین همان لحظه بر پیامبر خدا (ص) سلام و درود فرستادم. آنجا یک نفر بود که از دوردست داشت به سمتم می دوید و من فهمیدم که برای اذیت کردنم آمده است. شکل ظاهری او را به یاد نمی آورم و نمی دانم آیا ریش داشت یا نه و آیا کوتاه قد بود یا خیر. در واقع ظاهر و قیافه او را به یاد نمی آورم. خلاصه او به سمتم آمد تا مرا اذیت کند ولی از او دور شدم. او یک بار دیگر به سراغم آمد به این قصد که مرا بیازارد و نگذارد رسول اکرم حضرت

محمد(ص) را زیارت کنم ولی نمی‌دانم چگونه از دستش خلاص شدم. فوراً به سمت ضریح پیامبر(ص) رفتم.

وكان هناك بعض من الناس عنده فتقدمت حتى وصلت إلى القبر وأصبحوا الموجودين على يساري ويميني وأنا (وأعوذ بالله من الأنا) في وسطهم، ونظرت فإذا برجل نائم ووجهه في اتجاه الضريح، فخطر ببالي أنه ليس النبي بل شخص آخر ولكنه استعدّل ونام على ظهره فعرفت أنه رسول الله محمد(ص)، وكان أبيض اللون وذو لحية بيضاء وله هيبته عظيمة فاستخرجت الهاتف من جيبي لغرض أن ألتقط له صورة فسورته أول مرة ولكن لم تكن الصورة جيدة فسورته صورة أخرى ولكن أيضاً لم تكن جيدة فحاولت أن أصوره مرة أخرى ففتح صلوات الله عليه عينيه ولا أدري ما الذي حدث ولكن فهمت بأنني صورته أكثر من مرة فيكفي وأعدت التلفون إلى جيبي، وخاطبت الرسول وابتدأت الكلام بذكر اسم اليماني فقلت له: (أحمد الحسن)، فأجابني صلوات الله وسلامه عليه بنفس الكلمة: (أحمد الحسن).

در آنجا چند نفری پیش ضریح بودند و من جلو رفتم تا به قبر رسیدم. افراد حاضر در آنجا، در سمت چپ و راستم قرار گرفتند و من (و پناه می‌برم به خدا از منیت) در وسط آنها جای گرفتم. نگاه کردم و مرد خفته‌ای را دیدم که صورتش به سمت ضریح بود. به ذهنم آمد که او پیامبر(ص) نیست بلکه فرد دیگری است ولی او بدنش را صاف کرد و بر پشتش خوابید و من فهمیدم که او پیامبر خدا حضرت محمد(ص) است. او سفید بود و ریش سفیدی هم داشت و دارای هیبت و عظمت بود. تلفن را از جیبم در آوردم تا از او عکس بگیرم. برای بار اول عکس گرفتم ولی عکس خوب در نیامد. یک بار دیگر عکس گرفتم ولی این بار هم خوب در نیامد. خواستم عکس بعدی را بگیرم ولی ایشان(ص) چشمانش را باز کرد و نمی‌دانم چه گفت ولی فهمیدم که بیش از یک عکس از ایشان گرفته‌ام و دیگر کافی است. تلفن را به جیبم برگرداندم و پیامبر(ص) را مخاطب قرار دادم و سخنم را با آوردن اسم یمانی شروع کردم و به او گفتم: «احمد الحسن». ایشان(ص) با همان عبارت به من جواب داد: «احمد الحسن».

وبعد ذلك سألته: هل يجوز أن أدعو باسم اليماني مثلاً أقول: (يا أحمد الحسن)، فكانت إجابته لي ليس بـ يجوز أو لا يجوز بل كانت أجابته: (يجب)، فسألته عن مقام الإمام أحمد الحسن(ع) فأجابني ولكني طلبت منه أن يكرر عليّ؛ لأنني خشيت أن أنسى الإجابة، فأجابني بجواب مشابه ولكن بأسلوب آخر أيضاً نسيتها، ولكن الجواب كان والعلم عند

الله هكذا: (لا يمكن بلوغ ذلك)، هكذا والعلم عند الله، وبعدها جرى حديث بيني وبينه عن عالم الرؤى لا أتذكر تفاصيل الحديث ولكن بالنهاية تضايق الرسول روعي له الفداء لا أدري لماذا، انتهت الرؤيا واستيقظت من النوم وكانت الساعة السادسة والرابع صباحاً.

سپس از ایشان پرسیدم: آیا جایز است که با اسم یمانی دعا کنم، مثلاً بگویم: «یا احمدالحسن». پاسخ ایشان به صورت جایز است یا جایز نیست نبود بلکه پاسخ ایشان این بود: «واجب است». من درباره‌ی مقام امام احمدالحسن (ع) از ایشان سؤال کردم و حضرت پاسخ مرا داد ولی من از او خواستم که دوباره برایم تکرار کند، زیرا می‌ترسیدم پاسخ را فراموش کنم. ایشان دوباره پاسخی مشابه ولی به شیوه‌ی دیگری داد که آن را هم فراموش کرده‌ام. ولی این جواب چنین بود (دقیقش را خداوند می‌داند) «نمی‌توان به آن دست یافت» چیزی به این مضمون (خداوند عالم است). پس از آن، گفت وگویی در عالم رؤیا بین من و او روی داد که من جزئیات این صحبت‌ها را به یاد نمی‌آورم ولی در آخر کار، پیامبر (ص) که جانم فدایش باد نمی‌دانم چرا ناراحت و دل‌تنگ شد. رؤیا تمام شد و از خواب بیدار شدم. ساعت شش و ربع صبح بود.

أرجو من الله أن يغفر لي إذا كنت أخطأت في النقل ويغفر لي نسيان التفاصيل والإلحاح على رسول الله (ص) في الأسئلة.

امیدوارم اگر در بیان خواب اشتباه کرده باشم خداوند مرا ببخشد و اگر جزئیات آن را از یاد برده باشم و نیز به خاطر اصراری که در سؤالات بر پیامبر خدا (ص) داشته‌ام نیز مرا عفو فرماید.

ملاحظة: كنت أدرك بأني في عالم الملكوت عندما وصلت إلى الرسول محمد (ص).

تذکر: من وقتی به پیامبر حضرت محمد (ص) رسیدم می‌دانستم که در عالم ملکوت هستم.

تاریخ الرؤیا ۹/۳/۲۰۱۰ م، ۲۳ ربیع الأول ۱۴۳۱ هجری.

تاریخ خواب: ۹/۳/۲۰۱۰ م، ۲۳ ربیع الأول ۱۴۳۱ هجری.

اللهم صل على فاطمة وأبيها وبعلي وبنيتها والسر المستودع فيها.

المرسل: أبو علي - الكويت

خداوندا! بر فاطمه(ع)، پدرش، همسرش، فرزندانش و سرّ پوشیده‌اش درود و صلوات بفرست!  
فرستنده: ابوعلی - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم  
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.  
وفقك الله لكل خير ورزقك خير الآخرة والدنيا، والحمد لله الذي منّ عليك برؤية  
الرسول الأكرم محمد(ص)، هو وليي وهو يتولى الصالحين.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصعب / ١٤٣١ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم  
والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند و خیر آخرت و دنیا را روزی شما نماید! و سپاس خدایی را  
که به دیدن پیامبر اکرم محمد(ص) بر شما منت گذارد. او یاور من است و او دوست شایستگان است.  
والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - رجب لأصعب / ١٤٣١ هـ.ق.



### پرسش ٦١٠: رؤیای نشتن سید(ع) بر روی تپه شنی

السؤال / ٦١٠: رأيت في عالم الرؤيا: وعدوني الأنصار أن يأخذوني للسيد(ع) وأنا ماشي معهم، ضعنا عن بعض بس ضعنا صرت أريد أن أوصل للسيد(ع) وصرت أفكر كيف أصل، ففكرت أعتد على نفسي وفعلاً وصلت ووجدت السيد(ع) يجلس على تلة رمل وأمامه مبنى يتعمر جديد، فجئت أنا من وراء السيد فجلست وراء السيد ووضعت يدي على رقبة السيد، فالسيد مال عليّ ووضع رأسه على يدي وابتسم لي، وبهذه اللحظة وصلوا الأنصار الثلاثة وعجبوا كيف وصلت لعند السيد لحالي، وهم جاؤوا من أمام السيد(ع) ولفت نظري على

وجه السيد على (كرست) خده كانت مخلوقة بشدة، فكانت بيضاء بشكل كبير لفتت انتباهي ووجهه كان أسمر.

پرسش ٦١٠: در عالم رؤیا دیدم: انصار به من قول دادند که مرا نزد سید(ع) ببرند. من با آنها راه می‌رفتم. برخی برای ما مشکلاتی ایجاد می‌کردند که راهی شده بودیم تا به سید(ع) برسیم و داشتم فکر می‌کردم که چطور برسم. فکر کردم که به خودم اعتماد کنم (به تنهایی بروم)؛ به هر حال رسیدم و سید(ع) را دیدم که بر روی یک تپه‌ی شنی نشسته و جلویش ساختمانی است که در حال بازسازی است. من از پشت سر سید(ع) آمدم و پشت سر سید(ع) نشستم و دستم را بر گردن سید(ع) گذاشتم. سید(ع) به سمت من برگشت و سرش را بر دستانم گذاشت و به من لبخند زد. در این لحظه سه تن از انصار رسیدند و تعجب کردند که من چطور الآن پیش سید(ع) آمده‌ام، و حال آن‌که آن‌ها از روبه‌روی سید(ع) آمدند. در چهره‌ی سید(ع) حواسم به گونه‌اش معطوف شد که به شدت کم‌مو بود، بسیار سفید بود و توجهم را جلب نمود. چهره‌اش گندمگون بود.

فمشينا مع السيد في مكان في لبنان أعرفه وكان السيد في يده شيء صغير مثل البيضة، فكان يشير بتلك البيضة على تلال الرمل فيذوبها، فكرها على عدة تلال فبلحظة كنت أفكر أن السيد بلا البيضة ما بيقدر يعمل شيء

با سید(ع) در جایی در لبنان که آنجا را می‌شناسم راه رفتیم. سید(ع) چیز کوچکی مثل تخم‌مرغ در دستش گرفته بود. با آن تخم‌مرغ به تپه‌های شنی اشاره می‌کرد و آن‌ها را ذوب می‌کرد. این کار را با چند تپه انجام داد. یک لحظه فکر کردم که سید(ع) بدون تخم‌مرغ نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد.

فالتفت علي السيد(ع) وكأنه فهم ما كنت أفكر فيه، فأعطاني البيضة رماها علي وراح يشير بيده على التلال فذوبها، والحمد لله رب العالمين.

المرسل: عاملي - ألمانيا

سید(ع) متوجهم شد و گویی فهمید که به چه فکر کرده‌ام؛ تخم‌مرغ را به من داد و به طرفم پرت کرد و رفت با دستش به تپه‌ها اشاره کرد و آن‌ها را ذوب کرد. و الحمد لله رب العالمين.

فرستنده: عاملي - آلمان

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

أسأل الله أن يوفقك لما فيه خير آخرتك وديناك، وأن يسدّدك ويوفقك وينصرك على القوم الظالمين.

از خداوند مسئلت می‌نمایم که شما را به آنچه که خیر آخرت و دنیایت در آن است، موفق بدارد و شما را توفیق و تسدید عطا کند و بر قوم ستمکار نصرت بخشد.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - جب الأصب / ۱۴۳۱ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ.ق.

\*\*\*\*\*

### پرسش ۶۱۱: رؤیای نوشتن دعای صباح

السؤال / ۶۱۱: السلام عليك يا بن رسول الله ورحمة الله وبركاته.

خادمكم المسكين يهديكم السلام ويهديكم نفسه كبضاعة مزجاة، ويقول وقلبه مفعم بتوحيد الله والتسليم لكم: لقد مسنا وأهلنا الضر فتصدق علينا إن الله يجزي المتصدقين.

پرسش ۶۱۱: سلام بر تو ای پسر رسول خدا و رحمة الله و برکاته.

خدمتگزار خاکسارتان به شما سلام می‌رساند و خودش را به‌عنوان سرمایه‌ای ناچیز به شما تقدیم می‌دارد و درحالی‌که دلش مالا مال از توحید الهی و تسلیم شدن در پیشگاه شما است، می‌گوید: (ما و کسانمان به گرسنگی افتاده‌ایم، بر ما صدقه بده زیرا خدا صدقه‌دهندگان را دوست دارد)<sup>(۱)</sup>.

سیدی، أرجو التفضل عليّ بتفسير رؤيا زوجتي حيث رأت في المنام أنها تكتب دعاء الصباح على وجهي مع القراءة.

سرورم، خواهش می‌کنم به من لطف کنید و خواب همسرم را تفسیر فرمایید. وی در خواب دید که بر صورتش دعای صبح را می‌نویسد درحالی‌که آن را قرائت می‌کرد.

وهل من الممكن للمرأة أن ترى رؤى صادقة إن كانت نائمة وهي مجنبة أو حائض.

المرسل: الموسوي - العراق

آیا ممکن است زن وقتی خواب است و جُنُب یا حائض می‌باشد، رؤیای صادق‌ه ببیند؟

فرستنده: موسوی - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

المؤمننة يمكن أن ترى رؤيا صادقة وإن كانت مجنبة أو حائضاً، ورؤياها هي خير لك ولها إن شاء الله، أسأل الله لكم خير الآخرة والدنيا، هو وليي وهو يتولى الصالحين.

ممکن است زن مؤمن، رؤیای صادقه ببیند حتی اگر جنب یا حائض باشد، و این خوابی که او دیده است برای شما و برای خودش خیر است، ان شاء الله. از خداوند برای شما خیر آخرت و دنیا را مسئلت دارم. او یاور من است و او دوست شایستگان است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصعب / ۱۴۳۱ هـ

والسلام علیکم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب لأصب / ۱۴۳۱ هـ.ق.



### پرسش ۶۱۲: رؤیای وارد شدن به بارگاه امام حسین (ع)

السؤال / ۶۱۲: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله، والصلاة والسلام على محمد الأمين وأهل بيته الطاهرين الأئمة والمهديين.

السلام على سيدي ومولاي يمانی آل محمد (ع) وقائهم وعلى أهل بيتك وأولادك المهديين المنتجبين ورحمة الله وبركاته.

پرسش ۶۱۲: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله

سپاس خدایی را که ما را به این راه رهبری کرد و اگر ما را رهبری نکرده بود راه خویش نمی یافتیم

درود و سلام بر محمد امین و بر خاندان طیب و طاهر او، ائمه و مهدیین.

سلام بر سرور و مولایم یمانی آل محمد (ع) و قائم آنها و بر اهل بیت تو و فرزندان برگزیده‌ی تو

مهدیین، و رحمة الله وبركاته.



سيدي، رأيت رؤيا كأنني دخلت إلى ضريح سيدي ومولاي أبي عبد الله الحسين (ع) ومعني أولادي وهم ثلاثة علي وأحمد وعباس وابنتي فاطمة، وهناك ناس كثيرون في الضريح الطاهر، ثم تفرق الناس وبقيت أنا في الضريح الطاهر وأنا أتكلم مع الإمام الحسين (ع)، وبعد قليل فتح باب الضريح الطاهر ثم فتح القبر الشريف ورأيت الإمام الحسين (ع) وهو مستلقي في القبر وأخرج يده وتكلم معي ولا أتذكر كل كلام الإمام (ع) ولكن أتذكر أنه قال لي ما معناه إنه كلمني بخصوص أولادي وإن معركة سوف تحدث وإن ولدي عباس سوف يشارك فيها أو يقتل فيها لا أتذكر بالضبط، ثم خرجت وأنا أركض فرحة وأقول للناس: الإمام الحسين (ع) قد تكلم معي وأصبح على ولدي عباس لأخبره بكلام الإمام الحسين (ع)، وعندما أخبرته بكلام الإمام (ع) صار يضحك وفرح بكلام الإمام (ع).

سرورم! در خواب دیدم که گویی وارد ضريح سرور و مولایم ابی عبدالله الحسين (ع) شدم و فرزندانم که سه نفر هستند علی، احمد و عباس و دخترم فاطمه با من بودند. مردم زیادی در ضريح مطهر بودند. سپس مردم متفرق شدند و من در ضريح مطهر باقی ماندم و با امام حسین (ع) صحبت می کردم. کمی بعد درب ضريح مطهر باز شد. سپس قبر شریف باز شد و من، امام حسین (ع) را دیدم که در قبر به پشت خوابیده بود. آن حضرت دستش را بیرون آورد و با من گفت و گو کرد. همه می سخنان امام (ع) را به یاد دارم ولی در خاطر هست که به من چیزی به این معنا گفت که ایشان درباره می فرزندانم با من سخن گفت و این که جنگی به پا خواهد شد و پسر عباس در آن شرکت می کند یا در آن کشته می شود، دقیقاً به خاطر ندارم. سپس بیرون آمدم و از خوشحالی می دویدم و به مردم می گفتم: امام حسین (ع) با من حرف زد و با صدای بلند پسر عباس را صدا می زد تا حرف های امام حسین (ع) را به او اطلاع دهم. وقتی سخنان امام (ع) را به او گفتم شروع به خندیدن کرد و از حرف های امام (ع) شاد و خوشحال شد.

هذه هي الرؤيا سيدي، فإذا سمحت أن تؤول الرؤيا، مع العلم أنني الآن لدي ولد واحد وهو علي وأنا والحمد لله حامل الآن ونتمنى أنا وزوجي أن يرزقنا الله ولد ونسميه أحمد ويكونون فداء للمهديين (ع)، وأترجاك سيدي بكرمك أن تدعو لنا ليرزقنا الله ذريةً سالحة مؤمنة وناصرة لمحمد وآل محمد لتبيض وجوهنا أمام الزهراء (عليها السلام).

این خواب من بود سرورم. لطفاً اگر صلاح می دانید خواب را برایم تأویل کنید. با در نظر گرفتن این مطلب که من الآن یک پسر دارم و نام او علی است و من الآن شکر خدا حامله هستم و خودم و شوهرم امیدواریم خداوند فرزندی روزی مان کند و اسم او را احمد بگذاریم و فدوی مهدیین (ع) شوند. سرورم! به

لطف و کرم شما چشم امید دارم که برای ما دعا کنی خداوند ذریه‌ی صالح و مؤمن و یاریگر محمد و آل محمد (ع) روزی مان گرداند تا پیش زهرا(ع) روسفید باشیم.

واعذرني سيدي على الإطالة وفرج الله عنك وممكنك في القريب العاجل بحق الزهراء ونسألك عفوك عن التقصير فإنك كريم من أولاد الكرام.

از این که مطلب طول کشید معذورم بدار سرورم! خداوند در فرج شما تعجیل نماید و به‌زودی زود شما را تمکین دهد، به حق زهرا(ع). بابت تقصیر و کوتاهی، عفو شما را مسئلت داریم که شما کریم و از اولاد کرام هستید.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسلة: أم علي - العراق

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

فرستنده: ام علی - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفتكم الله لكل خير، أسأل الله أن يمنّ عليكم بخير الآخرة والدنيا، وإن شاء الله تكون رؤياك فيها خير كثير لكم، والله ولي التوفيق.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! از خداوند مسئلت دارم که به خیر آخرت و دنیا بر شما منت نهد و ان شاء الله خواب شما متضمن خیر فراوانی برای شما است. «والله ولي التوفيق» (خداوند دهنده‌ی توفیق است).

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - رجب الأصب / ١٤٣١ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - رجب لأصب / ١٤٣١ هـ.

\*\*\*\*\*

### پرسش ٦١٣: رؤیای خوابیدن زیر درخت

السؤال / ٦١٣: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

وبعد.. أنا متابع في روم الأنصار من فترة بسيطة، وقرأت للإمام في الموقع وسمعت تسجيلات باسمه، وارتحت مبدئياً لما يدعو إليه، ولكن مشكلتي أنني سني لا أؤمن بالإمامة أساساً ورغم ذلك أتواجد في الروم باستمرار عسى أن يظهر لي الله الحق إن لم أكن عليه.

پرسش ٦١٣: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

و بعد... من چند وقت مختصری است که در تالار گفت و گوی انصار پیگیر هستم و در سایت مطالبی درباره‌ی امام خواندم و فایل های صوتی ایشان را شنیدم در واقع به آنچه وی به آن دعوت می کند آرامش پیدا کردم، ولی مشکلم این است که من سنی هستم و اصولاً به امامت اعتقادی ندارم ولی با این حال به طور مرتب در تالار حضور دارم شاید که خدا حق را برایم ظاهر گرداند، اگر که بر آن نباشم.

نصحتني أحد الإخوة بالاستخارة عندما سمع تذبذبي في أمر الدعوة، فاعتسلت وصليت وسألت الله أن يدلني على الحق ونمت وأنا أسمع تسجيل للإمام أحمد الحسن.

یکی از برادران وقتی تردید و دودلی مرا در خصوص دعوت شنید به من نصیحت کرد که استخاره کنم. من غسل کردم، نماز خواندم و از خداوند خواستم مرا بر حق دلالت کند و خوابیدم درحالی که صدای نوارهای امام احمد الحسن (ع) در گوشم بود.

وحلمت أني نائم تحت شجرة والشجرة بجانب طريق ترابي يمتد من الجهتين، وأتى رجل عجوز ذقنه تقترب من الأرض وثيابه مهلهلة وكأنه أتى من الماضي يتعكز على عكاز أطول منه جلس بجواري وهمس في أذني بلطف قائلاً: هذا ليس وقت مناسب للنوم استيقظ يا إبراهيم، فاستيقظت مفزوعاً ونظرت إليه فازداد خوفي، فقال: لا تفزع ولا تسأل، اسمع من عجوز عمره يوازي عمر الكثيرين ولم يتحدث سوى مع القليلين وهو يتحدث معك الآن فاسمع واحفظ وافهم فلن أعيد ما سأقول.

در رؤیا دیدم که زیر درختی خوابیده‌ام و این درخت کنار یک راه خاکی که به دو طرف کشیده شده بود قرار داشت. پیرمردی که چانه‌اش نزدیک به زمین بود و لباسش بدبافت بود آمد. او که گویی از گذشته آمده بود، به عصایی که بلندتر از خودش بود تکیه زده بود. پیرمرد کنارم نشست و با مهربانی، آهسته در گوشم گفت: الآن زمان مناسبی برای خوابیدن نیست، بیدار شو، ای ابراهیم. من با وحشت از خواب بیدار شدم و به او نگاه کردم و ترسم بیشتر شد. او گفت: وحشت نکن و سؤالی نپرس، از پیری سخن بشنو که عمرش برابر با عمر بسیاری دیگر است و فقط با عده‌ی اندکی سخن گفته است، او اکنون با تو سخن می‌گوید، پس بشنو و به خاطر بسپار و بفهم زیرا من آنچه را بگویم تکرار نمی‌کنم.

اتجه شرقاً ستجد قرية صغيرة وفقيرة، أهلها بسطاء طيبون أبلغهم أن الشمس نافذة صغيرة جداً من جهنم فتحت على الأرض وعليهم الرحيل فمن رفض الرحيل معك فلا تلح عليه في ذلك، واستمر في السير أنت ومن معك باتجاه الشرق وستجدون قرية أخرى أهلها أكثر سعة وأكثر غلظة فاحذروا منهم ولا تلحوا عليهم في الرحيل معكم وواصلوا السير شرقاً أنتم ومن تبعكم من القرية الثانية إلى أن تصلوا إلى القرية الثالثة فافعلوا كما فعلتم، وكل قرية تجدونها تجدون أهلها أكثر سعة وأكثر غلظة، إلى أن تصل إلى القرية السابعة فالتفوا من حولها ولا ينظروكم أهلها، وستجدون خلف القرية شجرة مثل هذه الشجرة التي تظلنا الآن يا إبراهيم، ورقها أكثر خضرة، وشكلها أكثر نظرة، وثمرها أكثر وفرة، وظلها يمتد أمامها يظل باقي الأرض، قد نلتقي تحت تلك الشجرة عند وصولكم وقد لا نلتقي، ناموا تحت تلك الشجرة مثل نومتك هذه، وعند شروق الشمس سيروا في ظل تلك الشجرة فإن شمسكم لن تغرب حتى يأذن الله بغير ذلك، ثم مد يده وقطف ورقة من الشجرة، ومد بها إليّ ومددت يدي وأخذتها منه وكان مكتوب بها حرف واحد رأيتُه بوضوح وكان حرف النون !! فقلت: ماذا افعل بها؟ فقال: أخبرتك ألا تسأل،

وترکني وانصرف، حاولت اللحاق به لكنه اختفى، كان حليماً جميلاً ومريحاً رغم أني لم أفهم شيء.

به سمت شرق برو، در آنجا روستای کوچک و فقیری می‌یابی که مردمش ساده و خوش طینت‌اند. به آن‌ها ابلاغ کن که خورشید روزه‌ای بسیار کوچک از جهنم است که بر زمین باز شده و آن‌ها باید کوچ کنند. هر کس که از مهاجرت با تو سر باز زد بر او اصرار نکن. با کسانی که همراهت هستند، به طی مسیر به سمت مشرق ادامه بده. در آنجا روستای دیگری خواهید یافت که مردمانش در رفاه بیشتری هستند و خشن‌ترند. از آن‌ها دوری گزینید و آن‌ها را بر مهاجرت با خودتان اصرار نورزید. شما و کسانی که از روستای دوم همراهت شده‌اند، به حرکت به سمت مشرق ادامه دهید، تا به روستای سوم برسید. کار قبلی خود را تکرار کنید. به هر روستایی که برسید می‌بینید مردمش از رفاه بیشتری برخوردارند و خشن‌ترند. تا این‌که به روستای هفتم می‌رسید. از کنار آن عبور کنید و مردم آن روستا نباید شما را ببینند. ای ابراهیم، در پشت روستا درختی مثل همین درختی که بر ما سایه افکنده می‌یابید که برگش سرسبزتر و ظاهرش خوش‌نماتر است و میوه‌ی بیشتری دارد و سایه‌اش در جلوی آن امتداد می‌یابد و بر باقی زمین سایه می‌افکند. وقتی رسیدید، ممکن است زیر آن درخت با یکدیگر ملاقات کنیم و شاید هم با یکدیگر ملاقات نکنیم. همین‌طور که الآن خوابیده‌ای، زیر آن درخت بخوابید، و به هنگام طلوع آفتاب در سایه‌ی آن درخت به راه بیافتید چراکه خورشید شما غروب نمی‌کند تا این‌که خدا به چیزی غیر از آن اجازه دهد. وی سپس دستش را دراز کرد و برگی از درخت کند و آن را به‌سوی من گرفت. من دستم را به‌سوی او دراز کردم و برگ را از او گرفتم. بر روی آن یک حرف که من به‌وضوح آن را می‌دیدم نوشته بود و آن حرف «نون» بود! به او گفتم: با این چه کنم؟ گفت: به تو گفته بودم که سؤال نکن. او مرا رها کرد و رفت. من سعی کردم به او برسم ولی وی پنهان شد. این خواب، زیبا و آرامش‌بخش بود، هرچند من چیزی از آن نفهمیدم.

سألت أحد إخوة أنصار الإمام فأشار عليّ بمراسلتكم، أسأل الله إن كنتم على الحق أن يدلني عليه.

از یکی از برادران انصار امام (ع) پرسیدم و او پیشنهاد کرد که برای شما نامه بفرستم. از خداوند مسئلت دارم اگر بر حق هستید، مرا به آن راه بنمایید.

أتمنى الرد سريعاً، علماً بأنني لم أقل الحرف إلا لكم حفظكم الله.

امیدوارم سریعاً پاسخ بدهید. ضمناً متذکر می‌شوم که من این سخن را فقط برای شما نقل کرده‌ام. خداوند شما را حفظ فرماید!

فرستنده: ابراهیم عبدالله - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً. أسأل الله لك التوفيق وحسن العاقبة، في هذه رؤيا الشجرة التي أنت نائم تحتها إشارة إلى ما كنت تسمع قبل أن تنام، أي إنها الشجرة المباركة في القرآن وهي شجرة محمد وآل محمد (ع)، والشخص الذي رأته متقي وولي من أولياء الله؛ لأن اللحية في الرؤيا تشير إلى الدين، وأمرك بالاستيقاظ من النوم أي أن تنصر الحق وتستيقظ من غفلة الدنيا والانشغال بها ومع أهلها، والعمل الذي وجهك له إن شاء الله توفق له بالهمة والجد بعد استيقاظك من الغفلة، والورقة التي فيها حرف نون تشير إلى قوله تعالى: ﴿ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ<sup>(۱)</sup>.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - شعبان الخير والبركة / ۱۴۳۱ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. از خداوند برای شما توفیق و حسن عاقبت مسئلت می‌نمایم! در این رؤیا، درختی که شما زیر آن خوابیده‌ای، اشاره است به آنچه که قبل از خواب شنیده‌ای، یعنی آن شجره‌ی مبارکه که در قرآن است که همان درخت محمد (ص) و آل محمد (ع) می‌باشد. شخصی که دیده‌ای، یک انسان باتقوا و ولی‌ای از اولیای الهی است زیرا در رؤیا محاسن، به دین اشاره دارد. این که تو را دستور داده است که از خواب بیدار شوی، یعنی حق را نصرت دهی و از غفلت دنیا و مشغول گشتن به دنیا و اهل آن بیدار شوی، و کاری که به شما سپرده است ان شاء الله با بلندهمتی و جدیت به انجام آن توفیق می‌یابی؛ پس از این که از خواب بیدار و هوشیار شدی! برگی که حرف نون بر آن نوشته شده بود، اشاره به این سخن خدای متعال دارد: (نون، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند\* که تو به فضل پروردگارت، دیوانه نیستی)<sup>(۲)</sup>.

۱- القلم: ۱-۲.

۲- قلم: ۱ و ۲.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمدالحسن - شعبان الخير والبركة / ١٤٣١ هـ.ق.



**پرسش ٦١٤: رؤیای گاوها و گوسفندهایی سربریده و جاری شدن خون آنها مانند رودها**

السؤال / ٦١٤: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله.

نعزي صاحب العصر والزمان الحجة بن الحسن صلوات الله عليه وعلى آبائه وأبنائه الأطهار، نعزي سيدي ومولاي أحمد الحسن على مصاب سيدتنا المظلومة، إنا لله وإنا إليه راجعون.

پرسش ٦١٤: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.السلام عليكم و رحمة الله. به صاحب عصر و زمان حجت بن الحسن(ع) كه سلام و صلوات خداوند بر او، پدرانش و فرزندان پاكش باد و به سرور و مولايهم احمدالحسن(ع) بابت مصيبتهاي سيدهي مظلومه مان تسليت و تعزيت مي گوييم. انا لله و انا اليه راجعون.

من قبل أكثر من عشر سنين كنت أسكن بغداد ورأيت في منامي وكأنني في منطقتي وحيدة ومظلمة، والأبقار والأغنام مذبوحه ودمها مثل الأنهار في الشوارع، ويركض خلفي شاب من المنطقة أشقر وعينان زرقاوان ويحاول اللحاق بي، وكلما أركض باتجاه أجد آخر الشارع مغلق وأدخل شارع ثاني، والشوارع كلها دم من الأغنام والأبقار المذبوحه، وتعبت كثيراً كثيراً، وبعدها سمعت صوتاً من السماء قال لي: اذهبي خلف فاطمة، ورأيت أم صاحبتي واقفة وهي اسمها فاطمة، فذهبت خلفها وهي فتحت ذراعيها لحمايتي، حينها هذا

الشاب توقف وكأنه في حاجز شفاف بينه وبين أم صاحبتني لا يستطيع الوصول أبداً وكان يقف أمتاراً بعيداً عنا.

من بیش از ده سال قبل در بغداد زندگی می‌کردم و در خواب دیدم گویی در منطقه‌ی زندگی‌ام، تک‌وتنه‌ها در تاریکی بودم. گاوها و گوسفندها ذبح شده بودند و خون‌شان مثل رودخانه در خیابان‌ها جاری بود. در آنجا یک جوان با موی بور که چشمانی آبی‌رنگ داشت پشت سرم می‌دوید و می‌خواست خود را به من برساند. من به هر طرف که می‌دویدم، می‌دیدم آخر خیابان بسته است و وارد خیابان دوم می‌شدم. همه‌ی خیابان‌ها مملو از خون گوسفندها و گاوهای ذبح شده بود. خیلی خیلی خسته شده بودم. پس از آن صدایی از آسمان شنیدم که به من گفت: (ای زن) برو پشت سر فاطمه. در خواب مادر دوستم را که اسمش فاطمه بود دیدم. من پشت سرش رفتم و او بازوانش را برای محافظت از من باز کرد. در همین هنگام این جوان ایستاد و گویی مانعی شفاف میان او و مادر دوستم بود که نمی‌توانست از آن عبور کند و چندین متر دورتر متوقف شد.

الرؤيا الأخرى في نفس الأيام كنت كأني نائمة وسمعت صوتاً من السماء يقول لي: أنت نائمة في حضن فاطمة، ووجدت نفسي مغمورة في حضن نفس المرأة.

خواب دیگری در همان ایام دیدم. گویی من خوابیده بودم و صدایی از آسمان شنیدم که به من گفت: تو در آغوش فاطمه خوابیده‌ای. من خودم را پناه گرفته در آغوش همان زن یافتیم.

سیدی ومولای، أعتذر عن الإطالة، لكن بعد سماعي بالدعوة والتحاقي بها والحمد لله أدعو الله وأدعو صاحب الزمان(ع) وأدعوك روعي لك الفداء أن تقبلوني من الأنصار، لكني لم أر رؤيا بعد التحاقي بالأئمة الأطهار(ع)، رأوا في رؤيا قبل التحاقي بالدعوة ولكني لم أر، هل له معنى؟ أحس أن الأئمة روعي لهم الفداء زعلانين علي ولا يزوروني.

سرور و مولایم! از این که مطلب طول کشید عذر می‌خواهم ولی از وقتی که دعوت را شنیدم و به آن ملحق شدم، الحمدلله از خدا و صاحب‌الزمان (ع) و از شما که روحم فدای شما باد، التماس دعا دارم که مرا جزو انصار بپذیرید؛ اما پس از پیوستن به ائمه‌ی اطهار (ع) دیگر خوابی ندیده‌ام. قبل از این که به دعوت بپیوندم، دیگران درباره ام خوابی دیده‌اند ولی خودم ندیده‌ام، آیا این معنایی دارد؟ احساس می‌کنم ائمه (ع) که روحم فدای آن‌ها باشد، از من دلخورند و به دیدن من نمی‌آیند.



في الختام، أعتذر منك سيدي ومولاي على الإطالة وأعتذر من الله سبحانه عن التقصير، وأدعو الله سبحانه التمكين لك في الأرض وغمرك برحمته ويفرج عنك وعن إخوتي الأسرى، ويسكنك مسكن حبيبك وجدك رسول الله (ص).  
السلام عليكم ورحمة الله.

المرسلة: ت. ر - فلندا

سرور و مولاييم! در پایان، از طول کشیدن مطلب از شما پوزش می طلبم و بابت تقصیر و کوتاهی از خدای سبحان طلب مغفرت می کنم و از خداوند سبحان می خواهم که شما را در زمین تمکین دهد و در رحمت خویش غرقه سازد و در کار شما و برادران اسیرم گشایشی به وجود آورد، و شما را در منزل دوست و جدت پیامبر خدا(ص) سکونت دهد.  
السلام عليكم ورحمة الله

فرستنده: ت.ر - فنلاند

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

الأبقار والأغنام المذبوحة هي ما ترينه ورأيته يحصل في العراق في السنوات السابقة، وذهابك في حضن فاطمة (عليها السلام) هو التحاقك بالدين الإلهي الحق، فالرؤيا في وقتها بيان لما يحصل لك في المستقبل وقد حصل لك بفضل الله عليك.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - منتصف شعبان/ ١٤٣١ هـ

گاوها و گوسفندان ذبح شده همان چیزی است که شما می بینی و دیده ای که سال های گذشته در عراق روی داده است؛ و رفتنت به آغوش فاطمه (ع) یعنی پیوستن شما به دین حق الهی. رؤیا در زمان

خودش بیانگر چیزی است که در آینده برای شما روی می‌دهد، و به فضلی که خداوند بر شما دارد، این رویداد برای شما اتفاق افتاده است.  
والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - نیمه شعبان / ۱۴۳۱ هـ.ق.



### پرسش ۶۱۵: رؤیای سفر به همراه سید(ع) به شهری با پای پیاده

السؤال / ۶۱۵: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.  
السلام عليكم ورحمة الله وبركاته، يا معدن العلم، وموضع الرسالت، يا قائم آل محمد(ع) يا سيدي ومولاي وأبي، أعتذر مولاي عن إزعاجك، أسألك أن لا تتركني لنفسي أبداً والله أنا مرتعبت جداً من أن أخذلكم.

پرسش ۶۱۵: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.  
السلام عليكم ورحمة الله و برکاته.  
ای معدن علم و جایگاه رسالت، ای قائم آل محمد(ع)، ای سرور و مولا و پدرم، از این که باعث آزردهی شما می‌شوم عذر می‌خواهم، مولای من. از شما خواهش می‌کنم که هرگز مرا به حال خودم وامگذارید.

مولاي، أرجوك لا تتركني لنفسي- يا نور، وكيف أتخلص من ظلمتي إلا بنورك مولاي، اللهم اجعلني معك دائماً أبداً ولا أخذلك أبداً حتى ينقطع النفس يا ربي.

سرورم! از تو خواهش می‌کنم مرا به حال خودم رها مکن. ای نور! و چگونه از تاریکی ام رهایی یابم مگر به نور تو ای سرورم! خداوند مرا به‌طور دائم تا ابد با شما قرار دهد و هرگز از شما جدا نسازد تا نفسم بند بیاید، ای پروردگار من!

مولاي وأبي، رأيت قبل مدة هذه الرؤيا:

رأيت أني كأني مسافرة معك أبي إلى مكان مدينة أخرى مشياً، وكانت تبعد أربعين كيلو متر منها، وأنا قبل أن أسافر ذهبت إلى مكان أشتري منه ورق لأستر نفسي، وكانت ألوان الأوراق بالبرتقالي والأصفر، وكان الأصفر كثيرة والجميع يمكنهم شراءها والبرتقالية نادرة، وأنا أردت أستر نفسي بالبرتقالي، فلا أعلم كيف استطعت أن أمرر مع الورق الأصفر ورق برتقالي أيضاً ولم تلاحظني البائعة.

در رؤيا ديدم گویی من با شما پدرم، به شهر دیگری پیاده مسافرت می کردم. این شهر ۴۰ کیلومتر فاصله داشت و من قبل از این که سفر کنم به جایی رفتم تا کاغذ بخرم تا خودم را با آن بپوشانم. رنگ کاغذها به رنگ پرتقالی و زرد بود. رنگ زرد زیاد بود و همه می توانستند آن ها را بخرند ولی رنگ پرتقالی کمیاب بود و من می خواستم خودم را با رنگ پرتقالی بپوشانم. نمی دانم چطور توانستم با کاغذ زرد و نیز با کاغذ پرتقالی عبور کنم و خانم فروشنده مرا ندید.

وبعدها رأيت أننا في الطريق وكنت ألبس جاكيت ساخن كالذي يُلبس في الشتاء وساترني لكن في رجلي كنت أرتدي سروال يصل لمنتصف ساقى وكان ضيق بعض الشيء وكان ليس عندي كيف أستر نفسي، وقلت لي أبي في وسط الطريق: ألم أقل لك أن تستري نفسك أو شيء هكذا، وبدأت أبكي وأقول لك أن تسامحني وانحنيت على يدك أقبلها وتركتني روحي فداك وكل شيء فداك، وكانت تفوح منها رائحة المسك جميلة جداً.

سپس در خواب ديدم که ما در راه بوديم و من یک ژاکت خیلی گرم مثل همان ها که در زمستان می پوشند به تن کرده بودم. این ژاکت مرا پوشانده بود ولی به پایم شلواری که به نصف ساق پایم می رسید و مقداری تنگ بود داشتم و چیزی که با آن خودم را بپوشانم در اختیار نداشتم. شما پدرم در وسط راه به من گفتم: آیا به تو نگفتم خودت را بپوشان، یا چیزی شبیه آن. من شروع به گریه کردم و به شما می گفتم مرا ببخش. خم شدم و دست شما را بوسیدم و شما که جانم و همه چیز فدایتان باد، مرا ترک کردی و بوی بسیار خوش مشک از آن پخش می شد.

بعد ذلك وصلنا إلى المدينة الأخرى وبعد ذلك أريكت عندي الأحداث، وكنت ترتدي جلباب فضفاض وتغطي رأسك وكان لونه بني.

و بعد از آن به شهر دیگر رسیدیم و بعد از آن حوادث در نزد من به هم ریخت و شما عبایی گشاد پوشیده بودی و رنگ آن قهوه‌ای بود.

والسلام علیکم وعلى اهل بیتک الطیبین الطاهرین ورحمة الله وبرکاته.

المرسل: ielhassani

سلام بر شما و بر خاندان طیب و طاهر تو و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: ielhassani

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمین، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدیین وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمین، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهدیین و سلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير، الملابس تشير إلى تقوى الإنسان ومدى التجائه إلى الله وعبادته وتوكله عليه سبحانه وتعالى، ﴿يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُؤَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! لباس، به تقوای آدمی و مقدار پناه آوردن او به خدا و عبادت و توکل او بر خدای سبحان اشاره دارد. (ای فرزندان آدم برای شما جامه‌ای فرستادیم تا شرم‌گاهتان را بپوشد، و نیز جامه‌ی زینت و جامه‌ی پرهیزگاری از هر جامه‌ای بهتر است و این یکی از آیات خدا است، باشد که پند گیرید)<sup>(۲)</sup>.

ورؤياك فيها إرشاد لك أن تلجئي إلى الله سبحانه وتعالى بالعبادة والإخلاص واغتني الأيام المباركة في شعبان ورمضان، وفقك الله لكل خير.

۱- الأعراف: ۲۶.

۲- اعراف: ۲۶.

این خواب شما اندرزی برای شما است به این که با عبادت و اخلاص، به خدای سبحان پناه بری و ایام مبارک شعبان و رمضان را مغتنم شماری. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند!

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ١٤٣١ هـ

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - نیمه شعبان / ١٤٣١ هـ.ق.

\*\*\*\*\*

**پرسش ٦١٦: رؤیای شخصی خود را در مسجد یهود ببیند.**

السؤال / ٦١٦: السلام علیکم

سید أحمد حفظکم الله، بعد اطلاعی علی تفسیراتکم للرؤی اطمأنتت إلیکم وودت لو تفسروا هذه الرؤیا عساها تكون فاتحة خیر:

پرسش ٦١٦: السلام علیکم

سید احمد خداوند شما را حفظ کند. پس از آن که تفسیرهای شما بر رؤیایها را مطالعه کردم، به شما اطمینان نمودم که این رؤیا را تفسیر نماید شاید که گشایندهی خیری باشد.

رأیت نفسي في مسجد يملكه يهود يتعبدون فيه ويسرونه كمعبد لهم لكنهم يسمحون للمسلمين بالصلاة فيه، كما أنني رأيت نفسي أصلي فيه الجمعة وخطب الخطيب لكن بعد أن انتهى وصلينا دخلوا المحراب وألقوا خطبة بحضور حاخام يتحدثون فيها عن مظلومية اليهود بالبلد أي المغرب، والحاخام يظهر كرامات أمام الناس لكن لا أحد يصدقه سوى أتباعه، ثم خرجت من المسجد فرأيت عاملين مسلمين يصلحون بعض جوانبه فخرج اليهود وقتلهم قتال حرب استعملت فيه السيوف والخيول ورجعوا للمسجد يحتفلون بانتصارهم.

خودم را در مسجدی که متعلق به یهودیان بود و آن‌ها در آن عبادت می‌کردند دیدم. یهودیان این مسجد را تبدیل به معبدی برای خود کرده بودند ولی با این حال به مسلمانان اجازه می‌دادند در آن نماز بخوانند. خودم را دیدم که در آنجا نماز جمعه می‌خواندم و سخنران هم خطبه می‌خواند ولی پس از این که کارمان تمام شد و نماز خواندیم، آن‌ها وارد محراب شدند و خطبه‌ای با حضور خاخام خواندند که در آن از مظلومیت یهود در این کشور یعنی مراکش، سخن گفتند. خاخام کراماتی برای مردم ظاهر می‌کرد ولی هیچ‌کس به‌جز پیروانش او را تأیید و تصدیق نمی‌کردند. سپس از مسجد خارج شدم و دیدم که بعضی از کارگزاران مسلمان قسمت‌هایی از مسجد را تعمیر می‌کنند. یهودی‌ها بیرون آمدند و جنگ سختی با آن‌ها کردند که در آن شمشیرها و سوارکاران به کار گرفته شد. یهودیان به مسجد برگشتند تا پیروزی‌شان را جشن بگیرند.

هذه هي الرؤيا وأتمنى أن تصل للسيد أحمد الحسن ويفسرها لي.

المرسال: محمد أبو بهاء - المغرب

این خواب من بود و خواهش می‌کنم آن را به سید احمد الحسن برسانید تا او برایم تفسیر کند.

فرستنده: محمد ابوبهاء - مراکش

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً. وفقك الله لكل خير، اليهود لا يصلون الجمعة كما هو الأمر في رؤياك، وهذا أنت تعلمه، فالمراد باليهود في هذا الزمان هم بعض المسلمين سنة وشيعة وبالخصوص بعض الشيعة أشباه اليهود في زمن بعث عيسى (ع)؛ لأن اليهود كانوا ينتظرون عيسى (ع)، فلما جاءهم كفروا به (ع)، والمسلمون وبالخصوص الشيعة ينتظرون المهدي (ع)، فلما جاءهم اليوم كفروا به رغم أن رسول الله (ص) والأئمة (ع) أوصوا به ووصفوه ووصفوا زمانه، ورغم أن رسول الله (ص) والأئمة (ع) حثوا المسلمين على الإيمان به ونصرته.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهدين و سلم تسليماً. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! یهودیان جمعه نماز نمی‌خوانند آن‌گونه که در خواب شما بوده است، و شما این مطلب را می‌دانی. منظور از یهود در این زمان، گروهی از مسلمانان سنی و شیعه

و به خصوص شیعیان شبیه به یهود در زمان بعثت حضرت عیسی (ع) هستند زیرا یهودیان، منتظر عیسی (ع) بودند ولی وقتی آمد به او کفر ورزیدند. مسلمانان و به خصوص شیعیان، منتظر مهدی (ع) هستند ولی وقتی امروز به سویشان آمد به او کافر شدند، با این وجود که پیامبر خدا (ص) و ائمه (ع) نسبت به او سفارش کرده، او را نام برده و خودش و روزگارش را توصیف کرده اند؛ و با وجودی که پیامبر خدا (ص) و ائمه (ع) مسلمانان را به گرویدن به او و یاری کردنش تشویق نموده اند.

وبالنسبة للقتال بالسيوف والأسلحة، فهو إشارة إلى المناظرة والكلام العقائدي، والمسلمون في الرؤيا إشارة إلى أهل الحق من أتباع الدين الإلهي الحق وهم الفرقة الناجية الذين يتبعون حجة الله في زمانهم.

در خصوص نبرد با شمشیرها و تسلیحات جنگی، اشاره ای دارد به مناظرات و مباحثات عقیدتی. در این رؤیا، مسلمانان اشاره ای است به اهل حق از پیروان دین حق الهی که «فرقه ی ناجیه» (گروه نجات یافته) هستند و از حجت خدا در زمانشان پیروی می کنند.

والرؤيا هي حدث يحصل أمامك وبين يديك وأنت فقط تحتاج للانتباه قليلاً لتمييزه، فالرؤيا هي إخبار غيبي من الله لك، وفقك الله. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ١٤٣١ هـ

این رؤیا در واقع رویدادهایی است که جلو و پیش روی شما اتفاق می افتد و شما فقط به مقدار کمی توجه و دقت نیاز داری تا آن را تمییز دهی و بشناسی. این رؤیا اخبار غیبی از جانب خدا برای شماست. خداوند توفیقت دهد! والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - نيمه شعبان / ١٤٣١ هـ.ق.



پرسش ۶۱۷: رؤیای شخصی که خود را در خارج از شهر خود قرآن می‌خواند.

السؤال / ۶۱۷: رأيت في المنام أني اقرأ في القرآن في أرض خارج المدينة، وإذا به يظهر بريق في السماء فخفت؛ لأنه كان غير طبيعي ومهول، وبعد لحظات بدأت خطوط البرق تتحول إلى كلمات وقرأت منها اسم النبي محمد وعلي وفاطمة والكثير من آل البيت وأصحاب الرسول، حتى إن منهم عمر وأبو بكر وبلال والكثير، فقد ملئت السماء بالأسماء وفجأة أيقظتني أمي من النوم.

پرسش ۶۱۷: در خواب دیدم که در زمینی واقع در خارج از شهر، قرآن می‌خواندم که ناگهان نوری در آسمان درخشید. من ترسیدم چون چیزی غیرطبیعی و خوفناک بود. لحظاتی بعد خطوط نورانی تبدیل به کلماتی شد. من از آن‌ها اسم حضرت محمد(ص) و علی(ع) و فاطمه(ع) و بسیاری از آل البيت(ع) و اصحاب پیامبر(ص) را توانستم بخوانم. حتی در آن اسم عمر و ابوبکر و بلال و افراد زیاد دیگری هم بود. این اسامی آسمان را پر کرده بود. ناگهان مادرم مرا از خواب بیدار کرد.

فما تفسیر هذه الرؤيا جزاكم الله خيراً، علماً أن هذه الرؤيا حدثت يوم الاثنين.

المرسلة: نور - العراق

تفسیر این رؤیا چیست، خداوند به شما جزای خیر عطا فرماید! در ضمن متذکر می‌شوم در روز دوشنبه این خواب را دیده‌ام.

فرستنده: نور - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. معنى الرؤيا هو وجود رسالت جديدة من السماء وهي مشابهة تماماً لرسالة الرسول محمد(ص) وللرسالات الإلهية السابقة وهذه هي رسالة المهدي.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.



این رؤیا به معنای وجود رسالت و پیامی جدید از آسمان است، که کاملاً مشابه رسالت حضرت محمد(ص) و رسالات الهی پیشین می باشد، و این رسالت مهدی(ع) است.

ومعنى البريق أي نور هداية من السماء أي رسالة إلهية، والأسماء هم عبارة عن الأشخاص الذين يكونون فيها، وهي رسالة كسابقاتها من الرسالات؛ كما كان مع رسول الله محمد(ص) أصحاب وأهل بيت ومنهم من آمن به ومنهم من يخلفه ومنهم من نافق بعده أو أثناء رسالته، كذا في رسالة المهدي، فكما كان مع موسى سامري، ومع عيسى يهوذا، فكذا مع محمد(ص) يوجد شبيهه السامري وأعوانه، وكذا مع المهدي يكون هناك سامري وأعوانه، سنة الله ولن تجد لسنة الله تبديلاً.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

نور هم به معنای نور هدایت از آسمان یعنی پیام و رسالت الهی است. اسامی هم عبارت از کسانی است که در آن رسالت هستند. این رسالت همانند دیگر رسالت های پیش تر از آن است. همان طور که با پیامبر خدا حضرت محمد (ص) اصحاب و اهل بیت(ع) بودند و از زمره ی آنها کسانی بودند که به او ایمان آوردند و کسانی که با حضرت مخالفت ورزیدند و برخی نیز پس از او یا به هنگام رسالتش، نفاق پیشه نمودند، در مورد رسالت مهدی(ع) نیز همین گونه است. همان طور که با موسی(ع) سامری بود، و با عیسی(ع) یهودا، با حضرت محمد(ص) نیز شبیه سامری و یاران او بودند. با مهدی(ع) نیز کسانی همچون سامری و یاران او هستند، (سنت خداوند است و در سنت خدا تغییری نخواهی یافت)<sup>(۱)</sup>.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ ق.



## پرسش ۶۱۸: رؤیای دو اژدهای چسبیده

السؤال / ۶۱۸: سيدي، أنا رأيت في المنام أحد أقربائي ابن عم والدي وكأني أقف معه وقربنا ثعبانين متلاصقين معاً أحدهما يتقدم رأسه عن الآخر إلى الأمام، وكأني أعلمه بأن لا يمسكهما بهذه الطريقة فيجب أن يأخذ الحيطه والحذر، وإذا به يفاجئني ويقذفهما عليّ وقامت إحدهما بعض إصبعي الإبهام وتركت ثقبين في الإبهام وأثر الدم فوق الثقبين مكان أسنان الثعبان، فما تفسيرها وفقكم الله؟

المرسل: عامر العامري - العراق

پرسش ۶۱۸: سرورم! من در خواب، یکی از نزدیکانم - پسر عموی پدرم - را دیدم و گویی با او ایستاده بودم و دو اژدها که به هم چسبیده بودند به ما نزدیک شدند. یکی از آنها سرش را جلو می‌گرفت و از آن یکی پیشی می‌گرفت و گویی من می‌دانستم که این دو به این صورت نگه داشته نمی‌شوند و باید از آنها پناه گرفت و بر حذر بود. ناگهان مرا غافلگیر کرد و این دو اژدها را روی من انداخت. یکی از آنها قسمتهایی از انگشت شست مرا گاز گرفت و دو سوراخ در انگشتم به وجود آورد و بالای این دو سوراخ که جای دندان دو اژدها بود، رد خون باقی مانده بود. تفسیر آن چیست؟ خداوند توفیق‌تان دهد!

فرستنده: عامر العامری - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

الثعبان عدو، وبما أنه لدغك فيعني أنه يسبب لك أذى، وهذا العدو يأتيك عن طريق هذا الشخص الذي رأيته في الرؤيا.

اژدها، دشمن است و از آنجا که او تو را نیش زده است یعنی باعث اذیت و آزار شما می‌شود. این دشمن از طریق شخصی که در خواب دیده‌ای به سراغ شما می‌آید.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ.

\*\*\*\*\*

**پرسش ٦١٩: رؤیای کسی که به من می گوید: ( از خوابت بیدار شو)**

السؤال / ٦١٩: مساء الخير

حلمت قبل شهرين بأني أسير في طريق وفجأة توقفت أمام رجل قال لي: (اصحي من سباتك يا ديما)، وهزني من كتفي، علماً أن أهلي كلهم من السنة ولكن أنا لا أقتنع بالديانات، فسألت صديقتي لي فقالت هذا تحذير لك من الطريق الذي تسيرين عليه.

پرسش ٦١٩: شب به خیر. دو ماه قبل در خواب دیدم که در مسیری راه می رفتم و ناگهان مقابل یک مرد که به من می گفت: «از خوابت بیدار شو ای دیما» ایستادم. او بازویم را گرفت و مرا تکان داد. متذکر می شوم که تمام خانواده ی من سنی هستند ولی من با ادیان، قانع و مجاب نمی شوم. از یکی از دوستانم پرسیدم و او گفت این هشدار ی است برای تو در خصوص راهی که آن را می پیمایی.

وتردد عليّ الحلم مرتان وكل مرة يحمل لي رسالته ويقول احملها وبلغني، وأقطع أمامه الرسالة ولكن أصحو من نومي فزعه. الآن بدأت أقرأ القرآن واقتنع بأنه معجزة إلهية فكل آية تجعلني أبكي أكثر من الآية التي قبلها.

این خواب دو بار برایم تکرار شد و در هر دفعه (آن مرد) پیامی برایم می آورد و می گوید این را بگیر و ابلاغ کن. من پیام را جلوی او پاره می کنم و از ترس او با وحشت از خواب بیدار می شوم. اکنون شروع به قرائت قرآن کرده ام و قانع شده ام که این یک معجزه ی الهی است و هر آیه مرا بیشتر از آیه ی قبلی به گریه وادار می دارد.

ولكن في صباح هذا اليوم رأيت وأنا في القمر ففزعت فأمسكت امرأة جميلة بيدي  
وقدمت لي أناساً، فقالت لي: هؤلاء قومك، هؤلاء قومك، هؤلاء قومك، فانشري الرسالة  
بينهم. هل يدل ذلك على أنه سيكون لي شأن مع المهدي؟

المرسلة: ديما - السعودية

ولی صبح امروز خودم را در ماه دیدم، وحشت کردم و هراسان شدم. زن زیبایی دستم را گرفت و چند  
نفر را به من معرفی کرد و به من گفت: این‌ها قوم تو هستند، این‌ها قوم تو هستند، این‌ها قوم تو هستند،  
پیام را بین این‌ها منتشر کن. آیا این دلیلی است بر این‌که من با مهدی (ع) ارتباطی دارم؟  
فرستنده: دیما - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

القمر هو الوصي المهدي من آل محمد، ومعنى رؤياك؛ نعم أن يكون لك شأن في دعوة  
المهدي والتبليغ عنها، هذا إذا اخترت أنت هذا الأمر، فالرؤيا بشرى لك وتحريض من الله لك  
على العمل في سبيل الله وفي طريق المهدي.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ۱۴۳۲ هـ

ماه، همان وصی مهدی (ع) از آل محمد (ع) است، و معنای رؤیای شما این است که آری، شما را با  
دعوت مهدی (ع) و تبلیغ آن کاری است. این در صورتی است که شما این امر را انتخاب کنی. این خواب  
بشارتی برای شما و تشویق و ترغیبی از سوی خدا برای شما جهت عمل در راه خدا و در راه مهدی (ع)  
است.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ.ق.



**پرسش ٦٢٠: رؤیای کسی که در آب شنا می کند.**

السؤال / ٦٢٠: أرى نفسي دائماً أسبح في ماء، تارة ماء بحر وتارة في حوض سباحة.

المرسلته: زهراء الأسدي - العراق

پرسش ٦٢٠: خودم را می بینم که دائماً در آب مشغول شنا هستم، گاهی در آب دریا و گاهی اوقات در استخر.

فرستنده: زهرا اسدی - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

السباحة في الماء الصافي النقي وبراحة يعني قراءة وتعلم العلم الإلهي الحق.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

شنا کردن در آب پاکیزه و خالص و با آسودگی، یعنی قرائت و فراگیری علم حق الهی.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ.ق.



## پرسش ۶۲۱: رؤیای مکان تاریکی که ناگهان روش می‌شود.

السؤال / ۶۲۱: السلام على الإمام وآل البيت (ع).

سیدی، رؤیای کانته بعد أن صليت ركعتين في الليل وقرأت الآية: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ...﴾<sup>(۱)</sup>، رأيت فيها أني في مكان مظلم وفجأة ظهر نور وسمعت قائل يقول: هذا الإمام فاتبعيه، فحاولت اللحاق به لكن كان يذهب بعيداً عني، لكنني رغم التعب كنت أحاول وأنادي وفجأة توقف عند روضة خضراء وابتسم، ثم استيقظت ... ما تفسير ذلك؟

المرسلة: منال - اليمن

پرسش ۶۲۱: سلام بر امام و آل البيت (ع)

سرورم! پس از آن که دو رکعت نماز شب خواندم و این آیه را قرائت کردم: (جز این نیست که دوست شما خداست...) <sup>(۲)</sup>، رؤیایی دیدم. در خواب دیدم که در جای تاریکی بودم. ناگهان نوری ظاهر شد و شنیدم کسی می‌گفت: این امام است، از او پیروی کن. خواستم به او ملحق شوم ولی او با فاصله‌ی زیادی از من می‌رفت و من با وجود خستگی، تلاش می‌کردم و او را ندا می‌دادم. او ناگهان کنار یک باغ سرسبز ایستاد و لبخند زد. سپس از خواب بیدار شدم... تفسیر آن چیست؟

فرستنده: منال - یمن

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. الرؤيا واضحة وفقك الله لكل خير؛ وهي أنك وصلت إلى المهدي من آل محمد الذي هو نور في ظلمة هذه الدنيا، والروضة الخضراء هي الكتب والعلم الذي يظهره المهدي، وهو بالنسبة لك يمثل الموقع الإلكتروني الذي دخلت فيه ووجدت فيه الكتب والعلم، وفقك الله وسددك لكل خير. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ۱۴۳۲ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
 خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! رؤیا واضح است؛ شما به مهدی (ع) از آل محمد (ع) که  
 نوری است در ظلمات این دنیا رسیده‌ای. باغ سرسبز هم کتاب‌ها و علمی است که مهدی (ع) آشکار  
 می‌سازد، که در خصوص شما عبارت است از همان سایت الکترونیکی که وارد آن شده‌ای و کتب و علم  
 را در آن یافته‌ای. خداوند شما را به هر خیری توفیق دهد و تسدید فرماید!  
 والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ.ق.



**پرسش ۶۲۲: رؤیای سید احمدالحسن (ع) که پرچمی بلند می‌کرده است.**

السؤال / ۶۲۲: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليك سيدي ومولاي ورحمة الله وبركاته.

أود تفسير رؤيا رأيتها وأنا في مشهد المقدسة: في البداية كان الإمام أحمد الحسن (ع)  
 يحمل بيده راية مكتوب بداخلها (يا من لا يُعبد أحد سواه)، وكان بجانبه أربع من الأنصار  
 يحملون رايات مكتوب بداخلها (يا لثارات الحسين)، وكان يخرج من وجوههم نور قوي  
 جداً، وكان خلفهم باقي الأنصار مع الأنصاريات يحملون رايات مكتوب بداخلها (هو)،  
 وكنا نمشي والناس من حولنا تنظر إلينا إلى أن وصلنا إلى الصحراء فجاء أمامنا رجل قبيح  
 الوجه كان غاضب وهو معمم ولم أعرف من يكون، انتهت الرؤيا.

وشكراً.

المرسلة: الزهراء - الكويت

پرسش ۶۲۲: بسم الله الرحمن الرحيم

سرور و مولایم، السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

مایلم تفسیر خوابی را بدانم که وقتی در مشهد مقدس بودم دیده‌ام: در ابتدا امام احمدالحسن (ع)  
 پرچمی در دستش داشت که روی آن نوشته شده بود «یا من لا یعبد احد سواه» (ای کسی که جز او کس

دیگری پرستش نمی‌شود). کنار او نیز چهار تن از انصار بودند که پرچم‌هایی که رویشان «یا لثارات الحسین» (ای خونخواهان حسین) نوشته شده بود حمل می‌کردند. از چهره‌ی این افراد یک نور بسیار قوی خارج می‌شد. پشت سر این‌ها، باقی انصار و همچنین زنان انصار بودند که آن‌ها نیز پرچم‌هایی که در داخلش «هو» نوشته بود حمل می‌کردند. ما راه می‌رفتیم و مردم اطراف‌مان، ما را تماشا می‌کردند تا این‌که به بیابان رسیدیم. یک مرد زشت‌رو که عمامه داشت و عصبانی بود ولی نمی‌دانم چه کسی بود، جلوی ما آمد. رؤیا تمام شد.  
با تشکر.

فرستنده: زهرا - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
أسأل الله أن يوفقك لكل خير، رؤياك واضحة بأنكم الأنصار تمثلون الحق وتشهدون  
للحق إن شاء الله، وتواجهون الدجال أخزاه الله، والذي يأتي باسم الدين ويلبس العمامة.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
از خداوند مسئلت دارم که شما را بر هر خیری موفق بگرداند! رؤیای شما واضح است؛ شما انصار،  
بیانگر حق هستید و بر حق گواهی می‌دهید ان شاء الله، و با دجال که خداوند خوارش کند، رویارو  
می‌شوید. او کسی است که به اسم دین می‌آید و عمامه به سر می‌کند.  
والسلام عليكم ورحمة الله و برکاته

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ.ق.





**پرسش ٦٢٣: رؤیای ابلیس که دست خود را در سینه شخصی فرو می کند.**

السؤال / ٦٢٣: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

سيدي ومولاي، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أنا من أنصاركم وتابعين لكم بفضل الله ورحمته. يا مولاي، أنتم نور الله في أرضه من أصلاب النور وكلامكم نور، أريد منكم كلاماً ليطمئن به قلبي ويضيء دربي إن شاء الله.

پرسش ٦٢٣: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سرور و مولایم! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

من به فضل و رحمت خداوند، جزو انصار و پیروان شما هستم. ای مولای من! شما نور خدا در زمینش هستید، از اصلاب نورید و سخنانتان نور است، از شما سخنی می خواهم که دلم به آن آرام گیرد و ان شاء الله دلم نورانی گردد.

سؤال الثاني: إني رأيت في عالم الرؤيا قبل أن أسلم بدعوتكم بأني كنت مستلقية على

سرير على جنبي اليمين، فجأة أحسست بأن إبليس (لعنه الله) واقف خلفي ولكن ما كان

باستطاعتي أن أراه، دخل يده في صدري من الخلف وأخرجها من الأمام بشكل كنت أحس

يده اللعين، كانت في يده ورقة يأمرني بأن أقرأ الورقة، كنت أرفض بشدة لكنه كان

يضغط عليّ بشدة و يأمرني مراراً وتكراراً، وكل مرة كنت أرفض أن أقرأ الورقة ثم بدأت

بقراءة آيات من القرآن الكريم، فجأة أخرج يده وذهب كل هذا وأنا لم أر وجهه، هل تفضلتم

عليّ بتفسير هذه الرؤيا؟

سؤال دوم: قبل از آن که تسلیم دعوت شما شوم، در عالم رؤیا دیدم که روی تخت به پهلوئی راستم

دراز کشیده بودم. ناگهان احساس کردم ابلیس که خدا لعنتش کند، پشت سرم ایستاده است ولی من

نمی توانستم او را ببینم. وی دستش را از پشت وارد سینه ام کرد و از جلو بیرون آورد، به طوری که دست

آن لعین را حس می کردم. در دستش برگه ای بود و به من دستور می داد که آن برگه را بخوانم. من

به شدت مخالفت کردم ولی او خیلی به من فشار آورد و چندین و چندبار به من دستور داد. هر دفعه من

قبول نمی‌کردم که برگه را بخوانم. سپس شروع به خواندن آیاتی از قرآن کریم کردم و ناگهان او دستش را بیرون آورد و رفت و با همه‌ی این‌ها من چهره‌اش را ندیدم. آیا لطف می‌کنید تفسیر این رؤیا را بیان نمایید؟

مولای، أسألكم الدعاء بثبات قلبي وذريتي على دين محمد وآل محمد كما ترضون.  
لو سمحتم أريد جواب من الإمام(ع).  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.  
اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

المرسلة: ناصرة آل محمد - الإمارات

سرورم! از شما برای ثابت ماندن قلبم و فرزندان بر دین محمد(ص) و آل محمد(ع) التماس دعا دارم، آن‌طور که شما به آن رضایت دارید. لطف کنید و جواب امام(ع) را به من بدهید.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.  
اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

فرستنده: ناصره آل محمد - امارات

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
أسأل الله أن يوفقك لكل خير، الرؤيا واضحة وهي أنّ إبليس أخزاه الله حاول إبعادك عن الحق ومنعك من اتباع الحق، ليس فقط بالوسوسة بل بواسطة جنده من الإنس أخزاهم الله الذين يحاولون إضلال الناس ويحاولون إبعادهم عن دعوة الحق بالشبهات والإشكالات الباطلة، ولكنك قرأت الحق وعلم الحق وهو العلم في هذه الدعوة ووصية رسول الله(ص) وقد أراك الله في الرؤيا أنه قرآن أي مثل القرآن بمعنى أنه هدى لك وحصن يحصنك من إبليس وجنده من الإنس والجن وشبهاتهم، وفقك الله وسدد خطاك.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ١٤٣٢ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
 از خداوند مسئلت دارم که شما را بر هر خیری موفق بگرداند! رؤیای شما واضح است؛ ابلیس - خداوند خوارش کند - سعی کرده است تو را از حق دور کند و از پیروی حق باز بدارد، نه فقط با وسوسه کردن بلکه از طریق لشکرش از انسان‌ها - خداوند خوارشان کند -؛ همان کسانی که به دنبال گمراه کردن مردم‌اند و می‌کوشند با القای شبهات و اشکالات باطل، آن‌ها را از دعوت حق دور کنند؛ ولی شما حق را و علم حق را خواندی و این همان علمی است که در این دعوت و وصیت پیامبر خدا موجود است. خداوند در رؤیا به شما نشان داد که او قرآن است یعنی نظیر قرآن، به این معنا که هدایتی برای شماست و دژی است که شما را از ابلیس و ارتش انس و جن او و از شبهات آن‌ها محافظت می‌نماید. خداوند شما را توفیق دهد و تسدید نماید!

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ.ق.



### پرسش ۶۲۴: رؤیای شخصی که بیمار است.

السؤال / ۶۲۴: السلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

الأستاذ الفاضل، لدي رؤيا ومحتاج لتفسير شافي جزاكم الله خير.

حلمت بأني مريض ولا أستطيع الكلام ولا التحرك، فبعدها أخذوني أصدقائي إلى الطبيب وعندما وصلت إلى مكان جلست بصالة الانتظار وانتظرت كثيراً، وبعدها قالوا: تفضل اصعد للطابق الثاني، وعندما صعدت وجدت الدكتور وهو أسمر الوجه ملتحي ولا بس دشداشة ولم تكن عيادة طبيب وإنما كانت صالة كبيرة ويوجد فيها مقام لأحد الصالحين

پرسش ۶۲۴: السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

استاد ارجمند، رؤیایی دارم و به تفسیری درست و قانع‌کننده نیاز دارم. خداوند به شما جزای خیر دهد!

خواب دیدم گویی بیمار هستم و نمی‌توانم حرف بزنم و تکان بخورم. بعد از آن دوستانم مرا نزد پزشک بردند و وقتی به آن‌جا رسیدم در سالن انتظار نشستم و خیلی منتظر شدم. سپس گفتند: بفرما برو به طبقه‌ی دوم. وقتی بالا رفتم دکتری را دیدم که چهره‌ای گندم‌گون داشت و ریش‌دار بود و دلداشه (لباس عربی) به تن کرده بود. آن‌جا درمانگاه نبود بلکه سالن بزرگی بود و یکی از صالحین در آن‌جا جایگاهی داشت.

وبعد دقائق خرج من المقام حصان أبيض فتفاجأت وسألت الطبيب، قال: هذا الحصان كان بالمقام، وبعدها قال الطبيب: سوف أضربك إبرة لكي تتكلم وتمشي وتتعافى من المرض، فأنا قلت: إني أخاف من الإبرة، فتبسم وقال: سوف أعطيك حبوباً، وأنا كنت لا أستطيع الكلام ولا المشي وبعدها تكلمت ومشيت وذهبت إلى البيت

چند دقیقه بعد یک اسب سفید از آن جایگاه بیرون آمد. من جا خوردم و از پزشک سؤال کردم. وی گفت: این اسب در این جایگاه قرار داشته است. سپس پزشک گفت: یک آمپول به شما می‌زنم تا بتوانی حرف بزنی و راه بروی و از مرض بهبودی پیدا کنی. گفتم: من از آمپول می‌ترسم. تبسمی کرد و گفت: به شما قرص خواهیم داد. من نه می‌توانستم سخنی بگویم و نه راه بروم و بعد از آن، حرف زدم و راه رفتم و به خانه عزیمت کردم.

وفي الطريق تذكرت أصدقائي فرجعت وقلت لهم: كم هي معاينة الطبيب؟ قالوا: خمسين كرونه، فتفاجأت؛ لأن المعروف هنا بالسويد أقل شيء خمسمائة، وبعدها ذهبت والحمد لله رب العالمين.

المرسل: حسين الموسوي - السويد

در راه به یاد دوستانم افتادم و برگشتم و به آن‌ها گفتم: معاینه پزشک چقدر شد؟ گفتند: پنجاه کرون. تعجب کردم چون در اینجا (سوئد) معروف است که حداقل پانصد کرون است و پس از آن رفتم. الحمد لله رب العالمين.

فرستنده: حسين موسوي - سوئد

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير، معنى أنك مريض أي مريض روحياً؛ أي أنك لم تكن على الهدى، وأصدقائك أخذوك للطبيب أي شخص عرّفك بدعوة الحق دعوة المهدي، والدواء هو العلم والمعرفة، والمستشفى أو المقام الذي رأيته هو موقع من مواقع الدعوة أو غرفة (البالتوك)، والحصان هو إنسان، ونتيجة الرؤيا أنك شفيت أي أنك إن شاء الله تهتدي إلى دعوة الحق وتنصر المهدي، وفقك الله وسدد خطاك.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! معنای این که شما بیمار هستی این است که به بیماری روحی دچار هستی، یعنی شما بر هدایت نبوده‌ای و دوستان شما را نزد پزشک یعنی کسی که شما را با دعوت حق یعنی دعوت مهدی (ع) آشنا کرده بود، برده‌اند. دارو نیز همان علم و معرفت است. بیمارستان یا جایگاهی که دیده‌ای نیز سایتی از جمله سایت‌های دعوت تالار گفت‌وگو (پالتاک) است. اسب نیز انسان است. نتیجه‌ی رؤیا که شما شفا یافته‌ای این است که شما ان شاء الله به دعوت حق هدایت می‌شوی و مهدی (ع) را نصرت می‌دهی. خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایتان را استوار سازد!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ ق.



پرسش ٦٢٥: رؤیای شخصی که عمامه‌اش را روی سرش می‌گذارد.

السؤال / ٦٢٥: بسم الله الرحمن الرحيم

وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله الطیبین الطاهرین.

پرسش ۶۲۵: بسم الله الرحمن الرحیم

و درود خدا بر برترین خلائق محمد(ص) و بر خاندان طیب و طاهر او.

فی یوم من الأيام صلیت قلیل من صلاة اللیل وقرأت سورة البقرة ودعوت بدعاء الإمام الحسن(ع)، ثم صلیت نافلة الفجر والصبح وذهبت للنوم وإذا بی أری فی منامی شخصاً یضع عمامته علی رأسه ویحوق رقبتہ، فسألته: أنت المهدی؟ فقال لی: نعم أنا المهدی

روزی از روزها کمی از نماز شب را خواندم و سوره‌ی بقره و دعای امام حسن(ع) را نیز خواندم، سپس نافله و نماز صبح را به‌جا آوردم و خوابیدم. در خواب شخصی را دیدم که عمامه‌اش را بر سرش می‌گذاشت که گردنش را می‌پوشاند. از او پرسیدم: آیا تو مهدی(ع) هستی؟ به من گفت: آری من مهدی(ع) هستم.

ثم قال لی، اشهد، فشهدت علی الفور، وتقدم فجلس أمامی وجلست وراءه أتلو سورة البقرة، وأثناء تلاوتی اشتبهت علی بعض الآیات فوقفتم عندها أکررها ولم اهتمد إليها إلى أن التفت إلي الإمام سلام الله علیه من جهة اليسار التفاتة قصيرة فاستحضرت الآیة، وهناك فقت من منامی، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

سپس گفت: شهادت بده. من نیز فوراً شهادت دادم. او جلو رفت و جلوی من نشست و من پشت سر او نشستم و سوره‌ی بقره را می‌خواندم. در حین تلاوت در مورد برخی آیات شک کردم و من آن‌جا توقف می‌کردم و آیه را تکرار کردم ولی درستش را نفهمیدم. تا این‌که امام(ع) کمی از سمت چپ به من التفات نمود و من آیه را به یاد آوردم. از خواب بیدار شدم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

وافونی بالتفسیر جازاکم الله عني خيراً، والصلاة والسلام علی نبینا نبی الرحمة وعلی آله الطیبین الطاهرین الأئمة والمهدیین.

لطفاً تفسیر را برایم بفرستید. خداوند از جانب من جزای خیر به شما دهد! و درود و سلام بر پیامبرمان، پیامبر رحمت و بر آل طیب و طاهر او، ائمه و مهدیین!

والسلام.

والسلام.

فرستنده: ابو عبدالجبار - مراکش

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير، أسأل الله لك خير الخير رضاه سبحانه والجنة، وأن يجنبك الله

شر الشر سخطه والنار.

خداوند در هر کار خیری توفیقت دهد! از خداوند سبحان برایت طلب بهترین خیر و بهشت می‌نمایم

و شرتترین شرها، خشم و آتش را از تو دور نماید.

معنى رؤياك أنك تهتدي إلى الحق بفضل الله عليك وتكون من أنصار المهدي إن شاء

الله، وأما الآيات من سورة البقرة التي اشتبهت عليك فهي آية الكرسي، وأسأل الله أن

يوفقك ويسدد خطاك.

معنای رؤیای شما این است که به فضل خداوند بر تو، شما به حق هدایت می‌شوی و از انصار

مهدی (ع) می‌گردی ان شاء الله؛ اما آن آیات سوره‌ی بقره که در مورد آن‌ها شک داشتی، آیت‌الکرسی

بوده است. از خداوند مسئلت دارم که شما را موفق بدارد و گام‌هایت را استوار سازد!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ.ق.



**پرسش ۶۲۶: رؤیای شخصی که پدرش و انصار روی سفره غذا سید(ع) می‌نشینند.**

السؤال / ۶۲۶: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

سيدي ومولاي يمانى آل محمد، السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

پرسش ۶۲۶: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

سرور و مولایم یمانی آل محمد(ع)! السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

قبل أشهر انتقل إلى رحمة الله الوالد (رحمه الله)، وهو على فراش الموت طرحت عليه الدعوة المباركة وكانت حالته سيئة جداً لكنه رغم ذلك كان يستمع لي ويقول: هذا هو الحق، هذا هو الحق، والحمد لله آمن بدعوة الحق واغتسل غسل التوبة، وبعد يومين انتقل إلى رحمة الله، وبعد وفاته أصبحنا نراه في عالم الرؤيا كثيراً، منها: رأيت أننا جالسین على سفرة طعام السيد أحمد(ع) والوالد ومجموعة من الأنصار، سأل الوالد الإمام أحمد(ع) سؤالاً فقال السيد(ع): العياذ بالله ليس كما فهمت بل أوحى ربك إلى الجبل فقال له اكتب كذا وكذا، فقال الوالد: سيدنا، أنت جبل الله وأنا جبل علي ابن أبي طالب، فضحك الأنصار وقال الوالد: سيدنا، تتصور جبل علي بن أبي طالب بيننا وأنا لا أنصره، والله هذا لن يكون، وكان يقصد السيد أحمد(ع) بجبل علي(ع).

چند ماه پیش پدرم(رحمه الله) به رحمت ایزدی پیوست. وقتی او در حال احتضار بود من دعوت مبارک را بر او مطرح نمودم و او هرچند حال بسیار بدی داشت ولی به من گوش می‌کرد و می‌گفت: این همان حق است، این همان حق است. شکر خدا او به دعوت حق ایمان آورد و غسل توبه نمود. پس از دو روز به رحمت ایزدی پیوست. پس از وفاتش در عالم رؤیا زیاد او را می‌دیدم. از جمله: دیدم بر سفره‌ی غذای سید احمد(ع) نشسته‌ام و پدرم و چند تن از انصار هم هستند. پدرم از امام احمد(ع) سؤالی پرسید. سید(ع) گفت: پناه بر خدا! آن‌گونه که شما فهمیدی نیست بلکه پروردگار تو به کوه (جبل) وحی فرمود و به او گفت چنین و چنان بنویس. پدرم گفت: آقای ما! تو کوه خدا هستی و من کوه



علی بن ابی طالب (ع). انصار خندیدند و پدرم گفت: آقای ما! گمان می کنی کوه علی بن ابی طالب (ع) بین ما باشد و من او را یاری نرسانم، به خدا سوگند هرگز چنین نخواهد بود؛ و منظورش تشبیه سید احمد (ع) به کوه علی (ع) بود.

ممکن تفسر لنا الرؤيا حفظكم الله وجعلنا من خدامكم وأنصاركم بحق محمد وآل محمد؟

آیا امکان دارد این رؤیا را برای ما تفسیر بفرمایید؟ خداوند شما را حفظ فرماید و ما را از خادمان و یاری گران شما قرار دهد به حق محمد (ص) و آل محمد (ع).

وفي رؤيا أخرى رأيت كأنني أزور قبر الوالد ولكن قبر الوالد كأنه مزار ومقام الناس تزوره، وكانت امرأة تكتب طلبها وترميه على القبر وفي نفسي أقول إن استجابة الطلب هذا بفضل الإمام أحمد (ع)، وكان عمي بجانب القبر يبكي ويقول: آني اشلون بيه. وكان خايف من الموت.

در رؤیایی دیگر، خواب دیدم که گویی من قبر پدرم را زیارت می کنم و قبر ایشان گویی مقام و زیارت گاهی است که مردم آن را زیارت می کنند. یک زن نیز بود که حاجتش را می نوشت و آن را بر روی قبر می انداخت. با خودم گفتم: مستجاب شدن این حاجت به فضل و برکت امام احمد (ع) است. عمویم کنار قبر بود؛ گریه می کرد و می گفت: وضع من چگونه می شود؛ درحالی که او از مرگ می ترسید.

معذرة إلى ولي الله أطلنا عليكم تفضل علينا وتصدق علينا بالدعاء والمغفرة جزاك الله خير الجزاء، وحشرنا معكم بحق محمد وآل بيته الطيبين الطاهرين الأئمة والمهديين.

از ولی خدا معذرت می خواهیم که مطلب را بر شما طول دادیم. لطفاً بر ما لطف کن و با دعا و مغفرت ما را صدقه بده؛ خداوند شما را برترین پاداش عطا نماید و به حق محمد و آل بیت طیب و طاهر او، ائمه و مهدیین (ع) ما را با شما محشور فرماید.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

فرستنده: هلال السویفی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير، والحمد لله الذي منَّ على أبيك بنعمة الإيمان وتوفاه وختم له على خير، والرؤيا هي مبشرة لكم إن شاء الله بأنه في خير وإلى خير بفضل الله وبفضل إيمانه بالحق وبالمهدي، والحمد لله رب العالمين.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند و سپاس خدایی را که به نعمت ایمان بر پدرت منت گذاشت و او را میراند و عاقبتش را ختم به خیر نمود. ان شاء الله این رؤیا بشارتی برای شماست به این که او به گرم خدا و به لطف گرویدن او (پدرت) به حق و مهدی(ع)، در خیر و به سوی خیر است، و الحمد لله رب العالمین.

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ.ق.



## پرسش ٦٢٧: رؤیای استمتاع از یک بانو

السؤال / ٦٢٧: سيدي، رأيت في المنام أني استمتع بأخت أحد من السادة المعروفين وكان السيد واقف معنا، ما تفسيرك لما حدث أرجو من الإمام اليماني أن يفسر الحلم. وفقك الله.

المرسل: مصطفى

پرسش ٦٢٧: سرورم! در خواب دیدم که از خواهر یکی از سادات معروف کامجویی می کردم و آن سید با ما ایستاده بود. تفسیر شما بر این رویداد چیست؟ از امام یمانی تقاضا می کنم خواب را تفسیر کند. خداوند شما را توفیق دهد!

فرستنده: مصطفی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم  
والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
وفقك الله لخير الآخرة والدنيا، هذه الرؤيا تأويلها أنك تنتفع منفعة مادية من جهة هذا السيد.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم  
والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.  
خداوند شما را بر خير آخرت و دنيا موفق بدارد! تأويل اين رؤيا آن است كه شما از طرف اين سيد، به يك منفعت مادي می رسی.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ.ق.



**پرسش ۶۲۸: رؤیایی که تکرار می‌شد؛ شخصی که می‌گفت: من احمد الحسن هستم**

السؤال / ۶۲۸: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

بعد متابعتي لبرنامج كلمة سواء مع الأستاذ عبد العال والأخ أبو زينب وأنا أرى شخصاً في منامي بعدة طرق وبنفس الوجه، وهو يقول لي: أنا الإمام أحمد الحسن، وأنا لا أصدقه؛ لأنني لا أعرف وجهه، فماذا أفعل بالله عليكم؟

المرسل: أبو عمر الكردي - العراق

پرسش ۶۲۸: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

پس از این که برنامه‌ی «کلمه‌ی سواء» را با استاد عبدالعال و برادر ابو زینب دنبال کردم، در خواب شخصی را به روش‌های مختلف ولی با چهره‌ی یکسان دیدم که او به من می‌گفت: من امام احمد الحسن هستم. من حرفش را باور نمی‌کردم زیرا صورتش را نمی‌شناختم. شما را به خدا چه کنم؟  
فرستنده: ابو عمر الکردي - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
وفقك الله، هذه الرؤيا من رحمة الله بك، وهي ضوء هداية لمع لك فالمفروض بك أن تتقدم خطوة إلى الحق الذي ظهر لك، ليتفضل الله عليك ويزيدك هدى، هو وليي وهو يتولى الصالحين.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند شما را توفیق دهد! این رؤیا رحمت الهی بر شما و نور هدایتی است که برای شما درخشیدن گرفته است. بر شما است که گامی به جلو به سمت حقی که برای شما آشکار شده است برداری تا خداوند بر شما تفضل کند و به هدایت بیفزاید. او یاور من است و او دوست شایستگان است. و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ ق.



### پرسش ۶۲۹: رؤیای بالارفتن از نردبان چوبی

السؤال / ۶۲۹: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ ❖ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ❖ مَا لِكِ يَوْمَ الدِّينِ ❖ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ❖ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ❖ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿﴿ صدق الله العلي العظيم.

پرسش ۶۲۹: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (به نام خدای بخشاینده‌ی مهربان \* ستایش خدا را که پروردگار جهانیان است \* آن بخشاینده‌ی مهربان \* آن فرمان‌روای روز جزا (روز دین) \* تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم \* ما را به راه راست هدایت فرما \* راه کسانی که ایشان را نعمت داده‌ای، نه خشم‌گرفتگان بر آن‌ها و نه گمراهان) صدق الله العلي العظيم. راست گفت خدای بلندمرتبه.

السلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

كان المنام قبل العلم بالدعوة اليمانية المباركة، علماً بأن كانت هناك خلافات بيني وبين زوجتي تقريباً يومياً.

السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

این خواب را قبل از آشنا شدن با دعوت مبارک یمانی دیدم و در ضمن متذکر می‌شوم که من تقریباً هر روز با همسرم مشاجره و اختلاف داشتم:

رأت زوجتي بالمنام بأنها تصعد السلم وكان السلم من خشب لونه بني وكان يكاد أن يسقط، وكنت أنا فوق قطعة أرض مسطحة في الفضاء وكل جسدي لا يظهر فيه شيئاً عدا يدي اليمنى وقدمي فقط من أسفلها، وكنت أناديها لتصعد فكانت مترددة تصعد أو تنزل، وكان ثيابها من الأعلى بلون الأسود وبالأسفلى أبيض، وتشهر بالحلم بأنها تريد أن تصعد ولكن هناك أصوات تظهر حواليتها تقول لها لا تذهبي أو لا تصعدي، وبعضهم يقول لا تسمعين كلامه وتصعدين.

در خواب همسرم را دیدم که از نرده‌بان بالا می‌رفت و نرده‌بان از جنس چوب بود و رنگ قهوه‌ای داشت، و نزدیک بود که به زمین بیفتد. من بالای یک تکه‌ی زمین مسطح در فضا بودم و هیچ‌جای بدنم پیدا نبود مگر دست راستم و فقط کف پاهایم. من زخم را ندا می‌دادم که برو بالا ولی او دودل بود که بالا برود یا پایین بیاید. لباس او از بالا به رنگ سیاه و از پایین سفید رنگ بود. در خواب مشخص بود که وی می‌خواست بالا برود ولی صداهایی از اطرافش می‌آمد که به او می‌گفت نرو یا بالا نرو. برخی از آن‌ها می‌گفتند به حرفش گوش نکن و برو بالا

وكانت تشعر بأن هناك أشخاص بجانبني، وكانت تشعر بأن هؤلاء الأشخاص تعرفهم جيداً وهم من النساء، وكلما كانت تصعد خطوة واحدة ترى الخطوة السابقة قد سقطت ولا يمكنها النزول، وكنت أنا أشجعها بأن تصعد.

همسرم این‌گونه احساس می‌کرد که افرادی کنار من هستند، و نیز این احساس را داشت که وی این افراد را که از زنان بودند، به خوبی می‌شناسد. هر وقت یک پله بالا می‌رفت، می‌دید که پله‌ی قبلی‌اش سقوط کرده است و نمی‌تواند پایین برود. من او را تشویق می‌کردم که بالا برود.

وعندما اقتربت بالوصول للأعلى كاد الدرج أن ينهار فرميت حبلاً لأمسكها بالحبل، علماً بأنني أردت أن اربط الحبل؛ لأنها تأخرت وكان هناك صوت امرأة واحدة صرخت فقالت لي: لا تربط الحبل بالسلم وتذهب لكي تصعد براحتها، ثم مسكت الحبل فصعدت الحبل قليلاً ثم أفقت من النوم.

وقتی نزدیک بود که به نوک برسد، نزدیک بود که پلکان فرو بریزد. من ریسمانی انداختم تا او را با طناب بگیرم، چون می‌خواستم با طناب بیندم زیرا او کارش طول کشیده بود. آن‌جا صدای یک زنی به گوش می‌رسید که فریادزنان به من گفت: طناب را به نرده‌بان نبند و برو شاید به آسانی بالا برود. سپس (همسرم) به طناب آویخت و کمی از طناب بالا آمد. پس از آن از خواب بیدار شدم.

ولك جزيل الشكر والاحترام وإن شاء الله يكون هذا الحلم خيراً، وأعوذ بالله من كلمة الأنا عني وعن زوجتي ومن شر النفس الأمارة بالسوء.

با تقديم تشكر و احترام فراوان به شما و ان شاء الله اين خواب خير باشد. از طرف خودم و از طرف زخم پناه می برم از کلمه ی من و از شر نفس امر کننده به بدی ها (اماره ی بالسوء).

وعليك السلام ورحمة الله وبركاته.

ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم.

المرسل: أحمد - الكويت

و عليكم السلام و رحمة الله و بركاته. و لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم.

فرستنده: احمد - كويت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفتكم الله لكل خير، هي رؤيا مبشرة لها من الله بأنك عرفت طريق الحق وأنها تتبعك بارتقاء السلم ومعرفة الحق، ولكن هناك شياطين من الإنس والجن تحاول منعها أثناء ارتقائها ومعرفتها الحق، أسأل الله لكم معرفة الحق وأن يزيدكم الله من فضله، وأن يصلح حالكم لما فيه خير الآخرة والدنيا، هو وليي وهو يتولى الصالحين.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! این خواب بشارتی از جانب خدا برای او است به این که شما راه حق را شناخته ای و او در بالا رفتن از نرده بان و معرفت حق، از شما پیروی می کند؛ ولی این جا شیطانی از انس و جن هستند که می خواهند وقتی او بالا می رود و به حق معرفت می یابد، وی را بازدارند. از خداوند برای شما معرفت یابی به حق را مسئلت دارم و این که به گرمش بر شما بیفزاید و حال شما را به آنچه که خیر آخرت و دنیا در آن است نکو گرداند. او یاور من است و او دوست شایستگان است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ ق.



### پرسش ۶۳۰: رؤیای چند عدد تخم مرغ

السؤال / ۶۳۰: السلام علیکم وعلی کل من اتبع الهدی.

پرسش ۶۳۰: سلام بر شما و سلام بر هر کس که از پی هدایت قدم نهد.

أما بعد .. فقد رأیت فی المنام أنه عندي فقاصة وبها الكثير الكثير من بیض الدجاج، وهناك بیضة واحدة ضخمة وكبيرة جداً قد وضعتها في أول رف في الفقاصة لوحدها وكنت أعلم - في الحلم - أن هذه البيضة أنا وضعتها منذ زمن بعيد فأصبحت تكبر حتى أصبحت بهذا الحجم الضخم.

اما بعد.... در خواب دیدم که یک ماشین جوجه‌کشی دارم و در آن تعداد بسیار بسیار زیادی تخم مرغ قرار دارد. تخم مرغ بسیار درشت و بزرگی بود و به تنهایی در ردیف اول ماشین قرار گرفته بود. در خواب می‌دانستم که این تخم مرغ را زمانی طولانی آن‌جا گذاشته‌ام و شروع به بزرگ شدن کرده بود تا به این اندازه‌ی بزرگ رسیده بود.

وأنا أنظر إليها وإذ هي تفسق ويخرج منها صوص منظره رائع وجميل وشبه لي كأنه صوص ديك وليس دجاجة، وأعجبتني جداً وأمسكته وصرت أدور به حول الفقاصة، وعندها أتاني شاب وقال لي: كل هذا التعب وهذا الجهد على صوص واحد؟

من به آن نگاه می‌کردم که شکست و از آن جوجه‌ای که صورتی زیبا و نیکو داشت خارج شد و شبیه من بود؛ گویی یک جوجه خروس بود و جوجه مرغ نبود. بسیار خوش‌حالم نمود؛ او را برداشتم و شروع



به گردش دور ماشین نمودم. جوانی به طرفم آمد و به من گفت: این تلاش و شادی برای فقط یک جوجه؟

استأت قليلاً وبعدها نظرت إلى الفقاسة وإذا جميع البيض يفقس وبدأت الصيوان مثل ما يقولون تنعف نعف داخل الفقاسة وبدأت تقفز وكلها نفس الشكل، لا أستطيع أن أحصي لها عدداً أعدادها كبيرة جداً فابتسمت وفرحت جداً وقلت للشاب: تعال وانظر إلى الصيوان.

کمی ایستادم و بعد به ماشین نگاه کردم و در این هنگام تمام تخم مرغها شکستند و تبدیل به جوجه‌هایی شدند که داخل ماشین شروع به حرکت و جست‌وخیز کردند و همه به یک شکل بودند. تعداد آنها را نمی‌توانستم بشمارم، بسیار زیاد بودند. بسیار خوشحال شدم و به جوان گفتم: بیا و به جوجه‌ها نگاه کن.

لا أعرف ما تفسيرها ! علماً بأني لا أملك فقاسة وليس عندي دجاج ولا صيوان، وإنما كان عندي دجاج وصيوان قبل سنوات.

نمی‌دانم تفسیر آن چیست! متذکر می‌شوم که من ماشین جوجه‌کشی ندارم و مرغ و جوجه نیز ندارم و فقط سال‌ها قبل مرغ و جوجه داشتم.

أرجو منكم إن كان تفسيرها سيئاً أن تكتبوا في الإجابة لا تخف واتق الله، وإن كان تفسيرها جيداً فاكتبه من بعد أمرك سيدي.

از شما تقاضا دارم که اگر تفسیر آن بد است در پاسخ‌ها بنویسید، نترس و تقوای خدا پیشه‌نما و اگر تفسیر آن خوب است بعد از اجازه‌ی شما مولاایم، آن را بنویسید.

وأرجو من الله أن يوفقنا وإياكم لما فيه الخير.

المرسل: خالد - البحرين

از خداوند مسألت دارم در آن‌چه خیر است، ما را توفیق دهد و هم‌چنین شما را نیز.

فرستنده: خالد - بحرین

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير، هذه الرؤيا هي مبشرة لك إن شاء الله، وأسأل الله لك حسن العاقبة وأن يهديك إلى الحق وإلى اتباع الحق، وأن يبارك فيك ويجعلك هادياً لغيرك من الناس إلى الحق، هو وليي وهو يتولى الصالحين.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! این رؤیا بشارتی است برای شما ان شاء الله. از خداوند برای شما حسن عاقبت را مسئلت دارم و این که شما را به حق و پیروی از حق هدایت فرماید و برکتان دهد و شما را هدایت‌گر دیگر انسان‌ها به سوی حق گرداند. او یاور من است و او دوست شایستگان است.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ ق.



### پرسش ۶۳۱: رؤیای تشعش نور از مسجد

السؤال / ۶۳۱: شقیقی حالياً من الأنصار رأى رؤيا قبل ۱۲ سنة كأنه في باب مسجد خرج منه نور فأضاء المسجد وخرج من منافذ المسجد النور، فاندھش وقال: ما هذا، وجاء له الرد: أنتم من آل يس، وبعد فترة تكرر المنام بصوت أن قلتك أنت وآية الشفاء، فما هو تعبير الرؤيا، علماً نحن منقطعین من جذر الرابع ما يقارب ۱۰۰ سنة عن عمومنا، فما هو تعبيرها أيدكم الله بنصره.

المرسل: علي العراقي - العراق

پرسش ٦٣١: برادر من که فعلاً از انصار است ١٢ سال پیش خواب دید؛ گویی وی جلوی درب مسجد بوده و نور از آنجا بیرون آمده و مسجد را روشن کرده است. نور از پنجره‌های مسجد خارج می‌شد. وی بسیار تعجب کرد و گفت: این چیست، در پاسخ او جواب آمد که: شما از آل یس هستید. چند وقت بعد این خواب به صورتی تکرار شد که گویی شما، آیه‌ی شفا هستی. تعبیر رؤیا چیست؟ یادآور می‌شوم ما از ریشه‌ی (جدّ) چهارم نزدیک به ١٠٠ سال پیش از هم‌بستگانمان جدا شده‌ایم. تعبیر آن چیست؟ خداوند شما را به نصرت خود تأیید فرماید!

فرستنده: علی عراقی - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
وفقكم الله لكل خير، وأسأل الله لكم خير الآخرة والدنيا، آل يس تنطبق في آخر الزمان على من ينصرون دعوة الحق؛ وهم أصحاب المهدي، أسأل الله لأخيك الخير وأن يوفقه للإخلاص وأن يجعله ممن يهدي بهم خلقه، هو وليي وهو يتولى الصالحين.  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! از خداوند برای شما خیر آخرت و دنیا را تقاضا دارم. آل یس در آخر الزمان بر کسانی که دعوت حق را یاری می‌کنند، منطبق می‌شود که اصحاب مهدی هستند. از خداوند برای برادر شما خیر مسئلت می‌نمایم و این که خدا او را بر اخلاص ورزی موفق بدارد و او را جزو کسانی قرار دهد که با آنها خلق را هدایت می‌نماید. او یاور من است و او دوست شایستگان است.  
و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ ق.



## پرسش ۶۳۲: رؤیای نماز خواندن با گروهی از مردم

السؤال / ۶۳۲: في المنام وكأني أصلي مع حشد من الناس ولكني وصلت ولم أجد مكاناً، فدفعت أحد الحاضرين ووقفت ثم زاحمني آخر، وبين الناس عمي وهو شيخ حوزوي وفجأة بدأ الشخص المكبر للإمام الصلاة لا يذكر أو يكبر لأعمال الصلاة وبدأ الناس يتخبطون وأنا أحاول أن أنبههم من خلال التكبير أثناء الصلاة لكي يصلوا صلاة صحيحة دون جدوى، وكان الصلاة قرب جسر والمكان أشبه بجسر مدينة السماوة، أفيدونا أثابكم الله.

پرسش ۶۳۲: در خواب دیدم گویی به همراه گروهی از مردم نماز می‌خواندم ولی هنگامی که رسیدم، جایی پیدا نکردم. من یکی از افراد حاضر را هل دادم و ایستادم. سپس یک نفر دیگر جایم را تنگ کرد. عمویم که یک شیخ حوزوی است بین مردم بود. ناگهان فرد مکبر نماز را برای امام شروع کرد بدون این که ذکر بگوید یا تکبیر اعمال نماز را بیان کند. مردم آشفته شدند. من سعی می‌کردم در داخل نماز به وسیله‌ی تکبیر آن‌ها را متوجه کنم تا درست نماز بخوانند ولی فایده‌ای نداشت. گویی نماز نزدیک یک پل بود و این مکان شبیه پل شهر سماوه است. لطفاً ما را مطلع گردانید، خداوند شما را پاداش دهد!

الموضوع الثاني: وأرجو الإجابة الصريحة عليه، وهو ما رأي السيد حفظه الله بسيد علي السيستاني ومحمد سعيد الحكيم وبشير الباكستاني وأحمد وعلي البغدادي هؤلاء حصراً؟

ودمتم للمذهب.

المرسل: أمير - العراق

موضوع دوم: خواهش می‌کنم پاسخ صریح و روشنی به آن بدهید. نظر سید که خداوند حفظش کند، به‌طور خاص درباره‌ی سید علی سیستانی، محمد سعید حکیم، بشیر پاکستانی، احمد و علی بغدادی چیست؟

برای مذهب، پاینده باشید.

فرستنده: امیر - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. وفقك الله، هذه الرؤيا صريحة وهي تبين لك حقيقة الصلاة الآن مع فقهاء آخر الزمان؛ وهي أن صلاتهم ليس فيها تكبير أو ذكر، أي أن صلاتهم باطلت ولا يقبلها الله؛ لأنهم ملتوون على خليفة الله، وكونك بدأت تنبهم فإن شاء الله يتفضل الله عليك ويهديك إلى الحق واتباع دعوة الحق وتكون من الدعاة إلى الحق.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. خداوند شما را توفیق دهد! این رؤیا صریح است و واقعیت نماز کنونی با فقهای آخرالزمان را به شما نشان می دهد؛ و این که در نماز آنها، چیزی از تکبیر و ذکر وجود ندارد، یعنی نمازشان باطل است و خداوند آن را قبول نمی کند زیرا آنها از خلیفه ی خدا روی برگردانده اند؛ این که شما شروع کردی به متوجه ساختن آنها به این معنا است که ان شاء الله خداوند بر شما تفضل می فرماید و شما را به حق و پیروی از دعوت حق، هدایت می کند و شما از دعوت کنندگان به سوی حق می شوی.

وأما من سألت عنهم فجميعهم مدعوون للإيمان بهذه الدعوة وهي دعوة الحق والملتوي عليها فهو من أهل النار كما قال الإمام الباقر(ع).

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

اما کسانی که شما درباره ی آنها سؤال کرده ای، همه ی این افراد فراخوان شده اند که به این دعوت که دعوت حق است ایمان بیاورند و همان طور که امام باقر(ع) فرموده است، «کسی که از آن روی برگرداند، اهل آتش است». و السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ ق.



## پرسش ۶۳۳: رؤیای امام علی (ع) که بر سر ضربه خورده

السؤال / ۶۳۳: رأيت في المنام أن الإمام علي(ع) مضروب على رأسه وعن يمينه ويساره الإمامان الحسن والحسين وهو ماسك رأسه وقال لي: إن هذا لا يهمني.

المرسال: سلام الإبراهيمي - العراق

پرسش ۶۳۳: در خواب دیدم که به سر امام علی (ع) ضربه خورده است. در سمت راست و چپ او امام حسن و امام حسین (ع) قرار داشتند. حضرت سرش را گرفته بود و به من گفت: چنین چیزی برایم مهم نیست.

فرستنده: سلام ابراهیمی - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهدين و سلم تسليماً.

إن شاء الله تكون رؤيتك خيراً لك وبياناً وتعريفاً لك بالحق، فالمراد في الرؤيا هو الإمام علي(ع) في هذا الزمان أي وصي الإمام المهدي أو المهدي الأول، ومضروب على رأسه أمر قد بينته في خطاب الحج قبل سنوات، ويمكنك مراجعة الخطاب واستماعه، وفقك الله لكل خير ولمعرفة الحق ونصرته.

ان شاء الله رؤیای تان برای شما خیر است و حق را برای شما تبیین و تعریف می نماید. در رؤیا مراد، امام علی در این زمان است، یعنی وصی امام مهدی یا مهدی اول. این که سر او ضربه دیده است، موضوعی است که من چند سال پیش در سخنرانی حج آن را بیان کرده ام. شما می توانید به سخنرانی مراجعه کنید و آن را گوش دهید. خداوند شما را بر هر خیری موفق بدارد و به شناخت حق و نصرت آن توفیق دهد!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ ق.



### پرسش ٦٣٤: رؤیای گروهی از مردم که سیاهپوش هستند

السؤال / ٦٣٤: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، والصلاة على المبعوث رحمة للعالمين رسول الله أبي القاسم محمد وعلى آله الطيبين الطاهرين.

پرسش ٦٣٤: بسم الله الرحمن الرحيم، و الحمد لله رب العالمين  
و الصلاة على المبعوث رحمة للعالمين رسول الله ابي القاسم محمد و على آله الطيبين الطاهرين.

منذ فترة رأيت في عالم الرؤيا بأني في مكان قد تجمع فيه رجال يرتدون السواد ومعهم نساء يرتدين الحجاب على أحسن ما يرى الإنسان المسلم، وبعدها حضر سيد مهيب ومعه حرمة وعليها من الهيبة والوقار ما يشد الناظر، فتكلم معنا السيد ثم قال: انظروا خلفكم، فإذا بطائرة سوداء مهيبه وكبيرة، وقال لنا السيد: اصعدوا، فصعدنا الطائرة، طارت الطائرة وأخذ السيد يشرح لنا مواصفات الطائرة، وبعد قليل اقتربت منا ثلاث طائرات عرفنا نحن الركاب أنها إسرائيلية

مدتها پیش در عالم رؤیا دیدم که من در جایی بودم که مردانی سیاهپوش در آنجا حضور داشتند و با آنها زنانی بودند که به بهترین وجهی که یک فرد مسلمان می تواند ببیند، حجاب داشتند. سپس یک سید با هیبت که اهل و عیالش نیز با او بودند آمد؛ او آن چنان هیبت و وقاری داشتند که نمی شد به او خیره شد. سید با ما صحبت کرد و سپس گفت: به پشت سر خود نگاه کنید. یک باره با یک هواپیمای سیاه بزرگ و ترسناک مواجه شدیم. سید به ما گفت: سوار شوید. ما سوار هواپیما شدیم. هواپیما پرواز کرد

و سید شروع کرد ویژگی‌های هواپیما را برای ما شرح دادن. کمی بعد سه هواپیما به ما نزدیک شد و ما مسافران فهمیدیم که آن‌ها اسرائیلی هستند.

فقال السيد: لا تخافوا لن تصيبنا إن شاء الله، بعدها أطلقت علينا الطائرات صواريخ لكن لم تصبنا، وبعدها اختفت الطائرات وهبطنا بمكان كأنه الجنة، عيون وينايع ومراع ومساكن، فإذا بإنسان يلقي لي كمية هائلة من الأسماك وقال لي: خذ هي لك، وبعدها ذهبت لمنزلي الذي عرفته لكن لا أعرف كيف طرقت الباب، فتح الباب ثم انتهت الرؤيا.

سید به ما گفت: نترسید، ان شاء الله به ما نمی‌خورند. این هواپیماها به ما موشک زدند ولی به ما نخورد. بعد هواپیماها ناپدید شدند و ما در جایی که انگار بهشت بود فرود آمدیم: چشمه‌سارها و جوی‌های پرآب و مراتع سرسبز و اقامت‌گاه‌ها. ناگهان کسی نزد من آمد و مقدار زیادی ماهی برایم ریخت و به من گفت: بگیر این‌ها برای شما است. سپس به خانها م که آن را می‌شناختم رفتم ولی نفهمیدم چطوری در زدم. در باز شد و خواب من به پایان رسید.

قد حدثت لي عدة حوادث غيبية جعلتني منزوي عن الناس شارد الفكر منتظر الفرج، آخر الأحداث كان في رمضان وبالتحديد أواخر الأيام حدث شيء هز كياني وقد أخبرت بعض المؤمنين في كربلاء عن ما حدث فعلمت منهم بأن الحادثة حدثت مع غيري كذلك، لذلك وبعد التوكل على الله والصلاة على رسول الله وآل بيته الطيبين الطاهرين نويت مراسلتكم، والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

یک سری حوادث غیبی برای من اتفاق افتاده است که باعث شده از مردم منزوی گردم و آشفته‌خاطر شوم و در انتظار فرج به سر ببرم. آخرین حادثه، چیزی بود که در ماه رمضان و به طور خاص در روزهای آخر این ماه برایم پیش آمد. چیزی اتفاق افتاد که همه‌ی وجودم را لرزاند. این حادثه را به اطلاع تعدادی از مؤمنین در کربلا رساندم، و از آن‌ها فهمیدم که این حادثه برای دیگران نیز اتفاق افتاده است. لذا پس از توکل بر خدا و درود فرستادن بر پیامبر خدا و بر اهل بیت طیب و طاهرش، نیت کردم که به شما نامه بنویسم. و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.



فهل تستطيعون أن تخبروني عن الحدث الأخير ليطمئن قلبي؟

المرسل: خلدون الباقر - السويد

آيا می توانید مرا از (تفسیر) رویداد اخیر مطلع کنید تا دلم آرام گیرد؟

فرستنده: خلدون باقر - سوئد

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

وفقك الله لكل خير، في هذه الرؤيا يبشرك الله بظهور الحق وظهور مهدي آل محمد، وهو يدعوك إلى الحق أسأل الله لك الالتحاق بدعوة الحق وأن تنصر الحق، والطائفة تمثل الفرج وهي إن شاء الله تصل إلى الهدف رغم محاولات أعداء الله أن يطفئوا نور الله ولكن الله سيتم نوره وهو أرحم الراحمين.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! این رؤیا بشارتی الهی برای شما در ظهور حق و ظهور مهدی آل محمد است. او شما را به حق فرا می خواند. از خداوند برای شما مسئلت دارم که به دعوت حق بیبوندی و حق را یاری دهی. هواپیما نماد فرج است و ان شاء الله هواپیما به مقصد می رسد. علی رغم وجود تلاش های دشمنان خدا که می کوشند نور خدا را خاموش کنند، خداوند نور خود را به کمال می رساند و او ارحم الراحمین است.

وأما طلبك لما يقهرك على إتباع الحق فهو غير صحيح وفقك الله، فالإيمان لا بد أن يكون فيه شيء من الغيب وقد قدم الله لك دليلاً غيبياً بالرؤيا، فعليك أن تتقدم خطوة إلى الحق ليزيدك الله من فضله ويمنّ عليك بما تطمئن به، ولا يمكن أن تلغى مساحة الغيب ابتداءً؛ لأن عندها يكون تصديقاً مادياً مئة بالمائة وهذا قهر على الإيمان، وهذا لا يفرق عن إيمان فرعون عندما جاءت المعجزة القاهرة ولم يقبل الله إيمانه.

اما این که درخواست چیزی کرده‌ای که شما را بر پیروی از حق ملزم و مجبور کند، این صحیح نیست، خداوند توفیق دهد؛ زیرا ایمان الزاماً باید با مقداری از غیب همراه باشد، و پیشتر خداوند با رؤیا یک دلیل غیبی به شما ارائه کرده است. شما باید گامی به سمت حق برداری تا خداوند به گرم خود بر شما بیفزاید و به آنچه که دلت به آن آرام می‌گیرد بر شما منت نهد. از همان ابتدا نمی‌شود امتحان غیبی منتفی گردد زیرا در این صورت پذیرفتن (ایمان) صد در صد مادی خواهد شد و این اجبار به ایمان آوردن است، و چنین چیزی تفاوتی با ایمان فرعون ندارد، آن‌گاه که معجزه‌ی قاهره آمد و خداوند ایمان او را نپذیرفت.

قال تعالى: ﴿وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْعُرْقُ قَالَ أَمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ \* آلآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ \* فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

خدای متعال می‌فرماید: (ما بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم. فرعون و لشکریانش به قصد ستم و تعدی به تعقیب‌شان پرداختند. چون فرعون غرق می‌شد، گفت: ایمان آوردم که هیچ خداوندی جز آن که بنی اسرائیل به آن ایمان آورده‌اند نیست، و من از تسلیم شدگانم \* آیا اکنون؟! در حالی که تو پیش از این عصیان می‌کردی و از مفسدان بودی! \* امروز جسم تو را به بلندی می‌افکنیم تا برای پس از تو عبرتی باشی، و حال آن که بسیاری از مردم از آیات ما غافلند)<sup>(۲)</sup>.

ويمكنك قراءة تفسير هذه الآيات في كتاب تفسير آية من سورة يونس، وهو منشور في موقع أنصار الإمام المهدي؛ لعل الله ينفعك بها، وفقك الله وسدد خطاك لما يرضيه سبحانه. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ۱۴۳۲ هـ

شما می‌توانی تفسیر این آیات را در کتاب «تفسیر آیه‌ای از سوره‌ی یونس» بخوانی. این کتاب در سایت انصار امام‌المهدی (ع) منتشر شده است، شاید خداوند شما را به آن بهره‌مند سازد. خداوند شما را توفیق دهد و گام‌هایت را به آنچه که مورد رضایت او است، استوار سازد!

۱- یونس: ۹۰-۹۲.

۱- یونس: ۹۰ تا ۹۲.

و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ ق.



### پرسش ٦٣٥: رؤیای همراه شدن با سيد احمد الحسن (ع)

السؤال / ٦٣٥: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صلّ على محمد وآل محمد وعجل فرجهم يا كريم.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته..

پرسش ٦٣٥: بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و عجل فرجهم يا كريم.

السلام عليكم و رحمة الله و بركاته....

كنت خائفة ومحتارة في أمر السيد أحمد الحسن (ع)، وعندما أرشدني وهدايتة من الله لي أن أصل إلى حقيقة الأمر وحقيقة الموضوع أحد من أنصاركم جعلني أتطلع إلى الأمر عندها كرهت الدنيا بما رحبت، وكانت لي علاقة كبيرة بين العلماء كنت أحب أن استمع إلى أقوالهم، وعندما عرفت حقيقة الأمر احتارت نفسي وضللت الطريق وأحسست أنني ضائعة في هذا الكون الفظيع، ولكن تمسكي بأهل البيت (ع) يوصلني إلى حقيقة الأمر، وعندها كانت نيتي أني أصوم بعد رمضان وأصلي صلاة الاستغاثة ولكني جاءني خوف كبير فجعلت أفكاري لا تتوقف وجعلت أفكر في أمر السيد وكنت خائفة بين نفسي لو كان أهلي يعلمون لقتلوني؛ لأنه عندهم إنني أتمرد على العلماء، وجعلت أفكاري تراوحي وكيف لي بأن أتزوج شخص وهو مع العلماء ولكن يعوق حركتي مع السيد، فاحتارت نفسي بكل الطرق ولم أكن أريد شيئاً سوى أن أصل إلى حقيقة الموضوع وأن تطمئن نفسي، وعندها نمت، ورأيت في الرؤيا بأني أهلي في جهة ورأيت السيد أحمد الحسن ولم أر وجهه ومعه جماعة كثيرة وكان مع أهلي ناس ما أعرفهم وما ميزتهم، وكنت في الوسط وكنت

خائفة خوفاً كبيراً بين أهلي وبين أن التحق بالسيد، وعندها من بعد الخوف رأيت الإمام المهدي (عجل الله فرجه) تكلم بكلام لم أتذكره حالياً غاب عن ذاكرتي فاطمأنت نفسي اطمئناناً كبيراً، وعرفت بأني على حق وذهبت مع السيد أحمد الحسن (ع)، وعندما ذهبت معهم تمنيت أن أهلي معي ولكن لم يكونوا معي وكنت خائفة عليهم ولكن اطمأنت نفسي عندما كنت مع أنصار السيد.

من در امر سید احمدالحسن (ع) ترسان و سرگردان بودم، و هنگامی که مرا ارشاد کرد و هدایتی از جانب خدا به من رسید، باعث شد که به حقیقت امر و واقعیت موضوع برسیم. یکی از انصار شما مرا بر این امر مطلع گردانید و آن‌گاه زمین با همه‌ی فراخی‌اش بر من تنگ شد. من ارتباط زیادی با علما داشتم و علاقه‌مند بودم که به سخنان آن‌ها گوش کنم. هنگامی که واقعیت امر را دریافتم، روحم سرگردان شد و راه را گم کردم و حس کردم که در این هستی نابکار، گم شده‌ام؛ ولی تمسک من به اهل بیت مرا به حقیقت رساند. در آن هنگام نیت کرده بودم که پس از رمضان روزه بگیرم و نماز استغاثه بخوانم ولی ترس بزرگی به سراغم آمد و افکار و اندیشه‌های من از حرکت بازایستاد. من در امر سید فکر می‌کردم و پیش خود می‌ترسیدم، چرا که اگر خانواده‌ام می‌دانستند، مرا می‌کشتند، زیرا آن‌ها این کار را سرپیچی از علما به حساب می‌آورند. افکارم در حرکت و چرخش بود که چطور با کسی که با علما است ازدواج کنم در حالی که حرکت من با سید را کند می‌سازد. من از نظر نفسانی همه‌جوره سرگردان بودم و چیزی هم نمی‌خواستم جز این که به حقیقت موضوع برسیم و دلم آرام گیرد. در آن حال خوابیدم و در رؤیا دیدم که گویی خانواده‌ام در یک طرف بودند و سید احمدالحسن را دیدم ولی چهره‌اش را ندیدم و همراه او عده‌ی زیادی بودند. با خانواده‌ام نیز افراد زیادی بودند که آن‌ها را نمی‌شناختم و از هم تشخیص نمی‌دادم. من در وسط قرار داشتم و بسیار می‌ترسیدم بین انتخاب میان خانواده‌ام و این که به سید ملحق شوم. پس از ترس، امام مهدی (ع) را دیدم که کلامی بر زبان راند که اکنون به یاد ندارم و از حافظه‌ام پاک شده است. من بسیار دل‌آرام شدم و دانستم که من بر حق هستم، و با سید احمدالحسن (ع) رهسپار شدم. هنگامی که با آن‌ها به راه افتادم، آرزو کردم که ای کاش خانواده‌ام با من بودند ولی آن‌ها با من نبودند و من از آن‌ها می‌ترسیدم اما وقتی با انصار سید همراه شدم، دلم آرامش و اطمینان یافت.

ملاحظة: علماً بأني لم أصوم ثلاثة أيام ولا صليت صلاة الاستغاثة بفاطمة الزهراء (عليها السلام).

تذکر: یادآور می‌شوم که من سه روز را روزه نگرفتم و نماز استغاثه به فاطمه زهرا (ع) را نیز به جا نیاوردم.

هل الآن أنا أصبحت من أنصاركم أو مواليكم مع الإمام المهدي (عجل الله فرجه)؟

آيا اکنون من از انصار و موالی شما و با امام مهدي (ع) هستم؟

أسأل الله أن يرزقني بعلاً من أنصار صاحب العصر والزمان وذرية صالحته تنصر الإمام المهدي (عجل الله فرجه) وأن يثبتني على الحق ما أحبيتي وأحي حياة محمد وآل محمد وأموت ممات محمد وآل محمد.

از خداوند مسئلت دارم که مرا شوهری از انصار صاحب عصر و زمان و نیز فرزندان شایسته که امام مهدي (ع) را یاری کنند، روزی ام گرداند و مرا بر حق ثابت بدارد مادام که زنده ام و بر زندگی محمد و آل محمد زندگی کنم و بر ممات محمد و آل محمد (ع) بمیرم.

نسأل الله الهداية أن نصل إلى حقيقة الموضوع ويثبتني مع أنصار الإمام المهدي (عجل الله فرجه)، نسألکم الدعاء أمانة، ودمتم برعاية بقية الله الأعظم الحجة بن الحسن المهدي المنتظر (عجل الله فرجه).

المرسله: حزن فاطمة - البحرين

از خداوند هدایت می طلبیم، که به حقیقت موضوع برسیم و مرا با انصار امام مهدي (ع) ثابت قدم بدارد. دعای امانت را از شما مسئلت دارم. همواره در پناه بقیه الله الاعظم حجت بن الحسن المهدي (ع) محفوظ باشید.

فرستنده: حزن فاطمه - بحرین

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليمًا. وفقك الله لكل خير، والحمد لله الذي منَّ عليك بهذه الرؤيا، ورزقك الإيمان بالحق واتباع الحق في زمن عز فيه من ينصرون الحق، أسأل الله أن يزيدك من فضله وأن يثبتك على الحق، هو وليي وهو يتولى الصالحين.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! سپاس خدایی را که با این رؤیا بر شما منت نهاد، و ایمان به حق و پیروی از حق را در زمانی که یاری‌گران حق اندک شمارند، روزی شما گردانید. از خداوند مسئلت دارم که از کرم خودش بر شما بیفزاید و شما را بر حق ثابت بدارد. او یاور من است و او دوست شایستگان است.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ ق.



### پرسش ۶۳۶: رؤیای سفره امام حسین (ع)

السؤال / ۶۳۶: بسم الله الرحمن الرحيم

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

أريد تفسير رؤياي سيدي وإن شاء الله خير: حلمت أنني أحضر سفرة الإمام الحسين (ع) وكان المكان مزدحم جداً من الناس ويوجد الكثير من المأكولات ومن بينها اللقيمات والرز واللحم المشوي والبطاطا والكثير الكثير، وعندما قدموا لي الأكل يدي لم تأخذ سوى لحمة مشوية، وكان أختي اتصلت بي لتسألني عن مكاني فقلت لها إنني بسفرة سيدي ومولاي أبا عبد الله، وبعدها جلست من نومي، والحمد لله رب العالمين.

فما هو تفسير رؤياي سيدي؟

تحياتي واحترامي لشخصكم.

پرسش ٦٣٦: بسم الله الرحمن الرحيم السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.  
 اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
 سرورم! تفسیر رؤیایم را تقاضا دارم و ان شاء الله که خیر است: خواب دیدم که من سر سفره‌ی امام حسین (ع) هستم و آن جا مکان بسیار شلوغی بود و مردم زیادی حضور داشتند. خوراکی‌های زیادی آن جا وجود داشت که لقیما (نوعی شیرینی عربی)، برنج، گوشت بریانی، سیب‌زمینی و خیلی چیزهای فراوان دیگر بود. وقتی خوراکی برایم آوردند، دستم فقط گوشت بریانی را گرفت و گویی خواهرم به من زنگ زد تا از جایم پرس‌وجو کند. به او گفتم: من سر سفره‌ی سرور و مولایم اباعبدالله (ع) هستم. پس از آن از خوابم بیدار شدم.  
 و الحمد لله رب العالمین.  
 سرورم! تفسیر رؤیایم چیست؟  
 با تقدیم تحیت و احترام به شخص شما.

فرستنده: عبیر - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
 الطعام هو العلم والمعرفة، وسفرة الإمام الحسين (ع) أي علم أهل البيت (ع) أي إنك تشاركين في نشر العلم الذي جاء به المهدي الأول، والحسين في هذا الزمان هو من يمثل الحسين (ع)، وهو المهدي الأول من آل محمد (ع). هنيئاً لك بهذه الرؤيا وأسأل الله لك الثبات على الحق.

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام/ ١٤٣٢ هـ

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
 غذا، همان علم و معرفت است و سفره‌ی امام حسین (ع) یعنی علم اهل بیت (ع)؛ یعنی شما در نشر علمی که مهدی اول آورده است شرکت می‌جویی. حسین (ع) در این زمان همان کسی است که نماد حسین (ع) است و او مهدی اول از آل محمد (ع) می‌باشد. این رؤیا بر شما گوارا باد! و از خداوند ثبات بر حق را برای شما مسئلت می‌نمایم.

و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

احمدالحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ ق.



### پرسش ۶۳۷: رؤیای زیارت اهل بیت (ع) و بلیت سفر و کعبه

السؤال / ۶۳۷: في الرؤيا .. كنت أريد أن أزور أهل البيت (ع)، دخلت زرت ضريح ما كنت أعرفه من هو، فسألت وأنا أطوف أحد الموجودين فقال لي: تزورين ولا تعرفين من هو؟! لا لا أعرف، فقال لي: هذا ضريح السيدة فاطمة الزهراء (عليها السلام)، زرت وأكملت الزيارة وخرجت خارجاً وكان لا يوجد سياج للصحن، وكانوا ناس لا بسين ملابس سود نساء ورجال يطبخون أكل للزوار، وقالوا لي: إذا كانت لديك طلب حاجة اطلبي حاجتك، وقمت أخوط الكدر وطلب حاجة، ما هو تفسيرها ولكم ألف تحية؟

پرسش ۶۳۷: در رؤیایا.... می‌خواستم اهل بیت (ع) را زیارت کنم. وارد شدم و ضريح کسی را که نمی‌دانستم کیست زیارت کردم. در حالی که طواف می‌کردم، از یکی از حاضران پرسیدم، او به من گفت: زیارت می‌کنی ولی او را نمی‌شناسی؟! نه نمی‌شناسم. به من گفت: این ضريح سیده فاطمه‌ی زهرا (ع) است. زیارت کردم و زیارت را تکمیل نمودم و از آن‌جا بیرون آمدم ولی صحن، حصار و دیوار نداشت و افرادی آن‌جا بودند که لباس‌های سیاه به تن داشتند و نیز مردانی بودند که برای زائرین غذا می‌پختند. آن‌ها به من گفتند: اگر حاجتی داری، حاجتت را بخواه. اندوهگین برخاستم و حاجتم را طلب کردم. تفسیر آن چیست؟ هزار درود بر شما!

في شهر رمضان هذه السنة أدت أعمال ليلة القدر المباركة في آخر ليلة القدر ليلة ۲۳، الرؤيا .. كأنه واقفة في مكان عام وكان كأنه يوجد مناسبة أو توزيع جوائز على الناس وسمعت صوت رجل لم أر وجهه نادى باسمي بصوت عال وقال لي بأنك فزت بتكت أو بطاقة سفر إلى بيت الله الحرام حجة وعمرة، وإلى هنا انتهت الرؤيا.

در ماه رمضان امسال اعمال شب مبارک قدر شب بیست و سوم را به جا آوردم. در رؤیایا.... گویی در یک مکان عمومی ایستاده بودم و گویی مناسبتی یا برنامه‌ی توزیع جوایز بین مردم برقرار بود. صدای



مردی که چهره‌اش را نمی‌دیدم، شنیدم که با صدای بلند مرا به اسمم صدا کرد و گفت: شما حواله یا بلیط سفر به حج و عمره‌ی بیت الله الحرام را برنده شده‌ای. تا این جا خواب تمام شد.

الرؤيا الثانية: في رمضان السنة التي مضت كآني واقفة في باب وأمامي ثلاثة درجات كأنه أريد أنزل أدخل إلى الكعبة الشريفة مع الناس التي كانت تطوف. وانتهت الرؤيا. وجزاك الله خيراً سيدي وحفظك.

المرسلة: بشرى - استراليا

رؤیای دوم: در رمضان امسال که گذشت، گویی من دم در ایستاده بودم و جلویم سه پله بود که انگار می‌خواستم پایین بروم و به همراه مردمی که طواف می‌کردند، وارد کعبه‌ی شریف شوم. رؤیا خاتمه یافت. سرورم! خداوند جزای خیر به شما دهد و شما را محافظت فرماید.

فرستنده: بشری - استراليا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً. وفقك الله لكل خير، رؤياك الأولى بزيارة فاطمة (عليها السلام) هي تعريف لك بأن ضريح فاطمة الزهراء (عليها السلام) قد كشف للناس وعُرف موضعه، وهذا أمر قد بينته قبل سنوات، وقد بينت مكان ضريح فاطمة الزهراء (عليها السلام)، وكونك زرت القبر إن شاء الله هو بشرى خير لك، وإن شاء الله توفيقين لنصرة الحق واتباع الحق الذي جاءت به هذه الدعوة وفقك الله.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! رؤیای اولی شما در خصوص زیارت فاطمه (ع)، این مطلب را به شما می‌شناساند که ضريح فاطمه‌ی زهرا(ع) برای مردم آشکار شده و موضع آن شناخته شده است. من این موضوع را چند سال قبل بیان نمودم و مکان ضريح فاطمه‌ی زهرا (ع) را مشخص ساختم. این که قبر را زیارت کرده‌ای، ان شاء الله بشارت خیری برای شما است و به خواست خدا شما به نصرت حق و پیروی از حقی که این دعوت آن را آورده است موفق می‌گردی. خداوند توفیقت دهد!

ورؤياك الثانية بأنك فزت ببطاقة سفر للحج تعني إن شاء الله بشري لك باتباع هذه الدعوة وهي دعوة الحق، فالحج هو اتباع خليفة الله في أرضه.

رؤياي دوم شما مبنی بر این که شما بلیط سفر حج برنده شدی، ان شاء الله بشارتی است برای شما در پیروی از این دعوت که همان دعوت حق است؛ چرا که حج یعنی پیروی از خلیفه‌ی خدا در زمینش.

وأما رؤياك أنك تريد دخول الكعبة فمعناها أنك تريد الإیمان بخليفة الله في أرضه فهو الكعبة الحقيقية كما بين الأئمة (ع)، وهو الآن الذي يدعوكم إلى الحق واتباع الحق، أسأل الله لكم اتباع الحق ونصرته والثبات على الحق. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ

اما رؤياي شما که در آن می‌خواستی وارد کعبه شوی، به این مفهوم است که شما می‌خواهید به خلیفه‌ی خدا در زمینش بگروی که او کعبه‌ی حقیقی است؛ و ائمه (ع) این مطلب را تبیین نموده‌اند. او اکنون همان کسی است که به حق و پیروی از حق شما را می‌خواند. از خداوند پیروی از حق و یاری رساندن آن و ثبات بر حق را برای شما مسئلت دارم. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ۱۴۳۲ هـ ق.



### پرسش ۶۳۸: رؤياي پیامبرانی در کویت

السؤال / ۶۳۸: السلام عليكم سيدي ومولاي الإمام أحمد الحسن.

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

رأيت يوم الخميس الموافق ۱۴ / ۱۰ / ۱۴۳۱ هـ — أني جالس ومعني أخوي وعمي وقلت لهم: إن أرض دولة الكويت لا يوجد فيها أنبياء، فضحكوا علي وقالوا: أغلب الأنبياء في دولة الكويت، ما تفسير ذلك؟

## مشكورين على تفضلكم سيدي ومولاي.

المرسل: عدنان - السعودية

پرسش ۶۳۸: سلام بر سرور و مولایم، امام احمد الحسن.  
 اللهم صل على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
 در روز پنجشنبه مصادف با ۱۴/۱۰/۱۴۳۱ دیدم که با برادر و عمویم نشستہ ام و به آن‌ها گفتم: در کشور کویت پیامبری وجود ندارد. آن‌ها به من خندیدند و گفتند: اغلب پیامبران در کویت هستند. تفسیر آن چیست؟  
 سرور و مولایم، از لطف شما متشکریم.

فرستنده: عدنان - عربستان سعودی

## الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
 معنى الرؤيا أن الكويت فيها من أنصار الإمام المهدي (ع)، وإن شاء الله يكون فيهم بعض أصحاب الإمام المهدي، والله ولي التوفيق، هو وليي وهو يتولى الصالحين.  
 والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

## پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
 معنای رؤیا این است که در کویت، انصار امام مهدی (ع) وجود دارد و ان شاء الله از بین آن‌ها برخی، اصحاب امام مهدی (ع) هستند.

«(خداوند دهنده‌ی توفیق است)». «(او یاور من است و او دوست شایستگان است)».

و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

احمد الحسن - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ ق.



## القسم الثاني: أجوبة أنصار الإمام المهدي (ع)

بخش دوم: پاسخ‌های انصار امام مهدی (ع)

**پرسش ۶۳۹: فرج چه هنگام است؟**

السؤال / ۶۳۹: بسم الله الاعظم

السلام عليكم .. السلام على السيد أحمد الحسن.

سؤالي هو: متى الفرج!!!؟

المرسل: حسين التميمي - العراق

پرسش ۶۳۹: بسم الله الاعظم

السلام عليكم... سلام بر سيد احمد الحسن.

سؤال من: فرج چه هنگام است؟!

فرستنده: حسين التميمي - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم .. الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

سؤالك هذا أخي أجاب عنه الإمام الصادق (ع) لمن سأله عن كثرة الشيعة، فقال الإمام (ع): (أما لو كملت العدة الموصوفة ثلاثمائة وبضعة عشر كان الذي تريدون...) (۱).

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم... الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً. و عليكم السلام و رحمة الله و بركاته.

برادرم، این سؤال شمارا امام صادق (ع) در پاسخ به کسی که از فراوان بودن شیعه سؤال کرده بود، جواب داده است. امام (ع) فرمود: (هنگامی که عده‌ی (یاران) تعیین شده یعنی سیصد و اندی نفر تکمیل شود، آن چه دوست دارید (فرج و ظهور) محقق خواهد شد...) (۱).

ويستطرد الإمام الصادق (ع) في بيان مواصفات شيعتهم الحق، ومنه نفهم أنّ الفرج الذي تنتظره البشرية هو باكتمال العدة والعدد الناصر، وهذا الاكتمال ليس اكمالاً مادياً حسب بل الأهم من الاكتمال المادي هو الاكتمال الروحي والمعرفي بمعنى أنّ عده أولئك العدد هي معرفتهم بالتوحيد والعمل به على وفق ما أراد الله سبحانه وبذلك تكون هذه الأمة التي هي علامة حصول الفرج هي من يحقق الغاية الإلهية من الخلق وهي أن يكون الإنسان صورة تعكس أخلاق ربه سبحانه، ومن أجل هذا الهدف العظيم كان بعث الأنبياء والمرسلين والأوصياء (ع).

والحمد لله وحده وحده وحده.

اللجنة العلمية - لأنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)

الأستاذ زكي الأنصاري - ٢٦ / ربيع الأول / ١٤٣١ هـ ق

امام صادق (ع) به بیان ویژگی‌های شیعیان حقیقی می‌پردازد و ما از آن درمی‌یابیم فرجی که بشریت منتظر آن است، با تکمیل عده و یاران محقق می‌گردد و این تکمیل شدن، فقط کامل شدن مادی نیست بلکه مهم‌تر از کامل شدن مادی، کامل شدن روحی و معرفتی است؛ به این معنا که آمادگی آن افراد همان معرفت و شناخت آن‌ها نسبت به توحید و عمل به آن طبق چیزی که خدای سبحان اراده فرموده است، می‌باشد. بر این اساس، امتی که علامت حاصل شدن فرج است، در واقع کسانی هستند که غایت الهی در خلق را تحقق می‌بخشند به این صورت که انسان تصویری باشد که اخلاق خدای سبحان را منعکس می‌گرداند؛ بعثت پیامبران، مرسلین و اوصیاء برای رسیدن به این هدف عظیم بوده است. و الحمد لله وحده وحده وحده.

هیأت علمی انصار امام مهدی (ع) - (خداوند در زمین تمکینش دهد)

استاد زکی الانصاری - ٢٦ / ربيع الاول / ١٤٣١ هـ ق.



## پرسش ۶۴۰: بنا بر چه دلیلی شما یمانی هستید؟

السؤال / ۶۴۰: سلام من الله العزيز الحكيم.

وبعد .. فقد كثر الحديث عن حضرتكم من فئة الشباب وقد وصل بهم التماذي على بعض من اعلام المذهب الذين هم من يفتوننا بما نعجز عن تأويله.

ولم أجد أي من العلماء أو الخطباء من أتى بذكركم، فأنا شاب في عصر العولمة وعصر الفتن أريد من الله أن ينجيني ويعصمني منها بمحمد وآل محمد، ولست بعالم حتى أذكر أحد على أحد.

ولكن من الأمور المعروفة أنه أول رقاب تقطف هي رقاب العلماء وليس جميعهم؛ لأنها لو خليت خربت، ولكن ما إثباتك على أنه أنت اليماني المهدي الذي ذكر في وصية الرسول محمد(ص)، وما هو إعجازك، وما أنت مقبل عليه؟  
والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: أحمد مهنا - الكويت

پرسش ۶۴۰: سلام من الله العزيز الحكيم.

و بعد... جوانان از حضرت عالی بسیار سخن می‌گویند و با گذشت زمان از برخی بزرگان مذهب کسانی که برای ما فتوا صادر می‌کنند چیزهایی بیان می‌دارند که ما از تفسیر و تاویل آن ناتوانیم. من عالم یا خطیبی که ذکری از شما بگویم، نمی‌یابم... من جوانی هستم که در عصر جهانی شدن و عصر فتنه‌ها زندگی می‌کنم و از خداوند می‌خواهم به محمد(ص) و آل محمد(ع) مرا از آن نجات دهد و حفظ کند؛ من عالم نیستم تا بتوانم کسی را بر کس دیگری تزکیه کنم و برتری دهم. ولی از جمله موارد معروفی که وجود دارد این است که اولین گردن‌هایی که قطع می‌شود، گردن علما است و البته نه همه‌ی آن‌ها. زیرا کسی که نپذیرد، فاسدمی‌شود. اما چه دلیلی برای اثبات این مطلب وجود دارد که تو همان یمانی مهدی هستی که در وصیت حضرت محمد(ص) ذکر شده است؟ و معجزه‌ی شما چیست؟ و رویکرد شما چگونه است؟  
و السلام عليكم و رحمة الله و برکاته.

فرستنده: احمد مهنا - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على بلائه وعلى عظيم نعمائه، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

ورد في رواية الوصية المقدسة ما يلي: (... يا أبا الحسن، أحضر صحيفة ودواة، فأملى رسول الله (ص) وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع، فقال: يا علي، إنه سيكون بعدي إثنا عشر إماماً ومن بعدهم إثنا عشر مهدياً، فأنت يا علي أول الإثني عشر إماماً... وساق الحديث إلى أن قال: وليسلمها الحسن (ع) إلى ابنه م ح م د المستحفظ من آل محمد (ع)، فذلك إثنا عشر إماماً، ثم يكون من بعده إثنا عشر مهدياً، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المهديين له ثلاثة أسامي اسم كاسمي واسم أبي وهو عبد الله وأحمد، والاسم الثالث المهدي، وهو أول المؤمنين<sup>(١)</sup>.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على بلائه و على عظيم نعمائه و صل الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

در روایت مقدس چنین آمده است: «... یا ابوالحسن صحیفه و دواتی حاضر کن. و پیامبر خدا (ص) وصیتش را املا فرمود تا به این جا رسید که فرمود: یا علی پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آنها دوازده مهدی (ع) هستند، یا علی تو نخستین دوازده امام هستی...» و سپس حدیث را ادامه می دهد تا آن جا که فرمود: و حسن (ع) آن را به فرزندش، محمد، مستحفظ از آل محمد (ع) تسلیم کند و ایشان دوازده امام می باشند و سپس دوازده مهدی (ع) بعد از او می باشد. پس اگر وقت وفاتش رسید، خلافت را به فرزندش نخستین مهديين تسليم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورنده گان می باشد<sup>(٢)</sup>.

أحمد إذن هو ابن الإمام المهدي (ع) وهو وصيه وهو أول المؤمنين به، وكونه أول المؤمنين به يقتضي أن يكون موجوداً في زمن الظهور، وإيمانه بالإمام المهدي يسبق الأصحاب الـ ٣١٣.

بنابراین احمد همان پسر امام مهدی (ع) و وصی او و اولین ایمان آورنده گان به او است. این که احمد اولین ایمان آورنده به او است مستلزم آن است که وی در زمان ظهور، حضورش موجود و ایمان او به امام مهدی (ع) قبل از ایمان ٣١٣ اصحاب او باشد.

١- غيبة الطوسي: ص ١٥٠.

٢- غيبة طوسي: ص ١٥٠.

وعن الإمام الباقر(ع)، قال: (خروج السفیانی والیمانی والخراسانی فی سنة واحدة، فی شهر واحد، فی یوم واحد؛ نظام کنظام الخرز یتبع بعضه بعضاً، فیکون البأس من کل وجه، ویل لمن ناوهم، ولیس فی الرايات رایة أهدى من رایة الیمانی، هی رایة هدی؛ لأنه یدعو إلی صاحبکم. فإذا خرج الیمانی حرم بیع السلاح علی الناس، وکل مسلم، وإذا خرج الیمانی فانهض إلیه، فإن رایته رایة هدی، ولا یحل لمسلم أن یتوی علیه، فمن فعل ذلك فهو من أهل النار؛ لأنه یدعو إلی الحق، وإلی طریق مستقیم)<sup>(۱)</sup>.

از امام باقر(ع) نقل شده است که فرمود: «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود؛ درست مانند دانه‌های تسبیح یکی پس از دیگری خواهند آمد. به هر سو که بنگری ترس و وحشت و اضطراب خواهد بود. وای به حال کسی که با آن‌ها درافتد. پرچمی از پرچم یمانی هدایت‌یافته‌تر نیست. پرچم هدایت، همان است زیرا او مردم را به صاحب‌تان دعوت می‌کند. هنگامی که یمانی خروج کرد، فروختن سلاح بر مردم و بر هر مسلمانی حرام می‌شود. هنگامی که یمانی خروج کرد به سوی او به‌پاخیز چرا که پرچم او پرچم هدایت است و روی‌گردانی از آن برای مسلمان، جایز نیست. هر کس که چنین کند از اهل آتش است چرا که یمانی به حق فرامی‌خواند و به‌راه مستقیم دعوت می‌کند»<sup>(۲)</sup>.

### تأمل ما یلی:

(لا یحل لمسلم أن یتوی علیه فمن فعل ذلك فهو من أهل النار): وهذا یعنی أنّ الیمانی صاحب ولایة إلهیة، فلا یکون شخص حجة علی الناس بحیث إنّ إعراضهم عنه یدخلهم جهنم وإن صلوا وصاموا إلا إذا کان من خلفاء الله فی أرضه وهم أصحاب الولاية الإلهیة من الأنبیاء والمرسلین والأئمة والمهدیین.

در این مطلب تأمل کن:

«روی‌گردانی از آن برای مسلمان، جایز نیست. هر کس که چنین کند از اهل آتش است». این به معنی آن است که یمانی، صاحب ولایت الهی است. نمی‌شود شخصی بر مردم حجت باشد به گونه‌ای که روی‌گردانی آن‌ها از او، ایشان را به جهنم وارد کند حتی اگر نماز بخوانند و روزه بگیرند، مگر این که آن شخص از جانشینان خدا بر زمینش باشد؛ اینها اصحاب ولایت الهی از انبیاء و فرستادگان و ائمه و مهدیین(ع) می‌باشند.

۱- غیبة النعمانی: ص ۲۶۲، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۳۲، معجم أحادیث الإمام المهدی(ع): ج ۳ ص ۲۵۵.

۲- غیبة نعمانی: ص ۲۶۲؛ بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۳۲؛ معجم أحادیث الامام مهدی(ع): ج ۳ ص ۲۵۵.



فَعَن أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)، قَالَ: (إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَعَذِّبَ أُمَّةً دَانَتْ بِإِمَامٍ لَيْسَ مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ فِي أَعْمَالِهَا بَرَةً تَقِيَّةً، وَإِنَّ اللَّهَ لَيْسْتَحْيِي أَنْ يَعَذِّبَ أُمَّةً دَانَتْ بِإِمَامٍ مِنَ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ فِي أَعْمَالِهَا ظَالِمَةً مَسِيئَةً)<sup>(١)</sup>. وروايات أخرى في نفس الصفحة من الكافي.

از ابو عبدالله امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «خداوند شرم ندارد عذاب کند امتی را که به امامی گرویده‌اند که از جانب خدا نیست، حتی اگر کارهای آنها نیکو و پاکیزه باشد، و خداوند شرم دارد عذاب کند امتی را که به امامی گرویده‌اند که از جانب خدا است، حتی اگر کارهای آنها ستم‌گرانه و گنه‌کارانه باشد»<sup>(٢)</sup> در همان صفحه از کتاب کافی روایات دیگری در همین معنا وجود دارد.

**فطالما كانت معصية اليماني توجب النار إذن هو إمام عادل من الله تعالى.**

مادام که نافرمانی نسبت به یمانی، آتش را به دنبال داشته‌باشد، یعنی او امامی عادل از جانب خداوند متعال است.

(لأنه يدعو إلى الحق وإلى طريق مستقيم): والدعوة إلى الحق والطريق المستقيم أو الصراط المستقيم تعني أن هذا الشخص لا يخطأ فيدخل الناس في باطل أو يخرجهم من حق، أي إنه معصوم منصوص العصمة، وبهذا المعنى يصبح لهذا القيد أو الحد فائدة في تحديد شخصية اليماني، أما افتراض أي معنى آخر لهذا الكلام (يدعو إلى الحق وإلى طريق مستقيم) فإنه يجعل هذا الكلام منهم بلا فائدة فلا يكون قيداً ولا حداً لشخصية اليماني وحاشاهم من ذلك.

«زیرا او به حق فرامی‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند». فراخواندن به حق و راه مستقیم یا صراط مستقیم، به این معنا است که از این شخص خطا و اشتباهی سر نمی‌زند تا با آن مردم را به باطل درآورد یا از حق خارج گرداند؛ یعنی وی معصوم و بر عصمت او نص وارد شده‌است؛ و به این معنا، این قید یا محدودیت، در مشخص شدن شخصیت یمانی قابل قبول است. در نظر گرفتن هر معنای دیگری برای این سخن «او به حق فرامی‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند»، این کلام را بی‌فایده می‌کند زیرا در این صورت، برای شخصیت یمانی، حد و قیدی باقی نمی‌ماند و این از ساحت آنها به دور است!

١- الكافي: ج ١ ص ٣٧٦.

٢- كافي: ج ١ ص ٣٧٦.

ويؤكد هذا ما ورد في القرآن الكريم: ﴿قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ \* يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾<sup>(۱)</sup>.

آیات قرآن بر این معنا تاکید ورزیده‌اند: (گفتند: ای قوم ما، ما کتابی شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، کتاب‌های پیشین را تصدیق می‌کند و به حق و راه راست راه می‌نماید\* ای قوم ما، این دعوت‌کننده به خدا را پاسخ گوید و به او ایمان بیاورید تا خدا گناهان‌تان را بیامرزد و شمارا از عذابی دردآور در امان دارد)<sup>(۲)</sup>.

والآن تبين لنا أنّ اليماني حجة منصوص العصمة، والحجج تعرفنا بهم رواية الوصية آنفة الذكر وهم الأئمة الإثنا عشر والمهديون الإثنا عشر، واليماني ممدد للإمام المهدي، فيتعين كونه ولده أحمد، وثمة براهين أخرى على هذه الحقيقة تجدها في كتب الأنصار حفظهم الله.

اکنون بر ما روشن شد که یمانی حجتی است که عصمت او منصوص می‌باشد (دارای نص می‌باشد)، و حجت‌ها به وسیله‌ی روایت وصیت که پیشتر ذکر شد، به‌ما معرفی و شناسانده می‌شوند که آن‌ها دوازده امام و دوازده مهدی هستند، و یمانی زمینه‌ساز امام مهدی (ع) است. این مطلب که وی فرزندش، احمد است و نیز برخی دلایل دیگر بر این حقیقت را می‌توانی در کتاب‌های انصار\_ خداوند حفظشان کند\_ بیابی.

ولكي تطمئن إلى أنّ السيد أحمد الحسن (ع) هو اليماني وهو وصي الإمام المهدي ورسوله، تأمل هذه الرواية:

برای این که مطمئن شوی که سید احمد الحسن (ع) همان یمانی و همان وصی و فرستاده‌ی امام مهدی (ع) است، به این روایت دقت کن:

عن محمد بن الفضل، عن الرضا (ع): (في حديث طويل أنه حضر في البصرة في مجلس عظيم فيه جماعة من العلماء وفيه جاثليق النصارى ورأس الجالوت، فالتفت الرضا (ع) إلى الجاثليق وقال: هل دل الإنجيل على نبوة محمد (ص). قال: لو دل الإنجيل على ذلك لما جحدناه، فقال (ع): أخبرني عن السكتة التي لكم في السفر الثالث. فقال الجاثليق: اسم من أسماء الله لا يجوز لنا أن نظهره. قال الرضا (ع): فإن أقررتك أنه اسم محمد ... (وبعد أن ذكر الإمام (ع) ما جاء في

۱- الاحقاف: ۳۰-۳۱.

۲- احقاف: ۳۰ و ۳۱.

الإنجيل والتوراة من ذكر للرسول(ص))، قالوا - أي الجاثليق ورأس الجالوت-: والله لقد أتى بما لا يمكننا رده ولا دفعه إلا بجحود الإنجيل والتوراة والزبور، وقد بشر به موسى وعيسى عليهما السلام جميعاً، ولكن لم يتقرر عندنا بالصحة أنه محمد هذا، فأما اسمه محمد فلا يصح لنا أن نقر لكم بنبوته ونحن شاكون أنه محمدكم. فقال الرضا(ع): احتججتكم بالشك، فهل بعث الله من قبل أو من بعد، من آدم إلى يومنا هذا نبياً اسمه محمد؟ فأحجموا عن جوابه... الخ<sup>(١)</sup>.

محمد بن فضل از امام رضا(ع) در حدیثی طولانی روایت کرده است که: «حضرت(ع) در بصره در مجلس بزرگی از علما که در میان آنها جاثلیق انصاری و راس جالوت بودند، حاضر شد. امام رضا(ع) رو به جاثلیق کردند و فرمود: آیا انجیل بر نبوت محمد(ص) دلالتی نیاورده است؟ جاثلیق گفت: اگر دلالت می آورد ما منکر آن نمی شدیم. حضرت فرمود: از السکته در سفر سوم که شما می دانی مرا خبرده. جاثلیق گفت: نامی از نامهای خدا می باشد و برای ما جایز نیست آنرا آشکار کنیم. امام رضا(ع) فرمود: اگر از شما اقرار گرفتیم که این، نام محمد است... و پس از آن که امام(ع) آن چه را که در انجیل و تورات درباره ی حضرت رسول(ص) آمده بیان نمود، آن دو یعنی جاثلیق و راس جالوت گفتند: به خدا سوگند او چیزهایی بر ما عرضه کرد که امکان رد کردن یا پاسخ دادن به آن وجود نداشت مگر با انکار و رد انجیل و تورات و زبور، موسی و عیسی(ع) همگی به او اقرار کردند ولی ما نمی توانیم به صحت آن اقرار کنیم که این محمد شما همان محمد مذکور در کتابها است؛ ما نمی توانیم این گونه اقرار کنیم و شک داریم که این محمد شما همان محمد است.» حضرت فرمودند: با شک و تردید بر من احتجاج کردید. آیا خداوند از قبل یا بعد، از آدم(ع) تا این لحظه پیامبری را مبعوث کرده است که نامش محمد باشد؟ پس در پاسخ در ماندند... الخ<sup>(٢)</sup>.

### وجه الاستدلال بهذه الرواية:

الإمام الرضا(ع) يحتج على جاثليق النصارى ورأس الجالوت اليهودي بأن نبوة الرسول الكريم محمد(ص) ثابتة، ودليله إلى إثباتها أن اسمه الشريف قد ورد في كتبهم، ويذكر لهم المواضع التي ذكر فيها اسمه(ص)، والقوم يقرون له بأن ورود نبي اسمه محمد يأتي في آخر الزمان أمر لا يسعهم إنكاره إلا بجحود الإنجيل والتوراة والزبور. ولكنهم مع إقرارهم هذا يشكون في أن يكون المقصود هو نبي الإسلام(ص)، أي إنهم يقبلون المفهوم ولكنهم يشكون في المصدق، فهم يقولون إنهم لا يسعهم الإقرار بنبوته محمد رسول الله(ص) لمجرد أن اسمه محمد.

١- بحار الأنوار: ج ٤٩ ص ٧٥.

٢- بحار الانوار: ج ٤٩ ص ٧٥.

وجه استدلال به این روایت:

امام رضا(ع) بر جاثلیق نصاری و راس جالوت یهودی بر این که نبوت پیامبر اکرم حضرت محمد(ص) ثابت شده است محاجه می‌کند و دلیل آن حضرت(ع) بر اثباتش این است که نام شریف پیامبر در کتاب‌های خود آن‌ها آمده است و حضرت جاهایی که اسم پیامبر(ص) در آن آمده است را برای آن‌ها بیان می‌دارد. آن‌ها نیز نزد حضرت اقرار می‌کنند که درج پیامبری به اسم محمد که در آخر الزمان می‌آید، موضوعی است که قادر به انکار آن نیستند مگر این که انجیل، تورات و زبور را رد کنند. لیکن آن‌ها با وجود چنین اقرار و اعترافی، در این که مقصود، همان پیامبر اسلام(ص) است شک و تردید رومی دارند؛ یعنی آن‌ها مفهوم را می‌پذیرند ولی در مصداق، شک و گمان می‌ورزند؛ آن‌ها می‌گویند نمی‌توانند صرفاً به این دلیل که اسم پیامبر خدا حضرت محمد(ص)، «محمد» است، به او اقرار کنند.

وهنا يجيبهم الإمام الرضا(ع) بقوله: (احتجتم بالشك)، أي إنكم لا تملكون حجة إيجابية، وإنما حجتكم هي حجة سلبية، ثم يقطع عليهم هذه الحجة السلبية بقوله: (فهل بعث الله من قبل أو من بعد، من آدم إلى يومنا هذا نبياً اسمه محمد؟)، فيحجمون عن جوابه وتنقطع شكوكهم الواهية.

در اینجا امام رضا(ع) با عبارت «با شک و تردید بر من احتجاج کردید» پاسخ آن‌ها را می‌دهد، یعنی شما دلیل ایجابی ندارید و دلیل شما صرفاً سلبی است. سپس همین دلیل سلبی را نیز بر ایشان بی‌اثر می‌سازد، با این سخن خود که فرمود: «آیا خداوند از قبل یا بعد، از آدم(ع) تا این لحظه، پیامبری را مبعوث کرده است که نامش محمد باشد؟» و آن‌ها از جواب درمی‌مانند و شبهات واهی‌شان نقش بر آب می‌شود.

الإمام الرضا(ع) بعبارة أخرى يقول لهم استقرأوا التاريخ من زمن آدم(ع) إلى يومكم هذا، هل تجدون فيه رجلاً اسمه محمد ادعى أنه مبعوث من الله تعالى، فإذا لم تجدوا - ولن تجدوا - فلا محيص لكم من الإقرار بأن نبينا(ص) هو النبي المقصود الذي ذكرته كتبكم.

امام رضا(ع) به عبارتی دیگر به آن‌ها می‌گوید تاریخ را از زمان آدم(ع) تا امروز بررسی کنید؛ آیا در آن مردی به اسم محمد می‌یابید که ادعا کرده باشد از جانب خدای متعال مبعوث شده است؟ پس اگر نیافتید و قطعاً نمی‌یابید - چاره‌ای ندارید جز این که اقرار کنید پیامبر ما(ص) همان پیامبر مقصود است که در کتاب‌های شما ذکر او به میان آمده است.

وبطبيعة الحال لا بد أن نتذكر دوماً أنّ ذكر رسول الله في كتب الأديان الإلهية السابقة كان على سبيل النص عليه والوصية به، فنحن يزاء احتجاج بالوصية على نبوة الرسول محمد، وطريق الإثبات على صدق المدعي وأنه هو المعني، هو استقراء التاريخ الذي يشهد بعدم وجود مدع للوصية سوى صاحبها. وليس هذا حسب، بل يمكننا إضافة بُعد مهم آخر لاستدلال الإمام الرضا(ع)، وهو ما نتوضحه بعد أن نعلم أنّ احتجاج الإمام الرضا(ع) كامل وصحيح لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه، فهو احتجاج رجل لا ينطق عن الهوى إن هو إلا وحي يوحى.

طبيعياً ما باید همواره این نکته را متذکر شویم که آمدن نام رسول خدا در کتب ادیان الهی سابق، بر سبیل نص بر آن حضرت و وصیت نمودن به او بوده است. ما به ازای احتجاج به وصیت بر پیامبری حضرت محمد(ص) و روش اثبات برای درستی ادعاکننده که همان هدف مورد نظر است، تکیه بر تاریخ است که شهادت می دهد به غیر از صاحب وصیت مدعی دیگری وجود ندارد. به علاوه می توانیم بُعد مهم دیگری به استدلال امام رضا(ع) اضافه کنیم؛ موردی که به روشنی از آن درمی یابیم، زیرا می دانیم احتجاج امام رضا(ع) کامل و صحیح و به گونه ای است که نه از پیش روی و نه از پشت سر، باطل به آن راه ندارد؛ چرا که این احتجاج از آن مردی است که سخن از روی هوا نمی گوید و آنچه می گوید جز وحی که (از مبدأ اعلی) به او القاء می شود، نیست.

إذا علمنا هذا، نتساءل الآن: ماذا لو أنّ الجاثليق ورأس الجالوت أجابا الإمام الرضا(ع) قائلين: نعم، لم يسبق لأحد أن ادعى أنه المعني بما ورد في كتبنا، ولكن هذا لا يمنع أن يأتي شخص في قابل الأيام ليُدعي ذلك.

حال که این مطلب را دانستیم، این پرسش را مطرح می کنیم که: اگر جاثلیق و راس جالوت در پاسخ به امام رضا(ع) می گفتند: «آری»، سابقه ندارد کسی ادعا کرده باشد که او همان شخص ذکر شده در کتاب های ما باشد، ولی این مانع نمی شود که شخصی در روزگار بعدی بتواند آن را ادعا کند.

أقول: هل كان مثل هذا الجواب المفترض يسقط استدلال الرضا(ع)؟

من می گویم: آیا این پاسخ احتمالی، استدلال امام رضا(ع) را بی اثر و بی نتیجه می کرد؟

قلنا فيما تقدم أنّ احتجاج الإمام الرضا(ع) كامل وصحيح، ولا يشك بهذا إلا جاهل بحقيقة الإمام الرضا(ع)، وبحقيقة الإمامة.

پیشتر گفتیم که احتجاج امام رضا(ع) کامل و صحیح است و در این قضیه کسی شک روانمی‌دارد مگر آن که به حقیقت امام رضا(ع) و به حقیقت امامت جاهل باشد.

ومن منطلق هذا الإيمان بصحة احتجاج الإمام(ع) يمكننا أن نتصور فهماً لاحتجاجه، هو أنه(ع) يريد أن يقرر حقيقة هي أنّ الوصية لا يمكن أن يدعيها غير صاحبها أبداً، وبهذا التصور نعلم أنّ الجواب المفترض لا يشكل نقضاً على استدلال الإمام الرضا(ع)، بل إنه لن يشكل في الحقيقة سوى استمرار لمنطق الشك الفارغ غير المستند على حجة حقيقية إيجابية.

از چنین دیدگاهی که اعتقاد تام به درستی احتجاج امام رضا(ع) دارد، می‌توانیم درکی از احتجاج آن حضرت به دست آوریم به این صورت که حضرت می‌خواسته‌است این حقیقت را بیان نماید که وصیت را فقط و فقط صاحب آن می‌تواند ادعا کند و نه کس دیگر؛ و بر اساس این انگاره، می‌دانیم که جواب احتمالی (فوق) استدلال امام رضا(ع) را نقض نمی‌کند بلکه در واقع چیزی نیست جز ادامه‌ی منطق تردید بی‌پایه و غیرمستند بر دلیل حقیقی‌ایجابی.

والحق أنّ العقول السليمة تدرك الضرورة المحتممة من حفظ وصايا الأنبياء، بل النص الإلهي عليهم من تلاعب المزورين ومدعي الباطل، إذ أنّ افتراض إمكانية أن ينتحل مزور وصايا الأنبياء والحجج أو النص الإلهي عليهم سيفتح الباب على مصراعيه لدخول الشك واستفحاله في العقول والقلوب، فلا يسع إنسان بعد تحقق افتراض الانتحال الباطل أن يطمئن أبداً لمن يدعي أنه نبي أو وصي، وستسقط الحجة الأولى والأقوى التي يحتجون بها، وهذا خلاف الفرض.

أبو محمد الأنصاري - ٢٠١٠ / ٤ / ٥ م

واقعیت آن است که عقل‌های سلیم ضرورت قطعی حفظ وصایای پیامبران را درک می‌کند، و حتی نص الهی وارد بر آنها، باید از دست‌کاری جاعلان و مدعیان دروغین محفوظ بماند؛ زیرا فرض وجودداشتن این امکان که جاعل اوصیای انبیاء و حجت‌ها یا نص الهی بر آنها بتواند خود را جا بزند، دروازه‌ی ورود شک و خطر آن در عقل‌ها و قلب‌ها را به‌طور کامل بازمی‌کند و آن‌گاه پس از تحقق فرض جعل هویت دروغین— انسان هرگز نمی‌تواند به کسی که مدعی شده‌است من نبی یا وصی هستم اطمینان یابد و به این ترتیب آن حجت نخستین و مستحکم‌تر که به آن احتجاج می‌جویند ساقط می‌شود، و این خلاف فرض است.

ابومحمد انصاری - ٢٠١٠ / ٤ / ٥ م



### پرسش ٦٤١: آیا پیامبر (ص) غیب می داند؟

السؤال / ٦٤١: هل الرسول عليه الصلاة والسلام يعلم الغيب؟

المرسل: أبو عبد العزيز - الكويت

پرسش ٦٤١: آیا پیامبر (ص) غیب می داند؟

فرستنده: ابو عبد العزيز - كويت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

ورد في صحيح مسلم ج ٨ ص ١٧٢:

("وحدثني" يعقوب بن إبراهيم الدورقي وحجاج بن الشاعر جميعاً، عن أبي عاصم، قال حجاج، حدثنا أبو عاصم، أخبرنا عزرة بن ثابت، أخبرنا علباء بن أحمر، حدثني أبو زيد (يعني عمرو بن أخطب)، قال: صلى بنا رسول الله (صلى الله عليه وسلم) الفجر وصعد المنبر، فخطبنا حتى حضرت الظهر، فنزل فصلى ثم صعد المنبر فخطبنا حتى حضرت العصر، ثم نزل فصلى، ثم صعد المنبر فخطبنا حتى غربت الشمس فأخبرنا بما كان وبما هو كائن فأعلمنا أحفظنا). انتهى

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

در صحيح مسلم، ج ٨، ص ١٧٢ آمده است:

ابوزيد (يعني عمر بن خطاب) می گوید: پیامبر (ص) با ما نماز صبح خواند و بعد به منبر رفت و خطبه خواند تا وقت ظهر شد. از منبر به زیر آمد و نماز خواند سپس به منبر رفت و برای ما خطبه خواند تا زمان عصر فرارسید. سپس پایین آمد و نماز خواند. سپس به بالای منبر رفت و برای ما خطبه خواند تا خورشید غروب کرد. او خبر داد به ما آن چه را که اتفاق افتاده است و آن چه را که اتفاق خواهد افتاد، پس داناترین ما حافظترین ما است... تا انتها.



"وحدثنا" عثمان بن أبي شيبة وإسحاق بن إبراهيم، قال عثمان: حدثنا وقال إسحاق: أخبرنا جرير، عن الأعمش، عن شقيق، عن حذيفة، قال: قام فينا رسول الله (صلى الله عليه وسلم) مقاماً ما ترك شيئاً يكون في مقامه ذلك إلى قيام الساعة إلا حدث به، حفظه من حفظه ونسيه من نسيه، قد علمه أصحابي هؤلاء وأنه ليكون منه الشيء، قد نسيته فأراه فاذكره كما يذكر الرجل وجه الرجل إذا غاب عنه ثم إذا رآه عرفه).

حذیفه گفته‌است: پیامبر (ص) در میان ما به‌پا خواست و از آن‌چه که تا روز قیامت اتفاق خواهد افتاد خبر داد. بعضی آن‌را حفظ کردند و به‌خاطر سپردند و برخی آن‌را فراموش نمودند. گروهی از اصحاب ما آن‌را دانستند و چیزهایی از آن‌را فراموش کردم. اما اگر آن‌را ببینم به‌یاد می‌آورم، همان‌طور که مردی چهره‌ی مرد دیگری را که از او دور شده‌باشد، وقتی ببیند، به‌یاد می‌آورد و می‌شناسد.

ولكن هذا لا يخرج عن قوله تعالى: ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ۖ إِلَّا مَن ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ﴾<sup>(۱)</sup>، فعلمه بالغيب بإظهار من الله له.

اللجنة العلمية/ أنصار الإمام المهدي  
أبو محمد الأنصاري - ١٥/ شوال/ ١٤٣١ هـ

ولی این مطلب آن‌را از حدود سخن خداوند متعال خارج نمی‌گرداند: (او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی‌سازد، مگر بر آن پیامبری که از او خوشنود باشد)<sup>(۲)</sup>، و علم او از غیب، به‌وسیله‌ی آشکارسازی خداوند از برای او می‌باشد.

هیأت علمی انصار امام مهدی (ع)  
ابومحمد انصاری - ٥/ شوال/ ١٤٣١ هـ. ق



۱- الجن: ۲۶- ۲۷.

۲- جن: ۲۶ و ۲۷.



## پرسش ۶۴۲: نظر شما در مورد صحابه و ازدواج موقت و عزای امام حسین (ع) چیست؟

السؤال / ۶۴۲:

۱- ما قولکم فی الصحابة الذين رضي الله عنهم وانتقل الرسول صلى الله عليه وسلم إلى الرفيق الأعلى وهو راض عنهم (أبو بكر وعمر وعثمان وعلي رضي الله عنهم)؟

پرسش ۶۴۲:

۱- نظر شما درباره‌ی این صحابه «ابوبکر، عمر، عثمان و علی (ع)» چیست؟ کسانی که خداوند از آن‌ها راضی گشت و پیامبر در حالی به رفیق اعلی منتقل شد که از آن‌ها راضی بود.

۲- ما حکم المتعة التي اتخذتها الشيعة ذريعة للتوصل إلى انتهاك أعراض الناس؟

۲- حکم متعه که شیعه آن را دستاویزی برای دریدن پرده‌ی ناموس مردم قرار داده‌اند، چیست؟

۳- ما حکم إسالة الدماء في عاشوراء وفي الشريعة الإسلامية، معلوم أن الحزن غير مرغوب فيه؟

۳- حکم خون ریختن در عاشورا و در شریعت اسلامی چیست؟ با توجه به این که واضح است که این نوع حزن پسندیده نیست.

۴- سيدنا الحسن وسيدنا الحسين إخوان ولدا علي رضي الله عنه وابنا فاطمة الزهراء رضي الله عنها، ولكل منهما موقف عظيم، سيدنا الحسن وخذ الله به الأمة الإسلامية وجمع الله به جماعة المسلمين وأصلح بين فئتيهم، وسيدنا الحسين رضي الله عنه موقفه كذلك عظيم ومعروف، فلماذا تتجدد الأحزان لموقفه وينسى أمر سيدنا الحسن وهو أراه أولى بالاحتفال به رضي الله عنه؟

۴- سید ما حسن و سید ما حسین (ع)، هر دو برادر و فرزندان علی (ع) و پسران فاطمه‌ی زهرا (ع) هستند و هریک از این دو موضع‌گیری سترگی دارند. خداوند به وسیله‌ی سید ما حسن (ع) امت اسلامی را وحدت بخشید و خدا با او جماعت مسلمین را گردآورد و بین جماعات آن‌ها آشتی برقرار کرد. موضع‌گیری سید ما حسین (ع) نیز عظیم و شایسته است ولی چرا برای موضع‌گیری او، مرتب حزن و اندوه می‌شود و امر سید ما حسن (ع) فراموش می‌گردد؟ و حال آن که به نظر من این کار وی شایسته‌ی برپایی جشن و شادمانی است.

۵- لماذا لا تكون وصيتك للشيعة أن يتوحدوا في صلاة في مسجد واحد المسلمون كلهم سنة وشيعة؟

المرسل: صقر البراري

۵- چرا به شیعیان سفارش نمی‌کنی که در نماز در مسجد مسلمانان که همگی سنی و شیعه هستند

یک پارچه حضور یابند؟

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم .. الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

۱- الصحابة المرضي عنهم والموصوفون بالإيمان نترضى عليهم، ولكن علينا أن نحقق في كل صحابي هل هو ممن رضي الله عنهم ومن المؤمنين، ولعل أحاديث الحوض التي رواها البخاري وغيره سبباً كافياً لجعلنا نقلق من هذه الجهة، وإليك بعضها:

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.  
۱- آن دسته از صحابی مرضی عنه که به ایمان موصوف‌اند، مورد تایید ما نیز هستند ولی ما باید در مورد تک تک اصحاب تحقیق کنیم و بینیم آیا او از جمله کسانی است که خدا و مؤمنین از او راضی و خوشنودند. شاید احادیث حوض که بخاری و دیگران روایت کرده‌اند، دلیلی کافی بر این باشد که ما در این خصوص نگران باشیم. برخی از آن‌ها را به شما ارائه می‌کنم:

ورد في صحيح البخاري - البخاري ١٤٠١ - ١٩٨١ م دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - طبعة بالأوفست عن طبعة دار الطباعة العامة بإستانبول ج ٥ ص ١٩١ - ١٩٢:

(باب/ و كنت عليهم شهيداً ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت أنت الرقيب عليهم وأنت على كل شيء شهيد: حدثنا أبو الوليد، حدثنا شعبة، أخبرنا المغيرة بن النعمان، قال: سمعت سعيد بن جبیر، عن ابن عباس رضي الله تعالى عنهما، قال: خطب رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: يا أيها الناس، إنكم محشورون إلى الله حفاة عراة غرلاً، ثم قال: كما بدأنا أول خلق نعيده وعداً علينا إنا كنا فاعلين، إلى آخر الآية، ثم قال: ألا وأنّ أول الخلائق يكسى يوم القيامة إبراهيم، ألا وأنه يجاء برجال من أمّتي فيؤخذ بهم ذات الشمال فأقول يا رب أصحّابي فيقال إنك لا تدري ما أحدثوا بعدك، فأقول كما قال العبد الصالح و كنت عليهم شهيداً ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت أنت الرقيب عليهم، فيقال: إنّ هؤلاء لم يزالوا مرتدين على أعقابهم منذ فارقتهم).

در صحيح بخاری (بخاری ١٤٠١ / ١٩٨١ م، انتشارات دار الفكر چاپ استانبول جلد ٥ صفحه ١٩١ و ١٩٢) آمده است:

باب: (و كنت عليهم شهيداً ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت أنت الرقيب عليهم و انت على كل شيء شهيد): پیامبر خدا(ص) خطبه‌ای خواند و فرمود: «ای مردم، همانا شما پابرهنه و عریان و ختنه‌نشدۀ در قیامت در پیشگاه خدا حاضر می‌شوید. سپس فرمود (این آیه را تلاوت نمود): «(و چنان که نخستین بار بیافریدیم، آفرینش از سرگیریم. این وعده‌ای است که برآوردنش بر عهده‌ی ما است و ما چنان خواهیم کرد)

... تا آخر آیه... سپس فرمود: «نخستین کسی که روز قیامت پوشانده می شود ابراهیم (ع) است. بدانید به زودی مردانی از امتم آورده می شوند که آن هارا به طرف جهنم می برند. من می گویم خدایا اصحابم. در جوابم گفته می شود: تو نمی دانی آنان بعد از تو چه بدعت هایی ایجاد کردند. در این هنگام من سخنی را می گویم که بنده ی صالح خدا (عیسی (ع)) گفت: «(و من تا در میان شان بودم نگهبان عقیده شان بودم و چون مرا میرانیدی تو خود نگهبان عقیده شان گشتی)». و خطاب می شود: آن ها بعد از تو همواره به اعقاب خود یعنی زمان جاهلی برمی گشتند.

وفي صحيح البخاري ج ٥ ص ١٩٢: (باب/ قوله إن تعذبهم فإنهم عبادك وإن تغفر لهم فإنك أنت العزيز الحكيم: حدثنا محمد بن كثير، حدثنا سفيان، حدثنا المغيرة ابن النعمان، قال: حدثني سعيد بن جبير، عن ابن عباس، عن النبي صلى الله عليه وسلم، قال: إنكم محشورون، وإن ناساً يؤخذ بهم ذات الشمال فأقول كما قال العبد الصالح وكنت عليهم شهيداً ما دمت فيهم إلى قوله العزيز الحكيم).

در صحیح بخاری ج ۵ ص ۱۹۲ آمده است: باب: آیه «إن تعذبهم فإنهم عبادك و إن تغفر لهم فإنك أنت العزيز الحكيم»: پیامبر (ص) فرمود: «شما محشور می شوید و عده ای را به طرف شمال (یعنی جهنم) می برند. من سخنی را می گویم که بنده ی صالح خدا (عیسی (ع)) گفت: و كنت عليهم...».

وفي صحيح البخاري - البخاري ج ٥ ص ٢٤٠: (باب/ كما بدأنا أول خلق نعيده وعداً علينا: حدثنا سليمان بن حرب، حدثنا شعبة، عن المغيرة بن النعمان شيخ من النخع، عن سعيد بن جبير، عن ابن عباس رضي الله عنهما، قال: خطب النبي صلى الله عليه وسلم فقال: إنكم محشورون إلى الله حفاة عراة غرلاً كما بدأنا أول خلق نعيده وعداً علينا إنا كنا فاعلين، ثم إن أول من يكسى يوم القيامة إبراهيم، ألا أنه يجاء برجال من أمتي فيؤخذ بهم ذات الشمال، فأقول: يا رب، أصحابي، فيقال: لا تدري ما أحدثوا بعدك، فأقول كما قال العبد الصالح: وكنت عليهم شهيداً ما دمت إلى قوله شهيد، فيقال: إن هؤلاء لم يزالوا مرتدين على أعقابهم منذ فارقتهم).

در صحیح بخاری ج ۵ ص ۲۴۰ آمده است: باب: «كما بدأنا اول خلق نعيده وعداً علينا»: پیامبر (ص) خطبه ای خواند و فرمود: «همانا شما پابرهنه و عربان و ختنه نشده در قیامت در پیشگاه خدا حاضر می شوید. سپس فرمود (این آیه را تلاوت نمود): «(و چنان که نخستین بار بیافریدیم، آفرینش از سر گیریم. این وعده ای است که بر آوردنش بر عهده ی ما است و ما چنان خواهیم کرد)... تا آخر آیه... سپس فرمود: «نخستین کسی

که روز قیامت پوشانده می‌شود ابراهیم (ع) است. بدانید به‌زودی مردانی از امتم آورده می‌شوند که آن‌ها را به طرف جهنم می‌برند. من می‌گویم خدایا اصحابم. در جوابم گفته می‌شود: تو نمی‌دانی آنان بعد از تو چه بدعت‌هایی ایجاد کردند. در این هنگام من سخنی را می‌گویم که بنده‌ی صالح خدا (عیسی (ع)) گفت: «(و من تا در میانشان بودم نگهبان عقیده‌شان بودم و چون مرا میرانیدی تو خود نگهبان عقیده‌شان گشتی)». و خطاب می‌شود: آن‌ها بعد از تو همواره به اعقاب خود یعنی زمان جاهلی برمی‌گشتند».

وفي صحيح البخاري - البخاري ج ٧ ص ٢٠٦: (باب/ في الحوض وقول الله تعالى إنا أعطيناك الكوثر: وقال عبد الله بن زيد: قال النبي صلى الله عليه وسلم: اصبروا حتى تلقوني على الحوض. حدثنا يحيى بن حماد، حدثنا أبو عوانة، عن سليمان، عن شقيق، عن عبد الله، عن النبي صلى الله عليه وسلم: أنا فرطكم على الحوض.

وحدثني عمرو بن علي، حدثنا محمد بن جعفر، حدثنا شعبة، عن المغيرة، قال: سمعت أبا وائل، عن عبد الله رضي الله عنه، عن النبي صلى الله عليه وسلم، قال: أنا فرطكم على الحوض، وليرفعن رجال منكم ثم ليختلجن دوني فأقول يا رب أصحابي فيقال إنك لا تدري ما أحدثوا بعدك).

و در صحیح بخاری ج ۷ ص ۲۰۶ آمده است: باب: درباره‌ی حوض و آیه‌ی: «انا اعطيناك الكوثر»: پیامبر (ص) فرمود: «صبر پیشه کنید تا مرا در کنار حوض ملاقات کنید. من پیشاپیش شما در حوض هستم.

من پیشاپیش شما در حوض هستم و بخشی از شمارا از من جدا می‌کنند و من می‌گویم: خدایا اینها صحابه‌ی من هستند. جواب می‌آید: تو نمی‌دانی که این‌ها بعد از تو چه بدعت‌هایی گذاشتند».

٢- حاولوا أن تنصفوا أنفسكم وتسالوا عن الدليل، فالتمتة شرع الله تعالى وقد نزل فيها قرآن ولم يمنعها رسول الله (ص)، حتى قال فيها عمر برأيه وليس عمر رسولاً ولا حجة من حجج الله، وهاك اقرأ ما في كتبك فلعلك غافل:

٢- بکوشید که خودتان انصاف به خرج دهید و از دلیل، پرسش کنید. متعرا خدای متعال تشریح فرمود و در تایید آن قرآن نازل نمود و رسول خدا (ص) از آن باز نداشت تا آن‌گاه که عمر به‌رای خودش درباره‌ی آن اظهار نظر کرد؛ عمر نه پیامبر (ص) است و نه حجتی از حجج الهی. بیا آن‌چه را که در کتاب‌های شما است بگیر که چه بسا شما در غفلت به‌سر می‌بری.

ورد في البخاري، عن عمران بن الحصين أنه قال: (نزلت آية المتعة في كتاب الله ففعلناها مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ولم ينزل قرآن يحرمه ولم ينه عنها حتى مات، قال رجل برأيه ما شاء، قال محمد (أي البخاري): يقال عمر رضي الله عنه<sup>(١)</sup>. هذا ما أخرجه البخاري في صحيحه، وهو أصح الكتب بعد القرآن بإجماع من يعتد به من علماء أهل السنة، فقد نص بصريح العبارة التي لا تقبل التأويل على إباحتها المتعة واستمرار هذه الإباحتها إلى يوم القيامة، كما أن هذا الحديث نص على عدم نزول قرآن يحرمها، وأنه نص في عدم نهي النبي (ص) عنها حتى التحق بالرفيق الأعلى، كما أنه صريح أيضاً في أن المحرم لها هو الخليفة عمر بن الخطاب.

در بخاری از عمران بن حصین نقل شده است: «آیهی متعه در کتاب خدا نازل شد و ما همواره با رسول الله (ص) به آن عمل می کردیم و قرآن در حرمت آن نازل نشد و رسول خدا (ص) از آن نهی ننمود تا این که وفات یافت. مردی به آن چه که دل خواهش بود نظر داد. محمد (یعنی بخاری) می گوید: گفته می شود عمر بوده است»<sup>(٢)</sup>. این روایتی است که بخاری در صحیح خود نقل کرده است و به اجماع گروه قابل اعتنایی از علمای اهل سنت، صحیح بخاری درست ترین کتابها پس از قرآن است. در این کتاب با عبارتی کاملاً روشن که تأویل بردار نیست، از مجاز بودن متعه و استمرار آن تا روز قیامت سخن گفته است؛ كما این که حدیث مزبور بر عدم نزول قرآن در حرمت آن صراحت دارد و نیز تأکید دارد بر این که پیامبر (ص) تا زمانی که به رفیق اعلی پیوست، از آن نهی نفرمود؛ و نیز صراحت دارد بر این که حرام کننده ی آن، خلیفه عمر بن خطاب بوده است.

وأما إمام الحديث عند أهل السنة الإمام مسلم، فقد أخرج في صحيحه في باب نكاح المتعة عن إسماعيل، عن قيس، قال: (سمعت عبد الله يقول: كنا نغزو مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ليس لنا نساء، فقلنا ألا نستخصي؟ فنهانا عن ذلك، ثم رخص لنا أن نكح المرأة بالثوب إلى أجل، ثم قرأ عبد الله: "يا أيها الذين آمنوا لا تحرموا طيبات ما أحل الله لكم ولا تعتدوا إن الله لا يحب المعتدين")<sup>(٣)</sup>.

امام حدیث نزد اهل سنت، امام مسلم نیز در صحیح خود در باب نکاح متعه این روایت را آورده است: «با پیامبر خدا (ص) در غزوه ای شرکت داشتیم و زنان با ما نبودند. عرض کردیم ای رسول خدا آیا خود را اخته کنیم؟ پیامبر ما را از این کار منع فرمود و به ما اجازه داد تا با مهریه قرار دادن لباسی، ازدواج موقت کنیم. آن گاه

١- صحیح البخاری، باب قوله تعالى: (وأنفقوا في سبيل الله ولا تلقوا بأيديكم إلى التهلكة) - من كتاب التفسير من جزئه الثالث ص ٧١.

٢- صحیح بخاری: باب قوله تعالى «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» - از کتاب تفسیر از جزء سوم صفحه ٧١.

٣- صحیح مسلم: ج ٤ ص ١٣٠.

عبدالله این آیه را قرائت کرد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال کرده است حرام مکنید و از حد مگذرید که خدا تجاوزکنندگان را دوست ندارد»<sup>(۱)</sup>.

وفي رواية أخرى كما في صحيح مسلم أيضاً عن أبي نضرة، قال: (كنت عند جابر بن عبد الله، فأتاه آت فقال: ابن عباس وابن الزبير اختلفا في المتعتين، فقال جابر: فعلناهما مع رسول الله صلى الله عليه وسلم ثم نهانا عمر فلم نعد لهما)<sup>(۲)</sup>.

در روایتی دیگر در صحیح مسلم از ابی نضره که گفت: «... نزد جابر بن عبدالله بودم. کسی آمد و گفت: ابن عباس و ابن زبیر در دو متعه با هم اختلاف کرده‌اند. جابر گفت: با رسول خدا (ص) هر دو را به‌جا آوردیم سپس عمر آن دو را نهی کرد و ما هم دیگر پس از آن به‌جا نیاوردیم»<sup>(۳)</sup>.

وأخرج الإمام مسلم أيضاً: (... كان ابن عباس يأمر بالمتعة، وكان ابن الزبير ينهي عنها، قال: فذكر ذلك لجابر بن عبد الله، فقال: على يدي دار الحديث، تمتعنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم فلما قام عمر قال: إن الله كان يحل لرسوله ما شاء بما شاء، وإن القرآن قد نزل منازل فأتوموا الحج والعمرة لله كما أمركم الله، وأبتوا<sup>(۴)</sup> نكاح هذه النساء، فإن أوتي برجل نكح امرأة إلى أجل إلا رجمته بالحجارة)<sup>(۵)</sup>.

هم‌چنین امام مسلم می‌گوید: «.... ابن عباس متعه را حلال می‌دانست و ابن زبیر از آن نهی می‌کرد. نزد جابر بن عبدالله رفتم و مساله را جویا شدم. جابر گفت جریان حدیث در دست من است. ما در عهد رسول خدا (ص) متعه می‌کردیم اما چون وقت خلافت عمر فرارسید عمر گفت: خداوند آن‌چه را خواست بر رسولش حلال کرد و قرآن نیز جای خود را دارد. حج و عمره را آن‌گونه که خدا دستور داده است انجام دهید و ازدواج با این زنان را قطعی کنید. اگر مردی را نزد من بیاورند که زنی را ازدواج موقت کرده باشد، او را سنگسار می‌کنم»<sup>(۶)</sup>.

۱- صحیح مسلم: ج ۴ ص ۱۳۰.

۲- صحیح مسلم: ج ۴ ص ۵۹.

۳- صحیح مسلم: ج ۴ ص ۵۹.

۴- هكذا وردت في المصدر.

۵- صحیح مسلم: ج ۴ ص ۳۸.

۶- صحیح مسلم: ج ۴ ص ۲۸.

فاتقوا الله ولا تتكلموا بدين الله بغير علم.

تقوای الهی پیشه کنید و بدون علم در دین خدا سخن مگویید.

٣- عاشوراء تُذَكِّرُ الْمُؤْمِنِينَ بِدِينِ اللَّهِ وَحَاكِمِيَةِ اللَّهِ تَعَالَى الَّتِي تَطَاوَلُ عَلَيْهَا مِنْ تَطَاوَلِ بَغِيرِ

وَجِهٍ حَقٍّ.

٣- عاشورا دین خدا و حاکمیت خدای متعال را که برخی بدون این که حق داشته باشند، به آن تاختند و به

آن تعرض نمودند، برای مؤمنین یادآوری می کند.

٤- عزاء الحسين هو عزاء الحسن وعلي ورسول الله، بل كل الأنبياء والمرسلين؛ لأنّ هدفه

التذكير بدين الله ومظلومية خلفاء الله.

٤- عزاداری برای حسین (ع) همان عزاداری برای حسن و علی (ع) و رسول الله (ص)، و بلکه عزاداری برای

تمام پیامبران و مرسلین (ع) است، زیرا هدف آن یادآوری دین خدا و مظلومیت خلفای الهی است.

٥- هدف الإمام هو جمع الإنسانية برمتها على دين التوحيد الخالص.

اللجنة العلمية/ أنصار الإمام المهدي

أبو محمد الأنصاري - ١٥/ شوال/ ١٤٣١ هـ ق

٥- هدف امام، گردآوردن انسانیت با همه‌ی ابعاد وجودی آن گرد دین توحید خالصانه است.

هیأت علمی انصار امام مهدی (ع)

ابو محمد انصاری - ١٥/ شوال/ ١٤٣١ هـ ق





## پرسش ۶۴۳: ولایت خاصه‌ی ائمه (ع) در قرآن

السؤال / ۶۴۳: بعد التحيّة .. أرجو منكم التكرم بالإجابة على هذا السؤال، وهو: لماذا لم يصرّح الله سبحانه وتعالى في القرآن الكريم بموضوع الولاية الخاصة بالأئمة سلام الله عليهم؟  
پرسش ۶۴۳: پس از تحیت... از شما خواهش می‌کنم لطف‌نمایید، به این سؤال پاسخ‌دهید: چرا خداوند سبحان در قرآن کریم موضوع ولایت خاصه‌ی ائمه (ع) را به صراحت بیان نفرموده است؟

أما بخصوص الآيات التي نسمعها دائماً، مثل: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ...﴾<sup>(۱)</sup>، فهذه تعتبر من المتشابهات وليست المحكمات من الآيات والتي قال الله فيها: (هو الذي أنزل عليكم الكتاب منه آيات محكمات وأخر متشابهات)<sup>(۲)</sup>.

ولی در خصوص آیاتی که به‌طور مرتب به گوش‌مان می‌خورد مثل: (جز این نیست که دوست شما خدا است و رسول او...) <sup>(۳)</sup>، این تعابیر جزو متشابهات است و از آیات محکم به‌شمار نمی‌رود؛ همان آیاتی که خداوند در مورد آن‌ها فرموده است: «هو الذي أنزل عليكم الكتاب منه آيات محكمات و آخر متشابهات»<sup>(۴)</sup>.

وقال جل وعلا: ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ﴾<sup>(۵)</sup>.

هم‌چنین حق‌تعالی فرموده است: (آن‌ها که در دلشان میل به باطل است، به سبب فتنه‌جویی و میل به تأویل از متشابهات پیروی می‌کنند، در حالی که تأویل آن‌را جز خدای نمی‌داند)<sup>(۶)</sup>.

السؤال الثاني: ما هو الحكم على من أنكر الولاية سواء كان مسلماً أم غير مسلم؟  
و شکر الله لكم.

المرسل: قصي السبع - السعودیة

۱- المائدة: ۵۵.

۲- هكذا أوردها السائل، والآية هي: (هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ) آل عمران: ۷.

۳- مائدة: ۵۵.

۴- سؤال‌کننده این‌گونه آیه‌را آورده و درست آیه به‌صورت زیر است: (او است که این کتاب را بر تو نازل کرد بعضی از آیه‌ها محکمات‌اند، این آیه‌ها ام کتاب‌اند و بعضی آیه‌ها متشابهات‌اند).

۵- آل عمران: ۷.

۶- آل عمران: ۷.



سؤال دوم: حکم کسی که ولایت را انکار کند چیست، چه وی مسلمان باشد و چه غیر مسلمان؟  
با تشکر از شما.

فرستنده: قصی السبع - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد آله الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

لقد صرَّحَ اللهُ بولاية الأئمة (ع) في القرآن على نحو العموم، وقد شرح ذلك رسول الله (ص) وبينه للناس، ومن المعلوم أنَّ الرسول (ص) هو المبين للقرآن، وما بينه لا يكون متشابهاً بل محكماً، قال الله تعالى: ﴿... وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
خداوند در قرآن به طور عمومی بر ولایت ائمه (ع) تصریح نموده است و پیامبر خدا (نیز آن را شرح داده و برای مردم تبیین فرموده است؛ و واضح است که پیامبر (ص) شارح و بیانگر قرآن است و آن چه که آن حضرت بیان می دارد «متشابه» نیست بلکه جزو «محکمات» است. خدای متعال می فرماید: (... و بر تو قرآن را نازل کردیم تا آن چه را برای مردم نازل شده است برای شان بیان کنی و باشد که بیندیشند)<sup>(۲)</sup>.

فلم يتوفَّ الرسول محمد (ص) حتى بين للناس من هم أولياءهم والحجة عليهم، وهو تفسير لقله تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾<sup>(۳)</sup>.

پیامبر خدا حضرت محمد (ص) وفات نیافت مگر پس از آن که برای مردم آشکار ساخت که چه کسانی اولیا و حجت بر آن ها هستند؛ و این همان تفسیر این سخن خداوند است: (ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولی الامر خویش فرمان برید)<sup>(۴)</sup>.

۱- النحل: ۴۴.

۲- نحل: ۴۴.

۳- النساء: ۵۹.

۴- نساء: ۵۹.

وقوله تعالى: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾<sup>(۱)</sup>.

و نیز: (جز این نیست که دوست شما خدا است و رسول او و مؤمنانی که نماز می‌خوانند و هم‌چنان که در رکوع اند انفاق می‌کنند)<sup>(۲)</sup>.

وقوله تعالى: ﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَدَّاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾<sup>(۳)</sup>.

و نیز آیه‌ی: (و چون خبری، چه ایمنی و چه ترس به آن‌ها رسد، آن‌را در همه‌جا فاش می‌کنند و حال آن‌که اگر در آن به پیامبر و اولی‌الامرشان رجوع می‌کردند، حقیقت امر را از آنان درمی‌یافتند و اگر فضل و رحمت خدا نبود، جز اندکی، همگان از شیطان پیروی می‌کردید)<sup>(۴)</sup>.

ولا يوجد أحد من الصحابة ولايته كولاية الله ورسوله غير علي بن أبي طالب (ع)، فقد صرح الرسول (ص) في مواقف عدة بأن ولاية علي (ع) كولاية الله، منها: حديث الثقلين المشهور الثابت، ومنها: ما قاله للصحابي بريدة، وإليك نصه:

در میان صحابه هیچ کس نیست که ولایتی هم‌پایه‌ی ولایت خدا و پیامبر (ص) داشته‌باشد، به‌جز علی بن ابی‌طالب (ع)؛ و پیامبر (ص) در مواقف متعددی تصریح نموده که ولایت علی (ع) مانند ولایت او است، از جمله در حدیث مشهور و ثابت‌شده‌ی ثقلین. هم‌چنین از آن جمله است آن‌چه که به بریده‌ی صحابی فرمود و متن آن‌را به شما ارایه می‌نمایم:

عن بريدة أنه قال: (خرجت مع علي رضي الله عنه إلى اليمن فرأيت منه جفوة، فقدمت علي النبي صلى الله عليه وسلم، فذكرت علياً، فتنقصته، فجعل رسول الله صلى الله عليه وسلم يتغير وجهه، فقال: يا بريدة! ألسنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ قال: بلى يا رسول الله، قال: من كنت مولاه فعلي مولاه).

۱- المائدة: ۵۵.

۲- نساء: ۵۵.

۳- النساء: ۸۳.

۴- نساء: ۸۳.

بریده می گوید: با علی (ع) در سفر یمن همراه بودم و از او رفتاری ناگوار مشاهده کردم. هنگامی که بر پیامبر خدا (ص) وارد شدم و از علی (ع) یاد و از او عیب جویی نمودم، دیدم چهره‌ی پیامبر (ص) دگرگون شد و فرمود: (ای بریده! آیا من نسبت به مؤمنان از خود آنان برتر نیستم؟) گفتم: چرا ای رسول خدا. پیامبر خدا (ص) فرمود: (هر کس من مولای اویم، علی مولای او است).

وهذا الحديث صححه علماء العامة واقتصر على تصحيح الألباني، حيث صححه في السلسلة الصحيحة ج ٤ ص ٣٣٦ تحت رقم ١٧٥٠، وقال عنه: (وهذا إسناد صحيح على شرط الشيخين).  
 علمای عامه این حدیث را صحیح شمرده‌اند و من بر تصحیح البانی بسنده می‌کنم. وی در سلسله‌ی الصحیحه ج ٤ ص ٣٣٦ زیر شماره‌ی ١٧٥٠ این روایت را صحیح دانسته و درباره‌ی آن گفته‌است: «این حدیث با این سند به شرط شیخین صحیح است».

فلا يخذعكم المتأولون والمرتابون بأنّ ولاية علي هنا هي النصرّة أو المحبّة أو ما شابه ذلك، بل الرسول (ص) بينها بقوله: (ألسنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم). ثم قال: (من كنت مولاه فعلي مولاه)، أي أنّ ولاية علي كولاية الرسول محمد (ص)، وهي أنه أولى بالمؤمنين من أنفسهم.  
 والكلام طويل جداً في هذا الموضوع يأتي في وقته إن شاء الله تعالى.

اللجنة العلمية - لأنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)  
 الشيخ ناظم العقيلي - نهاية ذي الحجة / ١٤٣٢ هـ

تأویل‌گران و شکاکان شمارا فریب‌نهند به این که ولایت علی (ع) در این جا همان یاری او یا محبت یا واردی از این دست است چرا که حضرت (ص) آن را با عبارت: (آیا من نسبت به مؤمنان از خود آنان برتر نیستم) تبیین نموده‌است و پس از آن نیز فرمود: (هر کس من مولای اویم، علی مولای او است)؛ یعنی ولایت علی (ع) مانند ولایت حضرت محمد (ص) است و او از خود مؤمنین نسبت به آنها سزاوارتر است. سخن در این باب بسیار طولانی است و به خواست خدای متعال در جای خودش خواهد آمد.

هیأت علمی انصار امام مهدی (ع) - (خداوند در زمین تمکینش دهد)  
 شیخ ناظم العقيلي - آخر ذی الحجه / ١٤٣٢ هـ



## پرسش ۶۴۴: چند سوال در مورد حضرت زهرا(س) و دشمنانش

السؤال / ۶۴۴:

- ۱- هل مظلومية الزهراء حقيقية، ومن قتلها؟
  - ۲- أين دفنت (عليها السلام)؟
  - ۳- لماذا سمي الأئمة أولادهم باسم الخلفاء؟
  - ۴- لماذا زوج علي(ع) ابنته لعمر؟
- أرجو التفصيل؛ لأنني حياتي الدينية ومصيرها متوقف على إجاباتك سيدنا؟
- المرسل: نبيل الشمري - الكويت

پرسش ۶۴۴:

- ۱- آیا مظلومیت زهرا(ع) واقعیت دارد؟ چه کسی او را کشته است؟
  - ۲- او(ع) کجا دفن شده است؟
  - ۳- چرا ائمه(ع) فرزندان خود را به نام خلفا نام گذاری کرده اند؟
  - ۴- چرا علی(ع) دخترش را به ازدواج عمر درآورد؟
- خواهش می‌کنم به‌طور مفصل جواب بدهید زیرا زندگی دینی من و سرانجام آن به پاسخ‌های شما موکول است، آقای ما.

فرستنده: نبیل الشمری - کویت

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد آله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

مظلومية الزهراء (عليها السلام) حقيقية، وكان من أسباب وفاتها ما جرى عليها من أذى في بيتها عندما أحرق بابها وكُسر ضلعها وأُسقط جنينها، وأخرجوا الإمام علياً(ع) مكتوفاً لكي يبايع أبا بكر بن أبي قحافة بالقوة والإجبار.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

مظلومیت زهرا(ع) حقیقت دارد و از جمله اسباب و عوامل وفات وی، آزارهایی بود که در خانه‌اش بر او رفت؛ آن‌گاه که در خانه‌اش به آتش کشیده شد، پهلوی‌اش شکسته شد، جنین‌اش سقط گشت و امام علی(ع) را دست بسته بیرون آوردند تا با زور و اجبار، با ابوبکر بن ابی قحافه بیعت کند.

وقد بقیت الزهراء (عليها السلام) غاضبة ومهاجرة لأبي بكر وعمر حتى وفاتها سلام الله عليها، وهذا ما رواه البخاري في صحيحه:

زهرا(ع) تا زمان وفاتش نسبت به ابوبکر و عمر خشمگین بود و از آن‌ها کناره می‌گرفت، سلام خدا بر او باد! این روایتی است که بخاری در صحیح خود آورده است:

صحيح البخاري ج ۸ ص ۳: (عن عائشة: إن فاطمة والعباس (عليهما السلام) أتيا أبا بكر يلتمسان ميراثهما من رسول الله صلى الله عليه وسلم وهما حينئذ يطلبان أرضيهما من فدك وسهمهما من خيبر، فقال لهما أبو بكر: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لا نورث ما تركنا صدقة، إنما يأكل آل محمد من هذا المال، قال أبو بكر: والله لا ادع أمراً رأيت رسول الله صلى الله عليه وسلم يصنعه فيه إلا صنعته. قال: فهجرته فاطمة فلم تكلمه حتى ماتت).

صحيح بخاری، ج ۸ ص ۳: «از عایشه نقل شده که گفت: فاطمه(ع) و عباس نزد ابوبکر آمدند و ارثی را که از رسول خدا(ص) باقی مانده بود طلب کردند. آن دو، زمین پیامبر(ص) در فدک و سهم خيبر آن حضرت را خواستند. ابوبکر به آن‌ها گفت من از رسول خدا(ص) شنیدم که فرمود: ما ارث نمی‌گذاریم، آنچه می‌گذاریم صدقه است. آل محمد(ع) از این مال استفاده می‌کنند. ابوبکر گفت: به خدا قسم رها نمی‌کنم کاری را که رسول خدا(ص) انجام داد جز این که همان را انجام دهم. راوی گوید: فاطمه(ع) از ابوبکر دوری گزید و هرگز با او صحبت نکرد تا از دنیا رفت».

وقد صح عن الرسول(ص) أنه قال بحق فاطمة (عليها السلام): (فاطمة بضعة مني فمن أغضبها أغضبني)<sup>(۱)</sup>.

در حالی که ثابت شده است که پیامبر (ص) در حق فاطمه (ع) فرمود: «فاطمه پاره‌ی تن من است، هر کس او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است»<sup>(۱)</sup>.

**فاطمه بضعة مني يؤذيني ما آذاها** <sup>(۲)</sup>.

«فاطمه پاره‌ی تن من است، آن چه او را بیازارد، مرا آزرده می‌کند»<sup>(۳)</sup>.

**إن الله يغضب لغضبك ويرضى لرضاك** <sup>(۴)</sup>.

«خداوند به خاطر خشم تو خشمگین می‌شود و به خاطر رضای تو، راضی»<sup>(۵)</sup>.

**وقد دفنت الزهراء (عليها السلام) في البقيع مع ألمها وغيضا ومظلوميتها.**

زهرا (ع) با درد و خشم و مظلومیتش در بقیع به خاک سپرده شد.

و أما سبب تسمية أبنائها بـ (الخلفاء)، فلأنهم أوصياء الرسول محمد (ص) وخلفاؤه بعد أبيهم علي بن أبي طالب (ع)، وهذا ثابت في أحاديث صحيحة كثيرة رواها علماء أبناء العامة، منها حديث الثقلين:

اما دليل نام‌گذاری فرزندان حضرت زهرا (ع) به نام «خلفا» این است که آن‌ها اوصیای پیامبر خدا حضرت محمد (ص) و جانشینانش پس از پدرشان علی بن ابی‌طالب (ع) هستند و این موضوع در روایات صحیح بسیاری که علمای عامه روایت کرده‌اند ثابت شده است. از جمله‌ی این روایات حدیث ثقلین است:

**عن زيد بن أرقم، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (إني تارك فيكم ما إن تمسكتم به لن تضلوا بعدي؛ أحدهما أعظم من الآخر، كتاب الله حبل ممدود من السماء إلى الأرض**

۱- آن را بخاری در صحیحش جلد ۴ باب «مناقب قرابة رسول الله» ص ۲۱۰ آورده است.

۲- رواه مسلم في صحيحه: ج ۷ باب فضائل فاطمة ص ۱۴۱.

۳- آن را مسلم در صحیحش جلد ۷ باب «فضائل فاطمه» ص ۱۴۱ آورده است.

۴- رواه الحاكم النيسابوري في المستدرک وصححه: ج ۳ ص ۱۵۳ - ۱۵۴، والطبراني في المعجم الكبير: ج ۱ ص ۱۰۸ ح ۱۸۲، والهيثمي في مجمع الزوائد: ج ۹ ص ۲۰۳، وقال عنه: رواه الطبراني وإسناده حسن. والمتقي الهندي في كنز العمال: ج ۱۲ ص ۱۱۱ ح ۳۴۲۳۸.

۵- حاکم نیشابوری، مستدرک و صححه: ج ۳ ص ۱۵۳ و ۱۵۴؛ طبرانی، معجم کبیر: ج ۱ ص ۱۰۸ ح ۱۸۲؛ هیثمی، مجمع الزوائد: ج ۹ ص ۲۰۳ و درباره‌ی آن گفته است: طبرانی با سند حسن روایت کرده است: متقی هندی، کنز العمال: ج ۱۲ ص ۱۱۱ ح ۳۴۲۳۸.

وعترتي أهل بيتي ولن يتفرقا حتى يردا عليّ الحوض فانظروا كيف تخلفوني فيهما<sup>(١)</sup>. والعتره هنا هم علي وفاطمة وذريتهما، كما هو مبين في حديث الكساء الصحيح المشهور.

پیامبر خدا(ص) فرمود: (من در میان شما چیزی می‌گذارم که مادام که شما به آن تمسک جویند، هرگز گمراه نخواهید شد؛ یکی از آن‌ها بزرگتر از دیگری است؛ کتاب خدا رشته‌ای کشیده شده از آسمان به زمین است و دیگری عترت که اهل بیت من هستند. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند. ببینید بعد از من با آن‌ها چگونه رفتار می‌کنید)<sup>(٢)</sup> و عترت در اینجا علی، فاطمه و فرزندان آن‌ها است همان‌طور که در حدیث صحیح و مشهور کساء بیان شده است.

وما يؤكّد ذلك هو قول النبي(ص) عن الثقلين: (ولن يتفرقا حتى يردا عليّ الحوض)، أي إنهما باقيان مترافقان إلى يوم القيامة ويجب التمسك بكليهما لا بأحدهما فقط، فالذي فسّر العتره بنساء النبي(ص) يجب عليه الآن أن يحضر لنا أحد نساء النبي في هذا الزمان لكي نتمسك بها، وهذا واضح البطلان، بل لم يقل أحد بوجود التمسك بنساء النبي(ص)، بل أنّ الذين اقتدوا بعائشة في حرب الجمل ضلوا وحاربوا إمام زمانهم وخسروا الدنيا والآخرة، والحديث طويل لا يسع ذكره هنا.

و آنچه که بر این معنا تأکید می‌ورزد، سخن پیامبر(ص) درباره‌ی ثقلین است که فرمود: (و این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند). یعنی آن‌ها با هم و همراه هم هستند تا روز قیامت و نیز باید به هر دوی آن‌ها تمسک جست، نه فقط به یکی از آن‌ها. کسی که عترت را به زنان پیامبر(ص) تفسیر کرده است، اکنون باید برای ما یکی از زنان پیامبر را در این زمان بیاورد تا ما به او تمسک جویم که البته بطلان این مطلب واضح است. بلکه هیچ کس نگفته است که تمسک به زنان پیامبر(ص) واجب است؛ و کسانی که در جنگ جمل به عایشه اقتدا کردند، به بیراهه رفتند و با امام زمان خود جنگیدند و در دنیا و آخرت جزو زیانکاران شدند. سخن در این باب بسیار است و این مقام را گنجایش آن نیست.

١- رواه الترمذی فی صحیحہ: ج ٥ ص ٣٢٨ - ٣٢٩ ح ٣٨٧٦، وقال عنه: (هذا حديث حسن غريب)، ورواه المتقي الهندي في كنز العمال: ج ١ ص ١٧٣ برقم ٨٧٣، ورواه عبد بن حميد بن نصر الكشي في منتخب مسنده: ص ١٠٧ - ١٠٨ برقم ٢٤٠ باختلاف يسير، وصححه الألباني في صحيح سنن الترمذی: ج ٣ ص ٥٤٣ - ٥٤٤ برقم ٣٧٨٨.

٢- ترمذی در صحیحش: ج ٥ ص ٣٢٨ و ٣٢٩ ح ٣٨٧٦ و درباره‌ی آن گفته است: «این حدیث حسن غریب است»؛ متقی هندی در کنز العمال: ج ١ ص ١٧٣ شماره ٨٧٣؛ عبد بن حمید بن نصر الکشی در منتخب مسندش: ص ١٠٧ و ١٠٨ شماره ٢٤٠ با اختلاف اندک؛ البانی در صحیح سنن ترمذی صحت آن را تأیید نموده: ج ٣ ص ٥٤٣ و ٥٤٤ شماره ٣٧٨٨.

وأما مسألة تزويج علي(ع) ابنته لعمر فهي قضية لم تثبت، وعلى فرض ثبوتها فهي لا علاقة لها بمسألة الخلافة، ومن هو الأحق بها بعد رسول الله(ص).

اما این قضیه که علی(ع) دخترش را به ازدواج عمر در آورده، موضوعی است که ثابت نشده است و به فرض هم اگر ثابت شود، به مسئله‌ی خلافت و این که شایسته‌ترین فرد پس از رسول خدا(ص) نسبت به دختر علی(ع) چه کسی است، ارتباطی ندارد.

هداك الله لنصرة نبيك المصطفى وعترته أهل بيته الطيبين الطاهرين.  
والحمد لله وحده.

اللجنة العلمية - لأنصار الإمام المهدي (مكن الله له في الأرض)  
الشيخ ناظم العقبلي - نهاية ذي الحجة/ ١٤٣٢ هـ

خداوند شما را برای یاری پیامبر مصطفی و عترت او اهل بیت طیب و طاهرینش هدایت فرماید.  
و الحمد لله وحده.

هیأت علمی انصار امام مهدی(ع) - (خداوند در زمین تمکینش دهد)  
شیخ ناظم العقبلی - آخر ذی الحجه/ ١٤٣٢ هـ



**پرسش ٦٤٥: سوالی در مورد آیه الكرسي و دلیل دشنام به عائشه**

السؤال / ٦٤٥: بسم الله الرحمن الرحيم

أولاً: لديّ سؤالين، وإذا تم الإجابة عليهم بشكل مقنع فسوف أؤمن بأنك المهدي المنتظر.

پرسش ٦٤٥: بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً: من دو سؤال دارم، و اگر پاسخ قانع کننده‌ای به آن‌ها داده‌شد، ایمان می‌آورم که شما مهدی منتظر هستی.



السؤال الأول: هو في آية الكرسي، حيث قمت بالزيادة على الآية الكريمة: (وما بينهما وما تحت الثرى ..... الخ). وهل تعترف أنّ هذا تحريف للقرآن الكريم وأنّ التحريف يكون إما بالزيادة أو النقصان؟

سؤال اول مربوط به آیت الکرسی است؛ که شما به این آیه‌ی کریم بخشی را اضافه کرده‌ای (و ما بینهما و ما تحت الثرى.... الخ). آیا شما اقرار داری به این که چنین کاری تحریف قرآن کریم است و تحریف یا به زیادت است یا به نقصان؟

والسؤال الثاني: هو السب في سيدتنا عائشة أم المؤمنين رضي الله عنها، وتكفيرها هي وأبو بكر وعثمان وعمر وغيرهم من الصحابة وسبها، وقد برئها الله سبحانه وتعالى في القرآن، والقرآن هو مرجعكم في العقيدة والشريعة التي تتبعونها، فكيف تخالفون ما جاء به الله في كتابه وهو ما يمدكم بالشريعة والديانة التي أنتم عليها؟  
وشكراً.

المرسل: أحمد خالد محمود حرحشة - الأردن

سؤال دوم مربوط به سبّ سیده‌ی ما عایشه امّ المؤمنین و نیز تکفیر او و ابوبکر، عثمان، عمر و دیگر صحابه و دشنام‌گویی به عایشه است و حال آن که خداوند سبحان در قرآن او را مبرا ساخته است. در عقیده و شریعتی که از آن پیروی می‌کنید، قرآن منبع شما است. پس حال چگونه است که با آن چه که خدا در کتابش آورده است، سر مخالفت برداشته‌اید در حالی که قرآن به شریعت و دینانتی که شما بر آن هستید، هدایت نمی‌کند؟  
با تشکر

فرستنده: احمد خالد محمود حرحشه - اردن

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

السيد أحمد الحسن (ع) لم يزد أو ينقص من القرآن شيئاً، بل هذا ثابت عن أهل البيت (ع) الذي قال عنهم الرسول (ص): (إني تارك فيكم خليفتين كتاب الله حبل ممدود ما بين السماء

والأرض - أو ما بين السماء إلى الأرض - وعترتي أهل بيتي، وإنهما لن يتفرقا حتى يردا عليّ الحوض<sup>(۱)</sup>.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.  
سید احمد الحسن (ع) به قرآن چیزی اضافه نکرده و چیزی از آن کم ننموده است، و این موضوع نزد اهل بیت (ع) ثابت شده است؛ همان اهل بیتی که پیامبر (ص) درباره‌ی آنها فرمود: «من در میان شما چیزی می‌گذارم؛ مادام که شما به این دو دست یازید هرگز گمراه نخواهید شد؛ یکی از آنها بزرگتر از دیگری است؛ کتاب خدا رشته‌ای کشیده شده از آسمان به زمین است و دیگری عترت که اهل بیت من هستند. این دو هرگز از هم جدا نمی‌شوند تا بر سر حوض بر من وارد شوند»<sup>(۲)</sup>.

فالعتره هم عدل القرآن والقرآن معهم لا يفارقونه ولا يفارقهم، وهذه الآية جاءت عنهم هكذا - أقصد آية الكرسي - وهي قراءة عنهم، كما أنّ هناك قراءات مقبولة عند المسلمين تزيد أو تنقص حروفاً أو كلمات ومع ذلك لم يعترض أحد.

عترت، همان عدل (همتا) است و قرآن با آنها است؛ نه قرآن آنها را ترک می‌گوید و نه آنها تارک قرآن‌اند. این آیه (آیت الکرسی) به همین صورت از ایشان آمده و این قرائتی است که از آنها اخذ شده است. کما این که قرائت‌هایی وجود دارد که برای مسلمانان پذیرفته شده است در حالی که در این قرائت‌ها، حروف یا کلماتی کم و زیاد می‌شود، و با این حال کسی اعتراض نمی‌کند.

وأما مسألة الزيادة أو النقص في القرآن فهي ثابتة عندكم، ومن ما صح عندكم من الروايات:

اما زیادت یا نقصان در قرآن کریم، موضوعی است که برای شما ثابت شده است. از جمله روایاتی صحیحی که شما دارید:

۱- عن بجالة التميمي، قال: (وجد عمر بن الخطاب رضي الله عنه مصحفاً في حجر غلام له، فيه: النبي أولى بالمؤمنين من أنفسهم، وهو أب لهم، وأزواجه أمهاتهم، فقال: احكها يا غلام، فقال: والله لا أحكها، وهي في مصحف أبي بن كعب، فانطلق عمر إلى أبي بن كعب قال: شغلني

۱- مسند أحمد: ج ۵ ص ۱۸۲.

۲- مسند أحمد: ج ۵ ص ۱۸۲.

القرآن وشغلك الصفق في الأسواق إذ يعرض رحاك عليّ عنقك بباب ابن العجماء). وهذا الحديث صححه البوصيري في اتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد العشرة: ج ۶ ص ۲۵۴، وقال عنه: (إسناده صحيح على شرط البخاري)، و صححه أيضاً ابن حجر العسقلاني في المطالب العالیه: ج ۴ ص ۱۴۳، وقال عنه: (إسناده صحيح على شرط البخاري).

۱- بحاله می گوید: «عمر بن الخطاب قرآنی در آغوش غلامش یافت که در آن آمده بود: پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و او پدر آنها است، و زناش مادران مؤمنان هستند. عمر به او گفت: ای غلام آن را (از مصحف) حذف کن. گفت: به خدا سوگند حذفش نمی کنم، و این در مصحف ابی بن کعب است. عمر به سراغ ابی بن کعب رفت و (او به عمر) گفت: مرا قرآن مشغول داشته و تو را معامله در بازار!». البوصیری در اتحاف الخیره المهره بزوائد المسانید العشره ج ۶ ص ۲۵۴ این حدیث را صحیح شمرده و درباره ی آن گفته است: «سند روایت به شرط بخاری صحیح است». ابن حجر عسقلانی هم در المطالب العالیه ج ۴ ص ۱۴۳ آن را صحیح شمرده و درباره اش چنین گفته است: «سند روایت به شرط بخاری صحیح است».

۲- وأخرج البخاري في صحيحه عن عمر بن الخطاب أنه قال: (... فكان مما أنزل الله آية الرجم، فقرأنها وعقلناها ووعيناها، رجم رسول الله صلى الله عليه وسلم ورجمنا بعده، فأخشي- أن طال بالناس زمان أن يقول قائل: والله ما نجد آية الرجم في كتاب الله، فيضلوا بترك فريضة أنزلها الله، والرجم في كتاب الله حق على من زنى إذا أحصن من الرجال والنساء إذا قامت البينة، أو كان الحبل أو الاعتراف، ثم إننا كنا نقرأ فيما نقرأ من كتاب الله: أن لا ترغبوا عن آبائكم، فإنه كفر بكم أن ترغبوا عن آبائكم، أو إن كفراً بكم أن ترغبوا عن آبائكم...).

۲- بخاری در صحیحش از عمر بن الخطاب نقل می کند که گفت: «... یکی از آیاتی که خداوند نازل کرده، آیه رجم است. ما آن را خواندیم و درک کردیم و پای بند به آن شدیم. رسول خدا (ص) رجم را جاری کرد و ما نیز پس از او آن را عمل کردیم و رجم کردیم، و ترس آن را دارم که اگر زمان به درازا بکشد، کسی بگوید: به خدا سوگند ما آیه ی رجم را در کتاب خدا نیافته ایم، و با ترک واجبی که خدا نازل کرده است، گمراه شوند. رجم در کتاب خدا حق است، بر هر زن یا مردی که زنا کند و محصن باشد؛ البته با قیام بینة یا حامله شدن یا اعتراف زناکننده. یکی از آیاتی که در قرآن می خواندیم این آیه بود: (مبادا از پدران خود روی بگردانید، زیرا این کفر است که از پدران خود روی بگردانید....)».

۳- وأخرج مسلم في صحيحه: (بعث أبو موسى الأشعري إلى قراء أهل البصرة، فدخل عليه ثلاثمائة رجل قد قرءوا القرآن، فقال: أنتم خيار أهل البصرة وقراؤهم، فاتلوه، ولا يطولن عليكم الأمد فتقسو قلوبكم، كما قست قلوب من كان قبلكم، وأنا كنا نقرأ سورة كنا نشبهها في الطول والشدة ببراءة فأنسيتها، غير أني قد حفظت منها: لو كان لابن آدم واديان من مال لا بتغي وادياً ثالثاً، ولا يملأ جوف ابن آدم إلا التراب. كنا نقرأ سورة كنا نشبهها بإحدى المسبحات فأنسيتها، غير أني حفظت منها: يا أيها الذين آمنوا لم تقولون مالا تفعلون فتكتب شهادة في أعناقكم فتسألون عنها يوم القيامة).

۳- مسلم در صحیحش می‌گوید: «ابوموسی اشعری قاریان بصره را که حدود سیصد مرد بودند گرد آورد و به آنان گفت: شما برگزیدگان و قاریان اهل بصره هستید. قرآن را تلاوت کنید. مبادا زمان بر شما به درازا کشد و قلب‌هایتان را قساوت گیرد، همان‌طور که قلب‌های کسانی که پیش از شما بودند را قساوت گرفت. ما همواره سوره‌ای را که در طولانی‌بودن و شدت داشتن به سوره‌ی براءة شبیه می‌دانستیم قرائت می‌کردیم ولی شما آن را به فراموشی سپردید، و تنها از آن سوره این آیه را به یاد داریم: (اگر آدمی را دو دشت پر از مال بود، در پی دشت سوم می‌رفت؛ و درون آدمی را تنها خاک پرمی‌کند). ما سوره‌ای را قرائت می‌کردیم که آن را شبیه یکی از مسبحات می‌دانستیم و شما آن را فراموش کرده‌اید، و تنها از آن سوره این آیه را به خاطر داریم: (ای ایمان‌آوردندگان! چرا آنچه را که به کار نمی‌بندید بر زبان می‌آورید تا بر گردن‌تان گواهی نوشته شود و به روز قیامت درباره‌ی آن مورد بازخواست قرار گیرید).

۴- وعن المسور بن مخرمة: (قال عمر لعبد الرحمن بن عوف: أما علمت أنا كنا نقرأ: "جاهدوا في الله حق جهاده في آخر الزمان كما جاهدتم في أوله"، قال: فقال عبد الرحمن: ومتى ذلك يا أمير المؤمنين؟ قال: إذا كان بنو أمية الأمراء وبنو المغيرة الوزراء)<sup>(۱)</sup>.

۴- از مسور بن مخرمه: «عمر به عبدالرحمان بن عوف گفت: آیا ندانسته‌ای ما این گونه قرائت می‌کردیم: (در راه خداوند جهاد کنید آن گونه که در آخر الزمان حق جهادش است همان گونه که در ابتدا جهاد کردید).. عبدالرحمان گفت: ای امیرالمؤمنین، این آخر الزمان چه زمانی است؟ عمر گفت: هنگامی که بنی امیه، حاکمان و بنی مغیره، وزیران باشند»<sup>(۲)</sup>.

۱- أخرجه ابن كثير في مسند الفاروق: ج ۲ ص ۵۹۶، وقال عنه: (هذا إسناد صحيح).

۲- ابن كثير در مسند فاروق: ج ۲ ص ۵۹۶ و درباره‌اش گفته‌است: سندش صحیح است.

٥- عن المسور بن مخرمة، قال: قال عمر لعبد الرحمن بن عوف: (ألم نجد فيما أنزل علينا: أن جاهدوا كما جاهدتم أول مرة؟ فإننا لم نجدها، قال: أسقط فيما أسقط من القرآن)<sup>(١)</sup>.

٥- از مسور بن مخرمه كه گفت: عمر به عبدالرحمان بن عوف گفت: «آيا قبلاً آيه‌ای به اين صورت نبود: «ان جاهدوا كما جاهدتم اول مره»؟ ما كه آن را پيدا نكرديم. عبدالرحمان گفت: جزو آياتی است كه از قرآن حذف شده است»<sup>(٢)</sup>.

فمن يا ترى أسقط هذه الآيات؟ الله أم الرسول (ص) أم غيرهما؟! وهذه مصادركم وصحاكم لا مصادرنا.

به نظر شما چه کسی این آیات را حذف کرده است؟ خدا یا پیامبر (ص) یا کسانی غیر از این دو؟! و اینها منابع و صحاح شما است، نه منابع ما!

أما بالنسبة إلى السب والشتم فنحن لا نقبل به ولا نرضاه، ولكن نبين الحق وأهل الحق بالدليل الشرعي الأخلاقي.  
وفقك الله لكل خير.

اللجنة العلمية - لأنصار الإمام المهدي (مكن الله له في الأرض)  
الشيخ ناظم العقبلي - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

در خصوص سب و دشنام نیز ما این کار را نه می‌پذیریم و نه با آن موافقیم، اما حق و اهل حق را با دلیل شرعی اخلاقی بیان می‌داریم و روشن می‌سازیم.  
خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند!

هیأت علمی انصار امام مهدی (ع) - (خداوند در زمین تمکینش دهد)  
شیخ ناظم العقبلی - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ ق

١- کنز العمال: ج ٢ ص ٥٦٧ ح ٤٧٤١، ومشکل الآثار - للطحاوی: ج ١٢ ص ٩، وعلق علیه شعيب الارنؤوط قائلاً: (رجاله ثقات رجال الشيخين).  
٢- کنز العمال: ج ٢ ص ٥٦٧ ح ٤٧٤١؛ مشکل الآثار طحاوی: ج ١٢ ص ٩ و شعيب الارنؤوط چنین به آن تعلیق زده است: رجال أن ثقه رجال شيخین است.



### پرسش ۶۴۶: احمد الحسن کیست؟

السؤال / ۶۴۶: أرجو التوضيح: من هو أحمد الحسن، وكيف نصب نفسه إماماً في هذا الزمان، وكيف يدعي أنه اليماني وكلنا نعلم أن اليماني يخرج بعد الصيحة؟؟؟

المرسلته: بنت الرسول - لبنان

پرسش ۶۴۶: خواهش می‌کنم توضیح بدهید: احمد الحسن کیست و او چگونه در این زمان خود را به عنوان امام نصب کرده‌است؟ و چطور مدعی شده که یمانی است و حال آن که همه‌ی ما می‌دانیم یمانی بعد از صیحه خروج می‌کند؟

فرستنده: بنت الرسول - لبنان

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على بلائه وعلى عظيم نعمائه، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً كثيراً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على بلائه وعلى عظيم نعمائه، و صل الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

السيد(ع) هو اليماني الموعود، واليماني يدعو للإمام المهدي كما ورد، فهو إذن رسول منه كما أنه وصيه.

هذا على الإجمال، أما تفصيله فكما يلي:

سید(ع) همان یمانی موعود است، و یمانی به امام مهدی دعوت می‌کند که (در روایات) وارد شده‌است، بنابراین او، هم فرستاده‌ی حضرت است و هم وصی او. این به‌طور خلاصه‌بود و اما تفصیل آن به صورت زیر است:

ورد في رواية الوصية المقدسة ما يلي: (... يا أبا الحسن، أحضر صحيفة ودواة. فأملى رسول الله وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع، فقال: يا علي، إنه سيكون بعدي إثنا عشر إماماً ومن بعدهم إثنا عشر مهدياً، فأنت يا علي أول الإثني عشر إماماً... وساق الحديث إلى أن قال: وليسلمها الحسن(ع) إلى ابنه م ح م د المستحفظ من آل محمد(ع) فذلك إثنا عشر إماماً، ثم يكون من بعده إثنا عشر مهدياً، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المهديين له ثلاثة أسامي اسم كاسمي واسم أبي وهو عبد الله وأحمد، والاسم الثالث المهدي، وهو أول المؤمنين).

در روایت مقدس چنین آمده است: «... يا ابا الحسن صحيفه و دواتى حاضر كن. و پیامبر خدا(ص) وصیتش را املا فرمود تا به این جا رسید که فرمود: یا علی پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آنها دوازده مهدی(ع) هستند، یا علی تو نخستین دوازده امام هستی...» و سپس حدیث را ادامه می دهد تا آنجا که فرمود: «و حسن(ع) آن را به فرزندش، محمد، مستحفظ از آل محمد(ع) تسلیم کند و ایشان دوازده امام می باشند و سپس دوازده مهدی(ع) بعد از او می باشد. پس اگر وقت وفاتش رسید، خلافت را به فرزندش نخستین مهديين تسليم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورنده می باشد»<sup>(۱)</sup>.

أحمد إذن هو ابن الإمام المهدي(ع)، وهو وصيه، وهو أول المؤمنين به، وكونه أول المؤمنين به يقتضي أن يكون موجوداً في زمن الظهور، وإيمانه بالإمام المهدي يسبق الأصحاب الـ ٣١٣. بنابراین احمد همان پسر امام مهدی(ع) و وصی او و اولین ایمان آورنده به او است. این که احمد اولین ایمان آورنده به او است مستلزم آن است که وی در زمان ظهور، حضورش موجود و ایمان او به امام مهدی قبل از ایمان ٣١٣ اصحاب او باشد.

وعن الإمام الباقر(ع)، قال: (خروج السفیانی والیمانی والخراسانی فی سنة واحدة، فی شهر واحد، فی يوم واحد؛ نظام كنظام الخرز يتبع بعضه بعضاً، فيكون البأس من كل وجه، ويل لمن ناوهم، وليس في الرايات راية أهدى من راية الیمانی، هي راية هدى؛ لأنه يدعو إلى صاحبكم. فإذا خرج الیمانی حرم ببيع السلاح على الناس، وكل مسلم، وإذا خرج الیمانی فانهض إليه، فإن

رایته رایته هدی، ولا یحل لمسلم أن یلتوی علیه، فمن فعل ذلك فهو من أهل النار؛ لأنه یدعو إلى الحق، وإلى طریق مستقیم<sup>(۱)</sup>.

از امام باقر(ع) نقل شده است که فرمود: «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود؛ درست مانند دانه‌های تسیح یکی پس از دیگری خواهند آمد. به هر سو که بنگری ترس و وحشت و اضطراب خواهد بود. وای به حال کسی که با آن‌ها درافتد. پرچمی از پرچم یمانی هدایت‌گرتر نیست. پرچم هدایت، همان است زیرا او مردم را به صاحب‌تان دعوت می‌کند. هنگامی که یمانی خروج کرد، فروختن سلاح بر مردم و بر هر مسلمانی حرام می‌شود. هنگامی که یمانی خروج کرد به سوی او به پاخیز چرا که پرچم او پرچم هدایت است و روی‌گردانی از آن برای مسلمان، جایز نیست. هر کس که چنین کند از اهل آتش است چرا که یمانی به حق فرا می‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند»<sup>(۲)</sup>.

تأمل ما یلی:

(لا یحل لمسلم أن یلتوی علیه فمن فعل ذلك فهو من أهل النار): وهذا یعنی أنّ الیمانی صاحب ولایة إلهیة، فلا یكون شخص حجة علی الناس بحیث إنّ إعراضهم عنه یدخلهم جهنم وإن صلوا وصاموا إلا إذا كان من خلفاء الله فی أرضه وهم أصحاب الولاية الإلهیة من الأنبیاء والمرسلین والأئمة والمهدیین.

در این مطلب تأمل کن:

«رویگردانی از آن برای مسلمان، جایز نیست. هر کس که چنین کند از اهل آتش است». این به معنی آن است که یمانی، صاحب ولایت الهی است. نمی‌شود شخصی بر مردم حجت باشد به گونه‌ای که رویگردانی آن‌ها از او، ایشان را به جهنم وارد کند حتی اگر نماز بخوانند و روزه بگیرند، مگر این که آن شخص از جانشینان خدا بر زمینش باشد؛ اینان اصحاب ولایت الهی از انبیاء و فرستادگان و ائمه و مهدیین می‌باشند.

فعلن أبي عبد الله(ع)، قال: (إنّ الله لا یستحیی أن یعذب أمة دانت بإمام لیس من الله وإن كانت فی أعمالها برة تقیة، وإنّ الله لیستحیی أن یعذب أمة دانت بإمام من الله وإن كانت فی أعمالها ظالمة مسیئة)<sup>(۳)</sup>. وروایات أخرى فی نفس الصفحة من الكافی.

۱- غیبة النعمانی: ص ۲۶۲، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۳۲، معجم احادیث الإمام المهدی(ع): ج ۳ ص ۲۵۵.

۲- غیبة نعمانی: ص ۲۶۲، بحار الأنوار: ج ۵۲ ص ۲۳۲؛ معجم احادیث الامام مهدی: ج ۳ ص ۲۵۵.

۳- الكافی: ج ۱ ص ۳۷۶.



از ابو عبد الله امام جعفر صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «خداوند شرم ندارد عذاب کند امتی را که به امامی گرویده‌اند که از جانب خدا نیست، حتی اگر کارهای آن‌ها نیکو و پاکیزه باشد، و خداوند شرم دارد عذاب کند امتی را که به امامی گرویده‌اند که از جانب خدا است، حتی اگر کارهای آن‌ها ستمگرانه و گنهکارانه باشد»<sup>(۱)</sup>. در همان صفحه از کتاب کافی روایات دیگری در همین معنا وجود دارد.

### فطالما كانت معصية اليماني توجب النار إذن هو إمام عادل من الله تعالى.

مادام که نافرمانی نسبت به یمانی، آتش را به دنبال داشته باشد، یعنی او امامی عادل از جانب خداوند متعال است.

(لأنه يدعو إلى الحق وإلى طريق مستقيم): والدعوة إلى الحق والطريق المستقيم أو الصراط المستقيم تعني أن هذا الشخص لا يخطأ فيدخل الناس في باطل أو يخرجهم من حق، أي إنه معصوم منصوص العصمة، وبهذا المعنى يصبح لهذا القيد أو الحد فائدة في تحديد شخصية اليماني، أما افتراض أي معنى آخر لهذا الكلام (يدعو إلى الحق وإلى طريق مستقيم) فإنه يجعل هذا الكلام منهم بلا فائدة فلا يكون قيداً ولا حداً لشخصية اليماني وحاشاهم من ذلك.

«زیرا او به حق فرا می‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند». فراخواندن به حق و راه مستقیم یا صراط مستقیم، به این معنا است که از این شخص خطا و اشتباهی سر نمی‌زند تا با آن مردم را به باطل درآورد یا از حق خارج گرداند؛ یعنی وی معصوم و بر عصمت او نص وارد شده است؛ و به این معنا، این قید یا محدودیت، در مشخص شدن شخصیت یمانی قابل قبول است. در نظر گرفتن هر معنای دیگری برای این سخن (او به حق فرامی‌خواند و به راه مستقیم دعوت می‌کند)، این کلام را بی‌فایده می‌کند زیرا در این صورت، برای شخصیت یمانی، حد و قیدی باقی نمی‌ماند و این از ساحت آن‌ها به دور است!

ويؤكد هذا ما ورد في القرآن الكريم: ﴿قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ ۖ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾<sup>(۲)</sup>.

۱- کافی: ج ۱ ص ۳۷۶.

۲- الاحقاف: ۳۰ - ۳۱.

آیات قرآن بر این معنا تاکید ورزیده‌اند: (گفتند: ای قوم ما، ما کتابی شنیدیم که بعد از موسی نازل شده، کتاب‌های پیشین را تصدیق می‌کند و به حق و راه راست راه می‌نماید\* ای قوم ما، این دعوت کننده به خدا را پاسخ گویند و به او ایمان بیاورید تا خدا گناهان‌تان را ببامرزد و شما را از عذابی دردآور در امان دارد)<sup>(۱)</sup>.

والآن تبين لنا أنّ اليماني حجة منصوص العصمة، والحجج تعرفنا بهم رواية الوصية آنفة الذكر وهم الأئمة الإثنا عشر والمهديون الإثنا عشر، واليماني ممد للإمام المهدي، فيتعين كونه ولده أحمد، وثمة براهين أخرى على هذه الحقيقة تجدها في كتب الأنصار حفظهم الله.

اکنون بر ما روشن شد که یمانی حجتی است که عصمت او منصوص می‌باشد (دارای نص می‌باشد)، و حجت‌ها به وسیله‌ی روایت وصیت که پیشتر ذکر شد، به ما معرفی و شناسانده می‌شوند که آن‌ها دوازده امام و دوازده مهدی هستند، و یمانی زمینه‌ساز امام مهدی است. این مطلب که وی فرزندش، احمد است و نیز برخی دلایل دیگر بر این حقیقت را می‌توانی در کتاب‌های انصار- خداوند حفظشان کند- بیابی.

ولكي تطمئن إلى أنّ السيد أحمد الحسن(ع) هو اليماني وهو وصي الإمام المهدي ورسوله، تأمل هذه الرواية:

برای این که مطمئن شوی که سید احمد الحسن (ع) همان یمانی و همان وصی و فرستاده‌ی امام مهدی است، به این روایت دقت کن:

عن محمد بن الفضل، عن الرضا(ع): (في حديث طويل أنه حضر في البصرة في مجلس عظيم فيه جماعة من العلماء وفيه جاثليق النصارى ورأس الجالوت، فالتفت الرضا(ع) إلى الجاثليق وقال: هل دل الإنجيل على نبوة محمد(ص). قال: لو دل الإنجيل على ذلك لما جحدناه، فقال(ع): أخبرني عن السكتة التي لكم في السفر الثالث. فقال الجاثليق: اسم من أسماء الله لا يجوز لنا أن نظهره.

محمد بن فضل از امام رضا(ع) در حدیثی طولانی روایت کرده‌است که: «حضرت در بصره در مجلس بزرگی از علما که در میان آن‌ها جاثلیق انصاری و رأس جالوت بودند، حاضر شد. امام رضا(ع) رو به جاثلیق کردند و فرمود: آیا انجیل بر نبوت محمد(ص) دلالتی نیاورده‌است؟ جاثلیق گفت: اگر دلالت می‌آورد ما منکر

آن نمی‌شدیم. حضرت فرمود: از السکنه در سفر سوم که شما می‌دانی مرا خبر ده. جاثلیق گفت: نامی از نام‌های خدا می‌باشد و برای ما جایز نیست آن را آشکار کنیم.

قال الرضا(ع): فإن أقررتك أنه اسم محمد ... (وبعد أن ذكر الإمام(ع) ما جاء في الإنجيل والتوراة من ذكر للرسول(ص))، قال - أي الجاثليق ورأس الجالوت-: واللّه لقد أتى بما لا يمكننا رده ولا دفعه إلا بجحود الإنجيل والتوراة والزبور، وقد بشر به موسى وعيسى عليهما السلام جميعاً، ولكن لم يتقرر عندنا بالصحة أنه محمد هذا، فأما اسمه محمد فلا يصح لنا أن نقر لكم بنبوته ونحن شاكون أنه محمدكم.

امام رضا(ع) فرمود: اگر از شما اقرار گرفتیم که این، نام محمد است... (و پس از آن که امام(ع) آن چه را که در انجیل و تورات درباره‌ی حضرت رسول(ص) آمده بیان نمود) آن دو -یعنی جاثلیق و رأس جالوت- گفتند: به خدا سوگند او چیزهایی بر ما عرضه کرد که امکان رد کردن یا پاسخ دادن به آن وجود نداشت مگر با انکار و رد انجیل و تورات و زبور، موسی و عیسی(ع) همگی به او اقرار کردند ولی ما نمی‌توانیم به صحت آن اقرار کنیم که این محمد شما همان محمد مذکور در کتاب‌ها است؛ ما نمی‌توانیم این گونه اقرار کنیم و شک داریم که این محمد شما همان محمد است.

فقال الرضا(ع): احتججتكم بالشك، فهل بعث الله من قبل أو من بعد، من آدم إلى يومنا هذا نبياً اسمه محمد؟ فأجتموا عن جوابه ... الخ<sup>(١)</sup>.

حضرت فرمودند: با شک و تردید بر من احتجاج کردید. آیا خداوند از قبل یا بعد، از آدم تا این لحظه پیامبری را مبعوث کرده‌است که نامش محمد باشد؟ پس در پاسخ در ماندند... الخ<sup>(٢)</sup>.

وجه الاستدلال بهذه الرواية:

الإمام الرضا(ع) يحتج على جاثليق النصارى ورأس الجالوت اليهودي بأن نبوة الرسول الكريم محمد(ص) ثابتة، ودليله إلى إثباتها أن اسمه الشريف قد ورد في كتبهم، ويذكر لهم المواضع التي ذكر فيها اسمه(ص)، والقوم يقرون له بأن ورود نبي اسمه محمد يأتي في آخر الزمان أمر لا يسعهم إنكاره إلا بجحود الإنجيل والتوراة والزبور. ولكنهم مع إقرارهم هذا يشكون في أن

١- بحار الأنوار: ج ٤٩ ص ٧٥.

٢- بحار الانوار: ج ٤٩ ص ٧٥.

یکون المقصود هو نبي الإسلام(ص)، أي إنهم يقبلون المفهوم ولكنهم يشكون في المصداق، فهم يقولون إنهم لا يسعهم الإقرار بنبوّة محمد رسول الله(ص) لمجرد أنّ اسمه محمد.

وجه استدلال به این روایت:

امام رضا(ع) بر جاثلیق نصاری و راس جالوت یهودی بر این که نبوت پیامبر اکرم حضرت محمد(ص) ثابت شده است محاجه می کند و دلیل آن حضرت بر اثباتش این است که نام شریف پیامبر در کتاب‌های خود آن‌ها آمده است و حضرت جاهایی که اسم پیامبر(ص) در آن آمده است را برای آن‌ها بیان می‌دارد. آن‌ها نیز نزد حضرت اقرار می‌کنند که درج پیامبری به اسم محمد که در آخرالزمان می‌آید، موضوعی است که قادر به انکار آن نیستند مگر این که انجیل، تورات و زبور را رد کنند. لیکن آن‌ها با وجود چنین اقرار و اعترافی، در این که مقصود، همان پیامبر اسلام(ص) است شک و تردید روا می‌دارند؛ یعنی آن‌ها مفهوم را می‌پذیرند ولی در مصداق، شک و گمان می‌ورزند؛ آن‌ها می‌گویند نمی‌توانند صرفاً به این دلیل که اسم پیامبر خدا حضرت محمد(ص)، «محمد» است، به او اقرار کنند.

وهنا يجيبهم الإمام الرضا(ع) بقوله: (احتجتم بالشك)، أي إنكم لا تملكون حجة إيجابية، وإنما حجتكم هي حجة سلبية، ثم يقطع عليهم هذه الحجة السلبية بقوله: (فهل بعث الله من قبل أو من بعد، من آدم إلى يومنا هذا نبياً اسمه محمد؟)، فيحجمون عن جوابه وتنقطع شكوكهم الواهية.

در اینجا امام رضا(ع) با عبارت «با شک و تردید بر من احتجاج کردید» پاسخ آن‌ها را می‌دهد یعنی شما دلیل ایجابی ندارید و دلیل شما صرفاً سلبی است. سپس همین دلیل سلبی را نیز بر ایشان بی‌اثر می‌سازد، با این سخن خود که فرمود: «آیا خداوند از قبل یا بعد، از آدم تا این لحظه، پیامبری را مبعوث کرده است که نامش محمد باشد؟» و آن‌ها از جواب درمی‌مانند و شبهات واهی‌شان نقش بر آب می‌شود.

الإمام الرضا(ع) بعبارة أخرى يقول لهم استقرأوا التاريخ من زمن آدم(ع) إلى يومكم هذا، هل تجدون فيه رجلاً اسمه محمد ادعى أنه مبعوث من الله تعالى، فإذا لم تجدوا - ولن تجدوا - فلا محيص لكم من الإقرار بأن نبينا(ص) هو النبي المقصود الذي ذكرته كتبكم.

امام رضا(ع) به عبارتی دیگر به آن‌ها می‌گوید تاریخ را از زمان آدم(ع) تا امروز بررسی کنید؛ آیا در آن مردی به اسم محمد می‌یابید که ادعا کرده باشد از جانب خدای متعال مبعوث شده است؟ پس اگر نیافتید - قطعاً نمی‌یابید - چاره‌ای ندارید جز این که اقرار کنید پیامبر ما(ص) همان پیامبر مقصود است که در کتاب‌های شما ذکر او به میان آمده است.

وبطبيعة الحال لا بد أن نتذكر دوماً أنّ ذكر رسول الله في كتب الأديان الإلهية السابقة كان على سبيل النص عليه والوصية به، فنحن يزاء احتجاج بالوصية على نبوة الرسول محمد، وطريق الإثبات على صدق المدعي وأنه هو المعني، هو استقراء التاريخ الذي يشهد بعدم وجود مدع للوصية سوى صاحبها. وليس هذا حسب، بل يمكننا إضافة بُعدٍ مهم آخر لاستدلال الإمام الرضا(ع)، وهو ما نتوضحه بعد أن نعلم أنّ احتجاج الإمام الرضا(ع) كامل وصحيح لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه، فهو احتجاج رجل لا ينطق عن الهوى إن هو إلا وحي يوحى.

طبيعياً ما باید همواره این نکته را متذکر شویم که آمدن نام رسول خدا در کتب ادیان الهی سابق، بر سبیل نص بر آن حضرت و وصیت نمودن به او بوده است. ما به ازای احتجاج به وصیت بر پیامبری حضرت محمد و روش اثبات برای درستی ادعا کننده که همان هدف مورد نظر است، تکیه بر تاریخ است که شهادت می دهد به غیر از صاحب وصیت مدعی دیگری وجود ندارد. به علاوه می توانیم بُعد مهم دیگری به استدلال امام رضا(ع) اضافه کنیم؛ موردی که به روشنی از آن درمی یابیم، زیرا می دانیم احتجاج امام رضا(ع) کامل و صحیح و به گونه ای است که نه از پیش روی و نه از پشت سر، باطل به آن راه ندارد؛ چرا که این احتجاج از آن مردی است که سخن از روی هوا نمی گوید و آنچه می گوید جز وحیی که (از مبدأ اعلی) به او القاء می شود، نیست.

إذا علمنا هذا، نتساءل الآن: ماذا لو أنّ الجاثليق ورأس الجالوت أجابا الإمام الرضا(ع) قائلين: نعم، لم يسبق لأحد أن ادعى أنه المعني بما ورد في كتبنا، ولكن هذا لا يمنع أن يأتي شخص في قابل الأيام ليُدعي ذلك.

حال که این مطلب را دانستیم، این پرسش را مطرح می کنیم که: اگر جاثلیق و راس جالوت در پاسخ به امام رضا(ع) می گفتند: «آری»، سابقه ندارد کسی ادعا کرده باشد که او همان شخص ذکر شده در کتاب های ما باشد ولی این مانع نمی شود که شخصی در روزگار بعدی بتواند آن را ادعا کند.

أقول: هل كان مثل هذا الجواب المفترض يسقط استدلال الرضا(ع)؟

من می گویم: آیا این پاسخ احتمالی، استدلال امام رضا(ع) را بی اثر و بی نتیجه می کرد؟

قلنا فيما تقدم أنّ احتجاج الإمام الرضا(ع) كامل وصحيح، ولا يشك بهذا إلا جاهل بحقيقة الإمام الرضا(ع)، وبحقيقة الإمامة.

پیشتر گفتیم که احتجاج امام رضا(ع) کامل و صحیح است و در این قضیه کسی شک روا نمی‌دارد مگر آن که به حقیقت امام رضا(ع) و به حقیقت امامت جاهل باشد.

ومن منطلق هذا الإيمان بصحة احتجاج الإمام(ع) يمكننا أن نتصور فهماً لاحتجاجه، هو أنه(ع) يريد أن يقرر حقيقة هي أنّ الوصية لا يمكن أن يدعيها غير صاحبها أبداً، وبهذا التصور نعلم أنّ الجواب المفترض لا يشكل نقضاً على استدلال الإمام الرضا(ع)، بل إنه لن يشكل في الحقيقة سوى استمرار لمنطق الشك الفارغ غير المستند على حجة حقيقية إيجابية.

از چنین دیدگاهی که اعتقاد تام به درستی احتجاج امام رضا(ع) دارد، می‌توانیم درکی از احتجاج آن حضرت به دست آوریم به این صورت که حضرت می‌خواسته‌است این حقیقت را بیان نماید که وصیت را فقط و فقط صاحب آن می‌تواند ادعا کند و نه کس دیگر؛ و بر اساس این انگاره، می‌دانیم که جواب احتمالی (فوق) استدلال امام رضا(ع) را نقض نمی‌کند بلکه در واقع چیزی نیست جز ادامه‌ی منطق تردید بی‌پایه و غیرمستند بر دلیل حقیقی‌ایجابی.

والحق أنّ العقول السليمة تدرك الضرورة المحتمة من حفظ وصايا الأنبياء، بل النص الإلهي عليهم من تلاعب المزورين ومدعي الباطل، إذ أنّ افتراض إمكانية أن ينتحل مزور وصايا الأنبياء والحجج أو النص الإلهي عليهم سيفتح الباب على مصراعيه لدخول الشك واستفحاله في العقول والقلوب، فلا يسع إنسان بعد تحقق افتراض الانتحال الباطل أن يطمئن أبداً لمن يدعي أنه نبي أو وصي، وستسقط الحجة الأولى والأقوى التي يحتجون بها، وهذا خلاف الفرض.

واقعیت آن است که عقل‌های سلیم ضرورت قطعی حفظ وصایای پیامبران را درک می‌کند، و حتی نص الهی وارد بر آنها، باید از دست‌کاری جاعلان و مدعیان دروغین محفوظ بماند؛ زیرا فرض وجود داشتن این امکان که جاعل اوصیای انبیاء و حجت‌ها یا نص الهی بر آنها بتواند خود را جا بزند، دروازه‌ی ورود شک و خطر آن در عقل‌ها و قلب‌ها را به‌طور کامل باز می‌کند و آن‌گاه سپس از تحقق فرض جعل هویت دروغین-انسان هرگز نمی‌تواند به کسی که مدعی شده‌است من نبی یا وصی هستم اطمینان یابد و به این ترتیب آن حجت نخستین و مستحکم‌تر که به آن احتجاج می‌جویند ساقط می‌شود، و این خلاف فرض است.

وإليك هذه الروايات:

وعن أمير المؤمنين (ع) إنه قال: (... يخرج رجل قبل المهدي من أهل بيته من المشرق يحمل السيف على عاتقه ثمانية أشهر يقتل ويقتل ويتوجه إلى بيت المقدس فلا يبلغه حتى يموت)<sup>(١)</sup>، إذن يخرج رجل من أهل بيت المهدي قبل الإمام.

و بر شما باد این روایات:

از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که فرمود: «... قبل از از مهدی، مردی از اهل بیتش از مشرق خارج می شود و شمشیر را مدت هشت ماه بر دوش می گیرد، می کشد و می کشد و به سمت بیت المقدس حرکت می کند، و به آنجا نمی رسد مگر این که بمیرد»<sup>(٢)</sup>. بنابراین مردی از اهل بیت مهدی، قبل از امام خروج می کند.

عن حذيفة، قال: (سمعت رسول الله (ص) - وذكر المهدي - فقال: إنه يبائع بين الركن والمقام، اسمه أحمد وعبد الله والمهدي، فهذه أسماؤه ثلاثتها)<sup>(٣)</sup>، قارن هذه الرواية برواية الوصية. از حذیفه نقل شده است که گفت: از پیامبر خدا (ع) شنیدم که درباره ی مهدی می فرمود: «با او بین رکن و مقام بیعت می شود، نامش احمد و عبدالله و مهدی است و این هر سه نام های او است»<sup>(٤)</sup>. این روایت را با روایت وصیت مقارنه کن.

أما الخروج فهو الحركة المسلحة التي لا بد أن تسبقها دعوة ليحي من حي عن بينة ويهلك من هلك عن بينة.

البته خروج، یک حرکت مسلحانه است و دعوت، باید قبل از آن صورت بگیرد، تا هر که هلاک می شود با دلیلی هلاک شود و هر که زنده می ماند با دلیلی زنده ماند.

واعلمي أنّ الخروج قبل الصيحة لا بعدها، فاليماني يخرج ليقاتل السفياي، والسفياي يخرج في رجب أي قبل رمضان الذي تحدث فيه الصيحة.

١- كتاب الفتن لنعيم بن حماد المروزي: ص ١٩٨، معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج ٣ ص ١١٩، كنز العمال: ج ١٤ ص ٥٨٩. وفي رواية السيد ابن طاووس في الملاحم والفتن: ص ١٣٩: (... بأهل الشرق...).

٢- كتاب الفتن لنعيم بن حماد مروزي: ص ١٩٨؛ معجم احاديث امام مهدي (ع): ج ٣ ص ١١٩؛ كنز العمال: ج ١٤ ص ٥٨٩؛ در روایت سيد بن طاووس در ملاحم و الفتن: ص ١٣٩: (... بأهل الشرق...).

٣- غيبة الطوسي: ص ٤٥٤، الخرائج والجرائح للراوندي: ص ١١٤٩، بحار الأنوار: ج ٥٢ ص ٢٩١، معجم أحاديث الإمام المهدي (ع): ج ١ ص ٤٥٣.

٤- غيبة طوسي: ص ٤٥٤؛ خرائج و جرائح راوندي: ص ١١٤٩؛ بحار الانوار: ج ٥٢ ص ٢٩١؛ معجم احاديث امام مهدي (ع): ج ١ ص ٤٥٣.



بدان که خروج قبل از صیحه است، نه بعد از آن؛ یمانی خروج می‌کند تا با سفیانی بجنگد، و سفیانی در ماه رجب خروج می‌کند یعنی قبل از رمضان که صیحه در آن هنگام حادث می‌گردد.

وأكثر من هذا فإنّ الصيحة ربما وقع فيها البداء ولم تحدث.

علاوه بر این، چه بسا در صیحه بداء حاصل شود و اتفاق نیفتد.

ورد في بصائر الدرجات - محمد بن الحسن الصفار ص ۵۴۲:

حدثنا محمد بن عيسى، عن محمد بن سنان، عن عمار بن مروان، عن ضريس، قال: (أبو جعفر (ع): رأيت إن لم يكن الصوت الذي قلنا لكم أن يكون ما أنت صانع؟ قال: قلت: انتهى فيه والله إلى أمرك، قال: فقال: هو والله التسليم وإلا فالذبح، وأهوى بيده إلى حلقه).

أبو محمد الأنصاري - ۲۰۱۰/۴/۵

در بصائر الدرجات نوشته‌ی محمد بن حسن الصفار ص ۵۴۲ آمده است:  
ضريس گفت: ابوجعفر امام محمد باقر (ع) فرمود: «اگر صدایی که به شما گفتیم حادث می‌شود حادث نگشت، تو چه می‌کنی؟ گفت: گفتیم: به خدا سوگند آن را به فرمان تو منتهی می‌گردانم. گفت: فرمود: «به خدا سوگند این همان تسلیم است و گرنه ذبح» و با دستش به گلویش اشاره فرمود».

ابومحمد انصاری - ۲۰۱۰/۴/۵



**پرسش ۶۴۷: سوالی در مورد زرارة (رحمه الله)**

السؤال / ۶۴۷: كنت أتجول في بعض المنتديات.

وقرأت كلاماً من أحد المغاربة تفرط له قلبي وسبب لي حرج في نقاشاتي معهم فهل صحيح ما قيل حول زرارة؟ وأنقله بنصه لأنني سأردّ عليهم:



پرسش ۶۴۷: در تالارهای گفت‌وگو مشغول گشت و گذار بودم. از یکی از مراکشی‌ها مطلبی خواندم که قلبم را به درد آورد و مرا به مباحثات و کشمکش‌هایی شدید با آن‌ها واداشت. آیا آنچه که درباره‌ی زراره گفته می‌شود صحیح است؟ من عین متنش را می‌آورم زیرا با همین‌ها به آن‌ها پاسخ خواهم داد:

۱- قال الشيخ الطوسي: (إن زرارَةَ من أسرة نصرانية، وإن جده "سنسن وقيل سبسن" كان راهباً نصرانياً، وكان أبوه عبداً رومياً لرجل من بني شيبان)<sup>(۱)</sup>.

۱- شیخ طوسی گفته‌است: زراره از خانواده‌ای نصرانی بود و جدش («سنسن» و گفته‌شده «سبسن») یک راهب نصرانی بوده‌است. پدرش برده‌ی رومی بوده که برای بنی شیبان کار می‌کرده‌است<sup>(۲)</sup>.

وزرارة هو الذي قال: (سألت أبا عبد الله عن التشهد .. إلى أن قال: فلما خرجت ضرطت في لحيته وقلت: لا يفلح أبداً)<sup>(۳)</sup>.

زراره کسی است که گفته‌است: «در مورد تشهد از ابوعبدالله پرسیدم.... تا آنجا که گفت: وقتی خارج شدم در ریشش «ضرطه زدم» (باد معده) و گفتم: هرگز رستگار نمی‌شود»<sup>(۴)</sup>.

وقال زرارَةَ أيضاً: (والله لو حدثت بكل ما سمعته من أبي عبد الله لانتفخت ذكور الرجال على الخشب)<sup>(۵)</sup>.

هم‌چنین زراره گفته‌است: «به خدا سوگند اگر تمام آن‌چه را که از امام صادق (ع) شنیده‌ام بر زبان بیاورم، مردان قوی نیز به دار آویخته خواهند شد»<sup>(۶)</sup>.

۱- الفهرست: ص ۱۰۴.

۲- الفهرست: ص ۱۰۴.

۳- رجال الكشي: ص ۱۴۲.

۴- رجال كشي: ص ۱۴۲.

۵- رجال الكشي: ص ۱۲۳.

۶- رجال كشي: ص ۱۲۳.

عن ابن مسكان، قال: سمعت زرارَةَ يقول: (رحم الله أبا جعفر، وأما جعفر فإن في قلبي عليه لفتة. فقلت له: وما حمل زرارَةَ على هذا؟ قال: حملة على هذا أن أبا عبد الله أخرج مخازيه)<sup>(۱)</sup>.

ابن مسکان می‌گوید شنیدم زرارہ می‌گفت: خدا رحمت کند ابو جعفر را، و اما جعفر، در دلم نسبت به او «لفته» (کدورتی) است. به او گفتم: چه چیز باعث شده زرارہ چنین بگوید؟ گفت: به خاطر این که ابو عبد الله زشتی‌هایش را برملا کرده است<sup>(۲)</sup>.

### أقوال أبو عبد الله رضي الله عنه في زرارَةَ:

سخنان ابو عبد الله درباره‌ی زرارہ:

۲- ولهذا قال أبو عبد الله فيه: (لعن الله زرارَةَ)<sup>(۳)</sup>.

۲- و به همین دلیل ابو عبد الله درباره‌ی او گفت: «خدا لعنت کند زرارہ را»<sup>(۴)</sup>.

۳- وقال أبو عبد الله أيضاً: (اللهم لو لم تكن جهنم إلا سكرجة لوسعها آل أعين بن سنسن).

۳- هم‌چنین ابو عبد الله گفته‌است: «خداوند! جهنم را به وجود نیاوردی مگر ظرف کوچکی که خاندان اعین بن سنن بزرگش کنند».

۴- وقال أبو عبد الله: (لعن الله بريداً، لعن الله زرارَةَ)<sup>(۵)</sup>.

۴- ابو عبد الله گفت: «خدا لعنت کرد برید را، خدا لعنت کند زرارہ را»<sup>(۶)</sup>.

۵- وقال أيضاً: (لا يموت زرارَةَ إلا تائهاً عليه لعنة الله)<sup>(۷)</sup>.

۱- رجال الكشي: ص ۱۳۱.

۲- رجال كشي: ص ۱۳۱.

۳- المصدر السابق: ص ۱۳۳.

۴- رجال كشي: ص ۱۳۳.

۵- المصدر السابق: ص ۱۳۴.

۶- رجال كشي: ص ۱۳۴.

۷- المصدر السابق: ص ۱۳۴.

٥- و هم چنین گفته است: «زراره نمی میرد مگر سرگردان و حیران، لعنت خدا بر او باد!»<sup>(١)</sup>.  
 ٦- وقال أبو عبد الله أيضاً: (هذا زرارة بن أعين، هذا والله من الذين وصفهم الله تعالى في كتابه العزيز: ﴿وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُوراً﴾)<sup>(٢)</sup><sup>(٣)</sup>.

٦- و نیز ابو عبدالله گفته است: «این زراره بن اعین است، و الله او جزو کسانی است که خداوند متعال در کتاب عزیزش آن ها را توصیف کرده است: (و به اعمالی که کرده اند پردازیم و همه را چون ذرات خاک بر باد دهیم)<sup>(٤)</sup><sup>(٥)</sup>.

٧- وقال: (إنّ قوماً يعارون الإيمان عارية، ثم يسلبونه، فيقال لهم يوم القيامة المعارون، أما إنّ زرارة بن أعين لمنهم)<sup>(٦)</sup>.

٧- و گفته است: «قومی ایمان را عاریت می گیرند سپس آن را پس می دهند و در روز قیامت به آن ها «معارون» گفته می شود. یقیناً زراره بن اعین از آن ها است»<sup>(٧)</sup>.

٨- وقال أيضاً: (إن مرض فلا تعده، وإن مات فلا تشهد جنازته. فقل له: زرارة؟ متعجباً، قال: نعم، زرارة شر من اليهود والنصارى، ومن قال إنّ الله ثالث ثلاثة، إنّ الله قد نكس زرارة، وقال: إنّ زرارة قد شك في إمامتي فاستوهبته من ربي)<sup>(٨)</sup>.

٨- هم چنین گفته است: «اگر بیمار شود، درمانش نکنید و اگر بمیرد، بر جنازه اش نماز نخوانید. به او گفته شد: زراره؟ با تعجب گفت: آری، زراره از یهود و نصارا شریتر است و کسی است که گفته، خداوند سه گانه است، خداوند زراره را ذلیل کند. و گفت: زراره در امامت من شک کرد، پس از خدای من طلب بخشش نمود»<sup>(٩)</sup>.

١- رجال کشی: ص ١٣٤.

٢- الفرقان: ٢٣.

٣- رجال کشی: ص ١٣٦.

٤- فرقان: ٢٣.

٥- رجال کشی: ص ١٣٦.

٦- رجال کشی: ص ١٤١.

٧- رجال کشی: ص ١٤١.

٨- رجال کشی: ص ١٣٨.

٩- رجال کشی: ص ١٣٨.

فإذا كان زرارة من أسرة نصرانية وكان قد شك في إمامة أبي عبد الله، وهو الذي قال بأنه شرط في لحيته أبي عبد الله، وقال عنه لا يفلح أبداً، فما الذي نتوقع أن يقدمه لدين الإسلام؟؟

حال اگر زراره از یک خانواده‌ی نصرانی بوده‌است و در امامت ابوعبدالله شک داشته باشد، و او همانی است که گفته در ریش ابوعبدالله شرطه زده، و درباره‌اش گفته‌است که هرگز رستگار نمی‌شود، پس دیگر توقع داریم او چه خدمتی به دین اسلام عرضه بدارد؟!!

إن صحاح الشيعة طافحة بأحاديث زرارة، وهو في مركز الصدارة بين الرواة، وهو الذي كذب على أهل البيت وأدخل في الإسلام بدعاً ما أدخل مثلها أحد كما قال أبو عبد الله، ومن راجع صحاح الشيعة وجد مصداق هذا الكلام، ومثله يريد حتى إنَّ أبا عبد الله لعنهما.

صحاح شیعه پر است از احادیث زراره، و او در صدر راویان قرار دارد. او کسی است که بر اهل بیت دروغ بست و در اسلام بدعت‌هایی وارد نمود که کسی همانند او چنین بدعت‌هایی در اسلام نیاورده‌است؛ ابوعبدالله نیز به این مطلب اشاره کرده‌است. هر کس به صحاح شیعه رجوع کند، مصداق این سخن را می‌یابد و مثل و نظیر او «برید» است که ابوعبدالله این دو را لعن نموده‌است.

والأسئلة التي طرحها بين أحضان كل شيعي واهم بصحة مذهبه، أو معاند على صدق عقيدته:

پرسش‌هایی که ما در دامان تمام شیعیان قرار می‌دهیم که از مهمترین موارد مذهب او یا دلیل بر عدم صدق عقیده‌ی او است:

كيف يدعي الشيعي محبة آل البيت وهو يأخذ دينة من رجل شرط في لحيته أبي عبد الله؟

چطور شیعه ادعای محبت آل‌البيت دارد و حال آن که دین خود را از کسی می‌گیرد که در ریش ابوعبدالله شرطه زده‌است؟

كيف يأخذ الشيعة دينهم من رجل شك في إمامة أبي عبد الله رضي الله عنه؟

چگونه شیعه دین خود را از مردی می‌گیرد که در امامت ابوعبدالله شک کرده‌است؟

كيف يبكي الشيعة ويضربون أنفسهم ويخرجون دماثهم بأيديهم حزناً على أبي عبد الله وهم يأخذون دينهم من رجل شك في إمامة أبي عبد الله رضي الله عنه؟

چگونه شیعیان در حزن و اندوه ابوعبدالله می‌گیرند و خود را می‌زنند و به دست خودشان از بدن خون جاری می‌سازند و حال آن که از سوی دیگر، دین خود را از مردی اخذ می‌کنند که در امامت ابوعبدالله شک کرده‌است؟

كيف يأخذ الشيعة دينهم من رجل لعنه أبا عبد الله؟

چگونه شیعیان دین خود را از مردی می‌گیرند که ابوعبدالله او را لعنت کرده‌است؟

كيف يأخذ الشيعة دينهم من أبناء الرهبان؟

المرسل: حسين القلاف - السعودية

چگونه شیعیان دین خود را از فرزندان راهب‌های مسیحی اخذ می‌کنند؟

فرستنده: حسين القلاف - عربستان سعودی

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

زرارة من أوثق وأعدل أصحاب الأئمة(ع)، وقد أمرنا الأئمة بأخذ الأحاديث التي يروها، وإليك

بعض الروايات:

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

زراره از واثق‌ترین و عادل‌ترین اصحاب ائمه(ع) است و ائمه ما را به اخذ احاديثی که او روایت کرده‌است

دستور داده‌اند. این شما و این برخی از این روایات:

وسائل الشيعة (آل البيت) ج ٢٧ ص ١٤٣ - ١٤٤:

عن أبي العباس الفضل بن عبد الملك، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: (أحب الناس إليّ أحياءاً وأمواتاً أربعة: بريد بن معاوية العجلي، وزرارة، ومحمد بن مسلم، والأحول، وهم أحب الناس إليّ أحياءاً وأمواتاً).

وسائل الشيعة (آل البيت) ج ۲۷ ص ۱۴۳-۱۴۴: از ابی العباس فضل بن عبدالمک: شنیدم ابا عبدالله می‌فرماید: «چهار نفر هستند که محبوب‌ترین مردم نزد من به حساب می‌آیند: بريد بن معاويه العجلي و زرارہ بن اعين و محمد بن مسلم و الاحول. اينها چه زنده باشند و چه مرده محبوب‌ترین مردم نزد من هستند».

وعن المفضل بن عمر: (إنّ أبا عبد الله (ع) قال للفيض بن المختار في حديث: فإذا أردت حديثنا فعليك بهذا الجالس، وأوماً إلى رجل من أصحابه، فسألت أصحابنا عنه، فقالوا: زرارۃ بن أعين).

مفضل بن عمر می‌گوید: «ابوعبدالله (ع) در حدیثی به فیض بن مختار فرمود: «اگر سخن ما را می‌خواهی پس بر تو باد بر این شخص» و به مردی از اصحابش اشاره فرمود. اصحاب ما درباره‌ی او پرس و جو کردند، گفتند: او زرارہ بن اعین است».

وعن إبراهيم بن عبد الحميد وغيره، قالوا: قال أبو عبد الله (ع): (رحم الله زرارۃ بن أعين، لولا زرارۃ ونظراؤه لاندروست أحاديث أبي (ع)).

از ابراهیم ابن عبد الحمید و سایرین: ابوعبدالله (ع) فرمود: «خدا رحمت کند زرارہ بن اعین را! اگر زرارہ و امثال او نبودند، احادیث پدرم (ع) مندرس و ضایع شده‌بود».

وعن سليمان بن خالد، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: (ما أجد أحداً أحيى ذكرنا، وأحاديث أبي (ع) إلا زرارۃ، وأبو بصير ليث المرادي، ومحمد بن مسلم، وبريد بن معاوية العجلي، ولولا هؤلاء ما كان أحد يستنبط هذا، هؤلاء حفاظ الدين وأمناء أبي (ع) على حلال الله وحرامه، وهم السابقون إلينا في الدنيا، والسابقون إلينا في الآخرة).

از سلیمان بن خالد: شنیدم ابوعبدالله (ع) فرمود: «کسی ذکر ما و احادیث پدرم (ع) را احیا نکرد به جز زرارہ و ابوبصیر لیت مرادی و محمد بن مسلم و بريد بن معاويه عجلي. اگر اینان نبودند هرگز کسی این (احادیث) را استنباط نمی‌نمود. اینان حافظان دین و امینان پدرم (ع) بر حلال و حرام خدایند. آنان سبقت‌گیران به سوی ما در دنیا و آخرتند».

وعن أبي عبيدة الحذاء، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: (زرارة، وأبو بصير، ومحمد بن مسلم، وبريد، من الذين قال الله تعالى: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿۱﴾ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾<sup>(١)</sup>).

از عبيده بن حذاء كه گفت: شنيدم ابو عبدالله (ع) مي فرمايد: «زراره و ابوبصير و محمد بن مسلم از كساني هستند كه خداوند متعال درباره ي آنها فرموده است: (آنها كه سبقت جسته بودند و اينك پيش افتاده اند، اينان مقربانند)<sup>(٢)</sup>.

وأما روايات الذم لزرارة وأمثاله فهي محمولة على التقية للحفاظ عليهم من الطواغيت أعداء آل محمد (ع) الذين كانوا يقتلون أو يسجنون أو يشردون كل من كان من خاصة أهل البيت (ع)، وقد صرح الأئمة (ع) بذلك وبينوا الغرض من لعنهم وذمهم لبعض أصحابهم الثقات الأثبات.

وفقك الله لكل خير وفلاح.

اللجنة العلمية- لأنصار الإمام المهدي (مكن الله له في الأرض)  
الشيخ ناظم العقبلي - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

اما روايات در ذم زراره و امثال او، محمول بر تقيه است و با هدف حفظ آنها از شر طاغوتيان دشمنان آل محمد (ع) صورت گرفته است؛ يعنى از همان كساني كه هر فردى كه از مقربان و نزديكان اهل البيت (ع) بود را مي كشتند و به زندان مي افكندند يا آواره مي ساختند. ائمه (ع) به اين مطلب تصريح نموده اند و غرض از لعن و مذمتى كه براى برخى از اصحاب ثقه و مورد اعتماد خود به كار برده اند را تبیین فرموده اند.  
خداوند شما را به هر خير و فلاحى موفق بدارد!

هیأت علمی انصار امام مهدی (ع) - (خداوند در زمین تمکینش دهد)  
شیخ ناظم العقبلی - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ ق



١- الواقعة: ١٠- ١١.

٢- واقعه: ١٠ و ١١.

## پرسش ۶۴۸: سوالی در مورد مهدیین (ع)

السؤال / ۶۴۸: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

قبل أن أسأل سؤالي أود أن أقول أنني سمعت بهذه الدعوة جديداً، وأنا ما زلت أبحث فيها، وكان هناك كثير من الأسئلة التي كانت تدور في بالي قبل أن أسمع بهذه، وبعد أن اطّلت على هذه الدعوة حلت بعض الإشكالات التي كانت عندي، مثلاً من هم الإثنا عشر مهدياً؟

پرسش ۶۴۸: السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

قبل از این که سؤال را مطرح کنم، مایلیم بگویم که من به تازگی این دعوت را شنیده‌ام و همچنان در مورد آن مشغول تحقیق و بررسی هستم. قبل از این که اینها به گوشم بخورد، سؤالات زیادی در ذهن داشتم و پس از آن که بر این دعوت اطلاع یافتیم، برخی اشکالاتی که داشتم حل شد، مثل این که دوازده مهدی چه کسانی هستند.

ولكن عندي سؤال حول رواية يستشكل بها المخالفون على الدعوة، وهي هذه الرواية:

عن أبي عبد الله (ع): (... وقائل يمرق بقوله أنه يتعدى إلى ثلاثة عشر وصاعداً، وقائل يعصي- الله (عزوجل) بقوله: إنّ روح القائم ينطق في هيكل غيره).

أرجو من سماحتكم أن توضحوا لنا هذه الرواية. والسلام عليكم.

المرسل: علي الحسيني - أستراليا

اما درباره‌ی روایتی که مخالفان دعوت به وسیله‌ی آن اشکال می‌گیرند سؤالی دارم. روایت این است: از ابا عبدالله امام صادق (ع): «... (و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند. و برخی هم نافرمانی خدای عزوجل می‌کنند و می‌گویند: روح امام قائم در پیکر شخص دیگری وارد شده است و سخن می‌گوید)».

از حضرتعالی خواهش می‌کنم این روایت را برای ما شرح دهید.

و السلام عليكم.

فرستنده: علی الحسنی - استرالیا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم



الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.  
وعليكم السلام ورحمة الله وبركاته.

هذا نص أحد الأجوبة كتبته سابقاً لأحد الإخوة حول هذه الرواية:

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.  
و عليكم السلام و رحمة الله و بركاته.  
متن زیر نصّ یکی از پاسخ‌هایی است که درباره‌ی این روایت قبلاً برای یکی از برادران نوشته‌ام:

أخي العزيز ... بغض النظر عن ضعف سند هذه الرواية وبغض النظر عن إلزام القوم بما يلزمون به أنفسهم ... فكلام الإمام(ع) منصب على الذين ينكرون وجود الإمام المهدي(ع) وإمامته وبقائه. فقوله(ع): (... وقائل يمرق بقولته أنه يتعدى إلى ثالث عشر فصاعداً...) أي إنه يقول بالثالث عشر فصاعداً مع القول بموت الإمام المهدي(ع) في الغيبة الصغرى أو الكبرى، وليس مجرد القول بذرية وخلفاء للإمام المهدي(ع) يكونون خلفاء له بعد قيامه المقدس وأولهم يكون ممهداً له(ع).

برادر عزیزم.... با قطع نظر از ضعف سند این روایت و با قطع نظر از قاعده‌ی «الزام» (الزام نمودن قوم به آنچه خودشان را به آن ملزم می‌نمایند.....): کلام امام(ع) متوجه کسانی است که وجود امام مهدی(ع) و امامت و بقای او را منکر می‌شوند. این سخن حضرت که: «... و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند...» یعنی وی امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهد، و در عین حال معتقد به فوت امام مهدی(ع) در غیبت صغری یا کبری است؛ اینجا سخن درباره‌ی فرزندان و جانشینان امام مهدی(ع) نیست که جانشینان او بعد از قیام مقدسش می‌باشند که اولین آن‌ها، زمینه‌ساز او(ع) است.

والدليل على ذلك أنّ الإمام(ع) يتكلم عن غيبة الإمام المهدي(ع) وارتداد الناس وانحرافهم عنه، فالممنوع هنا هو القول بموت الإمام المهدي(ع) في الغيبة وتنصيب حجة ثالث عشر بعده، وهذا القول يعني أنّ الإمام المهدي(ع) لم يبقَ إلى أن يظهر ويقوم ليملاً الأرض قسطاً وعدلاً بعدما ملئت ظلماً وجوراً كما نطقت بذلك عشرات أو مئات الروايات.

دلیل بر این سخن آن است که حضرت(ع) درباره‌ی غیبت امام مهدی(ع) و ازدتداد و انحراف مردم از او سخن می‌گوید؛ پس آنچه در اینجا ممنوع است، قائل شدن به مرگ امام مهدی(ع) در غیبت و حجت سیزدهم پس از او است. این سخن یعنی این که امام مهدی(ع) تا آن هنگام که ظاهر شود و زمین را پس از آن که از ظلم و جور آکنده شده است، از عدل و داد پر کند، باقی می‌ماند؛ و این موضوعی است که ده‌ها و صدها روایت آن را بیان است.

وأما القول بأن هناك أوصياء للإمام المهدي(ع) مع الاعتقاد بوجود الإمام المهدي وحياته إلى أن يؤسس دولة العدل الإلهي فهذا لم تنفه هذه الرواية، بل نصت وأشارت إلى هذا المعنى عشرات الروايات، أي نطقت عشرات الروايات بوجود المهديين من ذرية الإمام المهدي(ع)، وإن شئت راجع كتاب (الرد الحاسم على منكري ذرية القائم(ع)) أحد إصدارات أنصار الإمام المهدي(ع).

عقیده به این که امام مهدی(ع) اوصیائی دارد، در کنار اعتقاد به وجود و حیات امام مهدی تا آن‌گاه که دولت عدل الهی را پایه‌گذاری می‌کند، عقایدی نیست که این روایت نافی آن‌ها باشد؛ بلکه ده‌ها روایات، به این معنا تنصیب و اشاره دارد، یعنی ده‌ها روایت از وجود مهدیین از نسل امام مهدی(ع) سخن گفته است. اگر تمایل داشته باشی می‌توانی به کتاب «الرد الحاسم على منكري ذرية القائم(ع)» از انتشارات انصار امام المهدي(ع) مراجعه نمایی.

إذن، فالرواية تتحدث عن موضوع غير موضوع أوصياء الإمام المهدي(ع)، أي إنها تتحدث عن عقيدة المذنبين يقولون بموت الإمام المهدي(ع) في غيبته ويعتقدون بإمام ثالث عشر، أي إن الاعتقاد الباطل ليس هو الإيمان بوجود أوصياء للإمام المهدي(ع)، بل هو الإيمان بالأوصياء زائداً القول بموت الإمام المهدي(ع) في غيبته، وهذا خارج تخصصاً أي موضوعاً عن موضوع الاعتقاد بالأوصياء الإثني عشر من ذرية الإمام المهدي(ع)؛ لأننا نعتقد بهم ولكن نعتقد بإمامة الإمام المهدي(ع) في الغيبة الكبرى وأنه الحجة الأصل إلى أن يقوم فيملئ الأرض قسطاً وعدلاً... فنحن لا نقول بموت الإمام المهدي(ع) في غيبته حتى تنطبق علينا هذه الرواية... فأين هذا من ذلك؟! وفي الحقيقة أن الذين يعترضون علينا بهذه الرواية هم في غاية الجهل والوهم.

بنابراین روایت مزبور درباره‌ی موضوعی غیر از موضوع اوصیای امام مهدی(ع) صحبت می‌کند؛ یعنی این روایت درباره‌ی کسانی است که به مرگ امام مهدی(ع) در زمان غیبتش اعتقاد دارند و در عین حال به امام سیزدهم معتقدند؛ به عبارت دیگر، آن اعتقاد باطل، ایمان به وجود اوصیایی برای امام مهدی(ع) نیست بلکه عقیده‌ای باطل است که هم به اوصیا ایمان دارد و هم مرگ امام مهدی(ع) در زمان غیبتش را باور دارد. این

از بحث -یعنی قضیه‌ی اعتقاد به اوصیای دوازده‌گانه از فرزندان امام مهدی (ع) - به‌طور تخصصی خارج است زیرا ما به آن‌ها اعتقاد داریم ولی در عین حال به امامت امام مهدی (ع) در غیبت کبری معتقدیم و این که او حجت اصلی است تا آن‌گاه که قیام کند و زمین را از عدل و داد پر سازد... لذا ما به مرگ امام مهدی (ع) در زمان غیبتش معتقد نیستیم تا این روایت بر ما منطبق باشد... این کجا و آن کجا؟! در واقع کسانی که با این روایات با ما رویارو می‌شوند در نهایت نادانی و توهم‌اند.

ويدل على ما قلته أيضاً أنّ الأقاويل الباطلة التي ذكرها الإمام الصادق (ع) كلها تعني القول بعدم وجود الإمام المهدي (ع) أو وفاته ... فانظر إلى الأقوال التي وردت في الرواية:

دلیل دیگری بر آن‌چه که برای شما گفتم، سخنان بی‌پایه و باطلی است که امام صادق (ع) همه‌ی آن‌ها را ذکر نموده‌است که جملگی به عقیده‌ی عدم وجود امام مهدی (ع) یا وفات او دلالت دارد... به گفتارهایی که در روایت آمده‌است بنگرید:

(فمن قائل بغير هدى بأنه لم يولد)، أي إنهم يقولون بعدم ولادة الإمام المهدي (ع) أصلاً.

(بعضی از هدایت‌نیافتگان می‌گویند او متولد نشده‌است)؛ یعنی آن‌ها اصولاً به عدم ولادت امام مهدی (ع) اعتقاد دارند.

(وقائل يقول أنه ولد ومات)، وهؤلاء أيضاً يقولون بعدم وجود الإمام المهدي (ع) في غيبته.

(و برخی دیگر می‌گویند: او متولد شده ولی از دنیا رفته‌است)؛ اینها نیز معتقد به عدم وجود امام مهدی (ع) در غیبتش هستند.

(وقائل يكفر بقوله أنّ حادي عشرنا كان عقيماً)، أي إنّ الإمام الحسن العسكري كان

عقيماً ولم ينجب الإمام المهدي (ع)، والنتيجة أيضاً عدم وجود الإمام المهدي (ع) في غيبته.

«(و گروهی هم کافر می‌شوند، به دلیل این که می‌گویند یازدهمین نفر از ما، عقیم بوده‌است)»؛ یعنی امام حسن عسکری (ع) عقیم‌بوده و امام مهدی (ع) را به دنیا نیاورده‌است، که این نتیجه نیز عدم وجود امام مهدی (ع) در دوران غیبتش می‌شود.

(وقائل یمرق بقوله أنه يتعدى إلى ثالث عشر فصاعداً)، وهنا أيضاً يعني أنّ الإمامة تعدت إلى ثالث عشر وهكذا، أي النتيجة أيضاً إنكار وجود وإمامة الإمام المهدي (ع) في غيبته، فالرواية كلها منصبته على من ينكرون الإمام المهدي (ع) في غيبته.

«(و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند)»؛ اینجا نیز یعنی اساساً امامت به سیزده و بیشتر کشیده شده است که نتیجه، انکار وجود و امامت مهدی (ع) در زمان غیبت او است. این روایت به طور کامل متوجه کسانی است که امام مهدی (ع) را در دوران غیبتش انکار می‌کنند.

(وقائل يعصي الله (عزوجل) بقوله أنّ روح القائم (ع) ينطق في هیکل غيره)، وهذا أيضاً يعني أنّ روح القائم حلت أو تنطق في بدن غيره، وهذا القول أيضاً باطل ويعني أنّ الحجة غير الإمام المهدي (ع)، أي إنّ الحجة هو الذي تنطق روح القائم به.

«(و برخی هم نافرمانی خدای عزوجل می‌کنند و می‌گویند: روح امام قائم در پیکر شخص دیگری وارد شده است و سخن می‌گوید)»؛ و این نیز یعنی روح قائم در بدن شخص دیگری حلول کرده است یا سخن می‌گوید. این عقیده نیز باطل بوده و به آن معنا است که حجت، کسی غیر از امام مهدی (ع) می‌باشد یعنی حجت، همان کسی است که روح قائم به وسیله‌ی او سخن می‌گوید.

ثم إنّ هذه الرواية في بعض الكتب جاءت بلفظ: (وقائل یمرق بقوله أنه يتعدى إلى ثالث عشر وما عدا)، وهذا يعني أنّ الإمامة في غيبة القائم (ع) لم تنتقل منه وتعدت إلى ثالث عشر، وأکید أنّ الذي يقول بأنّ الإمامة تعدت إلى غير الإمام المهدي (ع) وأنه مات في غيبته فهو مارق.

علاوه بر این در برخی کتب، روایت مزبور با این عبارت آمده است: (و گروهی سرکش خواهند شد زیرا اعتقاد به امامت را به سیزده نفر و بیشتر سرایت می‌دهند)؛ و مفهومی آن است که امامت در زمان قائم (ع) به بعد از او منتقل نمی‌شود و به سیزدهمی جریان نمی‌یابد و قطعاً کسی که معتقد باشد که امامت به غیر از امام مهدی (ع) تسری یافته و آن حضرت در غیبتش فوت کرده، «مارق» (از دین خارج) است.

فقوله: (وما عدا) أي إنّ الإمامة ما زالت منوطة بالإمام المهدي (ع) في غيبته، وإنه الحجة الأصل على الخلائق، وطبعاً هذا لا يعني أن لا يكون له نائب أو وصي؛ لأنّ القول بالوصي لا يعني أنّ الإمامة انتقلت أو تعدت منه إلى وصيه، فقد كان علي بن أبي طالب (ع) وصياً للرسول محمد (ص) في

حياته ولم يقل أحد بأنّ الحجية على الخلق تعدت للإمام علي(ع)، إلا بعد موت رسول الله(ص)، وهكذا الحسن والحسين فهما أوصياء للإمام علي(ع) في حياته، ولكن هذا لا يعني تعدي الإمامة من الإمام علي(ع) إليهما، إلا من بعد وفاة الإمام علي(ع)، وهكذا بقية الأئمة(ع) فقد كان أوصياؤهم موجودين ولكن هذا لا يعني تعدي الإمامة والحجية من السابق إلى اللاحق، إلا من بعد وفاة السابق. واعتقد أنّ هذا الأمر من الواضحات المستغنية عن الشرح والتفصيل.

این سخن حضرت که «و ما عدا» یعنی امامت کماکان متعلق به امام مهدی(ع) در غیبت او است و او حجت اصلی بر خلائق است و طبیعتاً این به آن معنا نیست که حضرت نایب یا وصی ندارد زیرا اعتقاد به داشتن وصی به این معنا نیست که امامت به وصی او منتقل شده یا سرایت یافته است. علی بن ابی طالب(ع) در زمان حیات حضرت محمد(ص) وصی او بود و هیچ کس نگفت که حجت بودن بر خلق به امام علی(ع) تسری یافته است، مگر بعد از وفات پیامبر خدا(ص). در مورد حسن و حسین(ع) نیز همین گونه است. اینها اوصیای امام علی(ع) در زمان حیات او بودند لیکن این به آن معنی نیست که امامت از امام علی(ع) به این دو رسیده است، مگر پس از وفات امام علی(ع) بقیه‌ی ائمه(ع) نیز همین گونه‌اند. اوصیای آنها موجود بوده‌اند ولی این، بر منتقل شدن امامت و حجیت از قبلی به بعدی دلالت ندارد مگر پس از وفات قبلی. به گمانم این قضیه جزو موارد روشنی است که از شرح و بسط بی‌نیاز می‌باشد.

فنحن الآن لا نقول بأنّ الإمامة انتقلت وتعدت من الإمام المهدي(ع) إلى وصيه السيد أحمد الحسن(ع)، بل نقول إنّ الحجّة على السيد أحمد الحسن وعلى كل الخلق هو الإمام المهدي الحجّة بن الحسن(ع)، وأنّ حجّية السيد أحمد الحسن هي لأنه رسول ووصي الإمام المهدي(ع) والمبعوث من قبله(ع)، وإنّ السيد أحمد الحسن لا يمكن أبداً أن يخالف أمر أو نهى الإمام المهدي(ع)، بل إنّ السيد أحمد الحسن صرّح بأنه ناقل عن الإمام المهدي(ع) ويدعو الناس إليه والتمهيد لقيامه المقدس.

ما نمی‌گوییم که اکنون امامت از امام مهدی(ع) به وصی‌اش سید احمد الحسن انتقال یافته است بلکه می‌گوییم حجت بر سید احمد الحسن و بر تمام خلائق همان امام مهدی حجت بن الحسن(ع) می‌باشد، و حجیت سید احمد الحسن از آن جهت است که وی فرستاده و وصی امام مهدی(ع) و مبعوث از سوی آن حضرت است و هیچ‌گاه امکان ندارد که سید احمد الحسن با امر و نهی امام مهدی(ع) مخالفت ورزد، بلکه سید احمد الحسن به صراحت بیان داشته است که وی از امام مهدی(ع) نقل می‌کند و مردم را به سوی آن حضرت و برای زمینه‌سازی قیام مقدس او، دعوت می‌نماید.

فمن المعلوم أنّ الحسين (ع) كان وصياً وإماماً في زمن الرسول محمد (ص) وفي زمن الإمام علي (ع) وفي زمن الإمام الحسن (ع)، لقول الرسول محمد (ص) ما معناه: (الحسن والحسين إمامان إن قاما وإن قعدا)<sup>(۱)</sup>، ولكن القول بإمامة الحسين لا يعني انتقال الحجية على الخلق من الرسول محمد أو من الإمام علي أو من الإمام الحسن (ع) إلى الإمام الحسين (ع)، بل لم تنتقل الحجية إلا في حالتين فقط؛ إما أن تكون بعد وفاتهم (ع)، أو عندما يُكَلَّف الإمام الحسين (ع) كنائب ورسول عن الرسول محمد (ص) أو عن الإمام علي (ع) أو عن الإمام الحسن (ع).

واضح است که حسین (ع) در زمان حضرت محمد (ص) و در زمان امام علی (ع) و در زمان امام حسن (ع) وصی و امام بود، طبق فرمایش پیامبر (ص) به این معنا که: (حسن و حسین هر دو امام‌اند، قیام کنند یا قعود (صلح) کنند)<sup>(۲)</sup>؛ اما اقرار به امامت حسین (ع) به این معنا نیست که حجیت بر خلق از حضرت محمد (ص) یا از امام علی (ع) یا از امام حسن (ع) به امام حسین (ع) انتقال یافته‌است، چرا که اصولاً حجیت فقط در دو حالت منتقل می‌شود: یا پس از وفات ایشان یا هنگامی که امام حسین (ع) به عنوان جانشین و فرستاده از سوی حضرت محمد (ص) یا امام علی (ع) یا امام حسن (ع) مکلف می‌شود.

ومن المعلوم أيضاً أنّ علي بن أبي طالب (ع) قد كان حجة في زمن الرسول محمد (ص) وذلك عند غياب الرسول (ص) أو عندما يكلفه في أمر معين كإرساله إلى أهل اليمن، ولكن هذا لا يعني تعدي أو انتقال الحجية من الرسول محمد (ص) إلى الإمام علي (ع) كلياً، بل هي على نحو النيابة، ولا تنتقل كلياً إلا بعد وفاة الرسول محمد (ص).

روشن است که علی بن ابیطالب (ع) در زمان حضرت محمد (ص) حجت بوده‌است و این موضوع در غیاب پیامبر یا هنگامی که ایشان وی را به کار معینی تکلیف می‌فرموده -مانند ارسال به سوی مردم یمن- روی می‌داده‌است، ولی این، دلالت بر آن ندارد که حجیت به‌طور کامل از حضرت محمد (ص) به امام علی (ع) انتقال یافته‌است، بلکه این کار به صورت نیابت و جانشینی بوده‌است و حجیت به‌طور کامل انتقال نیافت مگر پس از وفات حضرت محمد (ص).

ثم إنَّ الفرقة التي قالت بأنَّ الإمام المهدي (ع) قد مات وانتقلت الإمامة إلى ولده قد انقضت منذ زمن بعيد، أي إنها تقريباً بعد الغيبة الصغرى مباشرة، وقد نص الشيخ الطوسي في كتابه (الغيبة ص ۲۸۸) بأنَّ هذه الفرقة قد انقضت وانتهت.

۱- علل الشرائع: ج ۱ ص ۲۱۱، وراجع التعجب: ص ۱۲۹.

۲- علل الشرائع: ج ۱ ص ۲۱۱؛ التعجب: ص ۱۲۹.

علاوه بر این، گروهی که می‌گویند امام مهدی (ع) فوت کرده و امامت به فرزند او منتقل شده است، مدت زمان مدیدی است که منقرض گشته‌اند؛ یعنی تقریباً بلافاصله پس از غیبت صغری. شیخ طوسی در کتاب «غیبت: ص ۲۲۸» خاطر نشان کرده که این فرقه منقرض شده و کارش به پایان رسیده است.

فيكون كلام الإمام الصادق (ع) قد تحقق وهو ناظر لهذه الفرقة التي تعتقد بموت الإمام المهدي (ع) وانتقال الإمامة إلى ابنه في عصر الغيبة، ولا علاقة لكلام الإمام الصادق (ع) بنفي ذرية أو أوصياء الإمام المهدي (ع).

بنابراین کلام امام صادق (ع) تحقق یافته و سخن ایشان ناظر به این فرقه است که به مرگ امام مهدی (ع) و انتقال امامت به فرزندش در دوران غیبت معتقد بوده‌اند؛ سخن امام صادق (ع) ارتباطی با نفی یا رد فرزندان یا اوصیای امام مهدی (ع) ندارد.

وإلى هذا الحد أعتقد أنّ الأمر أصبح واضحاً كوضوح الشمس في رابعة السماء.

تا اینجا فکر کنم قضیه مثل روز روشن شده است.

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً كثيراً.

اللجنة العلمية - لأنصار الإمام المهدي (مكن الله له في الأرض)

الشيخ ناظم العقيلي - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

هیأت علمی انصار امام مهدی (ع) - (خداوند در زمین تمکینش دهد)

شیخ ناظم العقیلی - محرم الحرام / ١٤٣٢ هـ ق